

# ایران کورده

گورد آورده

م . مقدم

استاد رمان اوستا و فارسی باستان  
در دانشگاه تهران

جروء شماره ۸

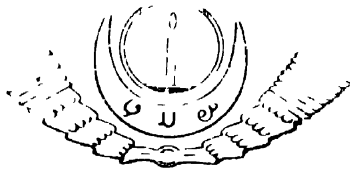
خط و فرهنگ



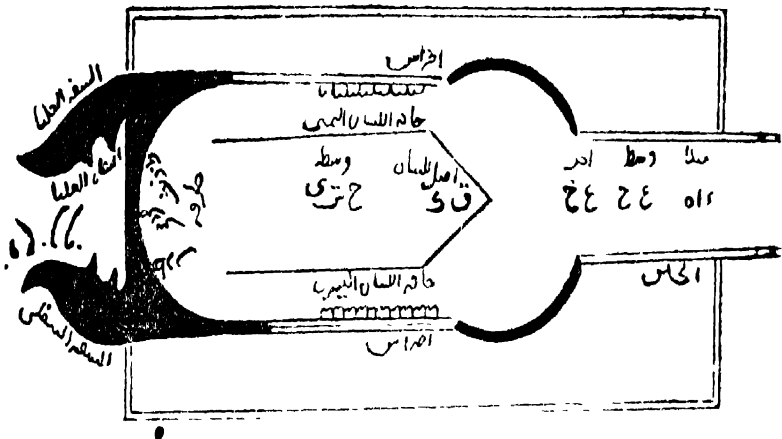
حرورۂ شمارۂ ۸ ایران کودہ

# خط و فرہنگ

د. بہرور



انجمن ایرانیوں



رسم معطع دهان و مجارح حروف از نسخه خطی مفتاح العلوم  
 سکاکی که در سال ۷۳۰ هجری (قرن ۱۳ صد سال پس از او) مؤلف  
 در حوازم نوشته شده اصل نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی  
 در تهران ضبط است (ارجوع شود صفحه ۱۶۲)

## فهرست

### مقصود از نگارش ۵

#### دباجه ۷

مسأله تغییر نا تکمیل خط در ایران و اروپا: تغییر خط در ایران ۱۲ -

اقدامات برای تغییر خط فارسی به خط ناقص لاتین ۱۵ - اقدامات

برای تغییر خط لاتین در اروپا ۱۸ - تکمیل خط لاتین ۲۱

آموزش و پرورش: کلیات ۲۴ - روش معمولی آموزش کودک ۲۵ -

روش بشهادی آموزش کودک ۲۶ - استعداد صدا شناسی کودک

۲۷ - تصویرهای کودک دبیره ۲۹ - شناخت حروف ۲۹ - تعلیم

حروف با وضع طبیعی خود ۳۰ - یاد دادن حرف و یاد دادن

کلمه ۳۰ - آموزش کار و نوآموز ۳۱ - شاگرد ۳۴ - صدا و صوت

و حرف ۳۵ - کشیدن صدا و تطبیق شکل حرف با دهان ۳۵ -

انتخاب روش مخصوص ۳۵ - دیکته و مشق خط ۳۶ - کودکان کمتر

از پنج سال ۳۶ - چشم و گوش ۳۸ - لال و کم هوش ۳۹

شرح آموزش حروف به تفصیل ۱۱۰ - ۴۰

خواندن و املاء: کتاب هوشی و موشی ۱۱۱ - کتاب کودکانه بر روی

باری گوش ۱۱۲ - همزه ۱۱۴ - موش و گربه و حمام و حافظ

۱۱۴ - مشق خط ۱۱۵ - دیکته یا املاء ۱۱۵

ملاحظات ۱۱۸

کم هوش ۱۲۰

آموزش لالهها ۱۲۱ - آموزش کار لالهها ۱۲۲ - آرمایش لال ۱۲۲ -

آرمایش زبان ۱۲۳ - آرمایش گلو ۱۲۳ - آرمایش لوله های

بینی ۱۲۳ - خصوصیات صداها ۱۲۴ - تعلیم صدا ۱۲۴ - مدت

مهر ماه ۱۳۱۵ بردگروی

چاپخانه بانک ملی ایران  
تهران

## اصطلاح جدید ویرس بجای آریائی ۱۷۴

اصطلاح جدید آرامی و سامی : آرامی ۱۷۹ - سامی ۱۸۳

نابل : معنی نابل ۱۸۲ - مردم نابل ۱۸۴ - ربن و حط نابل ۱۸۵ - صایع

نابل ۱۸۶ - قدمت نابل و کتابهای راجع بان ۱۸۶ - سلسله اموری

۱۸۸ - حتی ها ۱۸۹ - سلسله درنا لمار سومری ۱۹۰ - سلسله

کاشی ۱۹۰ - سلسله پاشه ۱۹۲ - سلسله کلدی ۱۹۳ - ار کورش

تا آخر ساسانیان ۱۹۳ - خلفا ۱۹۴

اسور یا سونارتو ۱۹۵ - مردم اسور یا سونارتو ۱۹۶ - ربا و حص

۱۹۶ - اسبه و صنایع اسوری ۱۹۷ - الواح اسوری ۱۹۷ - لوح

نهرین تاریخی اشورانی پال ۱۹۸ - لوح شکار فیل و شیر ۱۹۹ -

فتح در سوریه ۲۰۰ - فتح نابل ۲۰۰ - کتسه و نقش فتح مصر

۲۰۰ - تبلیغات راجع به اسور ۲۰۱ - تاریخ اسور ۲۰۳ -

دوره اول تاریخ اسور یا سونارتو ۲۰۳ - دوره دوم تاریخ اسور

یا سونارتو ۲۰۶ - دوره سوم تاریخ اسور یا سونارتو ۲۰۷ - دوره

چهارم تاریخ اسور یا سونارتو ۲۰۹ - عصر هخامنشی ۲۱۳ -

ملاحظات ۲۱۴

اسکندریه ۲۲۰-۲۱۵

خاتمه ۲۲۱

در باره روش آموزش با کودک دیره : يك انتقد فلسفی ، ارمحود

هوس ۲۳۳ - ۲۲۳

درس ۱۲۶ - صدا های سجت برای لال ۱۲۶ - حواید و وشتن  
۱۳۰ - ملاحظات ۱۳۲

مدارك تاريخى و علمى و فنى حظ در ايران : كليات ۱۳۴ - مدارك  
با سخن حظ در ايران ، مخترع الفبا ۱۳۵ - مورخين و دانشمندانى  
كه راجع به حظ ذكرى كرده اند ۱۳۵ - عصر اختراع خط و تكامل  
آن در ايران ۱۳۶ - خطهاى دستگه ايران ۱۳۶ - مدارك علمى  
و فنى حظ در ايران ۱۳۹ - صدا شناسى ۱۳۹ - كتابهاى  
صدا شناسى ۱۳۹ - صدا شناسى از نظر خود اين علم ۱۴۰ -  
صدا شناسى از نظر علم صرف و اشتقاق ۱۴۱ - صدا شناسى از نظر  
تجويد ۱۴۱ - اصطلاحات صدا شناسى ۱۴۲ - تشخيص صفات  
دايى و عريضى ۱۴۲ - رسم مقطع دهان ۱۴۲ - دستور نطق مخرج  
و مقطع ۱۴۳ - ناماى صدا شناسى ۱۴۳ - دين ديره ۱۴۳ -  
برتسب حروف ۱۴۴

تذكرات چينى مربوط بتاريخ حنا و تمدن ۱۴۷ - زبان ۱۴۸ - دين  
۱۴۹ - حص ۱۴۹ - ارقام ۱۵۲

تمدن باستانى سرزمينهاى شرقى آريائى : سد ۱۵۴ - هند ۱۵۵ -  
طوبى ، هدا ۱۵۶ - علمت پادشاهان هند از نوشته هاى يونانى  
۱۶۰ - حص در ايران و هند ۱۶۱

تمدن باستانى سرزمينهاى شمالى آريائى : حراسان و مرو ۱۶۳ -  
تمدن باستانى سرزمينهاى غربى آريائى : حمارى و اصطلاحات ۱۶۵ -  
اصطلاح سومر ۱۶۶ - قدمت آثار ۱۶۷ - حلوكبرى از بشر آناز  
۱۶۷ - آثار و تمدن باستانى سومر ۱۶۹ - سدگان ۱۷۱ -  
آبادى ، آند ۱۷۲ - تحديد دولت آرادگان سومرى ۱۷۳



## مقصود از نگارش

برای رفع هرگونه سوء تفاهم پیش از هر چیز متگوئیم که مقصود از نگارش این جزوه شمردن معانی حط فارسی و پیشهاد تغییر آن نیست بلکه پس از چندین سال تحقیق و تجربه میخواهیم طریقه تعلیم يك حط طبیعی مآسانی را شرح دهیم که دوره کامل بعلم آن از چند ساعت تجاوز نمی کند و نادادن و نادگرفتن آن تخصص و استعداد مخصوص و سن مقتضی لازم ندارد و کلمه آموختن هر حط قدیم و جدید میباشد

مختصری ارفوائد این حط ساده که اصول آن چند هزار سال پیش در ایران طرح شده اس است

۱ - بوسیله این حط میتوان کودك را با ناری و حمده در مدت بسیار کمی باسواد کرد و اگر کودك قبل از پنج سالگی با این طریقه ساده خواندن را نادنگرد استعدادهای او پرورش واقعی می یابد و تا دوازده سالگی می تواند معاونات بسیار مفیدی را فراگیرد در صورتیکه اکنون تا دوازده سالگی کلیه توانائی حرد سالان فقط صرف خواندن و نوشتن میشود و اس کار بسیاری از استعدادها و مخصوصاً استعداد ریاضی آنها را که اساس هر علم و صنعتی است نابود می سارد

۲ - سالمندانی که استعداد و وقت و حوصله و سرمایه کافی برای یادگرفتن حط فارسی و با هر حط دیگری را ندارند می توانند اولاً بوسیله



## دو پیاپی

کلمه هر دانشی سواد است و هیچ تکلیف فردی و اجتماعی از تحصیل و ترویج سواد واجب تر و مفید تر نمی باشد

با آنکه تمام افراد بشر اهمیت و فوائد سواد را میدانند و در راه تحصیل و ترویج آن میکوشند هر معدودی بنسب آن موفق نمیکردند آمارهای جدید دقیق نشان میدهد که فقط سی و هشت درصد از مردم روی رهن سواد دارند و قسمت اعظم با سوادان اروپائی و آمریکائی میباشند که ثروت سرشار اهالی اجاره تحمل مخارج کرایه و صرف وقت بیهوده را در راه تعلم و تعلم با روش کمبونی آنها میدهد

سخت تر بن مرحله سواد، خواندن و نگانه و سله خواندن حظ است پس اگر حظ کامل و منطقی باشد هر کس می تواند خواندن را مانند سخن گفتن از اطرافیان خود یاد نگردد و اگر حظ کامل و منطقی باشد تحصیل و تعلم مقدمات، سن مقتضی و استعداد مخصوص و وقت طولانی و حوصله کافی و سرمایه مالی فردی و سازمانهای منظم فرهنگی و استادان آرموده و لازم دارد و در این صورت سواد فصلتی منحصر در يك طبقه نمیکردد و اکثریت مردم از کسب آن محروم خواهند ماند زیرا که فراهم گشتن کلمه اس شرایط برای هر کس و هر کشوری امکان ندارد

معمولاً در سراسر جهان حظ هائیرا با رحمت و مشقت به حرد سالان تعلیم میدهند بی آنکه توجه و دقت کنند که آیا چنین کاری با ذوق و طبیعت متعلم موافق میباشد یا نه .

این حط در چند ساعت با سواد شوند و بعد حط فارسی و با هر حط دیگری را  
 ارروی خود آموزهای مخصوص یاد بگیرند و احتیاجی به کمک دیگران و تلف  
 کردن وقت در راه کلاس و دستاورد نداشته باشد

۳ - هم‌اطوری که حط‌های جهان برای با سواد کردن کوران مناسب  
 بیست و کوران حط مخصوصی دارند که فقط بوسیله آن حط می‌توانند با  
 سواد شوند و کسب اطلاعات و معلومات کنند این حط پیشنهادی هم  
 برای کودکان و سالمندان و لالی که وقت و حوصله و استعداد یاد گرفتن  
 حط‌های معمولی را ندارند بمنزله همان حط کوران است زیرا که فقط با  
 این حط و اس طریقۀ تعلیم ممکن است ایشان را با سرعت و بی مشقت با  
 سواد کرد و قوه تفکر و تصور آنها را پرورش داد تا این که بتواند هر حط  
 و علمی را به سهولت فرا گیرد

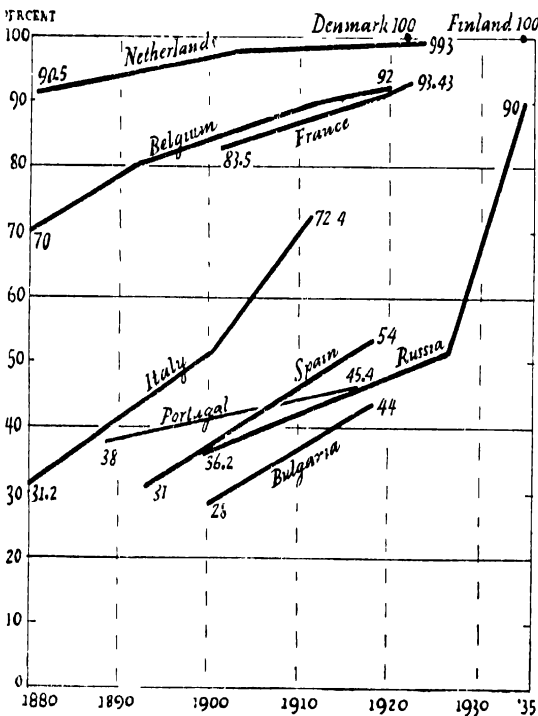
۴ - یاد گرفتن این حط تجملاتی بر با سوادان نیست بلکه هر با  
 سواد در چند دقیقه آن را یاد می‌گیرد و استفاده‌ای که از آموختن آن  
 می‌کند این است که ارتزاج حط در جهان و مقدمات علم صدا شناسی  
 و تجوید با اندک توجهی آگاه می‌گردد و یاد گرفتن هر حط خارجی برای  
 او آسان میشود.

این بود مختصری از فوائد این حط و بجز ما تعلیم هر حطی پیش از  
 این حط ضعیفی مخصوصاً بکودکان غلط است زیرا که کودک در اولین قدم  
 پرورش فیزیکی مجبور میشود اسکالی را برای صدا هائی تعینات تارار رنار  
 یاد کند و این کار به حس کاوش و حوسدگی او که در حال رشد است  
 بیان علمی میرساند

نمودار دبل با حاشیه اصلی آن عیماً از کتاب دکتر لاناك\* که در راه ناسواد کردن جهان کوششهای بسیار کرده نقل شده وقابل همه گونه دقت توجه است کتاب مذکور در ۱۹۳۸ چاپ و تازه ترین کتابی میباشد که در این موضوع تألف شده است

نموذج این نمودار و شرحه که در حاشیه آن نوشته شده با وجود حدیث اروپائیان برای ناسواد کردن مردم کشورهای خود و وضع قوانین تعلیمات اجباری مهران پیشرفت ایشان از قرار صدی شش در هر ده سال بوده است یعنی اگر در تاریخ معینی اروپا دارای صد نفر ناسواد بوده پس از گذشتن ده سال دارای صد و شش نفر ناسواد شده است

از این قرار واضح است که مسئله ناسواد کردن مردم با طریقه های قدیمی تا چه اندازه سرمانه و وقت و کوشش لازم دارد آنها در معادل نتیجه ناچیز که نمایان است عاید گردد



### LITERACY PROGRESS IN EUROPE

The average rate of progress in Literacy on this chart—6 percent per decade

Countries with no literacy census (the figures following give the reported illiteracy in the group named)

Germany, Army recruits, 1912, 05

Sweden, Army recruits, 1911, 2  
1920, 24

Switzerland, Army recruits, 1911,  
3, 1920, 39

United Kingdom Army recruits,  
1902, 1, marriage register, 1924,  
34

اروپائیان در راه ناسواد کردن مردم کشورهای خود همه گونه کوشش کرده و می کنند و کمتر دستس عدۀ بی سوادان را با افتخارات ملی مسمارند قوانین تعلیمات اجباری هم در اروپا سختی اجرا میشود و همه گونه وسائل کامل فنی و افسادی سر در اختیار دارند تا همه آنها میران پیشرفت اروپائیان بموجب آماریکه در صفحه (۹) چاپ سده ارسال ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۵ از قرار صدی شش در هر ده سال بوده یعنی بطور متوسط شش نفر در هر ده سال بر هر صد نفر ناسواد اروپائی افزوده شده است و همورهم از فراریکه نوشته اند در برخی نقاط اروپا صدی هشتاد از اهالی و در برخی نقاط دیگر آنجا صدی سست در میانۀ روستائیان بی سواد وجود دارد

این نتایج تا چندی در مدت فرها و مخصوصاً در قرن اخیر با آن همه حدت در اروپا گرفته شده ثابت میماند که البته طریقه های تعلیمات ابتدائی قدیم و جدید علط و عرطمعی است و باید تغییر کند تا نتایج سریع عمومی حاصل شود

تهد راه عامی و ساده این تعمیر این است بعضی اینکه يك حظ مهمی را با رحمت و مشقت و مخارج گراف و صرف وقت سهوده تعلم دهند جطی موافق طبیعت و ذوق بشر مطابق اصولی بسازند که هر کس بدون استثما بتواند آنرا به آسانی و سرعت قمل از بیحسالتگی از هر کس یاد نگردد و کلامۀ مشکلات این راه مرتفع گردد

در اوایل روز هائیکه چین واری از نظر گذشت گمان میروت که آن حظ مطالب غیر از حظ های معمولی باشد ولی حوشحجانہ در عمل معلوم شد که حظ های حرفی از روی همین اصل ساخته شده است و با مراعات عام صدا ساسی می توان کلمۀ حظ های جهان را هم تکمیل و هم متحد الشکل نمود



## خلاصه نمودار صفحه (۹)

شماره بی سواد در هر صد نفر	آخرین تاریخ سرشماری	نام کشور
۰/۰۰		دانمارک و فنلاند
۰/۰۵	۱۹۱۲	آلمان
۰/۲۴	۱۹۲۰	سوئد
۰ ۳۴	۱۹۲۴	انگلیس
۰/۳۹	۱۹۲۰	سوئیس
۰ ۷۰	۱۹۲۵	هلمد
۶ ۵۷	۱۹۲۲	وراسه
۸ ۰۰	۱۹۲۰	بلژیک
۱۰ ۰۰	۱۹۳۲	روسیه
۲۷ ۶۰	۱۹۱۲	ایتالیا
۲۶ ۰۰	۱۹۱۸	اسپانیا
۵۴ ۶۰	۱۹۱۶	پرتغال
۵۶ ۰۰	۱۹۱۸	بهارستان

و بر مویح نمودارها، تنها دایتر لاناك در كیما خود داده میرا بی سوادى در كشورهای عر اروپائی كه آمار داده اند نقرار دبل است

شماره بی سواد در هر صد نفر	تاریخ سرشماری	نام کشور
۲ ۳۰	۱۹۳۰	آمریکا
۷۹ ۰۰	۱۹۲۰	سام
۹۲ ۰۰	۱۹۳۰	هند
۹۰ ۰۰	۱۹۱۳	مصر



خط پیشمهادی خود در آمدن جاب و منتشر نمود که چند سطر آن در دبل  
نقل میشود

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مِنَنْتَ خَدای را عَزَّ وَجَلَّ لَهُ  
طَاعَتُنَّ مَوْجِبُ قُرْبَتِ اسْتِ وَ بِشُكْرِ  
انْدَرْتِ مَزِیدِ نِعْمَتِ. هَر نَوْسِی لَهُ  
فُرُو مَبْرُودِ مَمْدِدِ حَیَاتِ اسْتِ وَ چُون  
بُر مَبَیْدِ مَوْزَحِ ذَاتِ، پَس دَر هَر  
نَوْسِی دُو نِعْمَتِ مَوْجُودِ اسْتِ وَ بَر هَر  
نِعْمَتِی شُکْرِی وَاجِبِ.

این صعه اول گلستان است که از اسم الله الرحمن الرحیم و منت هدای را  
شروع و به شکری واجب ختم میشود

بعد از اشارات اولی مالکم در ایران راجع به خط، از فقهار هماهوی  
معاصت خطوط اسلامی سر ناسد شد و آخونداف مترجم فرمانمای فقهار  
پس از انتقاد از خط مالکم خطی روی رسمه خط فارسی ساخت و بند اعتقاد -  
السلطنه و ریس علوم ایران بسنهاد کرده عن آن بسنهاد در کماحانه مسجد  
سپهسالار تهران موجود است

در صورتی که رسمه تعدر خط در فقهار مهیا تر از ایران بود معلوم  
نست چرا آخونداف بکوشد تا خط خود را در میان مسلمانان فقهار  
رواح دهد و حتی آثار و نوشته های او هم راجع به موضوع خط در خود  
فقهار بافت نمیشود و همه در ایران است

# مسألهٔ تغییر یا تکمیل خط در ایران و اروپا

## تغییر خط در ایران

اراوائل قرن دوم هجری تا چهارم و پنجم در ایران تاریخ خط و افتخار داشتن خطهای کامل و گوناگون رسمهٔ نحت و حدال سحت و طولانی بوده و عاقبت این حدالها ناع ارس بردن آثار باستانی سسار و جعل مدارك و روانابرنادی شده است که برحسته‌ترین نادگار های آن تغییر اسم حروف معجم به‌العماء و برهم ردن ترتیب حروف و حدب ابودرعاری راجع به ورود آمدن الما ار آسمان برای آدم است ❁

پس از هزار سال پیش حمزهٔ اصفهانی کتاب مفصل مخصوصی نوشته و در آن پس از ذکر خط های متنوع ایران باستان و اعتراض بر چند روایت جعلی راجع به مخترعین خط، معابت خط عربی را شرح داده و تصریح کرده است که حروف خط عربی مطابق اساس حکمت بوده است. اروپاییان مشهوری که بعد از حمزهٔ اصفهانی معابت خط اشاره کرده اند ابوزبحان است وای رویهم رفته بعد از فتنهٔ معول و کشتار بی ذریع مردم و ویرانی شهرها و نابودی آثار تمدن مخصوصاً در مشرق ایران آتش این حدال تاریخی خاموش شد و بعدها مطلب تازه ای راجع به تاریخ و مخترع و انواع خط به نظر رسیده است ولی تألف کتابهای تجوید به فارسی و عربی و تحقیقات صدا شناسی از چند هزار سال پیش به این طرف همیشه در ایران ادامه داشته است

تقریباً يك قرن پیش در هندوستان موضوع معابت خطوط اسلامی واروم تعمیر آن بخط لائین مطرح گردید و بعد شخصی بنام ملاکم اصلاح خط فارسی را در ایران مطرح کرد و پس از چند سال گلستان را نا

## اقدامات برای تغییر خط فارسی به خط ناقص لاتین

• در نتیجه سلّمعات شدید يك قرن و حاصر شدن رمیبه عده ای هم احراً در ایران به تقلید دیگران بگانه وسیلهٔ تعمیم فرهنگ را تغییر خط کوبی فارسی به خط مشهور به لاتین گمان کرده اند و با کمال بی اطلاعی و بی تجربه ای مدعی شده اند که يك بی سواد در يك هفته با خط لاتین با سواد میشود و این ادعا و معایب خط لاس توضیحات مختصر و جامعی داده شود

پیش از هر چیز باید دانست که آنچه با کمون اروپائیان بحث و تحقیق کرده اند نتوانسته اند معلوم کنند که خط لاتین و بطائر آن در چه عصر و از کجا به شمه حریرهٔ انتالیا آمده و مخمرع آن که بوده و رسم شکلهای جروف و رنگب آنها بصورت

a b c d e . . . . z

چه مآخذ داشته و قبل از قرن دوم و سوم میلادی بجای الفبای چه کلمه ای در جنوب اروپا بکار مرفته <sup>۱</sup> و حدسات مختلف که راجع به الما در قرن گذشته نوشته شده کدام صحیح است

بس از این تذکر مختصر و جامع که در کلمه کتابهای تاریخ خط نوشته شده است می گوئیم شك نیست که خط خپول الاصل لاتین از خط طاقت فرسای کنوبی ما بسیار ساده تر است و ای در عین سادگی دارای نفاص و معایب مهم بسیار میباشد

اگر خط لاتین و بطائر آن دارای عیب و نقصی بود و ممکن بود هر کسی در يك هفته بوسلهٔ آن با سواد شود از دست و سه قرن پیش به این طرف همهٔ اروپائیان با سواد بودند و هیچ وقت محتاج به وضع قوانین تعلیمات احصاری نمی شدند و همچنین استادان فن بعلیم و تربیت هر چند

<sup>۱</sup> خط رومی که در شمال اروپا رواج داشته نام «المنا» خوانده میشده است

نمونه خط پیشهادی آخونداف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ

سطر اول این نمونه بسم الله الرحمن الرحيم و سطر دوم الحمد لله رب العالمين است

چیزی که در این خط قابل توجه می باشد این است که آخونداف علاوه بر اضافه کردن وبل ها برای سکه ها هم علامتی اختراع کرده است پس از ملایم و آخونداف عده ای در ایران از پیش خود خطوطی اختراع کردند بدون این که از تاریخ خط و علم تحوید و صدا شناسی و رسم و شریح دهان و مقاصد سیاسی دیگران اطلاع داشته باشند ولی همیشه کتب آن خط های اختراعی خط ملایم و خط آخونداف می باشد که هر دو تا کمک فکری اروپائیان انجام گرفته بود

نکته قابل توجه در خط ملایم و خط آخونداف این است که دستگاه (وبل) در هر دو خط از نظر فنی غلط است زیرا اروپائیان که به این دو نفر کمک کرده اند در هشتاد سال پیش از علم صدا شناسی بی اطلاع بودند و نمی توانستند و بل های فارسی و عربی و ترکی را چنان که باید از هم تشخیص دهند

خلاصه اگر در آنچه از یک قرن پیش به این طرف در هندوستان و انگلستان و فقار و عزه راجع به معانی خط فارسی نوشته اند دقت شود يك منظور اصلی و اساسی در آن مشاهده میشود و آن این است که همیشه ای برای تعمیر خط های اسلامی بحظ لاین با روسی مهیا شود و عاقبت این منظور اروپائیان اول تا اندازه ای در هندوستان و بعد کاملاً در فقار و ترکیه پس از يك قرن انجام گرفت

این افراط و تفریط دو غلب دارد یکی این که چون برای اروپائیان معلوم نبوده که حروف خط لاتین را از روی چه اصل و مأخودی ساخته اند ممکن شده است که مطابق همان اصول نقص آن را رفع کنند دیگر این که پیچ و خمهایی که شکل حروف را تغییر می دهد در تلفظ حروف تأثیری ندارد در صورتیکه پیچ و خمی که شکل حرف داده میشود باید حتی الامکان مطابق تعسرات حالت دهان هنگام ادای آن حرف باشد تا چنانکه حمزه اصمهایی در بارده قرن پیش نوشته هر صدائی فقط يك حرف و هر حرفی فقط يك صدا داشته باشد

خلاصه در صورتی که فرص سود دوامی الهای ناقص لاتین را مردم تحمل کند باز مشکلات فنی بسیاری در راه پیشرفت آن وجود خواهد داشت که از بس بردن آنها به پیچ و خم ممکن نیست ما از اروپائیان در فن بعلم الهای لاتین اسناد بر و آرموده تر نیستیم

ایشان برای یاد دادن آن الفبا ناچار بوضع قوانین تعلیمات احمازی شده اند و لابد ما هم نباید از ایشان تقلید کنیم

در ایران نمرسأ چهل و هشت هزار دهانده پرا کمنده دور از هم وجود دارد پس ما در او اس و دم تقلید ناقص نماند الا پنجاه هزار نفر آموزگار و رزیده با وسائیل کافی در اختیار داشته باشیم اگر بهر آموزگاری در ماه اول صد تومان حقوق داده شود سست مائون تومان فقط و فقط حقوق سالانه آنهاست که لابد رور و حیر از مردم فقیر این کشور بصورت مالمات جمع آوری کنیم و بمصرف تعلیمات احمازی برسانیم

راجع به تهیه حا و اثاثیه و هزینه سفر و عمره که هر يك بحای خود مستلزم بودجه گراfi است گونا لارم شرح باشد این بود محصری از بفائض و معایب خط مشهور به لاتین که از

سالی طریقه نومی برای آموزش پیش نمی گرفتند و دانشمندان اروپا مدت سه چهار قرن در راه تکمیل و یا تعمیر آن نمی کوشیدند.

یکی از نقص های حط لاس این است که حروف کافی حتی برای صفت صدا های مخصوص خود زبان لاتین ندارد و هیچ گونه وسیله فنی منطقی برای تکمیل آن ناکامون ساخته اند و از این فرار هرملتی که برای خود خط لاتین را به این صورت کمبونی مهم قبول نمادند محبور خواهد شد که این نقص اساسی را با گذاشتن نقطه و علامات قرار دادی و با ترکیب دو یا سه حرف باهم برای تک صدا رفع کند و در هر دو صورت تک حط معیوبی پیدا خواهد شد که تعلم آن اشکالات اقتصادی و فنی بسیاری خواهد داشت.

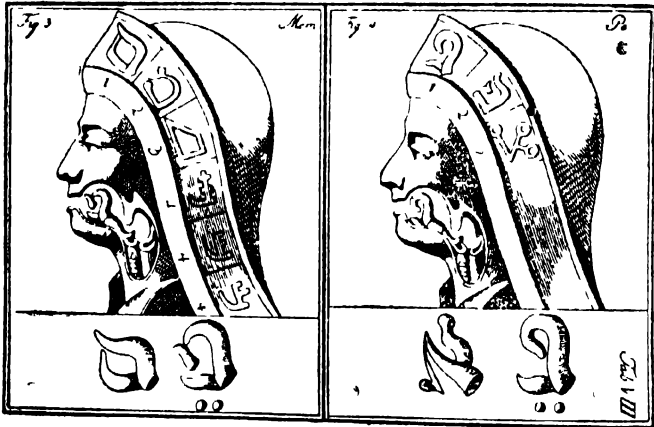
همچنین از معایب حط لاتین این است که تلفظ واقعی حروف آن در کشورهای مختلف و حتی یک کشور معلوم و مشخص نیست و در هر جائی بر حسب اصول قرار دادی و اهمیت مخصوص محلی خود حروف را با تلفظ مخصوصی ادا می کنند.

خلاصه در حط لاتین برای تک صدای معین چندین حرف وجود دارد و تک حرف معین را ممکن است چندین حور تلفظ کرد و برای بسیاری از صداها به حرف وجود دارد و به طریقه های برای ایجاد آنها

در حط های اروپائی «س» را با سه حرف C و S و T نشان میدهند و هر کدام از این سه حرف صدای مختلف دارند.

C دارای پنج صدای مختلف س ش ک ج چ میباشد و گاهی هم بی صداست  
S دارای چهار صدای مختلف س ش ز ز میباشد و گاهی هم بی صداست  
T دارای سه صدای مختلف س ش ت میباشد و گاهی هم بی صداست  
L این حرف که اخیراً در حط های اروپائی بکار رفته دارای تلفظ های مختلف رايل میباشد.

(او) و (آ) و (او) ماند او (گوشت) در ترکی	در حط فرانسه
(او) و (آ) و (و)	در حط انگلیسی
(ای)	در حط روسی
قرن چهارم میلادی (ق) ؟	در حط کویبک



شکل اول دست راست هلموت گمان کرده است که حرف «پ» از زبان است لهدا زبان را در داخل دهان کج نموده تا این که بتواند «پ» عربی را از درون دهان رسم کند دو صورتی که «پ» از حروف لمبی است و هیچ ربطی به زبان ندارد .

شکل دوم دست چپ هلموت گمان کرده مجروح «م» از درون دهان است ولهدا سعی کرده که «م» آخر عربی را با زبان درست کند .

یکسال بعد از انتشار کتاب الصای طمعی هلموت، دکتر جان ول کنر \* موفق به اختراع خطی از روی دهان شد که فی الحقیقه اول خطی است که در اروپا روی اساس علمی گذاشته شده است ولی چنانکه از نمونه دبل واضح میشود حروف این خط عبر مانوس و غیر عملی است .

ت	ث	ج	ح	خ
د	ذ	ر	ز	س
س	ش	ص	ض	ط
ظ	ع	غ	ف	ق

\* Dr John Wilkins, 1668

چندین قرن به این طرف توجه متفکرین اروپا را بخود جلب کرده است و ما در دیل شرح چند نفره از مهمترین اقداماتی که در راه تکمیل یا تعسیر خط لاتین سده است می‌پردازیم

### اقدامات برای تغییر خط لاتین در اروپا

اولین مرتبه‌ایکه در تاریخ اروپا موضوع تعسیر خط لاتین و ناتکمیل آن دنده میشود قرن شانزدهم میلادی است این موضوع اول در فرانسه مورد بحث قرار گرفت و این رأی سدا شد که دارد میان حروف خط و دهان انسان ارتباطی وجود داشته باشد ولی معلوم نیست که این رأی در نتیجه چه تحقیقات و ملاحظاتی پیدا شده است

پس از انتشار این رأی در اروپا یک نفر از یهودیان، همانند موسوم به «ون هامووت» در قرن هفدهم کتابی بنام «الفبای طبیعی» منتشر کرد و در آن اظهار داشت که خط عبرانی در بهشت از زوی دهان آدم ساخته شده است و گویا مقصود از این کتاب این بوده است که خط عبری را بجای خط لاتین در اروپا رواج دهد از زوی سنگهای کتاب «الفبای طبیعی» واضح است که «ون هامووت» از علم صدا شناسی و حتی تاریخ اختراع خط عبری که چند قرن بعد از میلاد صورت گرفته بی اطلاع بوده است احتمال دارد که کتاب وجود فارسی و عربی با سنگهای مهمی از دهان دست او آمده و کلمه دهان او را گمراه کرده است در آن ملاحظه میشود که همه حرف‌ها را از درون دهان رسم کرده بدون آنکه بینی و لب و دندان و سق و حلق را در رسم شکل آنها دخالتی ندهد

کتاب «الفبای طبیعی» همیشه مورد انتقاد و تمسخره بوده است ولی تأثیر عمیقی در افکار برخی دانشمندی است و ما برای نمونه دو شکل از سنگهای آنرا در دیل می‌دهیم -



چند حرف از حروف این خط که با اصول قرار دادی رسم شده  
در ذیل برای نمونه داده میشود

ج	آ	خ	او	ف	ای
پ	پ	د	ک	ط	ت
ث	ب	ه	گ	ظ	ر
ظ	ز	ح	گ گلون	ص	ن

این بود شرح بسیار مختصری از اقداماتی که در مدت دو سه قرن  
راجع به تعمیر خط لاتین در اروپا کرده اند و چنانکه واضح است هیچ يك  
از این اقدامات عملی نشده زیرا که آن خط های پیشنهادی نمی توانست  
حاشیه خط متداول و ساده و ریاضی شود که تنها نقص آن این بود که  
اطلاعی ارتازیح و اصل آن نداشتند و نمی توانستند به طریقه تکمیل صحیح  
آن پی سرید

### تکمیل خط لاتین

عده ای که با تغییر خط لاتین موافق بودند در راه تکمیل آن با  
علامات قراردادی و پیچ و خمهای بی معنی کوشیدند و تقریباً سی سال است  
که دسته احمر موفقیتی پیدا کرده و کتابهایی با خط جدید که زمینه آن  
حروف لاتین است منتشر می کنند ولی چون روشی که برای تکمیل خط  
پیش گرفته اند روی اساس علمی و فنی نیست اختلافات بسیاری در طریقه  
صسط صداها میانه علمای صدا شناسی پیدا شده که شرحش از موضوع بحث  
ما خارج است

خلاصه دنبالهٔ موضوع تعمیر خط لاتین و یا تکمیل آن و حتی ساختن  
 يك خط جهانی تافرن بورد هم میلادی در اروپا ادامه پیدا کرد و در فرانسه  
 و آلمان و اطرش راجع به این موضوع مقاله ها و رساله های بسیار منتشر  
 آمدند و بالاخر در انگلستان شخصی نام «بل» موفق به اختراع خطی بنام  
 خط نمادان گردید ..

هر چند اصول این خط فرار دادی است و شکلهای حروف آن يك  
 بواحد و برای تند نویسی عمر مناسب می باشد ولی از خط ویل کفر بسیار  
 ساده تر است و عده ای از نویسندگان و محققین و عامای صدا شناسی تصریح  
 کرده اند که خط بل در همهٔ خطوط مجهول الاصل جهان بر هیچ دارد زیرا  
 که ما این خط کلیهٔ صداها را مطابق اصول قرار دادی معلوم میتوان نوشت  
 و ضبط کرد در صورتیکه خطهای دیگر چون معاوم بست چگونه ساخته شده  
 و مسئله ای برای تکمیل آنها در دست نمیشد

برای نمونه چگونگی ساختن يك حرف را در خط نمادان بل  
 شرح میدهم

این علامت فرار دادی ( ) علامت ته زبان است و این خط  
 عمودی | علامت سینه شدن یا چسبیدن عضو

چون همگام تلفظ «ك» ته زبان به سق می چسبند این دو علامت  
 فرار دادی را با هم ترکیب میکنیم و این شکل پیدا میشود ( ) که حرف  
 «ك» در خط نمادان «بل» میباشد

و مدارك معسر و متواتر تاریخی و فنی ندارد زیرا با دقت در نوشته های آنها معلوم خواهد شد که مقصود بسیاری کشف حقیقت بوده بلکه خواسته اند يك عرص معلومی را از روی تعصب با معاطله بهر نحوی که شده است ثابت نمایند

اگر کسی خواسته باشد بی عرصانه راجع به تاریخ و اصل خط های حرفی جهان مطالعاتی کند و به سیجهای برسد باید تحقیق کند که کدام يك از ملت های جهان خط های کامل مختلف داشته است و بعد از آن باید دقت نماید که کدام خط تزیین حروف آن علمی و فنی است زیرا هر خط کاملی که ترتیب حروف آن علمی باشد مخترع آن از علم صدا شناسی اطلاع داشته و باید در برد آن ملت مدارك فنی و علمی تاریخی خط حرفی وجود داشته باشد

در صورتی که چمن تحقیقاتی انجام گیرد تاریخ خط و علم صدا شناسی و موسیقی و سب پیدا شدن و ترقی این علوم در قدیم روشن خواهد شد و همچنین معلوم خواهد شد چنانکه رمیة اختراع نت موسیقی حدید خط لاتین بوده رمیة خط های حرفی جهان هم خط مسیحی و نقشی بوده است

خلاصه، دو نمونه جدید فونتیک انگلیسی را برای جلب توجه خوانندگان و نشان دادن اختلاف در دیل می‌دهیم.

این دو نمونه از دو کتاب صدا شناسی انگلیسی که یکی در سال ۱۹۳۹ و دیگری در سال ۱۹۴۵ چاپ شده عیناً گراور و نقل شده است. مؤلف کتاب دومی مدعی است که تعمیرات جدید را برای تسهیل تعلم زبان انگلیسی به خارجیان داده است

ai 'wɪf ju 'dɔ:l, maɪ 'dɪə 'frɛndz, ə 'hæpɪ 'krɪsməs.  
 ai v bɪn dɪ'plɪ 'tʌft bə ðə 'gr: tɪŋz wɪf ɪn ðə 'lɑ:st  
 'fju: 'ɪnənɪts hæv 'ɪtʃt mɪ frəm 'ɔ:l 'pa:ts əv ðɪ

نمونه اول خط جدید فونیک انگلیسی نقل از کتاب «وارد» چاپ ۱۹۳۹:

I ə 'mɑd 'tɪl pa:tɪ

ðə wəz ə 'teɪbl ɪset 'aʊt ʌndər ə 'trɪl ɪn 'frʌnt əv ðə 'hɑ:us,  
 ən ðə 'mɑ:tʃ 'heər ən ðə 'hɑ:tə wə 'hævɪŋ 'tɪl et ɪt ə 'doo:mɑs  
 wəz 'sɪtɪŋ bɪ'twɪn ðəm, 'fɑ:st ə'slɪp, ən ðɪ 'ʌðə 'tʃu wə 'ju:zɪŋ  
 ɪt əz ə 'kʊfn 'restɪŋ ðeər 'elbəʊz ɒn ɪt, ən 'tu:kɪŋ ɪəvər ɪts  
 'hed -- 'veri ʌn'kʌmftəbl fə ðə 'doo:mɑs--θu:t ʌlɪs, -- ɒnli  
 'əz ɪt s ə'slɪp, ai 'spəʊz ɪt ɪ'dʌznt 'maɪnd --

• نمونه دوم خط جدید فونیک انگلیسی، نقل از کتاب مک کارنی چاپ ۱۹۴۵:

علب این که اروپائیان تا کمون نتوانسته‌اند تاریخ و اصل خط لاتین را روشن کنند و یا به سر تکمیل آن پی ببرند این است که طریقه صحیحی برای تحقیق نداشته‌اند و آنچه در کتابهای معصل و مختصر ایشان راجع به این موضوع نوشته شده همه از روی حدس و قیاس نادرست است

☆ I C Ward, The Phonetics of English

• English Pronunciation P A D MacCarthy

نکتم باید پیش از هر چیز حط و ریان مادری طوری ساده و منطقی شود که هر کس حتی کز و لال و کم استعداد هم بتواند مقدمات ضروری فرهنگ را که عبارت از حط و ریان و ریاضی باشد قبل از چهارده سالگی سهولت یاد بگیرد و یاد دهد و گرنه با سروری از طبقه های غیر طبیعی و غلط معمولی هر چه در توسعه سارمانهای فرهنگی و اردناده شماره آموزگاران و صرف بودجه های سنگین و احتیاج و تطمع و تشویق کوشش شود تسخه ای جر و رفتن خود و مردم ساده لوح و اتلاف وقت و تفریط اموال بخواهد بخشد

### روش معمولی آموزش کودك

طریقه معمولی آموزش حیواندن و نوشتن این است که کودك را پیش از شش یا همت سالگی بدستان میبرستند در دستان کودکان را در کلاس می نشاند و حیواندن و نوشتن را فقط از راه تکرار که مصرترس عامل نابودی هوش و استعداد های کودك است به او یاد می دهند .

چون کودك تصویر و مخصوصا تصویر های رنگی را دوست دارد لهدا در کتابهای دستابی تصویر های بی ربطی برای جلب توجه و سرگرم کردن کودك کشیده اند که بی شك حر تندل کردن استعداد جویندگی کودك فایده ای ندارد

چون وسله ای برای بیاد سپردن درس حر تکرار بست کودك باید هر روز چندین ساعت در دستان بماند و این کار او را حسته می کنند پس هر وقت حسته شد دقایقی برای رفع حستگی او تعیین شده است در صورتیکه باید انداً چیزی که او را حسته کند بر او تحمیل کرد

چون کودك میل به تقلید صدا داردگاهی هم تقلید صدای حیوانات و غیره صمن باری های کودکانه دیده میشود بدون اینکه این کار از طریق فنی مهیدی احمام گیرد

# آموزش و پرورش

## کلیات

بعثت عسرطسعی بودن حط های جهان وقواعد صرف و نحو زبانها، املائی عسر منطقی کلمات، دلالت نکردن الفاظ واصطلاحات بر معانی واقعی و بی اطلاعی اراستعدادهای بهتته كودك، مقدمات ضروری فرهنگ به انداره ای مشکل و دور از ذوق و فهم است که تعلم آنها بدون کيفر و پاداش میسر نمیشد

اسن طریقه عاط را بشر ارا تعلم حیوانات اقتباس کرده است یعنی همان طوری که سگ را برای اطاعت نا حوراکي تطمیع می کنند و اگر اطاعت نکرد میرسد نا فرزند اسان هم همان طور رفتار مینمایند

اگر چه این رور ها کسی را برای تعلم تعذیب جسمانی نمی کنند ولی نمره و گواهی نامه های تعذیب را گرفته است چنانکه هر ساله عده ای ارا حیوانات جهان بعثت موفق شدن در امتحانات یا خود کشی می کنند یا اینکه نا اندك اهمالی نکلی در ردگانی عقب مانده و بدبخت و بیچاره میشوند یقین است این تعذیب روحی و معنوی ارا تعذیب های جسمانی ممراتب سحت تر است

اگر چنین طریقه هائی که تا کنون معمول بوده است صحیح و طبیعی بود پس ارا قریهای تحرره و امتحان ناستمی نتیجه مطلوب را داده باشد و بی سواد و بی دانی در جهان یافت شود در صورتیکه حقیقت و واقع خلاف این است و امروزه نا همه ترقیات جهان، تقریباً دو سوم مردم روی زمس بی سواد و بی کاره اند.

اگر فی الحقیقه نخواهیم اصلاحات اساسی در سازمانهای فرهنگی

پس برای اینکه نتوانم از کلمهٔ افعال و احساسات و استعدادها و چشم و گوش و وقت کودک در تعلم خواندن و نوشتن که مهم‌ترین و اساسی‌ترین مرحلهٔ فرهنگ است استفاده کنم باید طبقهٔ تعلیم معمولی را که وقت طولانی و استعداد مخصوص و سن مقتضی و ... می‌خواهد کنار بگذاریم

ما حقوقی نباید به کودک درس بدهیم و او را محور نگاری کنیم و یا او را چندین ساعت متوالی در دبستان یا کودکستان برای این کار نگاه داریم بلکه باید بوسلهٔ نماش و موریک و نقاشی و ادا کردن صدا های کشیده و غلط و نا درنگ و حمده دار بطوری استعداد تقلید کودک را تحریک کنیم که خواندن و نوشتن را قبل از پنج سالگی در چند ساعت با فهم و رعایت بی حساسی از اطرافیان خود به‌مراهٔ یک بازی کودکانه یاد بگردد و نتواند بکودکان دیگر یاد بدهد

معلوم است اگر چنین طریقه ای برای تعلم پیش گرفته شود دیگر کودکان برای نا سواد شدن چندان احتیاجی بر قفس کودکستان و دبستان ندارند و لهذا بودجه و وقت طولانی که صرف تعلیم خواندن و نوشتن میشود بمصرف تعلیم مواد دیگری که تمدن امروزی جهان بدان نیازمند است و کودک نا سواد هم میتواند آنها را یاد بگیرد خواهد رسید

### استعداد صدا شناسی کودک

چند سال پیش بعد از آنکه حروف کودک دیره منتشر شد برخی حدس کردند که کودکان هر گز نمی‌توانند با این روش خواندن را یاد بگیرند زیرا کودک از فهم توضیحاتی که داده می‌شود عاجز است ولی بحلاف حدس این اشخاص در عمل معلوم شد که حتی کودکان یکی دو ساله هم می‌توانند با این طریقهٔ شادی بخش حروف را بشناسند و بخوانند

---

☆ راجع به موادیکه کودک نا سواد میتواند آنها را یاد بگیرد رسالهٔ حداه گانه ای در « ایران کوده » منتشر خواهد شد

چون كودك سرود جوانی و موربك را دوست دارد سرود هائی ساخته شده كه كودكان آنها را می آموزند و نا هم می خوانند ولی اگر نکی نای آنها را امتحان كنیم می بینیم بعضی توانند كلمات را درست و شمردن ادا كنند

چون كودك تماشای نمایش را هم بی اندازه دوست دارد اهدا در رحبی از دستاها نمایش هائی خارج از موضوع درس نشان داده می شود یعنی این نمایش ها طوری است كه اندك در تسهیل تعلم كودك و پرورش فكری او تأثیری ندارد

از وقت درموازی كه در برنامه كودكستانها و دستاها گذاشته شده معاوم می سود كارشناسان شخص داده اند كه دوق و طبعیت كودك بهمۀ آنها ملل دارد ولی هچوقت از آری و حمده و تقلید صدا و نقاشی و موربك و نمایش همه نا هم رای، و دادن استعداد های صدا شناسی و حوسدگی و قوۀ وهم و ادراك كودك در علم جوانان كه مهمترین منظور ار فرستادن كودك به كودكستان یا دستان است استفاده نشده است بلکه ملاحظه میشود كه هر وقت كودك از نکی از سواد برآمد حسته شد برای رفع حسنگی یکی از مواد دیگر را حاشس آن می سارند تا كودك را سرگرم كنند

### روش پیشنهادی آموزش كودك

طریقۀ تعلم فوق عاط و عرطمعی و باعث اتلاف وقت و استعداد معلم است باید تقلید صدا و نقاشی و موربك و تأثر و شرح حرركات اعصای دهان و همه نا هم بصورت ناری پرحندۀ كودكانه نا نمایشی در آند و در نمو استعداد های كودك و نا سواد شدن و سرعت پشرفت تحصلات آندۀ او مخصوصاً ریاضی و موربك مؤثر واقع شود و روبهم رفته دهرۀ چسب نعلیمات ضروری و اساسی برای كودك نباید در تمام مدت عمر ار چندین ساعت تجاوز كند



## تصویرهای کودک دبیره

برحی که بعقده آنها کودک بیمه حواص است گمان می کنند که تصویرهای کودک دبیره برای آشنا کردن کودک صداها مناسب است و کودک در تطبیق آنها با شکل دهان عاخر می ماند این توهمات پس از چند دقیقه آرمایش و یا يك لحظه دیدن کودکان با سواد که مانند بهترین استادان صدا شناس بدهان خود آشنا هستند مرتفع خواهد شد

اگر تنها وسیله آموزش همس تصویرها بود شاید نتیجه ای داشت ولی ادا کردن صدای حرف با درنگ و غلط و کشیده (بطوری که اسباب حمله و تفریح کودک شود و حس تقلید او را تحریک کند) و تطبیق شکل حرف بادهان (چنانکه در دستور آموزش هر حرف بیان شده) توحه کودک را بوضع دهان خود که کاملاً بر همان اوست جلب می کند و در این صورت تصویرهای کودک دبیره حراریچه یادآوری برای کودک بخواهد بود

## شاهت حروف

حروفی که مخرج آنها بهم نزدیک است شکل آنها هم طبعاً بهم شاهت پیدا میکند و لهذا برحی گمان میکنند که یکی دو حرف از حرف های دبیره هنگام خواندن و یا تند نویسی بهم مشتبه می شوند

اس گونه توهمات در تجربه و عمل رفع خواهد شد زیرا که هنگام رسم و اسباب حروف کلمه جهات تاریخی و فنی و رسائی و تعلیمی در نظر گرفته شده و اگر در مدت چندین سال گذشته چمن بعضی در عمل مشاهده شده بود راه فنی برای رفع کردن آن آسان بود

ناری کسانی که پیش از عمل و آرمایش راجع به مشتبه شدن دو حرف از حرف های دبیره بهم شکلی دارند ممکن است با تجربه دلیل رفع شک آنها شود يك شکل گرد و يك شکل بیضی و دو ناریکه کوتاه و بلند از مقوا سرید و آنها را پیش کودک بگذارید و از او بخواهد که مقوای تحم مرغی

این که کودک می تواند حروف را حتی قبل از برنای آمدن هم یاد بگیرد استعداد سرشاری است که برای تقلید صدا در سرشت او گذاشته شده است

اولس استعدادیکه در کودک رشد و نمو می کند استعداد تقلید صدا است يك کودک دو سه ساله که از کشوری به کشور دیگر مرود و یا برای او پرستار خارجی می آورد دراندک مدتی بی کوشش و رحمت زبان خارجی را با تلفظ صحیح یاد می گیرد

از این ملاحظه معلوم می شود که کودک بقدری تسلط بر اندام دهان خود دارد که پس از این که چند بار صدائی را شنید می تواند گلو و وضع دهان و زبان و لب و دندان خود را طوری قرار دهد که صدای شنیده را با تلفظ صحیح تقلید و ادا کند

کودکی که تواند کلمات مرکب از چند صدا را که چند عضودهان در ادای آن سرعت تکرار میرود تقلید و تلفظ کند و عکس پدر و مادر خود را ارهم تشخص دهد یقین است خواهد توانست که بیست و نه صدای فارسی و حروف آنها را جدا جدا یاد نگردد و ادا کند

استعداد تقلید صدا در همه کودکان وجود دارد ولی اگر بموقع خود تکرار یافتند تا هفت هشت سالگی کم کم ضعف و بعد از این سن در بیشتر آنها تکلی نابود می شود

رو بهم رفته تنها تعلیماتی را که کودک می تواند به آسانی میان يك سالگی و پنجسالگی از روی فهم و رعیت از راه بازی و نقاشی و نمایش و موریك یاد بگیرد و استعداد یاد گیری او بوسیله آن پرورش یابد، صدا شناسی و خواندن است و باید این فرصت را از دست داد زیرا که درتعلیم موسیقی و ریاضی و حوش لهجه ای و آموختن زبانهای خارجه تأثیر کلی دارد.

اصافه کردن صدا و یاصدا هائی بر صدای اصلی حرف باعث سرکشتگی  
 بوأمور میشد و بهمین علت پس از يك سال رحمت کتاب اول را بواسطهٔ  
 تکرار زیاد و قرینهٔ تصویر ها می حواند بی آنکه حروف را شناسد و بفهمد  
 که حواندن و نوشتن چیست

این ملاحظه یعنی این که بوأمور کلمه را رود تر از حروف  
 می شناسد روش نوی را برای آموزش بوجود آورد و آن این است که  
 اخیراً در اروپا بجای این که اول حروف را جدا جدا یاد دهند کلمه های  
 مرکب را بوسیلهٔ زیاد نوشتن یاد می دهند ❀

هر چند این روش از روی طبیعت کودک گرفته شده ولی نتیجهٔ  
 ملاحظاتی است که از يك طریقهٔ غلطی پیدا شده است و تأثیر قابل توجهی  
 در سرعت پیشرفت بوأمور و نمو استعداد فکری او ندارد و چند سال وقت  
 کودک نابد تلف شود تا توانائی قلم به دست گرفتن پیدا کند

پدیرفتن این روش مثل این است که چند هزار سال به قهقرا برگردیم  
 ربراً که پیش از علم صدا شناسی و اختراع خط حرفی ، لاند خط های نقشی  
 را مثل خط چینی کنوبی کلمه کلمه یاد میدادند ولی بعد ها در نتیجهٔ ترقی  
 علم صدا شناسی این روش که فقط برای تعلیم خط نقشی مناسب بوده  
 منسوخ شده و نابد دادن حرف حاشین یاد دادن کلمه گردیده است

### آموزگار و بوآموز

مقصود از آموزگار در این گروه فقط آموزگار کودک کستان و دستان

❀ پیدا شدن این طریقه علت دیگر هم دارد و آن این است که در زبانهای  
 اروپائی برخی از حروف صدا های مختلف دارند و لهندا تلفظ مخصوص حرف را  
 در صورت کلمه آسان تر میشود یاد گرفت

یا گرد یا کوتاه را شما دهد در این صورت ملاحظه خواهید نمود که کودک این شکلها را بهم اشتباه نخواهد کرد

و علاوه در صورتیکه کودک میتواند در نتیجه ممارست شش حرف مختلف و متشابه ب ت ث ذ ز را بهم در حالت نداشتن نقطه از هم تشخیص دهد و کلمه را در جمله درست بخواند چگونه از تشخیص دو شکل ممتاز از هم عاثر میماند

### تعلیم حروف با وضع طبیعی خود

همچنین مکرر از ما پرسیده اند که چرا اول حروف کودک دیره را با وضع طبیعی مقطع ها یاد میدهند و بعد حروف را میگردانند یاد دادن حروف با وضع طبیعی خود بطوریکه شود آن را با وضع دهان کودک در حالت تلفظ مطابقت کرد یکی از اسرار سرعت پیشرفت این روش با آموزش است

در نتیجه چند سال تجربه معلوم شد وقتی که کودک با سالمد خواندن را با وضع طبیعی حروف درست آموخت پس از چند دقیقه حروف گذشته را هم خواهد خواند و کوچک ترین تحمیلی بر دهان او نخواهد بود درس و تعلیماتی که سراسر دوره آن از چند ساعت تجاوز نمیکنند و کسی در جهان پیدا نمیشود که آنرا یاد نگردد چگونه ممکن است تحمیلی بر قوای ظاهری یا باطنی کودک یا سالمد نماید

### یاد دادن حرف و یاد دادن کلمه

سابقاً در همه جا معمول بود که اول حرف ها را یکی یکی به او آموزش داد میدادند و بعد کلمه های دو حرفی و سه حرفی و غیره را این روش کاملاً طبیعی و منطقی بود در صورتی که صدای اصلی حرف را کشیده و غلیظ ادا میکردند و صداهای اضافی صدای اصلی نمی چسباندند ☆

---

صداهاییکه به صدای اصلی ته و حیم و دال و سین چسبیده اند صداهای اضافی میباشد. صدای اصلی هر يك از این حرف ها ت ح د س است که ششانی ادا شود

حواندن را یاد نگردد بیشتر او را دوست خواهند داشت به اینکه کودک هر وقت چیزی بخواهد، حواندن را وسیله گدائی و طلب قرار دهد

دوره این تعلیمات بسیار کوتاه است و وقت کودک رباد ولهدا احتیاجی به اصرار در سرعت پیشرفت او نا حیلله و رسوه و سحت گیری نیست

اگر دو یا سه کودک همدرس باشند و یکی رودتر یاد بگیرد بماند پیشرفت او وسیله سرررش و سحت گیری کودکان دیگر قرار گیرد چنانکه رحی ار کودکان دیر تر برنان می آیند در حواندن هم همانطور هستند باید بست نکودکانی که کند پیش مرورد سشتر توجه کرد ولی مهربانی و بوارش باید بست به همه کودکان يك ساا باشد تا همه به امورگار حود علاقمندی نشان دهند

اگر کودکی را برای درس حواندن طلبمید و بیامد و نافرمانی کرد او را آزاد نگذارند و اصرار و سحت گیری نکمید و حتی تشر ردن و احم کردن هم در این مورد بی تسحه و مصر است زیرا احتمال دارد در آن موقع حواس کودک متوجه چیز دیگری باشد که نمی تواند و یا بیخواهد بگوید و لهدا نافرمانی و اجاحت او از روی فهم و تعمد بست

عالمأ کودکانی که لحوح و نافرمان هستند در حانه کودکانی کوچک تر از آنها مورد توجه و مهربانی خانواده قرار گرفته اند و یا یکی ار کسان یا مریبان آنها مرده یا سفر کرده است و نا وعده های دروع برای گول ردن آنها داده اند و یا يك اسباب ناری در دست کودکان دیگر دنده اند وندارند این عوامل و بطایر آنها موجب آسفتگی و افسردگی کودک است و او را بد حوی و لحوح و نافرمان و پکر می کند

باید همیشه عوامل افسردگی کودکان را در نظر گرفت و نا برمی و مهربانی برفع آن کوشد

بیست بلکه پدر و مادر و برادران کودک بیرون می‌توانند بهترین آموزگاران این روش نبوده و فرردان خود را نا مفیدترین ناریهای و کبری و علمی و فنی سرگرم سارند

کسی که حواسته باشد کودک و یا سالمندی را مطابق اصول این حروه به صدا شناسی و خواندن و نوشتن آشنا کند باید این حروه را از اول تا آخر بخواند و خواندن و نوشتن با حروف طبیعی و گذشته را درست یاد بگیرد و درادای صداهاى کشیده باعلیط و مکرر، شرح مقطع‌های حروف، تطبیق آنها با دهان و خواندن کلمات کشیده و ورش کند تا اسکه بتواند پس از دقایق کمی نتیجه مطلوب برسد

بعد از اینکه آموزگار به کلیه نکات فسی این حروه پی برد باید سعی کند که کودک، با آموزرا با نرمی و نوارش بخود علاقمند و رام و مطیع کند زیرا اگر کودک آموزگار خود را دوست نداشته باشد از او اطاعت نمی‌کند و هر گونه کوشش برای یاد دادن او بی فایده بلکه مصر است

هیچوقت نباید کودک را مجبور بیاد گرفتن درس کرد و یا او را پوسته امتحان نمود و اگر کلمه ای را غلط خواند باید آن کلمه را درست و کشیده تکرار کردی آنکه آن کار بصورت غلط گیری از کودک باشد

همچنین نباید کودک را برای آمدن یا نشستن یا گوش دادن یا خواندن یا شیرینی و یا وعده دروغ تطمیع کرد یعنی باید به او گفت یا حیوان تو این شیرینی را می‌دهم یا برای تو فلان چیز را حواهم خرید

پیدا است که تطمیع غیر از تشویق میباشد اگر کودک چیزی را خواند باید حتما او را با نوارش و آفرین تشویق نمود

باید طوری با کودک رفتار کرد که بداند شناختن حروف و خواندن بهترین چیزی است که پدر و مادر و کسانش از او انتظار دارند و اگر او

این شاگرد نماها باید در ادای صدای کشیده و علیط و محسم کردن شکل حرف نادرست و انگشت و کاملاً دقت کنند و وقتی که آموزگار از آنها چیزی می پرسد باید تأمل و تفکر نمایند و چنان وانمود کنند که آنها هم چیزی میدانند و بعد جواب پرسش را شمرده و ساده و با درنگ و آرامی و حوشروئی چنانکه آموزگار خواسته بدهند و رویهم رفته این شاگرد نماها باید درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورند

### صدا و صوت و حرف

در کتاب های تحوید و صدا شناسی فارسی و عربی و کتب تاریخ کلمه صوت را معنی (ویل) و کلمه حرف را معنی (کنس) استعمال کرده اند

در این حروه کلمه «صدا» معنی معمولی و مستعمل خود در فارسی دکار رفته و شامل صوت و حرف و هر صدائی که از دهان بیرون بیاید میشود

### کشیدن صدا و تطبیق شکل حرف با دهان

در سانس آموزش هر حرف و همچنین در بیان آموزش کلمه ملاحظه میشود که تاکید بسیاری در کشیدن و یا در علیط و مکرر ادا کردن صدا شده است

کشیدن و یا علیط و مکرر ادا کردن صدا اساس این روش است و ریرا وقتی که صدائی را تقریباً یکی دو نایه نکشید و یا آنرا علیط و مکرر ادا کنید، نو آموز وقت و فرصت پیدا می کند که در فکر خود شکل حرف را با وضع دهان و زبان و مخرج آن تطبیق کند و آن را از روی فهم نه آسانی بخاطر سپرد

### انتخاب روش مخصوص

برای ایسکه در این حروه حتی الامکان کوچک ترین نکته ای

این کودکان افسرده از کودکان دیگر خواندن و نوشتن را دیر تر یاد می‌گیرند و باید سست به آنها مراعات بسیار کرد. مدت درس نباید از چند دقیقه بیشتر باشد و در هر درس نباید زیاد تر از دو حرف به کودک یاد داد مگر اینکه کودک خودش ناشوق و ممل و اصرار نخواهد زیاده‌تر یاد بگیرد. در این صورت هم در هر روز چهار حرف کافی است ولی می‌توان ماهی اندازه که خود کودک بخواهد با حروفی که میداند کلمه و جمله نوشت تا بخواهد

تمام سختی تعلیم در پاره‌ها حرف اول و مخصوصاً ویلها است زیرا پس از این مرحله کودک به دهان خود آشنا میشود و سرعت و سهولت پیش خواهد رفت

هنگام آموزش نباید شماره کودکان بآموزاری یکی دوسه تجاوز کند زیرا وقتی کودکان دوره جمع شدید باعث نشویش حواس یکدیگر میشود چون مدت هر درس شش از چهار دقیقه نباید باشد یک‌سره آموزگار در هر ساعت می‌تواند اقلابست شاگرد را درس بدهد

در هر صورت تعلیم حروف باید امرادی باشد ولی وقتی که کودکان حروف را آموختند می‌توان دسته دسته به آنها درس داد

### شاگرد

در این گروه شاگرد به معنی معمولی و متداول نیست بلکه مقصود کسی است که خود را مانند شاگرد و نمود می‌کند و همش محاط و حواب دهنده پرسشهای آموزگار است داشتن یکی دوشاگرد نما برای سرعت و پرورش استعداد فکری بآموز بسیار لازم است زیرا که بآموز باید طرز تفکر پیش از حواب و درست حواب دادن و توجه به تغییرات وضع دهان و زبان و غیره را هنگام تلفظ ارشاکرد نماها یاد بگیرد



چندان تأثیری در آموزش ندارد زیرا قبل از تهیه کتاب « **كودك دبیره** » رنگی صدها **كودك** و سالمند با همین طریقه با سواد شده اند .

۲- یکی آموزگار می شود و یکی دو نفر شاگرد و بعد آنکه آموزگار شده هر يك از حروف را بطوری که در اس حروه شرح داده شده به ساگردان خود یاد می دهد و آموزش باید طوری با شوخی و خنده و دست زدن توأم باشد که حس تقلید **كودك** را کاملاً تحریک کند

۳- هیچوقت **كودك** را محبور به ادا کردن و تلفظ حروف نکنید و اگر **كودك** نتوانست حروفی مانند ل، ر، ک، گ را ادا کند اصرار ننمائید بلکه خودتان و شاگردان آن حرف را آنقدر تکرار کنند تا **كودك** بشنود و حس تقلید او برانگیخته گردد و بموقع خود رباش برای آن حرف نار سود

چنانکه برخی از **كودكان** دیرتر ددان در می آورند قوه گویائی برخی از **كودكان** هم رشد کامل خود را دیرتر می کنند و عدم توانائی **كودك** در تلفظ حرفی و یا دیر بران آمدن او دلیل بر بی هوشی او نیست .  
۴- در هر درسی به **كودكان** کمتر از پنجسال شش از يك حرف نباید تعلم داد و اهدا ساند تمام تصویرهای « **كودك دبیره** » را يك مرتبه جلوی **كودك** گذاست زیرا حواس او را پرت می کنند .

۵- پس از اینکه **كودك** پنج شش حرف را تقریباً یاد گرفت ، تصویرها را روی ممر بچسبند و يك حرف را به طریقی که در دستور آموزش آن حرف شرح داده شده ادا کنند تا ساگردان شما آن حرف را نشان دهند باید اس عمل را آنقدر تکرار کرد تا **كودك** تقلید نماید یعنی وقتی که حرفی ادا شد **كودك** پیش دستی کند و خودش حرف را نشان دهد

۶- بعد از اینکه **كودك** پنج شش حرف را از روی تصویر بخوبی یاد گرفت و توانست يك حرف بخصوصی را از میان آنها بشناسد و انتخاب

فروگذار شده باشد و بتوان کودکان کمتر از پنج سال را هم تعلیم داد ،  
 جریات آموزش هر حرف و چند کلمه را به تفصیل شرح دادیم ولی کسانی  
 که خودشان استعداد و ذوق معلمی دارند می توانند با مراعات کشیدن  
 صدا و تطبیق شکل حرف با مخرج و وضع دهان و تصویر ، بهر نحوی که  
 خواسته باشد با آموزش را تعلیم دهند بسیاری از بچه‌ها موران کودک  
 یا سالمند در لحظه های اول حروف و صدا های آنها را یاد می گیرند و  
 هیچ وقت فراموش نمی کنند و احتیاج به شاگرد نما ندارند و این شرح  
 و تفصیل بیشتر را جمع به تعلیم کودکان کمتر از پنج سال است

### دیگته و مشق خط

دیگته کردن کلمات و مشق خط در هفته های اول لارم بیست ریرا  
 همین که کودک یا سالمند بخواند و تجربه و ترکیب صدا های حروف  
 يك کلمه از روی فهم آشنا شد و چند صفحه از روی کتاب های کودکانه  
 رو نویس کرد خودش نوشتن را یاد خواهد گرفت

### کودکان کمتر از پنج سال

برای یاد دادن کودکان کمتر از پنجسال راهممای مخصوص و کارت  
 های رنگی جدا گانه لارم است که همور موفق به چاپ آنها شده ایم ولی  
 با وجود بودن وسائل کافی کسانی که ذوق و حوصله دارند و علاقمند به  
 راه انداختن دستگاه تفکر و تصور کودکان می باشند می تواند کودکان کمتر  
 از پنج سال را بپر دستوری که در ریر شرح داده می شود با ناری و تفریح  
 به خواندن آشنا کنند

۱- تصویر های رنگی « کودک دبیره » را با حروفی که ریرش  
 نوشته شده بچسبید و روی مقوائی که کودک تواند آن را شکند بچسباید  
 اگر دسترسی به « کودک دبیره » باشد می توان اشکال همین جروه را  
 روی مموای جدا گانه کشید و سکار برد ریائی و رنگ آمیزی شکل

کودکان و سالمندانی که در چشمشان علتی است نمی‌توانند راویۀ شکل‌های فوق را در دست رسم کنند این کودکان خواندن را دیر تر یاد می‌گیرند و باید با ایشان مدارا کرد

آزمایش چشم در مورد کودکان کمتر ارهت سال لارم بیست ریرا که کودك در این سن می‌تواند قلم را محکم در دست گیرد

اگر بی سواد سالمند چشمش دوربین باشد و سنش در حدود چهل سال حتماً عینك لارم دارد و اگر چشمش بردك بس ناسد رود تر یاد می‌گردد بشرط آنکه از روی کتاب مستقما باو درس بدهند و روی تخته چیری ننویسد ریرا چشم‌های بردك بس تخته را درست می‌بیند

تاثر گوش سرد را در گرفتن خواندن را داد است و کودکی که در چند جلسه خواندن را می‌آموزد چشم و گوش آنها بسیار حساس می‌باشد و این کودکان استعداد ریاضی و موربك سرشار خواهند داشت

### لال و کم هوش

چون کسی که می‌خواهد به لال با کم هوش سخن گوئی و خواندن زبان فارسی یاد دهد باید به کلیه نکات فنی این گروه آشنا باشد لهذا طریقه کلی تعلیم ایشان را پس از بیان آموزش صداها و حروف آنها شرح خواهیم داد

اینک شرح آموزش هر حرف به تفصیل و چند کلمه برای نمونه می‌پردازیم وای چنانکه در صفحه ۳۵ گنتم کسانی که خودشان دوق معلمی دارند میتوانند با در نظر گرفتن کلیات این روش بو بهر نحوی که خواسته باشند عمل نمایند

کمد باید هر يك از حروف را روی مقوای چهار گوشه نوشت و آنها را بی ترتیب روی سر انداخت و بعد يك حرف را کشیده و علیط ادا کرد تا اول شاگردان آنها در میان آن پنج شش حرف پیدا کنند و بردارند و بعد از آنها کودک تقلید کند

۷- پس از اینکه کودک پنج شش حرف را بدون تصویر یاد گرفت و توانست آنها را در هر وضعیتی که ناسد شناسد و صدای مخصوص هر يك را کشیده ادا کند باید آموزش تحریر صدا های کلمه و خواندن آنها مطابق دستور (صفحه ۴۴) شروع کرد

### چشم و گوش

رحی از کودکان و سالمندان چشمشان خطوط و روایا را درست بحای خود نمی بیند این دسته برای علتی که در ساختمان چشم آنها وجود دارد خواندن و نوشتن را چند ساعت در تر از کودکان دیگر یاد می گیرند کودکانیکه چشمشان دارای این علت طبعی باشد در دستاها برای یاد گرفتن الفبای معمولی چند سال در کلاس های اول و دوم می مانند و ناسحتی و کندی بیش میروید و معلمس آنها را بی هوش و کودن تصور می کنند در صورتی که اس طور بست

پیش از شروع بدرس باید چشم کودکان هفت ساله بی سوادرا آزمایش کرد تا این که اگر عات سحت ناسد نا گذاشتن عنك علت را رفع کرد طریقۀ آزمایش چشم اس است - شکل های ذیل را در برابر کودک هفت ساله نا سالمند بی سواد نا درنگ رسم کنند و بعد از آنها بخوانند که چند شکل شسه به آنها رسم کنند



ارلوله‌های بینی خارج می‌شود و همچنین هنگام ادا کردن صدا انگشت را دور سوراخ بینی حرکت می‌دهد مثل این که حرف (م) کودک دیره‌رامی بویسد.  
**شاگردان :** صدای (م) را یکی یکی و بعد با هم ادا می‌کنند و هنگام ادای صدا انگشت را دور سوراخ بینی حرکت مدهند

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را به شاگردان نشان می‌دهد و ربائی و ربك آمیری آن را با زبان کودكانه توصیف می‌کند و مخصوصاً توجه شاگردان را به شکل حرف که در تصویر با ربك سرح نشان داده شده جلب می‌کند و بعد انگشت را روی تصویر می‌گذارد و می‌گوید:  
 این می‌گه (م) کشده و علیط و نادرنگ

**شاگردان :** صدای (م) را کشده و علیط و نادرنگ ادا می‌کنند  
**آموزگار :** سوراخ‌های بینی خود را با شکل حرف و تصویر کودک دیره تطبیق می‌کند و می‌گوید صدای (م) از دو سوراخ بینی در حالتی که لبها بسته است بیرون می‌آید و اگر لبها باز باشد نمی‌توانیم صدای (م) را ادا کنیم

**شاگردان :** دهان خود را باز می‌کنند و نمی‌توانند صدای (م) را ادا کنند

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره می‌گذارد و از شاگردان خود می‌پرسد

این چی می‌گه ؟

**شاگردان :** (م) کشده و علیط و نادرنگ

**آموزگار :** دست و انگشت شاگردان را هنگام ادای (م) بر کلوئی و پره‌های بینی خود می‌گذارد و می‌گوید نه بینید این صدا در کلو و پره‌های بینی من لرزش می‌اندازد

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به صدای (م) و شکل حرف آن در دیل نوشته سده با کمال دقت و تأمل بخواند و سکات و می را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آمورگار باید خود و شاگرداش در ادای صدا و تطبیق شکل حرف با مخرج باندارامی مشق کرده و ورزیده باشند که بتواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه ای در آورند

صدای (م) از لبهای بسته و سرون آمدن صدا ارسمی پیدا می شود و مخرج نمایان این صدا از رو برو دو سوراخ بینی است

هنگام ادای اس صدا اگر انگشت را روی پره بینی و یادست راروی گلو نگذاریم احساس لرزش می شود و حلب توجه و آمور و مخصوصاً نوآمور لال به لرزش گلو و پره بینی لارم است

آمورگار و شاگرداش باید دقت نماید که (مم) یا (ام) یا (مه) یا (مو) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (م) نچسبد برای ادای صدای کشیده و غلیظ و با درنگ (م) تقریباً یکی دو نایه وقت لارم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا مهمترین عامل مؤثر برای پیشرفت سریع نوآمور شمرده میشود

## روش آموزش

آمورگار: پیش ازشان دادن تصویر كودك دبیره صدای (م) را چندین بار کشیده و غلیظ و باندرنگ ادا می کند و شرح میدهد که این صدا

در مورد این حرف آموزگار باید دقت کامل کند که بواسطه عادت  
نخط های اروپائی آنرا (ا) تلفظ نکند.

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش ارشان دادن تصویر کودک دیره صدای (او) را  
کشیده و غلط و نا درنگ ادا میکند و سعی می نماید که لهای او جمع و گرد  
و شمه تصویر باشد و همچنین هنگام ادای صدا انگشت خود را مانند اینکه  
دایره ای میکشد دور لهای خود حرکت می دهد

**شاگردان:** صدای (او) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید  
میکند که اسباب حنده و حلب توجه او آموز گردد و در هنگام ادای صدا  
انگشت خود را دور لهای گرد شده مثل آنکه دایره ای میکشد حرکت میدهند.

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد و رسائی  
و رنگ آمیزی آن را ناربان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان  
را شکل حرف که نارنگ سرخ در تصویر نشان داده شده جلب میکند و پس  
از شرح صدا و مخرج آن انگشت را روی تصویر میکشاند و میگوید  
اس می که (او) بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ

**شاگردان:** صدای (او) را بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکنند.

**آموزگار:** لهای گرد و جمع خود را با شکل حرف در تصویر  
کودک دیره تطبیق میکند و میگوید هر وقت لهای ما کاملاً جمع و گرد  
باشد صدای (او) را میتوانم ادا کنیم در صورتیکه اگر دهان ما کاملاً  
بار ناسد نمیتوانیم این صدا را ادا کنیم.

**شاگردان:** دهان خود را کاملاً بار میکنند و سعی می کنند صدای (او) را  
ادا کنند

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میکشاند  
و از شاگردان می پرسد

این چی می که ؟

**شاگردان:** (او) بسیار غلط و کشیده و نا درنگ

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به ادا کردن و شکل حرف (او) در دیل نوشته شده است با کمال دقت و تأمل بخواند و نکات مهمی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند.

همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش در ادای صدا و تطبیق شکل حرف با مخرج باندازه ای مشق کرده و ورزیده باشند که

توانند درس را بصورت يك باری شادی بخش کودکانه ای در آورند

هنگام ادای صدای (او) آنها کاملاً جمع و گرد و تقریباً شکل دایره ای میشود که باید با حرکت انگشت دور آنها شکل آن را برای بآموران محسم کرد

برخی از لاله‌ها صدای (او) را هنگام ادا کردن هم از میان دولت کرد و جمع شده و هم از توی سنی ادا میکنند

اگر صدای این حرف از توی سنی ادا شود در بزه های سنی بیه مانند گلو احساس لرزش میشود و لهذا آمورگار باید انگشت لال را روی پره بینی خود بگذارد و صدای (او) را ادا کنند تا اینکه لال حس کند که در بزه های سنی نباید احساس لرزش شود و از انبزو غلط ادا کردن صدا را تشخیص دهد و با ورزش صدای خود را درست کند

چنانکه گفتیم هنگام ادای صدای (او) در گلو احساس لرزش میشود و جلب توجه بآمور لال و گونا باین لرزش بسیار لازم است

برای ادای صدای کشنده و عایط و باد رنگ (او) تقریباً یکی دوتاییه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود



**شاگردان :** یکی یکی کلمه « مو » را مانند آموزگار ادا می کنند  
و حمایه ها را تکرار می نمایند

**آموزگار :** کلمه « مو » را کمی کشیده ادا می کند و هنگام ادای  
هر صدا انگشت را دور سوراخهای بینی و پیرا موم آنها حرکت می دهد  
مثل آن که آن حرف را می نویسد

پس از ادای کلمه می گوید اگر « مو » را کشیده ادا کنیم کسی  
معنی آن را نمی فهمد

**شاگردان :** یکی یکی کلمه « مو » را کشیده ادا می کند و هنگام  
ادای هر حرف مانند آموزگار انگشت را دور سوراخهای بینی و پیرامون  
آنها حرکت می دهد مثل آنکه آن حرف را می نویسد

**آموزگار :** کلمه « مو » را سبک کشیده ادا می کند و هنگام ادای  
هر حرف انگشت را دور سوراخهای بینی و پیرامون آنها حرکت می دهد  
مثل این که آن حرف را می نویسد

**شاگردان :** یکی یکی کلمه « مو » را سبک کشیده ادا می کنند  
و با حرکت انگشت شکل حرف را محسوس می نمایند

**آموزگار :** پس از یاد دادن کلمه « مو » کلمه های « او » و « موم »  
و سایر کلماتی را که بر صفحه های « کودک دیره » نوشته شده است بهمین  
روش به نوآموزان یاد می دهد و باید دقت کامل نماید که صدا های کشیده  
یک کلمه بهم بچسبد و کلمه « مو » ، ( مه - او ) و « موم » ، ( مه - او - مه )  
حواصده شود

### تعلیم خواندن کلمات

پس از این که آموزگار یقین کرد که کودک یا سالمند از دو تا شش حرف اول را بحوبی یاد گرفته و بی تصویر می‌تواند صدای مخصوص هر يك را کشیده ادا کند و درتطبیق آنها با محرر و دهان آرموده و ورزیده است باید شروع بیاد دادن کلمه نماید

تمد ادا کردن صدای يك حرف و تند خواندن در دو سه هفته اول دلیل بر اینست که با آموز حرور را نمی‌شناسد و نمی‌تواند با تأمل و تفکر کلمه را بخواند

آموزگار باید در این مرحله دقت نماید و با ستاب پیش برود زیرا همین که با آموز چند کلمه را مطابق اصول این گروه خواند، کلمات برای او آسان می‌سود

اولین کلمه دو حرفی مناسب و ساده برای یاد دادن، کلمه « مو » می‌باشد که مقصود هوی سر است

این کلمه مرکب از دو حرف است که محرر هر دو از رو برو کاملاً بمانان و تطبیق شکل حرف هر يك با محرر به آسانی امکان دارد. هنگام تعلیم این کلمه باید دقت کامل نمود تا مطابق شرحی که داده میشود رفتار شود زیرا از همین جا با آموز باید درك کند که خواندن و نوشتن چیست

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از آنکه کودک دبیره یا نوشته‌ای را به او آموز نشان بدهد کلمه « مو » را چند بار با درنگ بطوری ادا می‌کند که با آموز معنی آن را خودش بدون تذکر بفرماید

پس از ادا کردن می‌گوید این هوی سر من است

این هوی سر تو است

این صدا مهمترین عامل مؤثر برای بشروفت سریع بوآمور لال و گویا میباشد  
**روش آموزش**

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبره صدای (آ) را چندبار کشیده و غلیظ ادای می کند هنگام ادا کردن صدا حالت بیم رح سست به ساگردان بوده و دست را مانند تصویر بیج گوش میگذارد و انگشت دست دیگر را روی آنها از سم رح حرکت می دهد مثل این که حرف (آ) را می بوسد  
**شاگردان:** صدای (آ) را یکی بای و بعد با هم طوری تقلید می کنند که حلق نوحه بوآمور را نمایند و هنگام ادای صدا انگشت را روی لبها از سم رح می کشند مثل این که حرف (آ) را میسوسند

**آموزگار:** تصویر کودک دبره را به شاگردان نشان می دهد و از رسانایی و رنگ آمیزی آن نارنان کودکانه توصیف می کند و مخصوصاً نوحه شاگردان را به شکل حرف که نارنگ سرح روی تصویر نشان داده شده حلق می کند و بعد انگشت را روی تصویر می گذارد و میگوید این می که (آ) بسار کشیده و غلیظ و نارنگ

**شاگردان:** صدای (آ) را کشیده و غلیظ و نارنگ ادای می کند  
**آموزگار:** دهان گشاده خود را از سم رح با شکل حرف و تصویر تطبیق می نماید و چند بار صدای (آ) را ادا میکند  
**شاگردان:** صدای (آ) را بسار کشیده و غلیظ و نارنگ ادا میکنند و با انگشت شکل حرف را روی لبهای خود نشان می دهند  
**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دبره می گذارد و از ساگردان می پرسد

این چی می که ؟

**شاگردان:** (آ) بسار کشیده و غلیظ و نارنگ  
**آموزگار:** دست ساگردان را هنگام ادای (آ) بر گلوئی خود می گذارد و می گوید این صدا در گلو لرزش می اندازد

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به صدای (آ) و شکل حرف آن در دبل نوشته شده است با کمال دقت و تأمل بخواند و نکات فنی را همگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آمورگار باید خود و ساگرداش در ادای این صدا و محسّم کردن آن با انگشت بادراره ای ورزیده باشد که نتواند درس را به صورت يك باری شادی بخش كودكانه در آورد

این صدا از لپهای گشاده پیدا میشود یعنی لپهای گشاده مهمترين عصب برای ساحس این صدا است

در فارسی همگام ادای این صدا زبان نائین است و چندان تأثیری در ساحس آن ندارد

همگام ادای این صدا در گلو احساس لرزش میشود و جلب توجه نوآموران لال و گویا به این لرزش بسیار لارم است

برخی از لالها صدای (آ) را از دهان و بینی هر دو ادا خواهند کرد ولهدا در پره‌های بینی ایشان بیر احساس لرزش میشود

برای جلو گیری از این کار آمورگار باید انگشت لال را اول روی پره بینی خود و بعد روی پره بینی لال نگذارد تا از این راه نتواند از غلط ادا کردن این صدا جلوگیری کند همچنین باید همگام ادای صدا دست لال را حاوی دهان گشاده گرفت تا موح هوائی را که بدست او منحوردا احساس کند

برای ادای صدای کشیده و غلط و نادرنگ (آ) تقریباً یکی دو نایبه وقت لارم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا و مخصوصاً

که این صدا ارلای دندناها بیرون می آید و زبان به سق سسار بردنك است  
**شاعر دهان :** صدای (س) را یکی یکی و بعد باهم طوری تقلید میکنند  
 که باعث جلب توجه بآموز گردد

**آموزگار :** تصویر کودك دسره را به شاگردان نشان می دهد ،  
 از ریثائی و رنگ آمیزی آن زبان کودكانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه  
 شاگردان را به شکل حرف که با رنگ سرخ در تصویر نشان داده شده  
 جلب می نماید و بعد انگشت را روی تصویر می گذارد و میگوید  
 این می که (س) سسار کشنده و غلط و نا درنگ

**شاعر دان :** صدای (س) را سسار کشنده و غلط و نا درنگ ادا  
 می کنند و شرح می دهند که این صدا از بردنك شدن زبان به سق و گذشتن  
 هوا از لای دندناها پیدا میشود

**آموزگار :** دندناهای خود را با شکل حرف در تصویر مقایسه  
 می کند و می گوید صدای (س) ارلای دندناها بیرون می آید اگر دهان  
 خود را باز کنم نمیتوانم (س) را ادا کنم پس از این به شاگردان  
 می گوید دهان خود را باز کنند بطوری که دندناهایشان روی هم باشد و  
 بگویند (س)

**شاعر دان :** دهان خود را کاملاً باز میکنند طوری که دندناهای آنها  
 روی هم باشد و نمی توانند (س) را ادا کنند

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودك دسره می گذارد  
 و از شاگردان می پرسد

این چی می که ؟

**شاعر دان :** (س) بسیار کشنده و غلط و نا درنگ

**آموزگار :** دست شاگردان را هنگام ادای (س) برگزینی خود  
 می گذارد و می گوید ببینید این صدا در کلو لرزش نمی اندازد

## پیش از درس



آمورگار ناندآچه راجع به صدای (س) وشکل حرف آن در دیل نوشته شده نا کمال دقت بحواند وبکات می را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنن آمورگار باید خود و شاگرداش در ادای اس صدا وسرح محرح آن ناربان کودکانه نانداره ای ودریده باشمد که نتوانند درس را به

صورت نك باری شادی بخش کودکانه در آورند

«

صدای (س) ار بر دیک شدن کامل سطح ربان به سق و گذشتن هوا ار فاصله سسار کم منان سق وربان ولای دندانهای بر هم گذاشته شده پیدا می سود اگر دهان را کاملاً نار کسبم که دندانها روی هم نباشد ونا اس که ربان به سق بر دیک نگردد بمسوان اس صدا را ادا کرد

هنگام ادای اس صدا اگر دست را بر دیک دهان نگیریم هوای صدا بدست میچورد و در گلو احساس ازرس نمی شود و حلت توجه بو آمور لال و گویا به این دو نکته سسار لارم است

آمورگار وشاگردان ناند دقت نماسند که (سس) یا (سه) یا (اس) یا (هس) گفته شود وهیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (س) بحسد برای ادای صدای (س) کشنده و غلط و نا درنگ تقریباً یکی دو نایه وقت لارم است که باید نا کمال دقت مراعات شود ربر ا دقت در کشیدن صدا مهم تر اس عامل پشرفت سریع بوآمور لال یا گویا مناشد

## روش آموزش

آمورگار: پیش ارشان دادن تصویر کودک دسره صدای (س) را چندین بار کشنده و غلط و نادرنگ ادا میبند ونا ربان کودکانه شرح مدهد

تا بوآمور و شاگردان کج شدن رباں را به طرف بالا به سنند و همچنین  
با دست خود شکل حرف را مثل اینکه رباں کج شده است برای بوآمور  
و شاگردان محسم می کند

**شاگردان :** صدای ( ل ) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید  
می کنند که باعث جلب توجه بوآمور گردد و با دست شکل حرف  
( ل ) را محسم می کنند

**آموزگار :** تصور کودک دیره را به شاگردان نشان می دهد ،  
از ربائی و رنگ آمیزی آن با رباں کودکانه توصیف می کند و مخصوصاً  
توجه شاگردان را به شکل حرف که در تصویر با رنگ سرح نشان داده شده  
جلب می کند و بعد انگشت را روی تصویر می گذارد و می گوید  
این می گه ( ل ) بسیار کشیده و غلیظ و با درنگ

**شاگردان :** صدای ( ل ) را بسیار کشیده و غلیظ و با درنگ  
ادا می کنند

**آموزگار :** رباں خود را با شکل حرف مقایسه می کند و می گوید  
صدای ( ل ) از دو کنار رباں بیرون می آید و اگر سر رباں به طرف بالا  
باشد صدای ( ل ) فارسی شنیده نمی شود

**شاگردان :** می کوشند صدای ( ل ) فارسی را بدون کج کردن  
رباں به طرف بالا ادا کنند و نمی توانند

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره می گذارد  
و از شاگردان خود می پرسد

این چی می گه ،

**شاگردان :** ( ل ) بسیار کشنده و غلیظ و با درنگ

**آموزگار :** دست شاگردان را هنگام ادای ( ل ) برکلو و لبهای

خود میگذارد و میگوید به بیند این صدا در کلو و لبها ارزش می اندازد

## پیش اردرس



آمورگار باید آنچه راحع به صدای (ل) و سکل حرف آن در دبل نوشته شده با کمال دقت و تأمل بخواند و نکات فنی و عبره را هنگام آمورش در نظر داشته باشد و رعایت کند همچنین آمورگار باید خود و ساگرداش در ادای اس صدا و محسم کردن شکل حرف آن باندازه ای ورزیده باشد که بتواند درس را بصورت یک باری شادی بخش کودکانه در آورد

هنگام ادای اس صدا سر زبان بطرف بالا کج سده به سق می چسبد و هوای صدا از دو طرف زبان خارج میشود

هنگام ادای صدای (ل) در گلو و اینها احساس ارزش میشود و حلق توحه بآموران به این لررس مخصوصا در آنها سنار لارم است

آمورگار و ساگرداس باید دقت نماید که (ال) یا (لام) یا (له) کتمه شود و هیچگونه صدای اصافی بصدای اصلی (ل) نچسبد

برای ادای صدای کشنده و غلیظ و نا درنگ (ل) تقریباً یکی دو ناسه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا کشیدن صدا مهمترین عامل مؤثر در پشرفت سریع بآمور میباشد

**روش آموزش**

**آمور ۳۳۳:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبیره صدای (ل) را چند بار کشنده و غلیظ و نا درنگ ادا می کند و شرح می دهد که اس صدا از دو پهپایوی زبان سرون می آید و در موقع ادای آن سر زبان بطرف بالا کج می شود و هنگام ادای این صدا دهان خود را باز می کند



## روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبیره صدای (ا) را چندین بار کشیده و غلیظ و نازک ادا میکند و سعی می نماید که دهان او شبیه به تصویر باشد

**شاگردان:** صدای (ا) را یکی یکی و بعد نا هم طوری تقلید میکنند که باعث جلب توجه و آموزش گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دبیره را شاگردان نشان میدهد، از ریاضی و رنگ آمیزی آن ارباب کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را به شکل حرف که نازک سرح در تصویر نشان داده شده جلب میکند و بعد انگشت زا روی تصویر میگذارد و میگوید

این می گه (ا) بسیار کشیده و غلیظ و نازک

**شاگردان:** صدای (ا) را بسیار کشیده و غلیظ و نازک ادا میکنند

**آموزگار:** دهان خود را با شکل حرف و تصویر کودک دبیره مقایسه میکند و بعد انگشت خود را روی تصویر میگذارد و از شاگردان میپرسد

این چی می گه

**شاگردان:** (ا) بسیار کشیده و غلیظ و نازک

**آموزگار:** دست شاگردان را هنگام ادای (ا) بر کلمه خود میگذارد و می گوید این صدا در کلمه لرزش میبندارد

## پیش از درس



آموزگار باید آهسته آهسته راجع صدای (آ) و شکل حرف آن در دبل نوشته شده است تا کمال دقت و تأمل بخواهد و کلیه نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آموزگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا و محسم کردن شکل حرف آن با لبها ناچاره ای ورزیده باشند که بتوانند درس را بصورت يك ناری سادی بخش کودکانه در آورند

آموزگار باید هنگام ادای صدا لبها را کاملاً شکل تصویر کودک دیره در آورد و چهره خود را بحالت کودکی که گریه میکنند و (آ) میگویند به شاگردان و بآموزان بماناند و همچنین تا بقین نداسته باشد که صدا و شکل حرف (آ) را بآموز یاد گرفته است تا بعد این صدا و شکل حرف آ را باو یاد بدهد

برخی از لاله‌ها صدای (آ) و (آ) را تقریباً مانند هم ادا میکنند و آموزگار باید بومید شود زیرا هر وقت انگشت‌های لاله‌ها در تشخیص صدا هائی که ادا میشود کاملاً حساس شود این عیب خود بخود رفع خواهد شد هنگام ادای صدای (آ) در گلو احساس لرزش میشود و جلب توجه بآموز لال یا گونا باس لرزش بسیار لازم است

برای ادای صدای کشیده و غلیظ و نادرنگ (آ) تقریباً یکی دو ثانیه وقت لازم است که باید تا کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا مهمترین عامل مؤثر در پیشرفت سریع بآموز میباشد

نایه وقت لازم است که باید تا کمال دقت مراعات شود  
 • همچنین آموزگار و شاگردانش باید مشق کنند که دو صدای  
 (س ش) را با هم بدون اینکه در میان آنها وبلی پیدا شود ادا نمایند  
 روش آموزش

**آموزگار :** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ش)  
 را چندین بار کشیده و غلیظ ادا میکنند و شرح میدهد که در هنگام  
 ادای این صدا یا سر زبان یا میان زبان سق بردیک و هوای صدا پشت  
 دندانها پنخس میشود و از لای آنها میگذرد

**شاگردان :** صدای (ش) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید  
 می کنند که باعث جلب توجه بآموز گردد

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد و بعد  
 انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

این می که (ش) سیار غلیظ و کشیده و نا درنگ

**شاگردان :** (ش) بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ

**آموزگار :** چندین بار صدای (س ش) را با هم بدون اضافه کردن  
 صدائی در میان آنها کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکند و شرح میدهد  
 که در حالت ادای (ش) زبان به سق بردیک تراست .

**شاگردان :** صدای (س ش) را چندین بار ادا می نمایند تا حقیقت  
 گفته آموزگار برای آنها معلوم گردد

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد  
 و از شاگردان میپرسد :

این چی می که ؟

**شاگردان :** (ش) سیار کشیده و غلیظ و نا درنگ

**آموزگار :** دست شاگردان را در هنگام ادای (ش) بر کلهی

خود میگذارد و میگوید این صدا در کله لرزش نمی اندازد

## پیش از درس



س

آمورگار باید آنچه را جمع به صدای (ش) و شکل حرف آن در دیل و راجع به آموزش (س) سابقاً نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش را با دانه ای در ادای این صدا ورزیده باشد که بتواند درس را بصورت یک باری شادی بخش کوکانه در آورد

صدای (ش) از نزدیک شدن وسط زبان به سق و گذشتن هوا از میان زبان و سق و پخش شدن آن در پشت ولای دندانهای برهم گذاشته پیدا میشود همچنین می توان این صدا را با بلند کردن سر زبان بطرف جلوی سق در حالتی که زبان به شکل ناودانی بشود با دندانهای بسته ادا کرد و این حالت دومی برای ادای صدای (ش) بجهت تعلیم لالها مناسب تر است زیرا که شکل زبان را میتوان با دست محسوم کرد.

هنگام ادای این صدا اگر دست را نزدیک دهان بگیریم هوای صدا مانند (س) بدست نمی خورد زیرا هوای صدا در لای دندانها پخش میشود و در گلو احساس لرزش نمی شود و جلب توجه او آموز لال و گویا باین دو نکته بسیار لارم است

آمورگار باید دقت نماید که (شین) یا (شه) گفته شود و هیچ گونه صدای اضافی به صدای اصلی (ش) بچسبد  
برای ادای صدای (ش) کشیده و غلیظ و با درنگ تقریباً یکی دو

## روش آموزش

• آموزشگار: پیش از نشان دادن تصویر کودک دبره صدای (ر) را چندین بار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا می کند و شرح می دهد که هنگام ادای این صداسر زبان لرزش پیدا میکند و دو دست خود را مانند تصویر روی هم میگذارد و لرزش سر زبان را با دست محسوس میکند تا علت دو شاخه بودن سر حرف که علامت تکان خوردن سر زبان است برای نوآموز و شاگردان هویدا شود

شاگردان: صدای (ر) را یکی یکی و بعد باهم تقلید میکنند

آموزگار: تصویر کودک دبره را به شاگردان نشان میدهد و بعد انگشت رازوی تصویر می گذارد و می گوید این می که (ر) سیار کشیده و غلط و نا درنگ

شاگردان: (ر) سیار کشیده و غلط و نا درنگ

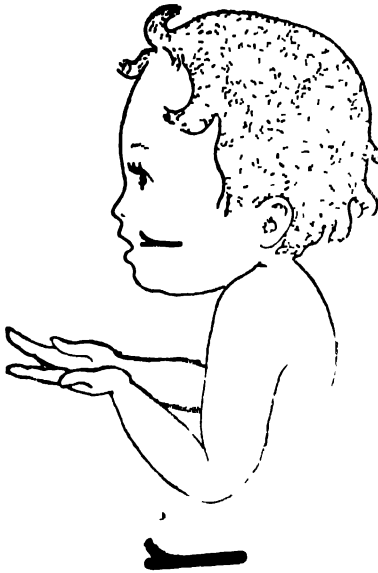
آموزگار: شکل حرف را با دست و زبان خود مقایسه میکند و شرح میدهد که دو شاخه بودن سر حرف علامت لرزش سر زبان است  
شاگردان: هنگام ادای صدای (ر) می کوشند لرزش سر زبان را با دست خود نشان دهند

آموزگار: انگشت خود را روی تصویر کودک دبره میگذارد و از شاگردان خود می پرسد

این چی می که ؟

شاگردان: (ر) سیار کشیده و غلیظ و نا درنگ

آموزگار: هنگام ادای (ر) دست شاگردان را بر گلوئی خود می گذارد و می گوید این صدا در گلوئی من لرزش می اندازد و همچنین انگشت شاگردان را جلوی لبهای خود میگیرد تا لرزشی را که در هوا پیدا میشود حس کنند.



### پیش از درس

آمورگار باید آنچه راجع به صدای (ر) و شکل حرف آن در دیل نوشته شده است با کمال دقت و تأمل بخواند و نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا، اندازه ای ورزیده باشند که نتوانند درس را به صورت یک باری شادی بخش کودکانه در آورند

هنگام ادای صدای (ر) سر زبان به جلوی سق چسبیده و هوا فشار میاورد و از میان سر زبان و سق میگذرد و سر زبان را به لرزش می اندازد این لرزش سر زبان در شکل حرف نا دو شاخه رسم کردن سر زبان نشان داده شده است که علامت بالا و پائین رفتن زبان باشد

در وقت ادای این صدا در گلو و سر زبان لرزش پیدا میشود و اگر دست را بر دیک دهان بگیریم هوای لرزان بدست می حورد و جلب توجه نو آموز لال به این لرزشها بسیار لارم است آمورگار و شاگردانش باید دقت کنند که (ره) با (ار) یا (را) گفته نشود و هیچگونه صدای اصافی به صدای اصلی (ر) بچسبد

برای ادای صدای کشیده و غلط و نا درنگ (ر) تقریباً یکی دو نایه وقت لارم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا مهمترین عامل مؤثر در پیشرفت سریع نو آموزان شمرده می شود.

• بآموران لال این صدا را دیر یاد میگیرند و لهدا آموزگار نباید  
 ارکندی پیشرفت خود بومید بشود  
 هنگام ادای صدای (ای) در کلو لرزش پیدا میشود  
 برای ادای صدای کشیده و غلیط و نا درنگ (ای) تقریباً یکی دو  
 نایبه وقت لازم است

### روش آموزش

**آموزگار :** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ای) را  
 بسیار کشیده و غلط و نادرنگ ادا میکنند و نا زبان کودکانه شرح میدهد که  
 این صدا از بردنگ شدن کامل زبان سق پیدا میشود و نا دو دست خود  
 بردیک شدن زبان را به سق محسم میکند و توجه بآموران را با فاصله ای که  
 میان دودست بردیک بهم پیدا شده جلب مینماید

**شاگردان :** صدای (ای) را یکی یکی و بعد نا هم طوری تقلید  
 میکنند که باعث خنده و جلب توجه بآموزگر گردد و هنگام ادای این صدا  
 با دو دست خود فاصله میان سق و زبان را محسم میکنند و مخصوصاً شرح  
 میدهند این فاصله شکل حطی است

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد و بعد  
 انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

این می که (ای) بسیار کشیده و غلیط و نا درنگ

**شاگردان :** (ای) بسیار کشیده و غلیط و نا درنگ

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد و از

شاگردان میپرسد

اس چی می که ؟

**شاگردان .** (ای) بسیار کشیده و غلیط و نادرنگ

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به ادا کردن  
و آموزش صدای (ای) و شکل حرف آن در دیک  
بوشته شده است تا کمال دقت بخواند و کلیه نکات  
فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و  
مراعات کند

همچنین آمورگار باید خود را در حالت  
در محسم کردن و نشان دادن شکل محر ح اس  
صدا با نوارهای و رریده باشند که بتواند درس را  
صورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورد

آمورگار باید بداند که یاد دادن صدای (ای) و شکل حرف آن از همه  
صداها مشکل تر است و لهذا باید در این مرحله آموزش دقت کامل کنند  
و تا یقین نداشته باشد که بآمور چگونگی پیدا شدن اس صدا را در دهان  
خودش حس کرده و میتواند فاصله میان ریان و سق را با دست خود محسم  
و با شکل حرف تطبیق کند نباید حلوتر برود و رویهم رفته وقتی بآمور  
این صدا را شیخته است که حرف آنرا بی درنگ شناسد و صدا را کشیده  
و علیط ادا کند

صدای (ای) در داخل دهان از بردیک شدن کامل زبان سق پیدا  
میشود و چون دیدن اس فاصله و تطبیق کردن آن با شکل حرف (ای)  
امکان ندارد آمورگار باید وضع سق و ریان و فاصله آنها را از هم با دست  
خود برای بآمور محسم کنند و مکرر با ریان کودکانه برای شاگردان شرح  
دهد و از ایشان پرسد و جواب بخواهد تا اینکه به این وسیله بتواند شکل  
حرف و تطبیق آنرا با شکل محر ح صدا دهنی بآمور نماید



در وقت ادای صدای (اُ) در کلمه احساس لرزش میشود و جلب توجه نوآموز باین لرزش بسیار لازم است

برای ادای صدای کشیده و غلیظ و نا درنگ (اُ) تقریباً یکی دو ثانیه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا مهمترین عامل مؤثر برای پیشرفت سریع و آموخته شده میشود

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (اُ) را بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکند و سعی می نماید که لههای او کاملاً شبیه تصویر باشد و همچنین هنگام ادای این صدا انگشت خود را دور لههای خود حرکت میدهد تا شکل بیضی حرف برای نوآموز محسوس گردد

**شاگردان:** صدای (اُ) را یکی یکی و بعداً هم طوری تقلید می کنند که اسباب حنجره و حلق توجّه نوآموز گردد و در هنگام ادای صدا انگشت خود را دور لها حرکت می دهند.

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد، از زیبایی و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را بشکل حرف که با رنگ سرخ در تصویر نشان داده شده جلب مینماید و شرح میدهد که در وقت ادای (اُ) لها ناز تر شده از حالت دایره ای بیرون میاید و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید این می که (اُ) بسیار غلیظ و کشیده و نا درنگ

**شاگردان:** صدای (اُ) را بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکنند.

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد و از شاگردان میپرسد.

این چی می که ؟

**شاگردان:** (اُ) بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ

## پیش از درس



o.

آمورگار باید آنچه راجع به صدا و شکل حرف (اُ) در دیل نوشته شده با کمال دقت و تأمل بخواند و نکات وی را هنگام آموزش در طرداشته باشد و رعایت کند همحسین آمورگار باید خود را شاگردانش در ادای این صدا و شمشیه کردن لههای خود، شکل حرف باندااره ای ورر بنده اشمد که تواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش كودكانه ای در آورد

آمورگار باید موقعی شروع به یاد دادن صدای (اُ) نماید که یقین داشته باشد كودك صدا و شکل حرف (او) را كاملاً آموخته است هنگام ادای صدای (اُ) باید آنها را شکل تصویر در آورد و با حرکت انگشت روی آنها شکل حرف را برای شاگردان محسم کرد و شرح داد که هنگام ادای (او) لها جمع و گرد است ولی هنگام ادای (اُ) لها نازتر میشود و از حالت دایره ای بیرون میاید.

برخی از لالهها صدای (اُ) را هم از میان دول و هم از توی بینی ادا میکنند و ترك این عادت مدتی وقت و وررش لازم دارد که باید موجب بومندی آمورگار گردد اگر صدای اس حرف از توی بینی ادا شود در پره های بینی سر مانند گلو احساس لرزش میشود و لهذا آمورگار باید انگشت لال را روی پره های بینی خود نگذارد و صدای (اُ) را ادا کند تا اینکه لال حس نماید که در پره های بینی باید احساس لرزش شود و از این راه غلط ادا کردن صدا را تشخیص دهد و با وررش صدای خود را درست کند

و بادرنگ (ا) تقریباً یکی دو نایه وقت لازم است که نایدنا کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا و مخصوصاً این صدا مهمترین عامل مؤثر در پشرفت سریع نوآمور میباشد

### روش آموزش

**آموزگار :** دهان خود را نار میکند و ته گلو و ران کوچک آویران را نه شاگردان نشان میدهد و شکل آن را نا شکل حرف که در تصویر نشان داده شده مقایسه میکند

**شاگردان :** یکی یکی دهان خود را نار میکنند ، ته گلو و ران کوچک را نه شاگردان دیگر نشان میدهند و نا شکل حرف مقایسه میکنند

**آموزگار :** چندین نار صدای (ا) را از ته گلو علیط و کشیده و نا درنگ انا میکند و میگوید این صدا این طور که من ادا میکنم ارته گلو میباشد

**شاگردان :** صدای (ا) را یکی یکی و بعد نا هم طوری تقلید میکنند که اسباب حنده و حلب توجه نوآمور گردد

**آموزگار :** دوباره تصویر کودک دیره را نشان میدهد و ارربنائی و رنگ آمیری آن نا ران کودکانه توصیف میکند و پس ار شرح دادن و مقایسه شکل حرف نا ته گلو انگشت را روی تصویر میگدارد و میگوید این می که (ا) سیار کشیده و علیط و نا درنگ

**شاگردان :** تقلید مینمایند و صدای (ا) را ارته گلو سیار کشیده و نا درنگ ادا میکنند

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر میگدارد و میپرسد .

این چی می که ؟

**شاگردان :** (ا) سیار کشیده و علیط و نا درنگ

**ملاحظه :** پس ارا اینکه نوآمور صدا و شکل حرف را خوب یادگرفت

آمورگار ناید نوآمور را متوجه کند که صدا را طبیعی و ملایم ادا نماید .

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به صدای (ا) و شکل حرف آن در ذیل نوشته شده است با کمال دقت و تأمل بخواند و کلیه نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و مراعات کند.

همچنین آمورگار باید خود را شاگردش در ادای اس صدا با مداره‌ای ورزیده باشد که بتواند درس را

صورت يك نمایش و ناری شادی بحش کودکانه درآورد



هنگام ادای صدای (ا) در فارسی زبان پائین است و در حالت چندانی در ساختن صدا ندارد و وضع دهان تقریباً مانند وقتی است که صدای (ه) ادا میشود و فقط فرقی که میانه اندو صدا وجود دارد لرزیدن و نه لرزیدن گلو است.

آمورگار باید صدای (ا) را مخصوصاً طوری با گلوی فشرده ادا کند که بآمور هنگام تقلید صدا از آمورگار حس کند که این صدا در ته گلو پیدا میشود زیرا که باین وسیله میتوان شکل حرف را با آسانی به بآمور تلقین نمود

آمورگار باید پیش از ادا کردن صدا دهان خود را باز کند و هلال ته گلو و زبان کوچک او را را شاگردان و بآموران شان دهد و شاهت آرا باشد که در تصویر کودک دیره بزرگ شرح شانداده شده شرح دهد.

هنگام ادای صدای (ا) در گلو احساس لرزش میشود و جلب توجه بآمور باین لرزش بسیار لازم است برای ادای صدا کشیده و غلیظ

هنگام ادای (ی) اگر دست را روی گلو نگذاریم لرزش و سته شدن جلوی صدا کاملاً احساس میشود و حلت توحه بآمور مخصوصاً لالها باین لرزش و حرکات اعصاب گلو سمار سمار لارم است

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودك دیره صدای (ی) تنهارا چنانکه شرح داده شد علیط و نا درنگ و هم چنین (ی) مکرر را چندین بار با کمال دقت و توحه مخصوصی ادا میکند و نا رباں کودکانه شرح میدهد که این صدا یا ناتمام بهنای رباں بریده میشود و نا اینکه سطح رباں کاملاً سق بردیک شده و صدا از روی سطح رباں و رر سق برون میآید همچنین آموزگار نادر دقت کند که حتی الامکان صدای مدیر

(ی ی ی ی ی) را

بی آنکه در میان آنها صدای اضافی پیدا شود ادا نماید

**شاگردان:** یکی یکی و بعد نا هم تقلید می کنند

**آموزگار:** تصویر کودك دیره را شاگردان نشان میدهد و توحه ایشان را شکل رباں که نا درنگ سرح در تصویر نشان داده شده حلت مینماید و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید این می که (ی) سمار علیط و نا درنگ

**شاگردان:** تقلید نموده صدای (ی) را سمار علیط و نا درنگ

ادا میکنند

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودك دیره میگذارد و

از شاگردان میپرسد

این چی می که؟

**شاگردان:** (ی) سمار علیط و نا درنگ و مکرر

## پیش از درس



آموزگار باید کلیات راجع به صدا های بریده بادی غ و آنچه راجع به (ب) و (د) نوشته شده تا کمال دقت بخواند و نکات فنی را هنگام درس در نظر بگیرد و مراعات کند ولی یاد دادن شکل حرف (ب) و (د) در این مرحله لازم نیست و باید صدا های آنها اکتفا کرد

هم چنین آموزگار باید و خود شاگردش

در ادای صدای (ی) در آخر و نه تنهایی و مکرر و در اول کاملاً مشق کرده باشند تا در موقع یاد دادن شکل حرف این صدا و خواندن کلمات اشکالی پیش نیاید آموزگار باید سعی کند که (یه) یا (یاء) گفته شود و هیچ گونه صدای اضافی به صدای اصلی (ی) نچسبد

برای ادای صدای (ی) علیط از زمانی که هوای این صدا از گلو بیرون میاید و پشت زبان و سق می بیچد تا زمانی که زبان ارسق جدا میشود چند لحظه وقت لازم است که باید مراعات شود

صدای (ی) را میتوان هم صدای بریده و هم صدای بیم کشیده داشت و این اردو صدائی است که تقریباً این هر دو خصوصیت را دارد

یاد دادن این صدا به لالهها بسیار مشکل است و تا آموزگار یقین نداشته باشد که لال صدای (ای) را کاملاً طبیعی و خوب ادا میکند نباید این صدا را به او یاد دهد وقت ادای صدای (ای) زبان ارسق دور تر است ولی در وقت ادای (ی) بریده و یا بیم کشیده فاصله میانه سق و زبان یا نکلی از بین میرود و یا بسیار کم است آموزگار باید این حالت زبان با سق را نادود دست خود به لالهها مکرر در مکرر نشان دهد و اردو بر یاد گرفتن این صدا سمت به صدا های دیگر بگوید و حسته نشود.

که با حرکت دادن انگشت روی لب زیرین و دندانهای بالا شکل حرف را برای شاگردان و بوالآموخته محسوس نماید

**شاگردان:** صدای (ف) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که اسباب خنده و جلب توجه بوالآموخته گردد و همچنین با انگشت خود شکل حرف را روی لب و دندانهای خود نشان میدهند

**آموزگار:** تصویر کودک دبیره را شاگردان نشان میدهد از ریاضی و رنگ آمیزی آن ناربان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را به شکل حرف که نارنگ سرخ در تصویر نشان داده شده جلب مینماید و بعد انگشت را روی تصویر مگذارند و میگویند این می که (ف) بسیار کشیده و غلیظ و نارنگ

**شاگردان:** صدای (ف) را بسیار کشیده و غلیظ و نارنگ ادا میکنند و شرح میدهند که شکل حرف چگونه پیدا شده است

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دبیره مگذارند و از شاگردان می پرسد:

این چی می که؟

**شاگردان:** (ف) بسیار کشیده و غلیظ و نارنگ .

**آموزگار:** دست شاگردان را هنگام ادا (ف) بر کلوئی خود میکندارد و میگوید این صدا در کلو لرش می اندازد

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به صدای (ف) و شکل حرف آن در دیکشنری نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و مراعات کند همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش باندازه ای در ادای این صدا ورزیده باشند که بتواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه ای درآورد صدای (ف) از گذاشتن لب پائین

بر ریز دندانهای بالا و گذاشتن هوا از میان دندانها و لب بر ریز پیدا میشود

هنگام ادای اس صدا در گلو لرزشی پیدا نمیشود و اگر دست را بر دندك دهان بگیریم بواسطهٔ بخش شدن هوا میان لب و دندانها هوای صدا چندان بدست نمجورد و حلق توحه بوآموران باین دو نکته بسیار لازم است

آمورگار باید دقت کند که (فه) یا (فا) یا (اف) گفته نشود و هیچگونه صدای اصافی به صدای اصلی (ف) نچسبد

برای ادای صدای کشیده و غلیظ و نا درنگ (ف) تقریباً یکی دوثبیه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا که کشیدن صدا مهمترین عامل مؤثر پیشرفت سریع است

## روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دسره صدای (ف) را چندین بار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکنم و با زبان کودکانه شرح میدهد که اس صدا از لای دندانها و لب پائین بیرون میآید و بیرون لازم است



• هنگام ادای صدای (ن) در گلو و پره های بینی لرزش پیدا میشود و جلب توجه نوآموران و مخصوصاً نوآمور لال لرزش پره های بینی بسیار لازم است

برای ادای صدای (س) کشیده و غلیظ و نا درنگ تقریباً یکی دو نایه وقت لازم است که باید تا کمال دقت مراعات شود زیرا که دقت در کشیدن صدا مهمترین عامل پیشرفت سریع میباشد

روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ن) را چندین بار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکند و با زبان کودکانه و حرکت دادن انگشت روی نیمرخ صورت خود شرح میدهد که هنگام ادای این صدا دهان باز است و سر زبان به سق چسبیده و جلوی هوا را گرفته تا هوا از پشت سق از راه سوراخ بینی بیرون برود همچنین باید تا ادا کردن صدای (م) و (ن) برای نوآمور محسوس کند که هنگام ادای صدای اولی دهان بسته است و لبها جلوی بیرون آمدن صدا را گرفته اند و هنگام ادای صدای دومی زبان بجای لبها جلوی صدا را میگیرد.

**شاگردان:** صدای (ن) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که اسباب خنده و جلب توجه نوآموز گردد و انگشت خود را روی نیمرخ صورت مثل اینکه حرف (ن) کودک دیره را مینویسند حرکت می دهند.

**آموزگار:** چندین بار صدای (م) و (ن) را جدا جدا ادا میکند و شرح میدهد که چگونه دهان بسته و باز میباشد

**شاگردان:** چندین بار ایدو صدا را تکرار میکنند تا وضع دهان و زبان در هر يك از این دو صدا برای آنها واضح گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را نشانگر دان نشان میدهد از

## پیش از درس



ح

آموزگار باید آنچه راجع به صدای (ن) و شکل حرف آن در دایله نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فنی را هنگام درس در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آموزگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا با دانه ای ورزیده باشند که بتوانند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه ای در آورند

آموزگار باید بداند که بواسطه نمایان نمودن وضع درونی دهان تطبیق شکل حرف این صدا با وضع دهان چنداں آسان نیست و تا نتواند درست شرح دهد و نا انگشت روی بمرح صورت خود وضع زبان و سق و فضای پشت سق را محسوس کند نو آموز نمیتواند تا آسانی شکل حرف را بخاطر سپرد

دو صدا از سنی بیرون میآید یکی (م) که در حالت ادای آن دهان بسته است و ناند آنچه راجع تا آموزش آن قلاً نوشته شده در نظر گرفت و دیگری (ن) که هنگام ادای آن دهان باز است و سر زبان سق میچسبد و هوای صدا در فضای دهان جمع میشود و از راه پشت سق اردو سوراخ بینی بیرون میرود. لهذا زبان و سق و پشت سق عصبهای اصلی برای ساختن این صدا میباشد

آموزگار باید در حالی که دهان او باز است و صدای (ن) را ادامیکند انگشت را روی بمرح صورت خود حرکت دهد و وضع زبان و سق و پشت سق را مثل اینکه حرف (ن) را طبیعی میبوسد برای شاگردان محسوس نماید

## پیش از درس



• آموزگار باید آنچه راجع به صدای (ر) و شکل حرف آن در دبل و همچنین آنچه را که راجع به آموزش (س) و (ش) سابقاً نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فنی راهنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند.

همچنین آموزگار باید خود و شاگردانش باندازه‌ای در ادای این صدا

}

ورزیده باشند که بتوانند درس را صورت یک ناری شادی بخش کودکانه‌ای درآورد

صدای (ر) مانند صدای (س) از بردیک شدن کامل زبان سق و گذشتن هوا از فاصله بسیار کم میان سق و زبان ولای دندانهای برهم گذاشته پیدا میشود و اگر دهان را کاملاً باز کنیم که دندانها رویهم باشند و یا اینکه زبان سق بردیک نکرده نمیتوان این صدا را ادا کرد.

هنگام ادای این صدا اگر دست را بردیک دهان بگیریم هوای صدا مانند (س) بدست نمیچورد و در دندانها و گلو احساس لرزش میشود و جلب توجه بآموز لال و گویا باین نکات بسیار لازم است زیرا که بآموز لال فقط از راه احساس گلو و خوردن هوا بدست میتواند فرق میان (س) و (ر) را تشخیص دهد

آموزگار باید دقت کند که (ر) یا (را) یا (ری) یا (زد) گفته شود هیچگونه صدای اضافی صدای اصلی (ر) بچسند

برای ادای صدای (ز) کشیده و غلیظ و با درنگ تقریباً یکی دوتایه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود زیرا دقت در کشیدن صدا مهمترین عامل پیشرفت سریع بآموز لال با گویا میباشد

ریائی و رنگ آمیزی آن ناربان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاکردار را شکل حرف که عارت از زبان و سق و پشت سق است جلب نموده و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید  
این می که (ن) سیار کشیده و علیط و نا درنگ

**شاگردان :** تقلید مینمایند و صدای (ن) را سیار کشیده و علیط و نا درنگ ادا میکنند

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد و ار شاکردان می پرسد .

این چی می که ؟

**شاگردان :** (ن) سیار کشیده و علیط و نا درنگ .

**آموزگار :** دست شاکردان و همچنین انگشت آنها را روی گلو و بره های بینی خود میگذارد تا لرزش را احساس کنند

مقایسه میکند و میگوید صدای (ر) از لای دندانها بیرون میآید و اگر دهان خود را باز کنیم نمیتوانیم صدای (ر) را ادا کنیم

پس از این شاگردان خود میگویند دهان خود را باز کنید بطوریکه دندانهای شما رویهم باشد و بگوئید (ر)

**شاگردان:** دهان خود را کاملاً باز میکنند بطوریکه دندانهای آنها رویهم باشد و نمیتوانند (ر) را ادا کنند

**آموزگار:** چندین بار صدای (س) را با هم بدون اضافه کردن صدائی در میان آنها کشیده و غلیظ و با درنگ ادا میکند و شرح میدهد که هنگام ادای این دو صدا وضع دهان تغییر میکند و فقط هنگام ادای صدای (ز) در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود

**شاگردان:** دو صدای (س) را چندین بار بدون اضافه کردن صدائی در میان آنها ادا میکنند و شرح میدهند که هنگام ادای کلام يك در گلو لرزش پیدا میشود

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر كودك دبیره میگذارد و شاگردان میپرسد

این چی می‌گه ؟

**شاگردان:** (ر) سیار کشیده و غلیظ و با درنگ

همچنین آموزگار و شاگردش باید مشق کنند که دو صدای (س ز) را بدون اینکه صدائی در میان آنها پیدا شود ادا نمایند و مخصوصاً باید در هنگام ادای این دو صدای متصل بهم توجه کنند که در وضع درون دهان تغییری پیدا نمیشود و فقط تغییری که در هنگام ادای (ز) احساس میشود این است که در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود و جلب توجه بوآموران به این لرزش بسیار لازم است

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از شادادان تصویر کودک دبیره صدای (ز) را چندین بار کشیده و علیط و نا درنگ ادا میکند و با زبان کودکانه شرح میدهد که هنگام ادای این صدا حالت زبان و دهان مثل (س) میباشد و فقط فرقی که میان این صدا و صدای (س) وجود دارد اینست که در موقع ادای (ر) در گلو و دندانها احساس لرزش میشود

**شاگردان:** صدای (ر) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که اسباب خنده و جلب توجه بوآمور گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دبیره را شاگردان نشان میدهد از ریائی و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف می کند و مخصوصاً توجه شاگردان را شکل حرف که دندان بالا و پائین جلو از بیمرح میباشد و با رنگ سرح در تصویر شاداده شده جلب مینماید و بعد انگشت را روی تصویر میکدارد و میکوید

این می که (ز) بسیار کشیده و علیط و نا درنگ

**شاگردان:** تقلید می نمایند و صدای (ر) را بسیار کشیده و علیط و نا درنگ ادا میکنند

**آموزگار:** دندانهای خود را با شکل حرف در تصویر کودک دبیره

• دو صدای (ه) و (ح) را می توان بسیار کشنده و غلیظ ادا کرد.

در حالت ادای (ك) فارسی (تهرایی) میان زبان به سق میچسبد

این شکل حرف برای صسط لهجه مداسد ترین شکل است زیرا  
 نامعیر نقطه تماس زبان با سق می توان اختلافات تلفظ های (ك) عربی  
 و تهرایی و ترکی را نشان داد ☆

آمورگار باید خود و شاگرداش در ادای سه صدای (ه > ك)  
 پیوسته بهم و کشیده و غلیظ و نادرنگ بی آنکه در میان آنها صدائی پیدا  
 شود مشق نمایند

همچنین آمورگار هنگام ادای این سه صدای پیوسته باید دهان  
 خود را در آینه نگاه کند و کلیه تغییراتی که در وضع زبان نسبت به سق  
 پیدا میشود به بیند و وضع دهانش را برای شاگردان خود شرح دهد

پس از اینکه آمورگار یقین کرد بو آمور در ادای (ه ح ك)  
 و محسوم کردن اشکال حرف نادرست ورزیده شده است می تواند یاد دادن  
 صدای (چ) را شروع کند

هنگام ادای (چ) هوا میان زبان و سق جمع میشود و فشار میآورد  
 که از لای سر زبان و سق بیرون برود و این شکل حرف که در آن  
 سر زبان به سق چسبیده است لحظه ای پیش

ارجدا شدن سر زبان از سق است

چهار صدای ه ح ك چ در کلمو ایجاد لرزش نمی کنند

## کلیات راجع به ه خ ك ج ج

آمورگار باید آنچه راجع به این دسته از حروف بطور کلی و در درس مخصوص هر يك از آنها نوشته شده است را کمال دقت بخواند و نکات فنی را در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا ها و محسم کردن شکل حروف با دست ورزش کافی کنند تا بتوانند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه‌ای در آورند

ربان بست به سق دارای چهار حالت کلی است و برای اینکه بتوانیم این چهار حالت و تعییرات حرئی هر يك از صدا های این دسته را با شکل حرف شان دهم باید مقطع ها را از بیم رح رسم کنیم .



در حالت ادای (ه) تقریباً ربان با سق موازی است



در حالت ادای (ح) ته ربان بالا می‌رود و سق بردك میشود

چون این دو صدا هر دو در بردك ربان کوچک پیدا میشود حظ عمودی ربان کوچک است و این حظ بعلاوة آنکه سق و ربان را بهم وصل میکند برای شان دادن اختلافاتی که اس دو صدا در ربانها و لهجه ها دارند بیر رسمش لازم است

صدای (ه) فارسی و (ح) عربی و (ه) اسکلیسی با هم فرق کلی دارند و با در نظر گرفتن محرج هر يك از این سه صدا اگر حظ عمودی را بطرف راست حرکت دهیم می توان این سه صدا را با همین يك شکل حرف صسط کرد

همچنین تلفظ (ح) عربی و فارسی و آلمانی با هم فرق دارد و با همین يك شکل حرف می توان هر سه صدا را صسط کرد





### پیش از درس

آمورگار باید آنچه را که قبلاً درباره این دسته ارحروف و مخصوصاً در دبل راجع به (ه) نوشته شده است با کمال دقت بخواند و نکات مهمی را همگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آمورگار باید خود و شاگردش در ادای این صدا ناندازه ای

ورزیده باشد که بتواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورد

آمورگار باید دقت کند که (هه) یا (ها) گفته نشود و هیچگونه صدای اضافی صدای اصلی (ه) نباشد.

در همگام ادای (ه) تقریباً سق و رنان مواری هستند و اگر دست را کمی دور از دهان بگیریم هوای این صدا بدست میخورد و در گلو اندک احساس لرزش میشود و حلق توحه بو آموران بخوردن هوا بدست و پیدا شدن لرزش در گلو بسیار لارم است

برای ادای صدای (ه) کشنده و غلیظ و با درنگ تقریباً یکی دو نایبه وقت لارم است که باید با کمال دقت مراعات شود.

### روش آموزش

**آموزگار:** بش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ه) را

سپار کشیده و غلیظ و با درنگ و طبعی چندین بار ادا میکند و دو دست خود را مثل سق و رنان روی هم میگذارد و میگوید وقتی (ه) میگوئیم رنان و سق من این طوری است مخصوصاً دقت می کند تا کلمه مواری را برای کودک بکار ببرد

هنگام ادای صدای (ح) وضع زبان مانند (ج) است ولی چون صدا در پشت دندانهای جلوئی بالا پنخس میشود مقطع دندان از بیم رخ بر سق اضافه شده است

ح

صدای (ح) در گلو ایجاد لرزش میکند و فشار هوا بر سر زبان کمتر میباشد و با گرفتن دست در جلوی دهان فرق این دو صدا از هم تشخیص داده میشود

سه صدای (ج) در گلو ایجاد لرزش میکند و فشار هوا بر سر زبان کمتر میباشد و با گرفتن دست در جلوی دهان فرق این دو صدا از هم تشخیص داده میشود .

سه صدای (ك) و (چ) و (ح) را می توان بسیار کشید و لهدا باید بیم کشیده و مکرر ادا کرد



### پیش از درس

آمورگار باید آنچه قبلاً راجع به این دسته از حروف و مخصوصاً در دبل راجع به (ح) نوشته شده است تا کمال دقت بخواند و نکات مهمی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا ناندازه ای ورزیده باشند که بتوانند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکان در آورند

آمورگار باید دقت کند که «حه» یا «حا» گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی «ح» نچسبد

هنگام ادای «ح» ته زبان سق برديك مشود ولی نمی چسبد و بواسطه فشار هوا در گلو و برديك زبان کوچک در رطوبت دهان لرزشی پیدا میشود بی آنکه در گلو احساس لرزش شود

همچنین در وقت ادای «ح» اگر دست را برديك دهان بگیریم هوای این صدا به دست منحورد و حلق توجه نوآموران به خوردن هوا به دست و پیدا شدن لرزش برديك زبان کوچک بسیار لازم است

برای ادای صدای «ح» کشنده و غلیظ و نا درنگ تقریباً یکی دو ثانیه وقت لازم است که باید تا کمال دقت مراعات شود.

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبیره صدای «ح» را بسیار کشنده و غلیظ و نادرنگ و طبیعی چندین بار ادا میکند و ناستهای خود برديك شدن ته زبان را سق نشان میدهد و میگوید وقتی «خ» میگوئیم

**شاگردان :** صدای (ه) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید می‌کنند که باعث جلب توجه و امور گردد و در هنگام ادای صدا شکل حرف را با دو دست که مواری باهم باشد محسوس میکنند

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد ، از ربائی و رنگ آمیزی آن با رمان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را شکل حرف که در تصویر با رنگ شرح نشان داده شده جلب می‌نماید و شرح میدهد که این سق است ، اس رمان و این رمان کوچک آورا است و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید این می‌گه (ه) بسیار کشیده و غلط و نادرنگ.

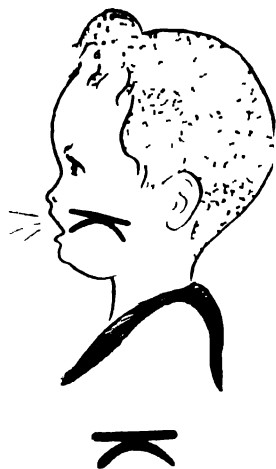
**شاگردان :** صدای (ه) را بسیار کشیده و غلط و نادرنگ ادا میکنند و با دست خود حالت سق و رمان را هنگام ادای صدا نشان میدهند .  
**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد و از شاگردان میپرسد .

این چی می‌گه؟

**شاگردان :** (ه) بسیار کشیده و غلط و نادرنگ .

**آموزگار :** هنگام ادای (ه) کشیده و غلط و نادرنگ دست شاگردان را بر کلمه خود میگذارد و میگوید نه بینید این صدا در کلمه من لرزش می‌اندازد

## پیش از درس



آموزگار باید آنچه را که قبلاً راجع به این دسته از حروف و مخصوصاً در دبل راجع به (ك) نوشته شده است با کمال دقت بخواند و کلمه نکات وی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آموزگار باید خود و ساگرداش در ادای این صدا ناینداره‌ای ورزیده باشند که بتواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورد

آموزگار باید دقت کند که (که) یا «کاف» یا (کا) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (ك) نچسبد

هنگام ادای (ك) در فارسی تقریباً وسط زبان به سق می چسبد و هوا فشار میدهد تا از میان زبان و سق بیرون بیاید بی آنکه در گلو احساس لرزی شود

اگر وقت ادای (ك) دست را بردنك دهان بگیریم هوای این صدا بدست میخورد و حلب توحه بوآموران بخوردن هوا بدست و پیدا شدن لرزشی در گلو بسیار لارم است

برای ادای صدای (ك) سم کشیده و غلیظ و مکرر چند لحظه وقت لارم است

## روش آموزش

**آموزگار :** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبره صدای «ك» را غلیظ و مکرر و سم کشیده چندین بار ادا میکند و نا دستهای خود چسبیدن زبان را سق نشان میدهد و میگوید وقتی «ك» میگویم وسط زبان

ته زبان این طور به سق بردیک میشود

**شاگردان :** صدای «ح» را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که باعث حلت توحه برآموز گردد و با دست خود بیر شکل حرف را محسوم می نمایند

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را به شاگردان نشان میدهد از ریائی و رنگ آمیزی آن با ربان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توحه شاگردان را به شکل حرف که در تصویر با رنگ شرح نشان داده شده حلت می نماید و شرح میدهد این سق است و این ربان است که ته آن به سق بردیک شده و این ربان کوچک آویران است و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

این می که «ح» سیار کشیده و علیط و نا درنگ

**شاگردان :** صدای «ح» را سیار کشیده و علیط و نا درنگ ادا میکنند و با دو دست خود بردیک شدن ته ربانرا به سق هنگام ادای این صدا نشان مدهند .

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد و ارشاگردان میپرسد

این چی می که ؟

**شاگردان :** (ح) سیار کشیده و علیط و نا درنگ

**آموزگار :** هنگام ادای (ح) کشیده و علیط و نا درنگ دست

شاگردان را بر کلهوی خود میگذارد و میگوید به بینید این صدا در ته دهان لرزش میبندارد ولی این لرزش غیرار لرزشی است که در وقت ادای صدا هائی مانند (ر) احساس میشود

**شاگردان :** هنگام ادای (ح) دست خود را بر کودال گلو وریر

چانه میگذارد و درستی گفتار آموزگار را در ادای صدای «ح» و بعد «ز» احساس میکنند .

## پیش از درس



ر

آموزگار باید آنچه قبلاً راجع به این دسته از حروف و مخصوصاً در دیکشنری راجع به (چ) نوشته شده است با کمال دقت بخواند و نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آموزگار باید خود و ساگرداش باندازه‌ای در ادای این صدا ورزیده باشد که

توانند درس را بصورت یک ناری شادی بخش کودکانه در آورند

آموزگار باید دقت کند که (چه) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی صدای (چ) نچسبد

هنگام ادای صدای (چ) سر زبان به جلوی سق می چسبد و هوا فشار میدهد تا از لای سر زبان و جلو سق خارج شود بی آنکه در گلو احساس لرزش شود.

اگر وقت ادای (چ) بسم کشیده و غلط دست را نزدیک دهان بگیریم هوای این صدا بدست منحورده و حلق توجه بآموران بخوردن هوا بدست و پیدا شدن لرزش در گلو بسیار لازم است

برای ادای صدای (چ) بیم کشیده و غلط و نا درنگ چند لحظه وقت لازم است.

## روش آموزش

آموزگار: پیش از نشان دادن تصویر کودک دبره صدای (چ) را بیم کشیده و غلط و نا درنگ چندین بار ادا میکند و نا دست های خود چسبیدن سر زبان را به جلو سق نشان میدهد و میگوید وقتی (چ)

این طور به سق می چسبد و بعد هوا فشار میدهد و ارمیان زبان خم شده  
و سق بیرون می رود

**شاگردان :** صدای «ك» را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید  
میکنند که باعث حلق توحه بآمور گردد و با دست یا انگشت های خود  
شکل حرف را محسوس می نمایند

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را به شاگردان نشان میدهد ،  
از ریثائی و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توحه  
شاگردان را به شکل حرف که در تصویر با رنگ شرح نشان داده شده  
حلق می نماید و شرح میدهد که این سق است و این زبان است که خم  
شده و سق چسبیده است و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید  
این می که «ك» سم کشیده و عاظم و نادرنگ و مکرر

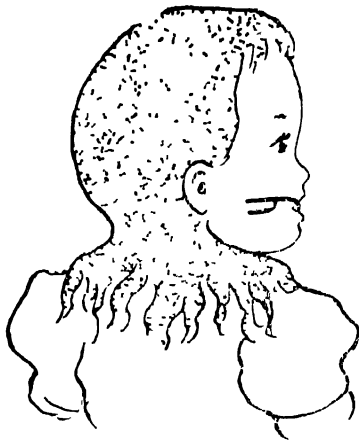
**شاگردان :** صدای «ك» را سم کشیده و عاظم و نادرنگ ادا  
می کنند و با دست یا انگشتان خود شکل حرف «ك» را محسوس می نمایند  
**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد  
و از شاگردان میپرسد

این چی می که ،

**شاگردان :** «ك» سم کشیده و عاظم و نادرنگ  
**آموزگار :** هنگام ادای «ك» سم کشیده و عاظم و نادرنگ  
دست شاگردان را بر گلوئی خود میگذارد و میگوید این صدا در گلو  
لرزش نمی اندازد .



## پیش از درس



ح

آموزگار باید آنچه قبلاً راجع به این دسته از حروف و مخصوصاً (چ) ویر آنچه در دبل راجع به (ح) نوشته شده است با کمال دقت بخواند و نکات مهمی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آموزگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا نادره‌ای ورزیده باشند که بتوانند درس را بصورت يك باری شادی بخش کودکانه در آورند.

آموزگار باید دقت کند که (حیم) یا (جه) گفته شود و هیچ صدای اضافی به صدای اصلی (ح) نچسبد

هنگام ادای صدای (ح) سر زبان ماسد (چ) به جلوی سق می‌چسبد و هوا فشار میدهد تا از میان سر زبان و جلوی سق و لای دندانها بیرون برود و در گلو و دندانها بحالاف (چ) احساس لرزش می‌شود

اگر وقت ادای (ح) سم کشیده و غلیظ و با درنگ دست را بر دیک دهان بگیریم هوای این صدا بدست نمی‌حورد و حلب توجه نو آموزان به این که هوا بدست نمی‌حورد ولی در گلو لرزش احساس میشود بسیار لارم است

برای ادای صدای (ح) سم کشیده و غلیظ و با درنگ تقریباً چند لحظه وقت لارم است که باید با کمال دقت مراعات شود

## روش آموزش

آموزگار : پیش ازشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ح) را

مسکونتم سر زبان به سق میچسبد و بعد هوا فشار میدهد و از میان سر زبان و سق بیرون مرود و در کلو احساس لرزشی میشود

**شاعران :** صدای (چ) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که اعث حلت توجه بآمور گردد و هنگام ادای صدا شکل حرف را با دست خود مسازند

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را به شاگردان نشان میدهد ،  
ار رسانی و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را شکل حرف که در تصویر نارنگ سرخ نشان داده شده حلت میکند و سرخ میدهد که اس سق است و این زبان است که سر آن کج شده به حلوی سق چسبیده است و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

اس می که (چ) سم کشیده و غلیط و نا درنگ و مکرر

**شاعران :** صدای (چ) را بسیار کشیده و غلیط و نا درنگ ادا می کنند و با دست شکل (چ) را نشان میدهد

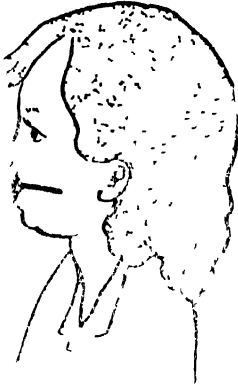
**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد و از شاگردان میپرسد

اس چی می که ،

**شاعران :** (چ) سم کشیده و غلیط و نا درنگ و مکرر

**آموزگار :** هنگام ادای (چ) سم کشیده و غلیط و نا درنگ و مکرر دست شاگردان را بر کلهوی خود میگذارد و میگوید این صدا در کلو لرزش نمی اندازد

## پیش از درس



ت

آموزگار باید آنچه را که راجع به صدای (ت) و شکل حرف آن در دیل نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند همچنین آموزگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا با دانه‌های ورزیده باشند که بتوانند درس را به صورت یک باری شادی بخش کودکانه در آورند  
صدای (ت) آرگداشتن رنان پشت رجه

دندانه‌های بالا و گذشتن هوا از میان سق و رنان و برخورد آن به پشت دندانه‌ها پیدا میشود و در هنگام ادای آن در گلو آرشه پیدا میشود و اگر دست را بر دیک دهان بگیریم هوای صدا آن می‌جورد و حلب توحه بو آموزان و مخصوصاً لالها ناین در نکته بسیار لازم است زیرا که لالها فقط از این راه میتوانند دو صدای (ت) و (د) را از هم تشخیص دهند

آموزگار باید با دو انگشت خود یکی بحای رنان و دیگری بحای دندان شکل حرف را برای بواآمور محسم نماید  
آموزگار باید دقت کند که (ته) یا (تا) یا (تی) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی صدای اصلی (ت) بچسبد

برای ادای صدای بیم کشیده و غلیظ و نادرنگ (ت) تقریباً چند لحظه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود

## روش آموزش

آموزگار: پیش از شان دادن تصویر کودک دیره صدای (ت) را چندین بار مکرر و غلیظ و نادرنگ ادا میکنند و نارنان کودکانه

بیم کشیده و غلط و نا درنگ چندین بار ادا می کند و با دست های خود چسبیدن سرربان را به جلوسق نشان میدهد و میگوید وقتی که (ح) میگوئیم سرربان به سق می چسبد و بعد هوا فشار میدهد و از اطراف سرربان در پشت دندانها بحث میشود و در گلو و دندانها احساس لرزش میگردد

**شاگردان :** صدای (ح) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که باعث جاب توحه و آموزش گردد و در هنگام ادای صدا با دست خود شکل حرف را می سازند ولی باید سرانگشت های بالا، طرف پائین خم شود و آن علامت دندانها در امتداد سق است

**آموزگار :** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد، ارزیابی و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف میکند و شرح میدهد که این سق و دندان است و این زبان است که سر آن کج شده و بحلوی سق چسبیده است و بعد از شرح کافی انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید :

این می که (ح) بیم کشیده و غلط و نا درنگ

**شاگردان :** صدای (ح) را بیم کشیده و غلط و نا درنگ ادا میکنند و با دست شکل حرف (ح) را نشان میدهند.

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر میگذارد و شاگردان میپرسند :

این چی می که ؟

**شاگردان :** (ح) بیم کشیده و غلط و نا درنگ

**آموزگار :** هنگام ادای (ح) بیم کشیده و غلط و نا درنگ دست شاگردان را بر گلوی خود میگذارد و میگوید این صدا در گلو لرزش می سازد

### کلیات راجع به ب، د، ی، ف، غ و همزه .

\* آموزگار باید آنچه در دیل راجع به این دسته از حروف بطور کلی و در درس مخصوص هر يك از آنها نوشته شده است با کمال دقت بخواند و نکات نمی را در نظر داشته باشد و رعایت کند

یاد دادن این صداها بطوری که موافق ذوق و طبیعت بآموز و مخصوصاً بآموز کودک باشد و او را حسته و متحرک نکند مشق و دقت لازم دارد و لهدا آموزگار باید از درس (ی) بآموزان را در ادای این صداها در آخر، به سہائی، مکرر و در اول مشق بدهد و با تقیین نداشته باشد که ادا کردن این صداها را خوب یاد گرفته اند شروع به یاد دادن حروف و خواندن آنها در کلمه نماید

بخطی سپردن شکلهای حروف این صداها بسیار آسان است ولی درست ادا کردن آنها در وقت خواندن مشکل و لهدا باید قبل از درس بآموزان را در ادای این صداها ورزش کامل داد

هر صدائی که از گلو و بعد از دهان بیرون میاید میتوان با دولت، سر زبان، سطح یا پهنی زبان، ته زبان، سر زبان یا در گلو حلوی آرا گرفت و یا آرا نرید

اگر صدائی را با دولت بریم (ب) شنیده میشود آب، حوب

اگر صدائی را با سر زبان بریم (د) شنیده میشود باد، بود

اگر صدائی را با سطح یا پهنی زبان بریم (ی) شنیده میشود آی، های

اگر صدائی را با ته زبان بریم (ک) شنیده میشود سک، رک

اگر صدائی را با سر زبان بریم (ع) فارسی شنیده میشود ناع، راع

اگر صدائی را در گلو بریم (همزه) شنیده میشود اع، سع

وقتی که صدائی از گلو و دهان بیرون بیاید و آن صدایا بریم باید در همان اجطه هوائی که از گلو بیرون می آید بایستد و الا اگر هوا حران خود را داشته باشد بعد از اسکه مثلاً با لب حلوی صدا گرفته شود هوا فشار میآورد و صدای اصافی دیگری شنیده میشود

شرح میدهد که هنگام ادای این صداسرزبان پشت رجه دندانه‌های بالا است و هوا فشار می‌آورد تا از سر زبان و دندانه‌ها بگذرد و صدای «ت» شنیده شود. همچنین هنگام ادای این صدا يك انگشت را بجای دندان و يك انگشت را بجای زبان گرفته و شکل حرف «ت» را محسوس میکند

**شاگردان:** یکی یکی و بعد با هم صدای «ت» را طوری تقلید میکنند که باعث جلب توجه او آموز گردد و مخصوصاً با انگشتان چنانکه شرح داده شد شکل حرف «ت» را محسوس می‌نمایند

**آموزگار:** تصویر كودك دبره را شاگردان نشان میدهد، از ریائی و رنگ آمیزی آن با زبان کود کانه توصیف میکنند و مخصوصاً توجه ساز گردانرا بشکل حرف که نارنگ سرخ روی تصویر نشان داده شده جلب مینماید و شرح میدهد این زبان است و این دندان و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

این می که «ت» بسم کشیده و غلیظ و باد رنگ و مکرر

**شاگردان:** صدای «ب» را بسم کشیده و مکرر و غلیظ و با درنگ ادا میکنند و با انگشتان دو دست خود شکل حرف را محسوس می‌نمایند

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر كودك دبره میگذارد و آن را شاگردان میبرد

این چی می که ؟

**شاگردان:** «ت» بسم کشیده و غلیظ و با درنگ و مکرر

**آموزگار:** هنگام ادای «ت» دست شاگردان را بر گلوئی خود می‌گذارد و می‌گوید اس صدا در گلو لرزش نمی‌اندازد

## پیش از درس



آموزگار باید بداند که یاد دادن صدا و حرف «ب» بطوریکه نو آموز نتواند وقت خواندن آنرا طبیعی ادا کند سخت است و لهذا باید آنچه قبلاً بطور کلی راجع به صدا های بریده و مخصوصاً در ذیل راجع به «ب» نوشته شده است با کمال دقت بخواند و نکات فنی را در نظر داشته باشد و رعایت کند.

همچنین آموزگار و شاگردش باید در ادای صدای «ب» در آخر و به تنهایی و مکرر و در اول کاملاً ورزیده باشند تا در موقع یاد دادن این حرف اشکالی در ادا کردن صدا پیدا نشود

آموزگار باید دقت کند که «ه» یا «نا» یا «نی» گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی «ب» نچسبد.

برای ادای صدای «ب» از زمانی که هوای این صدا از گلو بیرون میآید و پشت لبها می پیچد تا زمان گشاده شدن لبها تقریباً چند لحظه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود تا اینکه نو آموز فرصت پیدا کند که سستی شکل حرف را نال و صدا حس کند

صدای «ب» از نار شدن لبهای بسته یا بهم آمدن لبهای گشاده پیدا میشود و عضو اصلی آن لب است چنانکه اگر لبهای خود را دو دست بگیریم و نگذاریم بسته یا نار شود این صدا را نمی توانیم ادا کنیم

این صدا در گلو ایجاد لرزش میکند و جلب توجه نو آموز و مخصوصاً

آمورگار باید طوری ورزیده باشد که هنگام ادای این صداها صدای اصافی از دهانش بیرون نیاید.

آمورگار پس از اینکه یقین کرد بوآمور می تواند صدا های ب د، ی، گ، ع و همزه را بعد از هر صدائی ادا کند بدون اینکه صدای اصافی پیدا شود باید بوآموران را مشق دهد که هر يك از این صداها را بتوانند به تنهایی ادا کنند و ما برای نمونه ادای صدای (ب) را شرح میدهم و باید پنج صدای د، ی، گ، ع و همزه را هم بهمین روش درس داد.

برای ادای صدای (ب) به تنهایی باید لبها را برهم گذاشت و هوای صدا دار را طوری نادرنگ از گلو خارج کرد که در دهان بیچد و گلو و لپها و فضای میان لب و دندان را کم کم پر کند و در نتیجه فشار هوا دو لب را از هم باز نماید و صدای (ب) تنها بدون صدای اصافی شنیده شود.

واضح است که صدای تنهای (ب) در يك لحظه از بار شدن لبها صدا میشود ولی از لحظه ای که هوای صدا از گلو بیرون میاید و لپها و فضای میان لب و دندان را پر میکند تا لحظه آنکه لب ها از هم باز میشوند باید چند لحظه طول نکشد.

پس از مشق و ورزش کافی در ادای صدای «ب» تنها باید مشق ادای صدای «ب» های مکرر را کرد (بببب)

این حروف مکرر را باید بدون اینکه در میان آنها صدائی پیدا شود ادا نمود پس از اینکه آمورگار یقین کرد که بوآموران در ادای صدای (ب) تنها و مکرر ورزیده شده اند باید بوآموران را در ادای (ب) اول مشق دهد.

با بو بی.

اگر بوآموران در ادای حرف «ب» روشی که شرح داده شد کاملاً ورزیده شوند مشق کردن صدا های دیگر یعنی د، ی، گ، ع و همزه در آخر و به تنهایی و مکرر و در اول برای آنها آسان میشود.



• **شاگردان :** لب نالا و پائیس خود را با دست چپ و راست بگیرید و آنها را دورار هم نگاه میدارید و نمی توانند صدای (ب) را در کلمه (آب) ادا کنند.

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره مکن دارد وار شاگردان می پرسد

اس چی می که ؟

**شاگردان :** (ب) بسیار غلیط و نا درنگ

**آموزگار :** دست شاگردان را هنگام ادای (ب) غلیط و نا درنگ بر کلمه خود میگذارد و میگوید این صدا در گلو لرزش میاندازد

لال به لرزش گلو سسارلارم است زیرا که لالها فرق میان (ب) و (پ) را فقط از این لرزش تشخیص میدهند.

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ب) تنها و مکرر را چندین بار ادا میکند و شرح میدهد که این صدا از بسته شدن نا بار شدن لها پیدا میشود و مخصوصاً باید دقت کند که صدای مکرر

(ب ب ب ب) را

بی آنکه در میان آنها صدای اضافی صدا شود ادا نماید

**شاگردان:** صدای (ب) تنها و همچنین (ب) مکرر را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که باعث جلب توجه بآموزگر گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را به شاگردان نشان میدهد، از ربائی و رنگ آمیزی آن ناربان کودکانه توصیف میامد و مخصوصاً توجه شاگردان را به شکل حرف که لب نالا است و نارنگ سرخ در تصویر نشان داده شده جلب مینماید و بعد انگشت را روی تصویر مگدارد و میگوید این می گه (ب) سسارعیط ونا درنگ و مکرر

**شاگردان:** صدای (ب) را سسار غلط ونا درنگ ادا میکنند

**آموزگار:** لب بالای خود را با شکل حرف در تصویر کودک دیره مقایسه میکند و میگوید صدای (ب) از بار شدن لها یا بسته شدن آنها پیدا میشود و اگر لهای خود را طوری بگیرم که بسته شود و یا اگر بسته باشد نار نگردد صدای (ب) شنیده نمی شود برای بسته شدن لب و شنیده شدن صدای (ب) ناند کلمه هائی مانند (آب) را مثل بیاورید پس از این شاگردان خود مگنویند لهای خود را با دو دست بگیرند و نگذارند بسته شود و نگنویند (آب)

هنگام ادای (د) اگر دست را روی گلو نگذاریم احساس لرزش میشود و جلب توجه بآموران به این لرزش سیار لارم است و مخصوصاً لالها فرق میانه این صدا را با صدای (ت) نایستی ارراه همین لرزش گلو احساس و درك كمنند

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبیره صدای (د) تنها و مکرر را چندین بار ادا میکند و شرح میدهد که این صدا از کجای شدن سر ریان از جلوی سق بواسطه فشار هوایی که در میانه سق و ریان جمع شده پیدا و شنیده می شود و مخصوصاً باید دقت کند که صدای مکرر

(د د د د) را

بی آنکه در میان آنها صدای اضافی پیدا شود ادا نماید

**شاگردان:** صدای (د) تنها و همچنین (د) مکرر را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که باعث جلب توجه بآمور گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دبیره را شاگردان نشان میدهد، از ربنائی و رنگ آمیزی آن با ریان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را بشکل سر ریان که با رنگ سرح در تصویر نشان داده شده جلب مینماید و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

این می که (د) سیار علیط و نا درنگ و مکرر

**شاگردان:** صدای (د) را سیار علیط و نا درنگ ادا میکنند

**آموزگار:** سر ریان خود را با شکل حرف در تصویر کودک دبیره مقایسه میکند و میگوید صدای (د) از کجای شدن ریان از جلوی سق بواسطه فشار هوایی که در میانه سق و ریان جمع شده و با از گرفتن جلوی

## پیش از درس



آمورگار باید بداند که نادر دادن صدا و حرف (د) بطوریکه بآمورستواند وقت خواندن آنرا طبیعی ادا کند سحت است ولهدا باید آنچه قبلاً بطور کلی راجع بصداهای بریده و مخصوصاً درد بل راجع به (د) نوشته شده است تا کمال دقت بخواهد و نکات فنی را در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین باید خودآمورگار و

شاگرداش در ادای صدای (د) در آخر و به تنهایی و مکرر و در اول کاملاً مشق کرده باشند تا در موقع یاد دادن این حرف اشکالی در ادا کردن صدا پیدا شود

آمورگار باید دقت کند که (ده) یا (دی) یا (دال) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (د) بچسبد برای ادای صدای (د) از زمانی که هوای این صدا از گلو بیرون میآید و میان رمان و سق می پیچد تا زمانی که سررمان از جلوی سق برداشته میشود چند لحظه وقت لازم است و باید تا کمال دقت مراعات شود تا اینکه بآموز وقت کافی برای حس کردن سنگی شکل حرف با سررمان و صدا را داشته باشد.

صدای (د) از کمنده شدن سررمان از جلوی سق بر اثر فشار هوا و یا از گرفتن جلوی هوایی که اردهان بیرون میآید با سررمان پیداوشنیده میشود و اگر انگشت را بر سررمان نگذاریم بطوریکه هیچ قسمت از زمان نتواند به قسمت جلوی سق که پشت دندانها است بحورد این صدا پیداوشنیده نخواهد شد.

## پیش از درس



آموزگار باید آنچه قبلاً راجع به صدا های بریده و در دبل راجع به (ک) نوشته شده است با کمال دقت بخواند و سکات فذسی را در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین باید خود و شاگردانش در ادای (ک) در آخر و سیمانی و مکرر و در اول کاملاً ورزیده باشند تا در موقع

یاد دادن این حرف اشکالی در ادا کردن صدا پیدا شود

آموزگار باید دقت کند که (که) یا (کاف) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (ک) نچسبد

برای ادای صدای (ک) از زمانی که هوای این صدا از گلو بیرون میآید و پشت سق و ته زبان می پیچد تا زمانی که ته زبان از سق جدا میشود تقریباً چند لحظه وقت لازم است که ناند با کمال دقت مراعات شود تا اینکه بتواند کاملاً حس نماید که این صدا از کج شدن و چسبیدن ته زبان سق پیدا میشود

همگام ادای این صدا اگر دست را کمی دور از دهان بگیریم چون صدا لرزان و بریده است هوای این صدا بدست نمی خورد و لهذا قسمت حاوی سق در ساختن این صدا دحالتی ندارد و در شکل حرف رسم نمیشود

ملاحظه همگام ادای (ك) علیط و کشیده هوا بدست منحورده و لهذا قسمت حلوی سق چنانکه قبلاً در آموزش « ك » گفته شد در ساختن صدا دحالت دارد و در شکل حرف رسم شده است (صفحه ۸۱)

هوائیکه اردهاں بیرون میآید باسربان پیدا و شنیده میشود. اگر انگشت را سربان نگذاریم نمی توانیم این صدا را ادا کنیم پس از این شاگردان میگوید انگشت را سربان خود نگذارید و بگوئید (آد)

**شاگردان :** انگشت را سربان خود میگذارید و نمی توانند (آد) را بگویند (در اینحالت چون انگشت حلوی سربان را گرفته است (آگ) ادا میشود)

**آموزگار :** انگشت خود را روی تصویر کودک دبیره میگذارد و از شاگردان میپرسد

این چی می گه

**شاگردان :** (د) سیار علیط و نا درنگ

**آموزگار :** دست شاگردان را هنگام ادای (د) علیط و نادرنگ بر گلوی خود میگذارد و میگوید نه بینید این صدا در گلو لرزش میاندازد ملاحظه آموزگار باشد پس از درس 'د' و پیش از درس (گ) دوباره درس (ی) را که در صفحه (۶۴) شرح آن داده شده تکرار نماید زیرا که تعلیم صدای (ی) سحت است و مراجعه و تکرار لازم دارد

• پس از این شاگردان خود میگویند دهان خود را باز کنید و بی آنکه زبان شما به سقف بچسبد بگویند «ک»

**شاگردان:** دستور آموزگار دهان خود را باز می کنند و نمی توانند بدون چسبیدن ته زبان به سقف صدای «ک» را ادا کنند

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دسره میگذارد و از شاگردان می پرسد

اس چی می گه ؟

**شاگردان:** «ک» بسیار غلیظ و ما درنگ

**آموزگار:** هنگام ادای «ک» غلیظ و ما درنگ دست شاگردان را بر گلوئی خود میگذارد و میگوید به سمید این صدا در گلوئی من لرزش میآید

در نظر گرفتن این نکته در هنگام یاد دادن دو حرف (ك) و (ك) به لالان اهمیت زیاد دارد زیرا که ایشان فقط از خوردن و نخوردن هوای صدا بدست و لرزش و بلریدن گلو میتوانند این دو صدا را از هم تشخیص دهند و ادا کنند

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ك) تنها و مکرر را ادا میکند و چگونگی وضع زبان سست به سق و بریدگی صدارا با زبان کودکانه شرح میدهد

مخصوصاً باید دقت کند که صدای مکرر

(ك ك ك ك ك) را

بی آنکه در میان آنها صدای اضافی پیدا شود ادا نماید

**شاگردان:** صدای (ك) تنها و همچنین (ك) مکرر را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که باعث جلب توجه بآموذگردد

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد، از ربنائی و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را شکل زبان و قسمت عقبی سق که نارنگ سرخ در تصویر نشان داده شده جلب مینماید و بعد انکشت را روی تصویر میکندارد و مگوید

این می که (ك) لساار علیط و نا درنگ و مکرر

**شاگردان:** صدای «ك» را بسیار علیط و نا درنگ ادا میکنند

**آموزگار:** نا دست های خود شکل حرف را محسوس میکنند و پس از مقایسه شکل حرف که نا دست محسوس کرده نا تصویر کودک دیره شرح میدهد که این صدا از چسبیدن ته زبان به سق پیدا میشود و اگر دهان را باز کنیم و ته زبان به سق بچسبد این صدا را نمیتوانیم ادا نمائیم.



و مکرر را ادا میکند و چگونگی پیدا شدن این صدا را در حلق با زبان کودکانه شرح میدهد و مخصوصا باید دقت کند که صدای مکرر

(ع ع ع ع) را

بی آنکه در میان آنها صدای اضافی پیدا شود ادا نماید

**شاگردان:** صدای (ع) تنها و همچنین (ع) مکرر را یکی یکی

و بعد با هم بطوری تقلید می کنند که باعث حلق توحه بو آموز گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را نشان می دهد، اربابانی

و رنگ آمیزی آن با زبان کودکانه توصیف میکند و مخصوصا توحه شاگردان

را شکل س زبان که در امتداد آن حریره رسم شده و منتهای سق و

زبان کوچک، او بران حلق مسماید و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد

و میگوید

این می که (ع) سیار غلیط و نا درنگ و مکرر

**شاگردان:** صدای (ع) را سیار غلیط و نا درنگ ادا می کنند

**آموزگار:** پس ارمقایسه شکل حرف تصویر کودک دیره ناشکلی

که او با انگشت روی صورت و کردن خود می کشد شرح میدهد که این

صدا از چسبیدن س زبان نگلو پیدا میشود و اگر در ته گلو بستگی پیدا

شود این صدا را نمی توانیم ادا کنیم

پس ارا این شرح انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگذارد

و ارا شاگردان میپرسد

این چی می که ؟

**شاگردان:** (ع) سیار غلیط و نا درنگ

**آموزگار:** دست شاگردانرا هنگام ادای (ع) غلیط و نا درنگ

بر گلوی خود میگذارد و میگوید به بینید این صدا در گلوی من لرزش

میاندارد.

## پیش از درس



آموزگار نباید آنچه قبلاً راجع به صداهای بریده و در دبل راجع به (ع) نوشته شده است با کمال دقت بخواند و نکات فنی را در نظر داشته باشد و مراعات کند

همچنین آموزگار و شاگردش باید در ادای صدای (ع) در آخر و نه تنهائی و مکرر و در اول کاملاً ورزیده باشند تا در موقع ندادن این حرف اشکالی در ادا کردن صدا پیدا نشود

آموزگار نباید دقت کند که (عه) یا (عن)

گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (ع) نچسبد

برای ادای صدای (ع) از زمانی که هوا در مایه هوا صدای ارگلو بیرون میاید تا زمانی که سبب ریان ارسق جدا شود تقریباً لحظه ای وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود و مخصوصاً آموزگار باید در نظر داشته باشد که چون فضا بالداره کافی برای جمع شدن هوای این صدا نیست، رمان ادای این صدا کوتاهتر از رمان ادای حرفهای بریده قلبی است ولی رویهمرفته ادای این صدا آسانتر و طبیعی تر است

لالهائی که دست آنها کاملاً برای احساس کردن صدا ورزیده شده باشد و ریان و دهانشان بواسطه نکردن مشق کافی ورزیده شده است در هفته های اول آموزش (ک) و (ع) را بجای هم ادا خواهند کرد این نقص با ورزش کافی پس از چند ماه خود بخود رفع خواهد شد و لهذا آموزگار نباید اصرار زیاد کند و یا بومید و حسته شود

همگام ادای این صدا در گلو احساس لرزش میشود و جلب توجه

بو آموزران باین لرزش لازم است

روش آموزش

آموزگار: پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (ع) تنها

شرح میدهد که این صدا از لای دندانهای بالا و لب پائین بیرون میاید  
ویر' نا دو انگشت دو دست خود شکل حرف را محسوس نماید

**شاعرگردان:** صدای (و) را یکی یکی و بعد نا هم طوری تقلید  
میکند که باعث جلب توجه و آموخته شود همچنین نا دو انگشت دو دست  
خود شکل حرف را نشان میدهند

**آموزگار:** تصویر کودک دبیره را به شاگردان نشان میدهد،  
از ریائی و رنگ آمیزی آن ناربان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً  
توجه شاگردان را به شکل حرف که نارنگ سرخ در تصویر نشان داده  
شده جلب مینماید و بعد انگشت را روی تصویر میگذازد و میگوید

این چی می که (و) بسیار کشیده و غلیظ و ناردرنگ

**شاعرگردان:** صدای (و) را بسیار کشیده و غلیظ و ناردرنگ ادا  
مکنند و شرح میدهد که شکل حرف چگونه پیدا شده است

**آموزگار:** چندین بار صدای (و) را نا هم بدون اضافه کردن  
صدائی در میان آنها ادا میکند و شرح میدهد که فرق این دو صدا است  
که در موقع ادای (و) در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود

**شاعرگردان:** دو صدای (و) را چندین بار نا هم تکرار مکنند  
و شرح میدهند که در ادای کدام يك در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دبیره میگذازد

و از شاگردان میپرسد

این چی می که ؟

**شاعرگردان:** (و) بسیار کشیده و غلیظ و ناردرنگ

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به صدای « و » و شکل حرف آن در دیل و سائقاً راجع به « و » نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فنی را در نظر داشته باشد و رعایت کند همچس آمورگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا ناندازه‌ای ورزیده باشند که نتواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورد

صدای ( و ) مانند صدای « و » که سائقاً

شرح آن داده شد از گذاشتن لب پائین بربر دندانهای بالا و گذشتن هوا از میان دندانها و لب بربرین پیدا میشود ولی هنگام ادای این صدا در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود و حلت توحه بآموران مابین لرزش سیارلارم است زیرا بآمور لال فقط از این راه میتواند ایندو صدارا ارم تشخیص بدهد

آمورگار و شاگردانش باید با دو انگشت دو دست خود یکی بحای دندان و دیگری حم شده بحای لب بربر از بیم رح، شکل حرف را برای بآمور محسم تمامند

آمورگار و شاگردانش باید دقت کنند که (وه) یا (واو) یا (وی)

گفته شود و هیچگونه صدای اصافی به صدای اصلی ( و ) بچسند

برای ادای صدای کشیده و غلیط و نا درنگ ( و ) تقریباً یکی

دو نایه وقت لارم است که باید با کمال دقت مراعات شود

## روش آموزش

آمورگار: پیش ارشان دادن تصویر کودک دیره صدای ( و )

را چندس بار کشیده و غلیط و نا درنگ ادا میکنند و باران کودکانه

چسبیده بهم راندون اس که در میان آنها صدائی پیدا شود ادا نماید و مخصوصاً باید هنگام ادای این دو صدا با هم توجه کند که حالت درون دهان در وقت ادای این دو صدا تعمیری نمیکند فقط در هنگام ادای (ژ) در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود

### روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دبیره صدای (ژ) را چندین بار کشیده و غلیظ و با درنگ ادا میکند و شرح میدهد که هنگام ادای این صدا وسط زبان سق بربک و هوای صدا پشت دندانها پخش میشود و از سرولای آنها میگذرد و در گلو و دندانها لرزش می اندازد

**شاگردان:** صدای (ژ) را یکی یکی و بعد با هم طوری تقلید میکنند که باعث جلب توجه او آموزش گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دسره را نشان گردان نشان میدهد، از ریائی و رنگ آمیزی آن زبان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را به شکل حرف که سق و دو دندان بالا و پائین جلو از سمرج میباشد و در تصویر با رنگ شرح نشان داده شده جلب مینماید و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید

اس می که (ژ) بسیار کشنده و غلیظ و با درنگ

**شاگردان:** صدای (ژ) را بسیار کشنده و غلیظ و با درنگ ادا

می کند

**آموزگار:** دندانهای خود را با شکل حرف در تصویر کودک دسره مقایسه میکند و میگوید اگر دندانهای خود را از هم بار کنیم نمی توانم صدای (ژ) را ادا کنیم پس شاگردان خود میگویند دهان را بار کنند بطوریکه دندانهای شما رویهم باشد و بگویند (ژ)

**شاگردان:** دهان خود را کاملاً بار می کنند طوری که دندانهای

آنها رویهم باشد و نمی تواند صدای (ژ) را ادا کند

## پیش از درس



آمورگار باید آنچه قلا راجع به (ش) و (ر) و در دبل راجع به (ژ) نوشته شده با کمال دقت بخواند و نکات فنی را در نظر داشته باشد و رعایت کند همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش باندازه ای در ادای این صدا ورزیده باشد که بتواند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورد صدای (ژ) از بردیک شدن وسط زبان

3.

به سق و گذشتن هوا از میان زبان و سق و بخش شدن آن در پشت ولای دندانهای بر هم گذاشته پیدا میشود همچنین میتوان این صدا را با بلند کردن سر زبان بطرف جلوی سق در حالتیکه زبان شکل اودانی شود با دندانهای بسته ادا کرد و این حالت دومی برای ادای صدای (ژ) بصفت معلم لالها مناسبتر است هنگام ادای این صدا اگر دست را بردیک دهان بگیریم هوای صدا مانند (ش) بدست نمی خورد ولی در گلو و دندانها احساس لرزش میشود و حلت توحه نو آموران ناین نکات بسیار لازم است زیرا که لالها فقط از راه احساس لرزش در گلو میتواند فرق (ش) و (ژ) را تشخیص دهد

آمورگار باید دقت نماید که (ژه) با (ژا) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (ژ) نچسبد

برای ادای صدای (ژ) کشیده و غلیظ و با درنگ تقریباً یکی دو ثانیه وقت لازم است که باید با کمال دقت مراعات شود

همچنین آمورگار و شاگردانش باید مشق کنند که دو صدای (ش ژ)

## پیش از درس



آموزگار باید آنچه در دیکر راجع به  
ادا کردن صدا و شکل حرف این (و) نوشته  
شده است تا کمال دقت بخواند و نکات فنی  
را در نظر داشته باشد

این (و) در کلمه هائی مانند نوکه صد  
کهنه و جو که از جاواذه گندم است  
وجود دارد و در فارسی همیشه بعد از  
(0) که صمه یا پیشه باشد میاید

آموزگار باید خود و شاگردش در ادای این (و) بعد از (0) و  
مکرری صدای اصافی و محسم کردن شکل آن تا لها و تطبیق آن تا تصویر  
باندازه ای ورزیده باشد که بتوانند درس را بصورت يك ناری شادی بخش  
کودکانه ای در آورند

صدای این (و) را مانند (ی) میتوان هم بریده و هم بيم کشده  
ادا کرد و هنگام ادای آن باید لها طوری جمع شود که هم بچسند و  
صدا تبدیل به صدای (ب) نگردد و همچس نباید صدا را باندازه ای  
کشید که تبدیل به صدای (او) شود

تا وقتی که نوآموز در ادای این صدا بعد از (0) و نه تنهائی و مکرر  
ورزش کافی نکرده باشد باید از روی کودک دیره درس داد

## روش آموزش

آموزگار: پیش از نشان دادن کودک دیره صدای این (و) را  
چندین بار بعد از (0) و مکرر (و و و و) بی آنکه در میان آنها  
صدای اصافی پیدا شود ادا می کند

شاگردان: صدای این (و) را بعد از (0) و همچن مکرر و

**آمورگار:** چندین بار صدای (ش ز) را با هم بدون اضافه کردن صدائی در میان آنها ادا میکند و شرح میدهد که فرق این دو صدا این است که در موقع ادای (ز) در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود

**شاگردان:** دو صدای (ش ز) را چندین بار با هم تکرار میکند و شرح میدهند در ادای کدام یک در گلو و دندانها لرزش پیدا میشود

**آمورگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره میگردد و ار شاگردان میپرسد

این چی می که؟

**شاگردان:** (ز) سیار کشیده و غلیظ و با دره گ

ملاحظه چون در ادای این صدا سق هم در حالت دارد لهذا مقطع جلو سق بر مقطع دو دندان اضافه شده است

آمورگار باید این نکته را با دقت شرح دهد و ار شاگردان بپرسد تا آنها هم شرح دهند



## پیش از درس



آمورگار باید آنچه راجع به صدای (پ) و شکل حرف آن در ذیل و سابقاً راجع به (ب) نوشته شده است تا کمال دقت بحوادث و نکات فنی را هنگام آموزش در نظر داشته باشد و رعایت کند

همچنین آمورگار باید خود و شاگردانش در ادای این صدا ننداره ای ورزیده باشند که بتوانند درس را بصورت يك ناری شادی بخش کودکانه در آورند

صدای (پ) از گذشتن هوا از میان لها پیدا میشود و اگر لهای خود را طوری بگیریم که بسته نشود نمی توانیم این صدا را ادا کنیم فرق میان (پ) و (ب) این است که صدای (پ) را میتوان کشید و هنگام ادای آن اگر دست را دور اردها بگیریم هوای صدا بدست میخورد و در گلو احساس لرزش می شود در صورتی که صدای (ب) را نمی توان کشید و هوای صدا از دور بدست نمی خورد و در گلو احساس لرزش میشود

آمورگار باید توجه بآموران را باین نکات جلب کند زیرا لالا فقط از لرزش گلو و خوردن هوا بدست میتواند صدای (ب) را از (پ) تشخیص دهند

آمورگار و شاگردانش باید دقت نمایند که (پی) یا (په) یا (پا) گفته شود و هیچگونه صدای اضافی به صدای اصلی (پ) نچسبد برای ادای صدای کشیده و غلیظ و نا درنگ (پ) تقریباً یکی دو نایه وقت لازم است که باید تا کمال دقت مراعات شود

بی صدای اصافی یکی یکی و بعد با هم طوری ادا می‌کند که باعث حلق  
توجه نوآموز گردد

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان می‌دهد،  
از ریثائی و رنگ آمیزی آن ناربان که و دانه توصیف می‌کند و مخصوصاً  
توجه شاگردان را شکل حرف که با رنگ سرخ روی تصویر نشان داده  
شده حلق می‌سپاید و بعد انگشت را روی تصویر می‌گذارد و می‌گوید

اس می که ( و و و و ) سیار غلط و با درنگ و مکرر

**شاگردان:** صدای این ( و ) را سیار غلط و با درنگ

بعد از (0) ادا می‌کند

**آموزگار:** لههای خود را در حالت ادای این صدا با شکل حرف

در تصویر کودک دیره مقایسه می‌کند و می‌گوید این صدا از جمع شدن و  
پیش آمدن لها پیدا میشود و اگر لها را مانند تصویر جمع نکیم این  
صدا را نمی‌توانیم ادا کنیم

**شاگردان:** سعی می‌کنند با لههای جمع شده این صدا را ادا

کنند و نمی‌توانند

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر می‌گذارد و از شاگردان

می‌پرسد

اس چی می‌که

**شاگردان:** ( و ) سیار غلط و با درنگ و مکرر و بعد از (0)

**آموزگار:** دست شاگردان را هنگام ادای این ( و ) بر کلمه

خود می‌گذارد و می‌گوید این صدا در کلمه لرزش می‌اندازد

## خواندن و املا

اگر تا اینجا مطابق دستور های فنی این جرعه رفتار شده باشد و بآموز صفحه آخر کودک دیره را بخواند پس از آن هر کلمه و عبارتی که با این حروف نوشته شود میتواند درست بخواند ولی رویهم رفته بآموز هنوز کند است و برخی نمیتوانند حروف را بی تأمل و طبعی بهم بچسبانند و معنی کلمات را پس از خواندن فوراً درک نکنند

### کتاب هوشی و موشی

برای مشق خواندن بآموزان و آشنا شدن چشم ایشان بحروف، کتاب دیگری بنام « هوشی و موشی » چاپ شده است این کتاب با تصویر های زیبایی آراسته است و برای سرگرم کردن کودکان شش هفت ساله و سالمندان بسیار مناسب میباشد

در کتاب هوشی و موشی ( چاپ دوم ) شکل حرف ( ب ) با شکل حرف ( پ ) کودک دیره کمی فرق دارد لهذا آموزگار باید قبل از شروع به این کتاب بطوری که در ذیل شرح داده شده شکل ساده تر ( ب ) را که مقطع بيمرخ چپ لب بالا است برای بآموز شرح بدهد

### روش آموزش

آموزگار دوشکل ( ب ) و ( پ ) بيمرخ را در دو طرف حرف ( ب ) که شکل لب است از روبرو بطریق ذیل رسم میکند



و شرح میدهد که ( ب ) و ( پ ) هر دو از لب ادا میشوند و اگر

## روش آموزش

**آموزگار:** پیش از نشان دادن تصویر کودک دیره صدای (پ) را چندین بار کشیده و غلیظ و نا درنگ ادا میکند و نا زمان کودکانه شرح میدهد که این صدا از گذشتن هوا از میان لبهای برهم گذاشته شده پیدا میشود و هوای این صدا شدت بدست می خورد و در گلو احساس لرزش می شود

**شاگردان:** یکی یکی و بعد با هم صدای (پ) را طوری تقلید می کنند که باعث جلب توجه و آموزش گردد و شرح میدهند که هوای این صدا از میان لبها می گذرد و بدست می خورد و در گلو احساس لرزش می شود.

**آموزگار:** تصویر کودک دیره را شاگردان نشان میدهد، ارزیابی و رنگ آمیزی آن باربان کودکانه توصیف میکند و مخصوصاً توجه شاگردان را به شکل حرف که بمرخ لب بالا است و در تصویر نارنگ شرح نشان داده شده جلب می نماید و بعد انگشت را روی تصویر میگذارد و میگوید این می که (پ) بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ

**شاگردان:** صدای (پ) را بسیار کشنده و غلیظ و نا درنگ ادا می کنند.

**آموزگار:** شرح میدهد که اگر لبهای خود را طوری بگیریم که سته شود می توانیم صدای (پ) را ادا کنیم

**شاگردان:** لبهای خود را می گیرند به طوری که سته شود و می توانند صدای (پ) را ادا کنند.

**آموزگار:** انگشت خود را روی تصویر کودک دیره می گذارد و از شاگردان می پرسد

این چی می که؟

**شاگردان:** (پ) بسیار کشیده و غلیظ و نا درنگ.

در کتاب **برزوی بازیگوش حرف (س)** يك دندان دارد ولی در كودك دیره شكل آن با دو دندان نشان داده شده .

سب اینکه در كودك دیره شكل حرف را با دو دندان نشان دادیم این است که بآمور آنرا رودتر یاد میگیرد ولی پس از اینکه بآمور خواندن را آموخت و چشمش کاملاً بحروف آشنا شد حذف کردن يك دندان از شکل حرف (س) برای او تأثیری ندارد

آمورگار باید شكل حرف (C) را که با يك دندان رسم شده نه بآمور نشان بدهد و با زبان کودكانه حذف شدن يك دندان را شرح دهد و بگوید که اینطوو نوشتن آسانتر است

پس از این توضیحات آمورگار باید يك صفحه از کتاب بر روی باری گوش را نادرک و شمردده برای بآمور بحواند وبعد او را درحواندن کمک کند بی آنکه از او غلط بگیرد بلکه هر وقت بآمور غلط حواند، او آن کلمه را درست و شمردده ادا نماید و در ضمن حواندن توجه بآمور را بشکل حرف «آ» و «و» که عکس هم هستند و راجع به حروف دیگر که برای ربائی حط چرحنده اند جلب نماید

برای حواندن باید چاپ دوم **برزوی باری گوش** که حلد رنگی

دارد بکار رود.

لمهای خود را نادر دست بگیریم و نگذاریم سسته یا نار شود ایندو صدا را نمیتوانیم ادا کنیم پس شکل حرف ایندو صدا باید از روی لب رسم شود و برای اینکه شکل این دو حرف با هم فرق داشته باشد یکی را از بیم رخ چپ لب نالا و دیگری را از بیم رخ راست لب نالا رسم میکنیم

چون نوشتن (ب) بیمرح آسانتر است لهذا آنرا همیشه از بیمرح خواهیم نوشت و اینکه در کودك دیره شکل (ب) را از روبرو رسم کردیم برای این بود که واضح تر بود و رودتر میشد آنرا یاد گرفت

پس از این توضیحات که باید تا زمان کودكانه بیان شود آموزگار اول چند سطر اول کتاب هوشی و هوشی را نادرنگ و شمرده برای نوآموز میخواند و سپس نوآموز را در خواندن کمک میکند

اگر نوآموز در وقت خواندن غلط بخواند باید از او غلط گرفت بلکه باید فوراً کلمه را نادرنگ و شمرده خواند و نگذاشت فکر نوآموز خسته شود و احساس کند که از او غلط میگیرند

همین که آموزگار یقین کرد که نوآموز میتواند کلمات و جمله ها را نادرنگ و شمرده و روان بخواند باید هنگام خواندن کتاب را در حدود بود درجه بچرخاند تا اینکه چشم نوآموز حروف را در هر جهتی که باشد تشخیص دهد و بخواند.

### کتاب کودكانه نر زوی بازی گوش

این کتاب کودكانه با حروف گشته نوشته شده است یعنی برخی از حروف برای ربائی و تناسب خط بود درجه چرخیده است کلمه گشته که در اینجا برای چرخاندن وضع طبیعی حرف بکار بردیم از اصطلاحات قدیمی تاریخ خط در ایران میباشد و ایرانیان در قدیم دو خط نام « گشته دبیره » و « نیم گشته دبیره » داشته اند که هر یک را برای مقصد معینی بکار میبردند.

در چاپ اول کتاب موش و گربه ملاحظاتی شکل حرف (آ) را از جووف دهان گرفتیم و لهذا صورت آن با صورت (آ) در خیام و حافظ فرق دارد و باید این نکته را به او آموزش تدکر داد در چاپ های بعد موش گربه شکل (آ) مانند حافظ و خیام خواهد بود \*

### مشق خط

برای دستور مشق خط جرؤه جداگانه ای در ایران کوده، چاپ خواهد شد و در آن جرؤه شرح داده میشود که چگونه ممکن است کودکان را در هر خطی خوش نویس کرد ولی تا اتمام آزمایشها و انتشار آن جرؤه فقط چیزیکه میتوان در این جا نوشت این است که کودکان پس از شش سالگی و سالمندان باید از روی همین کتاب ها بنویسند و تا خط آنها ریبا و پخته شود نباید آنها را خط تحریری یاد داد خط تحریری که برای تند نویسی ایجاد شده است تعلیم آن در ابتدا برای نوآموران ضرر دارد

### دیکته یا املاء

یکی از بررگترین عوامل اتلاف وقت و از بین بردن استعداد های نوآموز دیکته است. علمای لغت قدیم و جدید هنوز برای این کار عرطبعی کلمه صحیحی پیدا نکرده اند زیرا که به کلمه لاتین (دیکته) و به کلمه دخیل (املاء) در عربی دلالت بر چنین عمل بیپوده ای دارد

برخی از ملل بطوری گرفتار دیکته هستند که اگر دست باصلاحات زبند کلیه نوشته های آنها بهم میخورد و صورتی دیگر بخود میگیرد و چنین اصلاحاتی ناسانی امکان ندارد

ترس و وهم دیکته از دستان تالب گور با انسان است و بسیاری میزان معلومات دیگران را از دیکته شروع و به دیکته ختم میکنند و حقیقت

\* این شکل حرف (آ) حومی است که در صفحه (۶۶) جزوه دوم ایران کوده «دبیره» شرح داده شده است و اینکه پنج سال پیش ابطور چاپ شده برای آزمایش بوده این حرف برای صدای (آ) در زبان عربی است

## همزه ع

رای خواندن و نوشتن فارسی کنوی که در آن کلمات عربی و معرب  
نکار رفته احتیاج به شکل حرف همزه میباشد \*

آمورگار باید به کلیاتی که در صفحه (۸۹) این گروه راجع به صداها  
بریده نوشته شده است دوباره مراجعه کند و روشی که در آنجا شرح داده  
شده بآموز را در ادای این صدا ورزش دهد و کلمه هائی مانند بعد، بعد،  
رعد، ضایع و مسئول را کشیده و علیط و نا درنگ ادا کند تا بآموز تقلید  
سوده و به چگونگی این صدا و احتیاج شکل حرف آن در کلمه پی برد  
پس از جاب توجه بآموز به احتیاج به حرف این صدا آمورگار  
باید شرح دهد که این صدا اولین صدائی است که از ته گلو بیرون میاید  
و چون محرح این صدا درنگ محرح صدای (ا) میباشد لهذا شکل حرف آنهم  
بدر نظر گرفتن جهات فنی و تاریخی درنگ بحرف (ا) رسم شده است <sup>۱۵</sup>  
چون در این مرحله از آموزش چشم بآمور کاملاً بحروف و تشخیص  
آنها از هم آشنا است لهذا کوچکترین زحمت در نادگرفتن این حرف ندارد.

### موش و گربه و خیام و حافظ

تا کنون کتاب موش و گربه و منتخباتی از حافظ و خیام چاپ  
شده که بجهت مشق خواندن بآموزان سزار لازم و مفید میباشد و امید  
است در آینده کتابهای بسیاری که مخصوص مراحل مختلفه بآموران کودک  
و سالمند و لال و کم هوش باشد چاپ و در دسترس خوانندگان گذاشته شود

\* بحث در موضوع همزه و معنی این اسم و موارد نکار بردن آن از موضوع  
این گروه خارج است و باید در حروء دیگر شرح داده شود ولی برای اطلاعات بیشتری  
رجوع شود به حروء دوم ایران کوده « دیره » صفحه ۴۲ و ۵۳ .  
\* رجوع شود به حروء دوم ایران کوده « دیره » صفحه ۶۳ .



( و بلبها ) مخصوص عربی که عیرازصوتهای فارسی است\* بیر مر آنها اصافه شود میتوان برای رنان عربی « کودك دیره » ای تهیه کرد که کودکان عرب نیز قتل ار پمجالگی صدا شناسی و حوادن را یاد نگردد و توانند مثلاً قرآن را با کمال فصاحت بحوانند

۲ - در رنان فارسی کلمات عربی با تلفظ فارسی ادا میشود و اگر حواسته ناشیم درجائی اصل کلمه عربی را برای مراحعه به لغت نشان دهیم باید شکل حروف عربی را بحای نقطه روی حروف فارسی قرار دهیم تا اینکه هم تلفظ حروف فارسی به قوه خود باقی بماند و هم اصل عربی آن نشان داده شده باشد چنانکه در دیل نموده شده است \*

ص ح ث ج . ط ز ض ر . ن ر  
ح ه غ ق . ع ط آ

در خط کنونی ما هفده حرف است که اصلاً نقطه نداشته و از چند قرن بعد از هجرت روی آنها علامت نقطه گذاشته اند اگر بحای آن هفده علامت يك بواحت همت علامت مختلف فنی گذاشته شود ایحاد رحمتی برای بوسنده در رنان فارسی بخواهد کرد

در هر صورت تعلیم این طریقه به کودکان ایرانی باید بعد از هشت سالگی شروع شود و ما در اینجا فقط برای تکمیل این حروه به ذکر آن پرداختیم .

\* رنان عربی بطور کلی دارای سه ویل اصلی بیشتر بیست و این سه ویل در حالت کوتاهی سه حرکت میشود  
رجوع شود به « اساس حدوث الحروف ابن سینا »

و او عربی با « و » فارسی اختلاف دارد ولی چون « و » فارسی در عربی بیست علامتی لازم ندارد و اشتباه میشود

اینست که اصرار در دیکته جز توهم و عادت چیزی نیست .  
 يك سخنور يا يك واعظ زير دست ممکن است چند ساعت حرف  
 برد و شور و ولوله در مردم بیاندازد و شنوندگان همه سخنان او را درک  
 کنند بی آنکه درسخترانی خود اشاره‌ای به املائی کلمه نکنند. پس فی الحقیقه  
 معنای کلمه را جمله نعیس میکند و ربطی با املاء ندارد .

در فارسی صدا های متشابه بیست و املاء در مورد کلمات عربی  
 دخیل و معرب است که در فارسی بی آنکه احتیاجی به آنها باشد نگار  
 می‌رود و لهدا لارم است در ذیل طریقه ضبط حروف عربی را تا تلفظ عربی  
 و همچنین تا تلفظ فارسی شرح دهیم

برای تکمیل این روش دو طریقه فنی برای نشان دادن املائی  
 کلمات عربی بیان میکنیم که در مورد لزوم مراعات شود

۱- در صورتیکه بخواهیم کلمات عربی را تا تلفظ واقعی عربی ضبط  
 کنیم باید حروف صدا های مخصوص عربی را مطابق اصولی که در صفحه (۱۵)  
 شماره دوم ایران کوده (دبیره) نوشته شده رسم نمائیم و نگار بریم

رمان عربی دارای ده صدا میباشد که در تلفظ فارسی ادبی کنونی  
 بیست و حروف آن ده صدا از قرار ذیل است

ض . ن . ص . ع . ز . ت . ح . ه . ث . †  
 ق . گ . ع . ر . ع . α . ظ . ل . ط . π

هنگام رسم و انتخاب حروف صدا های عربی از روی مقاطع دهان  
 کلیه جهات فنی و تاریخی و تعلیم در نظر گرفته شده است \* و اگر صوت های

\* مثلا شکل (ض) در کلیشه سطح رمان است و در خط کوفی حرف (ص)  
 کشته این شکل است چون شکل این حروف ناصدهای آنها مربوط است تعلیم و معاظر  
 سپردن آن آسان میباشد و برای چاپ و تند نویسی هم مناسب است پس کلیه جهات  
 تاریخی و فنی در انتخاب شکل حرف مراعات شده است

«ق» و «غ» عربی تلفظش با «ع» فارسی فرق دارد .

میدارند و با محور به حفظ سرود های کودکانی مینمایند و این هر دو برای کودک بی نتیجه و مصراست در صورتیکه نا این روش بوالاوه آنکه کودک به اصول صدا شناسی و تشریح دهان و خواندن در مدت بسیار کوتاهی آشنا میشود اولین فایده محسوسی که از این تعلیمات ساده کودکانه خواهد برد این است که پس از چند هفته هر سرودی را که برای او میسند با تلفظ صحیح میخواند و احتیاجی به حفظ کردن از راه شنیدن و بوسله تکرار ندارد و مجله ها و کتابهای کودکانه را میخواند و با آنها مشغول میشود تا موقعی که نتواند حفظ کنونی فارسی را بخواند

۳- این نکته را باید در نظر گرفت که مقصود از این روش آموزش فقط تعلم خواندن نه کودک نیست بلکه مقصود اساسی این است که استعداد صدا شناسی و توانائی توجه و دقت کودک پرورش یابد و در نتیجه نتواند حفظ های دیگر و موریك و حیر و هندسه و زبانهای خارجه را در مدت کمی ناسابی یاد بگیرد و از راه چند سال از دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان کاسته شود و آن چند سال صرفه حوثی شده بر دوره تحصیلات عالی افزوده گردد

۴- برای تعلیم سالمندان کلاس درس و سارمان و آموزگاران دبیران دار لازمست و باید پرده های نقاشی برای نشان دادن مخارج و مقاطع حروف تهیه کرد و در سرگردد ها برای تشویق و تفریح بی سوادان سالمند معرکه گرفت و آنها را بدون حسنگی به خواندن و نوشتن آشنا کرد.

بهترین آموزگاران برای این کار همان بیسوادانی هستند که با این روش خواندن را یاد گرفته اند

۵- شرحی که درباره برخی صداها و تقسیمات حروف در این حروف داده شده از نظر سهولت تعلیم خواندن است

## ملاحظات

۱- در صفحه (۲۸) گفتیم که اول استعدادیکه کودک ار خودشان میدهد استعداد تشحیص و تولید صدا است و بواسطه داشتن این استعداد است که کودک تا سه چهار سالگی با صافه زبان مادری یکی دوربان دیگر را هم میتواند بحوبی یاد بگیرد این استعداد اکنون در کودکان جهان بواسطه پرورش بیافتن کم کم صعیف میشود و بعد از سه سالگی تقریباً از کار میافتد و معلوم نیست که پرورش یافتن و از کار افتادن این استعداد چه ریایی برای قوای فکری بعد ارسس رشد خواهد داشت زیرا که تاکنون روشی طبیعی و فسی برای پرورش این استعداد بوده و کودکانی هم که اریح سال پیش نا این روش بو تعلیم گرفته اند همور بس رشد برسیده اند که توان مقایسه و حکمی کرد

تنها چیزیکه از چهار سال نا این طرف در عمل ملاحظه شده این است که کودکانی که با این روش پرورش یافته اند از کودکان دیگر در دبستان نیز هوش تر و خوش لهجه تراند، خط فارسی و خطهای دیگر را به آسانی و در مدت بسیار کمی یاد میگیرند و همه در کلاسها شاگرد اول شده اند و در حدود هشت سالگی استعداد مخصوصی ار خود برای فرا گرفتن هندسه و جبر نا روش بو نشان مدهند<sup>۱۵</sup>

برای تعلیم صدا شناسی و خواندن در کودکستان بو سیله تآتر و موزیک و کله های مصنوعی طریقه مخصوصی در نظر گرفته شده که بهتر و مناسستر ار درسهای انفرادی خانواده کی میباشد و امیدواریم که در آینده به عمل و آرمایش گذارده شود

اکنون در کودکستانها با کودک را نا ناریهای بی رویه سرگرم نگاه

<sup>۱۵</sup> شرح این روش بورا برای تعلیم ریاصیات در حروه «ریاصی و فرهنگ»

## آموزش لالاها

در جروة دوم ایران کوده صفحه ( ۱۸ ) راجع به آموزش لال ها اشاره ای شد و اینک پس از چند سال آزمایش دقیق روش آموزش آنها را برای استفاده عموم بیان میکنیم

تعلیم سخن گوئی به لالاها تا کمون کاری پرزحمت بود و حتی در اروپا هم آموزگار ورزیده متخصص لازم داشت ولی اکنون هرکس که دارای ذوق معلمی و احساس نوع پرستی باشد میتواند بوسیله این حروه هر لالی را در اندک مدتی نآسانی سخن گوئی بیامورد

در ایران سرشماری دقیق از لالاها نداریم ولی از روی سرشماری کشور های دیگر و با در نظر گرفتن وسائل بهداشت میتوان تخمین زد که در حدود چهل هزار لال در این سرزمین وجود دارد که تا کمون وسیله ای برای گونا کردن آنها بوده است \*

بیشتر این لالاها حرکری علت مزاحی دیگر ندارند و اگر پیش از سکاره شدن عضلات لب و زبان و گلو شروع به تعلیم آنها شود میتوان آنها را سخن گو و هنرمند بار آورد

اولس قدم گونا کردن لالی است که باوصدا شناسی و خواندن کودك دیره تعلیم شود و وقتی که لالی توانست باآن خط کلمات را شمرده و با درنگ بخواند دیگر انتقال معانی باو اشکال خواهد داشت مخصوصاً وقتیکه کتاب های مخصوص لال ها با تصویر های رنگی مناسب در دسترس آموزگار و لال باشد

برای اینکه لالی تلفظ خوب داشته باشد و صداها را کاملاً از هم تشخیص بدهد باید از پنج شش سالگی شروع بدرس دادن او کرد تا اینکه از همین سن گلو و زبان و لب های او بکار بیافتد و دستش برای حس کردن

\* از آقای دکتر تقی رسوی برای این آمار تشکر میکنیم .

## کم هوش

کودک آنکه چند سال در کلاس اول دستان مانده اند و سختی و کمندی پیش میروند و همچنین سالمندانکه هر چه کوشیده اند نتوانسته اند خط های معمولی را یاد بگیرند فقط با این روش میتوانند ناسواد شوند و بعد خط های دیگر را از روی این خط یاد بگیرند

آرامش های چند سال گذشته ثابت کرد که هر کودک نا سالمندی که باین اندازه شعور داشته باشد که عکس پدر و مادر و کسان خود را شناسد و اسم آنها را بگوید و اگر او را یکی دو کوچه دور از خانه تنها بگذارند تواند بحاله خود برگردد می تواند با این روش خواندن را یاد بگیرد و لهدا باید در تعلیم و تربیت آنها اهمال کرد زیرا که احتمال کلی دارد که در نتیجه این تعلیمات حالت مراجعی و فکری او بهبود حاصل کند

نکته مهمی که در آرایش اینگونه نوآموران کم هوش و علیل مشاهده شده آنست که اینها کاملاً رود ریح و حساس هستند و تقریباً پس از یکی دو دقیقه درس حسته میشوند و اگر آموزگار درس را ادامه دهد نتیجه معکوس خواهد داد یعنی آنچه را هم که فرا گرفته اند فراموش میکنند و مهیوت و ححالت رده میشوند لهدا آموزگار باید نا اشان نا نهایت مهر و حوش روئی رفتار کند و همیشه پس از یکی دو دقیقه درس را کنار گذاشته در موضوعی خارج از درس صحبت کند تا اینکه نوآمور نتواند قوای خود را تحدید نماید

لال داده شود آموزگار باید زبان و گلو و لوله های بینی او را آزمایش کند تا اینکه از نتیجه عمل خود مطمئن گردد .

### آزمایش زبان

آموزگار آئینه ای در جلوی لال نگهدارد و زبان خود را درشش جهت بالا و پائین و چپ و راست و جلو و عقب آهسته و بعد تند حرکت میدهد تا لال در آئینه دهان خود را ببیند و هر حرکتی را تقلید کند  
اگر لالی نتوانست که بکلی با چند حرکت را تقلید کند عضلات زبان او علتی دارد و بخواهد نتوانست برخی از حروف را درست ادا نماید

### آزمایش گلو

آموزگار باید بطوریکه لال سیند لب پائین خود را بمیدان بالا بچسباند و بعد يك دست لال را بر گلوئی خود نگهدارد و دست دیگر او را بر ديك دهان خود بگیرد و صدای ( ف ) را بسیار کشیده و غلیظ بطوریکه هوای صدا بدست لال نخورد چندین بار ادا کند و بعد با اشاره به لال بپهماند که يك دست را بر گلو و يك دست را در جلوی دهان بگیرد و صدا را چندین بار تقلید کند .

پس از اینکه لال نتوانست صدای ( ف ) را چندین بار کشیده و غلیظ ادا کند و کمی استراحت نمود آموزگار باید دوباره يك دست لال را بر گلوئی خود نگهدارد و دست دیگر لال را جلوی دهان بگیرد و صدای ( و ) را چنانکه در صفحه ( ۱۰۲ ) شرح داده شده بسیار کشیده و غلیظ چند بار ادا کند و توجه لال را بر لرزش گلو جلب نماید و بعد با اشاره به لال بپهماند که يك دست خود را بر گلو و دست دیگر را جلوی دهان خود بگیرد و صدای ( و ) را چندین بار ادا کند

### آزمایش لوله های بینی

آموزگار باید يك دست لال را بر گلو و نك انگشت دست دیگر او را بر پره بینی خود نگهدارد و صدای ( م ) را چنانکه در صفحه ( ۴۰ )

صداها بحای گوش طوری حساس گردد که هنگام تاریکی هم بتواند مقاصد دیگران را با گرفتن دست بزرگ دهان گوینده درک کند.

هرچه در تعلیم لالها اهمال شود و سن آنها بالا رود اب و ربان و گلوی آنها بیکاره تر میشود و احتمال دارد که بعد ارسای سالگی دیگر نتوانند با تلفظ صحیح مقاصد خود را برای هر کس بیان کنند

### آموزگار لالها

کسی که بخواهد بگوید که ناسالمنند لال سخن گوئی بیامورد باید این حروف را از اول تا آخر با کمال دقت بخواند و نکات فنی را در نظر بگیرد و مراعات کند و یقین است که کوچکترین تغییر و تصرفی باعث کمیدی پیشرفت خواهد شد. رای اینکه آموزگار دهان خود و بآمویر لال و چگونگی ادا کردن صداها آشنا شود باید اقلاد سه کودک یا سالمند گوناگون را با این روش قبالا ناسواد کرده باشد تا خود او در فن صدا شناسی ورزیده و آرموده شود و اختلافات و تمییراتی که در صداها پیدا میشود بتواند با گوش تشخیص دهد و با اشاره و دست وضع دهان را برای لال محسوم نماید

علم صدا شناسی از سحت ترس علوم عملی جهان است<sup>۱۰</sup> و بدون مشق کافی و ورزش نمیتوان بر مور آن پی برد و اهدا نماید بدون تجربه سابق و آرموده شدن در تشخیص و تعلیم صداها شروع بدرس دادن لالها نمودر برا که لال گوش ندارد و باید صداها را بوسله حس دست تقلید کند و اگر آموزگار ورزیده باشد ممکن است که ارعده چس کاری نآسانی برآند

### آزمایش لال

لال هائیکه جرکری علت مراحی دیگر ندارد و عضلات ربان و گلو ولولئه بینی آنها سالم است میتواند نآسانی ادا کردن صدای حروف و خواندن کلمات و نوشتن و سخن گفتن را یاد بگیرد و لهدا پیش از آنکه درسی



پس از مراجعهٔ مدرس آموزگار باید رو بروی لال بشیند و يك دست لال را بر گلوئی خود نگدارد و دست دیگر را جلوی دهان خود بگیرد و آن صدا را چندین بار کشیده و غلیظ و نادرنگ و یا مکرر و غلیظ ادا کنند تا اینکه لال حرکات لب و زبان و وضع درون دهان آموزگار را به‌سند و نوع هوائی را که بدست می‌جوورد حس کند و صدا را تقلید نماید و بیر لارم است که همیشه در جلوی لال آئینه ای باشد تا اینکه علاوهٔ دیدن دهان آموزگار وضع لبها و زبان و دهان خود را هم به‌بند <sup>۱۱</sup>

و قتیکه لال صدائی را تقلید میکند آموزگار باید توجه کند که او آن صدا را بساز غلط و کشنده و بلند بصورت فریاد ادا نماید و اگر در این کار اهمال شود لب و زبان و گلو و دست های لال برای حس کردن و تشخیص صداها ورزیده نمیشود

بیشتر لالها در گذاشتن يك دست بر گلو و گرفتن دست دیگر در جلوی دهان و کشیده و غلط و بلند ادا کردن صدا تسللی میکنند و لهذا آموزگار باید توجه کند و از تسللی لالها جلوگیری نماید

سیاری از لالهای سالمند کارگر هستند و کف دست آنها بر وسعت است و لهذا باید همیشه پشت دست با میچ ایشان را که نسبتاً حساس تراست بکار انداخت

لالهای سالمندی که دندان مصنوعی دارند ارادا کردن بسیاری از صداها عاخر هستند و لهذا باید با ایشان با کمال مراعات و حوصله رفتار کرد پس از اینکه لالی چند صدا را خوب یاد گرفت و ادا کرد و شروع به خواندن کلمات نمود باید چهار انگشت دست راست را هنگام خواندن بر پرده های بینی و جلوی دهان و شصت را بر گلوئی خود نگدارد تا اینکه نتواند حروفی را که خودش ادا میکند از هم تشخیص دهد

لالهاییکه بدون آینه کار میکنند در ادای صدای (o) و (0) اشتباه میکنند

بوشته شده ادا نماید تا لال لرزش گلو و پره های بینی را احساس کند و صدارا سسارکشیده ادا نماید

اگر لالی تواست رنان خود را درشش جهت سرعت و آرامی ناشاره آموزگار حرکت دهد و سه صدای (ف) و (و) و (م) را درست تقلید و ادا کند در اینصورت معلوم میشود که عضلات رنان و گلو و همچنین سوراخ های بینی او سالم است و میتواند سخن گوئی را باسانی یاد نگردد و اگر در نتیجه مرص صدمه ای بقوه حافظه او برسیده باشد پس از چند هفته خواندن را که مقدمه گویائی است یاد خواهد گرفت و پس از چندماه وررش و درس میتواند مقاصد خود را با گفتش بیان کند و هرچه دیگران میگویند از روی حرکات لب و رنان بفهمد

### خصوصیات صداها

چنانکه درصحن درس هر حرف بیان شد حرفی که از محارج مخصوص خود ادا میشود یا در گلو و پره های بینی و لبها \* لرزش می اندازند یا نه . همچنین هنگام ادای هر حرف مقدار و نوع هوایی که بدست میخورد تغییر محسوسی میکند

اگر صدائی در گلو ایجاد لرزش نکند هوایی که از آن صدا بدست میخورد سحت و با فشار و مقدارش زیاد است ولی اگر هوای صدا در گلو ایجاد لرزش نکند هوای صدا در دهان پخش میشود و ملایم و گاهی غیر محسوس بدست میخورد و چنانکه در آموزش هر حرف گفته شده توجه باین نکات مهم و نگانه عامل مؤثر در سرعت تعلیم لال ها میباشد

### تعلیم صدا

وقتیکه آموزگار بخواهد صدائی را به لال ناد بدهد ناند قبلاً به درس مخصوص آن صدا مراجعه نماید و نکات فنی را در نظر بگیرد و مراعات کند

\* توجه به لرزش لب ها در تعلیم «ل» مهم است

و یاد یاد نکرده اند و اهدا لب و ریان و کلوی آنها درست نگار استفاده است.  
 آموزگار باید هیچوقت انگشت خود را در دهان لال نگذارد ولی برای  
 یاد دادن تلفظ صحیح (ای) و (ح) و (غ) گاهی لازم میشود که آموزگار  
 انگشت لال را در دهان خود نگذارد تا اینکه لال تواند وضع دهان و نوع  
 هوا را هنگام ادای این صداها حس کند

در صورتیکه لالی تواند نآسانی سه صدای فوق را یاد بگیرد و لازم  
 شود که آموزگار انگشت او را در دهان خود نگذارد باید انگشت را کاملاً  
 با الکل و یا باوسله دیگر تمیز کند

ر

بسیاری از لاله‌ها صدای «ر» را نمیتوانند در هفته‌های اول یاد بگیرند  
 و اهدا آموزگار باید در تعلیم آن اصرار نماید

پس از اینکه آموزگار ملاحظه کرد که لال «ت» و «د» را خوب ادا میکند  
 باید دست لال را جلوی دهان بگیرد و «تر» را بی آنکه در میان دو حرف  
 صدای اضافی پیدا شود بسیار بسیار کشیده و غلیظ ادا کند تا دست لال هوای  
 صدای اوای و ارش صدای دومی را کاملاً حس نماید

همچنین ممکن است که «در» را مانند «تر» بسیار کشیده و غلیظ  
 ادا نمود تا لال نوع دو صدای حس کند و بتواند هر دو را باهم تقلید و ادا نماید  
 اگر اتفاقاً لال نتوانست با این حیلۀ هم «ر» را فصیح ادا کند

باید از راه تعلیم «ب» چوبانی او را متوجه لرزش سر ریان نمود

طریقه ادای «ب» چوبانی ایست که لب‌ها را برهم نگذاریم مثل  
 اینکه میخواهیم «ب» بریده را ادا کنیم ولی بخلاف آنچه در کلیات صفحه  
 (۹۰) گفته شد نباید هوای صدا در کلو قطع شود بلکه باستی جریان  
 هوا ادامه پیدا نماید تا اینکه در لب‌ها لرزش بی‌اراده پیدا شود یعنی وقتی  
 که فشار هوا در دهان کم است لب‌ها خود بخود بسته نماند و وقتی که  
 در نتیجۀ بسته بودن لب‌ها فشار هوا زیاد گردد لب‌ها خود بخود باز شود

اگر چنانچه لالی تسلی نکند و چهار انگشت خود را وقت خواندن حلوی دهان بگیرد دستش برای احساس صدا کاملاً حساس میشود و در تاریکی هم که دهان گوینده را نمی‌بسد می‌تواند ناگذاشتن دست روی دهان و گلوی گوینده مقاصد او را درک کند و حواب دهد

### هدت درص

لالهائی که گلوی آنها سالم است درشش ماه اول باید هر روز يك ساعت تعلیم صدا شناسی و خواندن و فریاد ردن بگیرد و حتی اگر لالی نتواند هريك از حروف را تنهائی درست ادا کند و کلمات را شمرده و با درنگ بخواند باز هم باید هر روز اقلأ ده دقیقه این تمرین را در زیر نظر آموزگار انجام دهد زیرا که چون صداها را از راه غیر طمعی یاد گرفته و صدای خود را نمیشنود رانش حای خود را تعیسر میدهد و تلفط صحیح و فصیح در نتیجه تمد حرف ردن نه تلفط لالانه بر میگردد

اگر چنانچه آموزگار ملاحظه کرد که گلو و ریان لال سالم درست نکار نمیافند باید او را در هر هفته چندین ساعت فریاد ردن یاد بدهد تا گلویش در ادای صداها ورزیده و حساس شود

### صدا های سخت برای لال

صدا های دبل ادایشان برای لال سخت است

ای ا ز ی ش ژ چ ج خ غ

آموزگار باید از اینکه لالها صدا های بالا را در یاد میگیرند بومید شود بلکه باید تا نهایت امدواری و حوصله مطابق دستور های گذشته و آبنده این حروه رفتار کند تا نتیجه مطلوب گرفته شود \*

عالمأ علت دبر و بد یاد گرفتن لالها ایستکه با آموزگار در کار عجله کرده است و باسکه لالها از ابتدا صداها را کشیده و غلیط و صورت

\* آنچه راحع تعلیم صداها نوشته شده و میشود مخصوص ریان فارسی است و در صورتیکه بخواند لالی ریان دیگری یاد بدهند باید مطالعاتی که مخصوص تلفط آن ریان است انجام گیرد.

## ح ج

تعلیم دو صدای «ح» و «ج» به لالها بسیار دشوار بود تا اینکه  
 طریقه فی دبل بعد از چند سال تجربه معلوم گردید.

پس از اینکه آموزگار ملاحظه کرد که لال دو صدای «ش» و «ژ»  
 را فصیح و کشیده و غلط می‌تواند ادا کند باید شروع تعلیم «ح» و «ج» نماید  
 آموزگار باید «ش ح» را پهلوی هم بنویسد و اشاره کند که لال  
 اول صدای «ش» را بسازد کشیده و غلط ادا کند و هنگام ادای صدا سر ریان  
 را سق بچسباند تا هوای صدای «ش» پشت ریان جمع شود و سر ریان را  
 از سق نکند و صدای «ج» کشیده شود.

همچنین آموزگار باید چسبیدن سر ریان را سق و کیده شدن آنرا  
 از سق با دو دست برای لال محسوس نماید.

پس از اینکه لال در ادای صدای «ح» کاملاً ورزیده شد آموزگار  
 باید «ژ ح» را پهلوی هم بنویسد و به لال اشاره کند که صدای «ژ»  
 را بسیار کشنده و غلط ادا کند و هنگام ادای آن با دست اشاره کند که لال  
 سر ریان را سق بچسباند تا هوای صدای «ژ» پشت سر ریان جمع شود  
 و فشار دهد تا سر ریان را از سق نکند و صدای «ح» سنده شود.

اگر چنانچه آموزگار خودش در تبدیل صدای «ش» به «ج» و «ر»  
 به «ح» کاملاً ورزیده نباشد نمیتواند این دو صدای مشکل را بطور نکه  
 لازم است به لال یاد دهد.

## ز ای

برخی از لالها حرف «ای» را بی اراده «ر» ادا میکنند و برخی  
 بالعکس اگر لالی «ز» بجای «ای» تلفظ کند وضع ریان و دهان او درست  
 است و علت تلفظ «ز» بجای «ای» اینست که دندانهای او رویهم قرار گرفته  
 و سر ریان او به پشت دندانها چسبیده است.

پس از چندین روز ورزش دادن لال ناین صدای لی باید توجه لال را  
بلرزش سر ریان جلب کرد تا شاید بتواند صدای «ر» را درست تقلید نماید

### ش

همگام ادای صدای «س» ریان سق بردیک است و کماهای ریان  
سق می چسند و لهدا اگر انگشت را کاملاً بردیک لب ها بگیریم میتوانیم  
حس کنیم که محرر صدا تمک است و هوا محکم بدست میخورد

همگام ادای «ش» فاصله ریان ارسق دورتر ارفاصله «س» است  
و لهدا اگر انگشت را کاملاً بردیک دهان بگیریم پخش شدن صدا را پشت  
ددان های بالا حس می کنیم

آمورگار ناند با اشاره دو دست نکلی بجای سق و نکلی بجای ریان  
بردنکی و دوری ریان را ارسق در حالت ادای «س» و «ش» برای لال محسوم نماید  
صدای «ش» را میتوان در صورتیکه ریان از سق ستماً دور است  
و سر ریان ماسد «ل» بطرف بالا کج شده ولی بچسبیده است ادا کرد و  
رحی از لال ها تا مدتی ناند صدای «ش» را با سر ریان کج ادا کند  
اگر لالی صدای «ش» را خوب ناند بگیرد سه صدای «ژ» و «ج»  
و «ج» را نمیتواند درست ناند بگیرد و لهدا آمورگار ناند در تعلیم این صدا  
دقت مخصوصی داشته باشد

### ز

اگر لالی صدای «ش» را طبیعی و بی تکلف ادا کند میتواند که  
صدای «ژ» را با آسانی یاد بگیرد

همگام ادای «ژ» وضع دهان ماسد «ش» میباشد و فرق میان این  
در صدا ایست که «ش» گلو را بمیلراند و مقدر هواییکه بدست میخورد  
ریاد است ولی «ژ» گلو را میلراند و هوا ملانم بدست میخورد.

- ۱ - اسم لال و کوچه و محله و شهری که در آن زندگی میکنند
- ۲ - نام های کسان و حویشاوندان و بردیکان لال
- ۳ - يك دو سه هزار
- ۴ - سلام و خدا حافظ
- ۵ - امروز دیروز فردا هفته ماه سال
- ۶ - پائین بالا زیر رو
- ۷ - تو من او
- ۸ - رفتی میروی برو
- ۹ - من دست دارم تو دست داری
- ۱۰ - من پول دارم تو پول نداری
- ۱۱ - من از خانه رفتم به کوچه
- ۱۲ - صرف فعل های فارسی

آمورگار باید کتابهایی را که از صفحه (۱۱۱) تا (۱۱۵) شرح آن داده شده برای تمرین خواندن به لال بدهد و سعی کند که معانی آنها را حتی الامکان برای لال با اشاره محسوس نماید ولی قبل از خواندن باید کمار هر سیلاب يك علامت بگذارد که لال بداند کدام حروف را بهم بچسباند و کجا توقف کند.

مثلاً کلمه «آمد» دو سیلاب است باید کمار «آ» علامت بگذارد تا لال محل قطع صدا و درنگ را تشخیص دهد

همچنین آمورگار باید که از لال بخواهد که هر روز چند صفحه از روی «برزوی بازی گوش» و «خیام» و «حافظ» و «موش گره» بویسد و بعد از این که لال در خواندن و نوشتن این خط کاملاً آرموده شد باید خط فارسی کمبوی را به لال تعلیم داد و این کار هیچ گونه اشکالی بخواهد داشت مخصوصاً اینکه خود آمور خط فارسی در دست نباشد

در صورت چنین پیش آمدی آموزگار باید با اشاره به لال بگوید که بدون اینکه فاصلهٔ زبان را از سق کم کند دندانها را از روی هم بردارد و سر زبان را کمی عقب نکشد تا صدای 'ای' درست ادا شود این عیب کوچک در تلفظ لالها پس از چندی خود بخود رفع خواهد شد ولی رویهم رفته صدای 'ای' سخت ترین صداها برای لال است

### نخ

سیاری از لالها نمیتوانند صدای 'ح' را با طریقهٔ که در صفحه (۱۷۹) شرح داده شده از راه حس دست تقلید کنند و در این صورت آموزگار باید که بانگ سیم فولادی و یا دم قاشق چای خوری نارنگی را در دهان خود نگذارد و به لال اشاره کند که آرا ندادو انگشت بگیرد و بعد صدای 'ح' را چندین بار بسیار غلیظ و کشیده ادا کند تا اینکه انگشت های لال نوع صدا و وضع و فاصلهٔ زبان را نسبت به سق یا دم قاشق حس کند اگر چنانچه با این حيله هم لال نتواند صدای 'ح' را ادا کند آموزگار باید انگشت لال را پس از تمیز کردن ناالکل در دهان خود نگذارد و بی بومیدی سعی کند تا اینکه لال صدا را ادا نماید

### خواندن و نوشتن

برای تمرین خواندن کودکان و سالمندان سالم تا کمون چند کتاب رنگی و غیر رنگی چاپ شده است که شرح آن گذشت  
برای تعلیم لالها نیز کتابهای رنگی مخصوصی لازم میباشد که بوسیله آنها هر کس نتواند پس از تعلیم خواندن معانی کلمات را به لالها یاد بدهد این کتابها تا کمون چاپ و منتشر شده و لهذا آموزگار باید تا موقع انتشار آنها از روی سلیقه و ذوق خود کلمات و جمله هائرا که محل احتیاج لال است در دفتری برای او بنویسد و ما نمونهٔ از این کلمات و جمله ها را برای راهنمایی آموزگاران در دیل میدهم



در صفحه ( ۹۵ ) داده شده بی اراده این حرف را ( دل دل دل دل دل )

ادا میکنند و غالباً « د » در زبان آنها تبدیل به « ل » میشود

۴ - برخی از لاله‌هایی اراده چرخ را « چرخ » و بوزده را « بونزده »

میخوانند که هر دو تلفظ قابل توجه و دقت است .

۵ - همچنین دیده شده است که « tion » را که در آخر کلمات اروپائی

است يك لال بی اراده آنرا « cion » خواند . یعنی صدای ( t ) بخواسته ( c )

ادا شده است .

## ملاحظات

لالهائیکه چهارسخن گوئی آنها سالم است و درسه چهار هفته خواندن را یاد میگیرند چون لب و رنان و گلوی آنها برای ادای صداها ورزیده و آزموده بست هنگام خواندن که منخوانند صدا های حروف را ترکیب کنند بسیاری از اسرار پیدایش و تکامل گویائی بشر را نحواسته ونداسته طاهر میسارند که جر از این راه ممکن بود که پی به چگونگی آن برد

لالهاتقریباً مانند اسان های چندین هر ارسال پیش میباشند که شروع به سخن گوئی کرده اند و تقریباً همان انداره چهار گویائی آنها در ادای صداها بورزیده و بیارموده است

شرح حرئیات این ملاحظات از موضوع و گنجایش این حروه بیرون است ولی برای اینکه رمبیه ای بجهت يك حروه مستقل دیگری در اشارات ایران کوده فراهم شده باشد مذکر چند ملاحظه بطور اختصار میپردازیم زیرا که این ملاحظات از لحاظ قدمت ربابها و علم صدا شناسی و رنان شناسی اهمیت دارد ✽

۱ - بسیاری از لالهائهای حرف 'ر' بی اراده 'تر' و بسیاری صدای 'ر' را تا نا 'ت' یا 'د' ترکیب شود نمیتواند ادا کند

این ملاحظه از جهات چندی قابل توجه و دقت است

۲ - بسیاری از لالهائ در صورتیکه ادای 'ن' و 'ل' و 'ح' را به تمهائی یاد گرفته اند و درست ادا میکنند در هنگام خواندن بی اراده 'نه' را 'لا' و 'جا' را 'لا' میخوانند که هر دو ارتباط صدا شناسی و رنان شناسی اهمیت دارد

۳ - بسیاری از لالهائ هنگام ادای (د د د د) مکرر که شرح آن

---

✽ در آن حروه بیرراح بحرومی که دست کودکان و سالمندان بی سواد نوشته بحث خواهد شد که از لحاظ تاریخ خط اهمیت دارد

## مدارك تاريخى خط در ايران

### مخترع الفبا

در چاپ هفتم دائره المعارف انگلسى (۱۸۴۲) نوشته شده است -  
 « طاهراً رمان اختراع خط را تاريخى عبر قابل نمودى فرو گرفته است  
 اگر اختراعى با اين همه اهميت براى بشر بعد از طوفان نوح صورت گرفته  
 بود تصور ميکنيم که اسم مخترع آن در تواريخ کشورى که چنين مخترعى  
 در آن زندگاني کرده است نوشته شده بود . »

اس اظهار نظر دائره المعارف انگليسى درست است و ما در دليل  
 حمله ايرا که اسحق تيلر چهل سال بعد در حلد دوم کتاب الفبا نوشته نقل ميکنم -  
 « مسعودى در قرن دهم ميلادى از ريد و اوستا شرحى نوشته که  
 طاهراً از منعم موفقى است او ميگويد آن کتاب روى دوازده هزار پوست  
 گاو نوشته شده بود با حطى که آرا بردشت اختراع کرده است »

### مورخين و دانشمندانى که راجع به خط نگري کرده اند

نام مشهورترين علماء و تاريخ بويساى که اردوارده قرن پيش باس طرف  
 راجع به خط و مخترع آن نوشته هاى بيادگار گذاشته اند از قرار  
 دليل است -

عبدالله بن مقفع ، آدرحور پور بردشت معروف به محمد متوكلى ،  
 محمد بن عدوس حهشيارى ، حمرة اصفهاني ، اس بنديم ، اوزريحان يروبي ،  
 محمد حوارمى ، قاضى صاعداندلسى ، اس اللخى ، عمر حيام .

تأليفات اين مورخين و دانشمندان که شهرت حهابى دارند اردوارده قرن  
 پيش باين طرف دست بدست نما رسیده است و ارقيل مدارك مشكوك و غير  
 مشهورى بيست که از تجار عتيقه فروش حريدارى شده باشد و يا بطور  
 تصادف آنها را پيدا کنند .

## مدارك تاريخى و علمى و فنى خط در ايران

### کليات

چهارصد سال است در اروپا راجع به اصل العبا، مخترع الفبا، ترتیب العبا، تکمیل العبا، تعلم العبا و اختراع بك العباى جهانى بحث و جدال و تحقیق کرده اند و به نتیجه اى برسيده اند.

اگر مقطع هاى دهان خود را بهر نحوى که خواسته باشيم روى کاعدى رسم کسم و آن کاعد را بود درجه يا صد و هشتاد درجه برآست و يا چپ بحر حاسم سر ساختن العبا هاى جهان و راه تعلم و تکمیل آنها آشکار مىگردد.

چنانکه ارکنت تاريخ فارسى و عربى و يونانى مستفاد ميشود موضوع اصل الفبا و مخترع آن چندين مرتبه در تاريخ جهان رهينه بحث و جدال مدهنى و سياسى بوده است.

تا يك قرن پيش بطورى موضوع اختراع الفبا را روايات مذهبى مربوط کرده بودند که کسى از ترس تکفر جرئت سخن گفتن را نداشت. ار هشتاد سال پيش باين طرف بير اين موضوع ساده را بطورى با تاريخ و زبانهاى ملل قديمه و باستان شناسى مربوط کرده اند که جز عده معدودى در جهان صلاحيت بحث و تحقيق و اظهار نظر راجع ناآرا در خود نمى بينند.

مدارك تاريخى و علمى و فنى الفبا فقط در ايران و هند است و ما خلاصه حامعى از مهم ترين اين مدارك را که تا حدود امکان جمع آورى کرده ايم بصورت مرتبى ميدهيم تا بحلاف سابق راه بحث و تحقيق و اظهار نظر براى همه بار باشد.

آخور آمار دبیره برای حسابهای اصطلاحات  
 آئشان آمار دبیره برای حسابهای آتش  
 روانگان آمار دبیره برای حسابهای اوقاف

۲ - گشته دبیره . این خط بیست و هشت حرف داشته و با آن پیمان ها و فرمانها را می نوشتند و روی دنار و درهم و انگشتر نقش میکردند در چاپهای فهرست این بدیم دو نمونه چرخنده و بحر حیده ارس خط دنده میشود حمزه اصفهانی گشته را تغییر یافته ترجمه کرده است و این کلمه مهم تاریخی در ظاهر ساختن وضع طبعی حروف و چرخانیدن آنها فوق العاده مفید واقع شده است

۳ - نیم گشته دبیره . این خط بر دارای بیست و هشت حرف بوده و با آن طب و فلسفه را می نوشتند نمونه ای از این خط در فهرست این بدیم داده شده و معلوم میشود تا اواخر قرن چهارم هجری کتب فلسفه و طب قدیم ایران با این خط وجود داشته است .

۴ - فرورده دبیره . این خط دارای سی و سه حرف بوده و مشوره های پادشاهی را با آن می نوشتند و ظاهراً این همان نامه دبیره است که عبد الله بن مقفع آنرا کلمات رسائل ترجمه کرده و این بدیم در فهرست او نقل کرده است و راجع باین خط و هام دبیره عبارات این بدیم واضح بیست

۵ - راز دبیره . این خط برای نوشتن رازهای پادشاهان بوده و چهل حرف داشته و ظاهراً شاه دبیره و راز سهرنه که در این بدیم ذکر شده همین خط است

۶ - دین دبیره . این خط بی بطر دارای شصت حرف است و برای نوشتن قرائت سرود های دینی بکار مبرفته است و ما بعد ارس در بحث آثار فنی مربوط بخط به آن اشاره خواهیم کرد

## « فصل اختراع خط و تکامل آن در ایران »

تا آنجائیکه تحقیق کرده ایم خلاصه آنچه مورخس ایرانی و عرب راجع به خط نوشته اند بصورت مرتب و واضحی انست :-

در حدود سی و پنج قرن پیش از میلاد ایرانیان خطی داشته اند که یاد گرفتس و نوشتن آن آسان بوده است و مخترع این خط را بوذاسف نوشته اند

هجده قرن بعد\* یعنی هجده قرن پیش از میلاد، رددشت خط شکفت آوری اختراع کرد که باعث ترقی و نشر علوم و فنون گردیده است

### خطهای هفتگانده ایران ..

ایرانیان قبل از اسلام هفت خط مختلف داشتند که هر يك را برای مقصدی بکار میبردند اسامی و خصوصیات هر يك از آنها از این قرار است

۱ - آم دبیره یا هام دبیره . این خط بموجب نمونه این بدسم و آثار بکه در دست است حروفش از خطهای دیگر ایران کمتر بوده زیرا صدا هائرا که مخرج مشترك دارند بایك حرف می نوشتند مثلاً برای آ ه آ ه ح يك حرف بکار میرفته است آم دبیره خط عمومی بوده و آنرا با بیست و هشت شیوه مینوشتند و در زمان آذرخور که حمرة اصفهانی از او نقل کرده است نام بسیاری از آن شیوه ها فراموش شده بوده و آنچه بیاد مانده اینها است .

داد دبیره برای احکام دادگستری

شهر آمار دبیره برای حسابهای شهر

گنج آمار دبیره برای حسابهای حراجه

کده آمار دبیره برای حسابهای کشور

\* قاصی صاعد اندلسی

کلیه این مدارك را آقای دکتر صادق کیا جمع آوری کرده اند

# مدارك علمى و فنى خط در ايران

## کليات

احتراع الما يا حط حرفى با استعداد رنان، تلاوت سرود، صداشناسى، موسيقى، فيريك، تشریح و رسم مربوط مىباشد و روايات تاريخى به تمهائى مىتواند زمينه بحث و اظهار نظر در چنين موضوع مهم علمى و فنى قرار کرد و لهذا ما در ذيل مدارك علمى و فنى مربوط بحط را در ايران براى تايد روايات تاريخى سابق مآوريم

## صداشناسى

علم صدا شناسى در ايران باستان ترقى نمانند داشته و از مهمترين آثار فنى جاويدان ترقى اين علم دين دبیره و ترتيب دقيق فنى حروف معجم است که بطير آنها در بردهيج ملتى يافت نمشود دو چتر راه بى بردن ايران را بر مور علم صدا شناسى و ايجاد حط آسان کرده است بکى رنان خوش آهنگ دامنه دار مستعدى و ديگرى علاقه مندى بدرست تلاوت کردن سرود هاى ديبى

اين علم در حدود سه هزار سال پيش در هند منتها درجه ترقى خود را داشته\* ولى در هند حطى بطر دين دبیره نداشته اند و ترتيب حروف دوا انگارى هم يکى از اقسام تر تمها است که در کتب تجويد ذکر شده است صدا شناسى در ارونا علم جديديست و کلمه فوتيك که براى اين علم اصطلاح شده در (۱۸۷۸) از آکادمى فرانسه گذشته است

## کتابهاى صداشناسى

کتابهاى صدا شناسى قبل از اسلام در ايران مانند اصل کلمه و هرا ر افسانه و بسيارى کتابهاى ديگر از زمان رفته ولى اصول محتويات آنها در کتب بعد از اسلام، فارسى و عربى محفوظ مانده است

\* رجوع شود به صفحه (۳۸) حروة دوم ايران كوده .

\*Critical Studies in the Phonetic Observations of Indian Grammarians, S Varma

۷ - ویسپ دبیره . معنی ویسپ دبیره خط کلی و جامع ، همه

خطوط است

با این خط زبان رومی و قطبی و بربری و هندی و چینی و ترکی و سطلی و عربی و هراشاره و هرصدائی حتی صدای شرشر آب را مینوشتند  
 روایت مسعودی این خط ( ۱۶۰ ) حرف و روایت ابن ندیم ( ۳۶۵ ) حرف داشته است و ظاهراً هر دو روایت درست میباشد زیرا که مسعودی فقط از نوشتن لغات امم اسم برده ولی ابن ندیم نوشته است هر اشاره و هر صدا حتی صدای شرشر آب را با آن مینوشتند

ازین قرار معلوم میشود برای نوشتن صداهای لغت های امم مختلف ( ۱۶۰ ) حرف و برای نوشتن صداهای غیراساسی و اشارات ( ۲۰۵ ) حرف از حروف ویسپ دبیره بکار میرفته است

طریقه ساختن این خط جهانی را مختصراً در صفحه ( ۶۸ ) جروه دوم ایران کوده شرح داده ایم

این بود شرح مختصری از خطهای هفتگانه ایران و چون ایرانیان از رموز خط خود آگاه بودند متواستمد با کم و زیاد کردن حروف خط های متعدد داشته باشند و دیگران حتی موفق به تکمیل خط خود هم نشدند



**فصل چهارم** سب‌های حرثی برای حرف حرف ادرحروف عرب  
**فصل پنجم** درحروفی که شبیه باین حروف است و در لغت عرب بیست.  
**فصل ششم** در آنکه این حروف ار چه حرکاتی عبر ار نطق  
 شنیده میشود.

مقدمه و ترتیب فصل های این رساله توحه مخصوص ناس علم را  
 در ایران ناست میکند ریرا کوچکترین نکته علمی و فنی مربوط به صدا شناسی  
 در این رساله مختصر ورو گذار شده است

همچین ترتیب مطالب این رساله ناست مسماند که در ایران ار قدیم  
 ارتباط علم صدا شناسی را نامحث صدا در طبعیات (فیریک) و تشریح کلو  
 و زبان بحوبی تشخیص داده بودند

بعدارسه فصل اول که راجع صدا و تشریح میباشد آحرس فصل این  
 رساله قابل توحه فوق العاده است ریرا که بوسنده مانند یک بوسنده ای  
 که در همین رورها رساله ای راجع صدا شناسی میبوسد چگونگی اتحاد  
 صدا های حروف را با وسیله ای غیر ار دهان و زبان و گلوی اساسی شرح  
 داده است

### صدا شناسی از نظر علم صرف و اشتقاق

در بساری ار کتب بحو و صرف قدیم شرح های مفصلی راجع به  
 صدا شناسی ار نظر صرف و اشتقاق دیده میشود و ار مشهور ترس اس  
 کتابها «الکتاب سیویه» و «شرح نظام بیضاوری» میباشد

### صدا شناسی از نظر تجوید

کتابهای تجوید عربی و فارسی بشمار است و همیشه تألیف این  
 کتابها در ایران عربی و فارسی و شر و نظم ادامه داشته است  
 در کتابهای تجوید ار علم صدا شناسی برای تلاوت قرآن استفاده

نکته اینکه در کتابهای صدا شناسی بعد از اسلام قابل توجه میباشد انست که رمور اصلی واصطلاحات دقیق این علم هنگام نقل و تعریب صورت مهم تری بخود گرفته و از شوه عمارت آنها معلوم است که مسلمانان جر اطلاعات عملی برای قرأت بهره دیگری ار این علم نداشتند و رویهم رفته رمور اصلی و فنی اس علم نا ار بین رفتن طمقه روحایون ایرانی که در حیط اسرار خود مبالغه مکررند ار بین رفته است

کتاب صدا شناسی اصلی و قدیمی همد متعدد و مفصل و در دست میباشد ولی تا کنون برای ما معلوم نیست که آیا ار آن کتاب میتوان ارتباط شکل حروف را با صدا دریافت یانه ❁

کتابهای صدا شناسی که ایرانیان فارسی و عربی نوشته اند ار لحاظ فنی به سه دسته تقسیم میشود

- ۱- صدا شناسی ار نظر خود این علم
- ۲- صدا شناسی ار نظر علم صرف و اشتقاق
- ۳- صدا شناسی ار نظر تحوید

### صدا شناسی از نظر خود این علم

رساله «مخارج الحروف» یا «اسباب حدوث الحروف» که ار تألیفات اس سینا شناخته شده رساله ای بی نظر در اس علم میباشد این رساله محتصر جامع و کامل دارای شش فصل است -

فصل اول سب پیدا شدن صدا

فصل دوم سب پیدا شدن حروف

فصل سوم تشریح کلو و رنان

---

❁ در اواخر قرن شانزدهم يك امر اروپائی نوشته است که حط سانسکریت دارای بجه و سه عصر است که از روی رنان و دهان گرفته شده است . شاید همین باعث گمراهی «وون هلموت» شده باشد رجوع شود بصحفه (۲۰) همین حروه

در هر صورت رسم این مقطع ها در کتابهای تجوید ثابت میکند که علمای صدا شناسی ایرانی از ارتباط رسم با علم صدا شناسی اطلاع داشته اند و ارفیس ترین مقطع هائیکه اردهان در کتابهای قدیم رسم شده يك مقطع رنگی است که در کتابخانه مجلس شورای ملی محفوظ است

### دستور یافتنی مخرج و مقطع

در کتاب تجوید مخصوصاً تصریح شده که ناند بحای حرف حرف هجاء گمت .

از دقت در معنی این دو کلمه و مخصوصاً کلمه هجاء و نا در نظر گرفتن دستوری که نوای پیدا کردن مخرج و مقطع حرف داده شده سر شکل هر حرف از حروف الفبا واضح میشود و هر الفبای ناقصی را میتوان تکمیل کرد و برای هر لهجه و ربانی الفبائی احاد نمود دستور چند کلمه ای یافتن مخرج و مقطع و کلمه گشته از مهم ترین آثار فسی است

### فبمای صدا شناسی

از علمای مشهور علم صدا شناسی بعد از هجرت ابن کثیر فارسی و نافع اصفهانی و بهمین سرور کسائی و سمویه فارسی و ابن سیما و عمر حمام میباشد

### دین دیره

از مدارك مهم فنی که نظر آن در برد هیچ ملتی یافت نمیشود خط ساده و ربای شصت حرفی دس دیره است که نا آن قرائت سرود های دینی را میوشتند و خط نسخ تقلیدی از شموه آست ایرانیان بعد از اسلام چنین خطی نداشتند و قاریان نایستی تمام کلمات و قرائت های آنرا با تکرار زیاد بحاطر بسپارد در صورتیکه قبل از اسلام قرائت ها را از روی خود خط تمیر میدادند .

شده است و در مقدمه اکثر قرآن‌های خطی و چاپی مختصری از اصول این علم را شرح داده‌اند

### اصطلاحات صدا شناسی

ار مهم‌ترین مدارك علمی و فنی اصطلاحات صدا شناسی است ولی با دقت در اصطلاحات دخیل و معرب ملاحظه میشود که در بعضی مواقع مهم آنها را بعلت بکار برده اند و از ایرو و نآسانی میتوان حکم کرد که این علم بعد از ساسانمان در ایران تمرل کرده است و علت تمرل آن بداستن سر رسم حروف و داشتن خطی مانند دین دیره میباشد

طیر این اشتباهات در کتابهایی که از عربی بلائین ترجمه شده است دیده میشود زیرا که مترجمین از فنی که کتاب آنرا ترجمه میکردند و معانی دقیق اصطلاحات اطلاعی نداشتند

### تشخیصی صفات ذاتی و فرضی

از مدارك مهم علمی و فنی که ترقی علم صدا شناسی را در ایران ثابت میکند تشخیص صفات ذاتی و عر صی حروف و تقسیم آنها بدسته‌های مختلف است و چنانکه سابق گفتیم حروف دیوانگاری یا خط ساسکریت یکی از اقسام این تقسیمات است .

مثلاً - همزه دارای صفات ذاتی و عر صی دیل میباشد -  
چهر شدت استفال افتتاح اصمات نبر سکون .

### رسم مقطع دهان

از مدارك فنی مهم رسم مقطع های عمودی و افقی دهان است که در کتب تجوید و یا در کتابها ئیکه از این علم دکر ی در آن شده باقی مانده است

بواسطه در دست بودن کتابهای لازم نمیدانیم که آیا در کتابهای صدا شناسی هندی هم چنین مقاطعی از دهان یافت میشود یا نه

فرمودند ا ب ت ث ح . الی آخر .  
گفتم یا رسول الله چند حرف است ؟

فرمودند بست و نه حرف

گفتم یا رسول الله شما بست و هشت شمردی

پس رسول الله صلی الله علیه و سلم چشمگین شدید چندانکه دو  
چشمشان سرح شد و پس فرمودند ای انادر قسم نکسی که مرا از روی  
حق نه پیمبری فرستاد خداوند نارل نکارد بر آدم مگر بست و نه حرف  
گفتم یا رسول الله در آن الف و لام است ؟

فرمودند لام الف نک حرف است و خداوند نارل کرد آنرا بر آدم  
در يك صحیفه ای که با آن هفتاد هزار ملك بود کسی که مخالفت کند  
با لام الف نه تحقیق کافر شده است نه آنچه بر آدم نارل شده و کسی که  
شمارد لام الف را پس او از من بیرار است و من از او بیرارم و کسی که  
ایمان نداشته باشد که حروف بست و نه است مکاش از آتش سرون  
بخواهد آمد .

از این حدیث بحوبی واضح است تا چه اندازه در قرن دوم و سوم  
هجری بر سر الفما حدال سخت بوده و دامنۀ ابن حدال بحائی رسیده که  
دستگاه خلافت را محور بحعل چمن حدیثی کرده است

با وجود عبارات غلط و شدید ابن حدیب و اقتدار روحانی و مادی  
خلفای عباسی علمای آن عصر همه بست نه تعیر ترتب حروف معجم اعتراض  
کردند وایی چون موضوع اهمیت سیاسی و مذهبی داشت اعتراضات آنها  
فائده ای نه بخشید و در اس صورت گویا لازم بشرح باشد که تا چه اندازه  
کتابهای مربوط بتاریخ حط در ایران بر اثر تعصبات خلفای عباسی  
از بین رفته و آنچه در دست مانده است تا چه اندازه در آنها حك و اصلاح  
شده است

تا آنجائیکه اطلاع داریم درهند خطی شمه و نظیر دین دبره بوده است و این نکته از نظر بحث در تاریخ اختراع خط و کشوریکه در آنجا چمنس خطی اختراع شده بسار مهم است

### ترتیب حروف

از مهم ترین مدارک فی ترتیب حروف معجم است که تا قرن چهارم هجری در مالک اسلامی معمول بوده است

این ترتیب طبیعی فی سادۀ مطابق ترتیب مخارج حروف از حلق تا لب میباشد و در همه کتابهای تجوید و نحو داده شده است کتابهای لغتی که قبل از قرن چهارم هجری تألیف شده همه ترتیب حروف کلماتش مطابق همس برتیب است

آنچه از کتبی که در چند قرن اول هجری راجع به خط و تاریخ آن نوشته شده مستفاد میشود اینست که راجع به اسم و ترتیب حروف معجم و مخترع الیما در میان سعوییه ابرابی و عرب حدال سحتی بر پا بوده و خلفای عباسی با جعل يك حدث آتش این حدال را بمصنعت مصالح ساسی و مدهمی خود خاموش کردند

چون حدث و نکاتی را که جعل کننده حدث راجع ناها اصرار کرده کلید حل بسیاری از مطالب تاریخی و فنی مربوط بخط میباشد ترجمه آنرا در دیل میاوریم

از ابی در عفاری رضی الله عنه روایت شده که گفت -

« از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم یا رسول الله هر بسمدی

بچه فرستاده میشود ؟

فرمودند نا کتاب منرای

گفتم یا رسول الله چه کتابی بر آدم نازل شد ؟

## بذکرات چندی مربوط بتاریخ خط و تمدن

رابطه‌های مهم اروپا آریائی است و دین و خط و ارقام هندسی که سه اساس دیگر تمدن مادی و معنوی امروری جهان شناخته شده‌اند از آسیا به اروپا رفته است

در اروپا کسانی که راجع به زبان و دین و خط و ارقام هندسی تحقیقی کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند و اعراض هر دسته‌ای مخالف دسته دیگر است. یکدسته که عده ایشان بسیار کم است راجع به موضوع‌های چهارگانه فوق نظریات منصفانه‌ای اظهار داشته‌اند ولی از آنجا که چنین نظریاتی با اعراض متمسکین اروپا موافق نیست انتشاری پیدا کرده است و اگر اتفاقاً انتشاری پیدا کرده و از طرف دسته مخالف اعتراضی شده ایشان بعلت بی‌علاقگی بیک موضوع ایراد و پائینی در نظریه خود تجدید نظر روا داشته و آنرا حتی الامکان بر دیکر باهمال معرض نموده‌اند

دسته دیگر که عده آنها سار زیاد است از قدیم بست ایران و هند عداوت مخصوصی دادند و صد دسته اول می‌باشند

این دسته که در اروپا نبود و اقتدار فوق العاده دارند، روشن شدن تاریخ و حقیقت چنین موضوع هائیرا مخالف مصالح سیاسی و مذهبی خود میدانند سعی دارند با معالطه و حدسیات سدی در پیش حقائق نکشند تا اینکه حتی الامکان نامی از آسا و مخصوصاً ایران سرا برده شود.

مؤلفان و تالیفات این دسته مخالف بهمه رابطه‌های اروپائی بسیار است و در گمراه کردن ادهان اشخاصی که قوه و حوصله تحقیق ندارند و معلومات آنها از راه حواهدن و شنیدن است تأثیر عمیقی داشته و دارد ولی محتویات مؤلفات ایشان تا کمون از مرحله حدال و حدس و تردید خارج نشده و در مدت قرن‌ها نتوانسته‌اند بطور قطع چیزی راجع بچهار موضوع مهم فوق بنویسند

تأثیر این حدیث در ممالک اسلامی زیاد بوده است زیرا که ملاحظه میشود که حتی در آخرتربس حروف ابجدی که بموجب این حدیث مردود است « لا » را زیاد کرده اند

در مکتب خانه‌های قدیمی کودکان همیشه احد هور . . صطخ لا میگفتند در صورتیکه گفتن « لا » بعد از صطخ هیچ مورد ولرومی ندارد  
 يك نر از عثمانیها تقریباً بود سال پیش الفمائی اختراع کرده وار حمله « لا » را هم در آخر حروف گذاشته است

بحث در موضوع اینکه « لا » الف و لام و یا لام و الف است از احاط فنی و تاریخی اهمیت بسار دارد و ما در یکی از جروه های ایران کوده شرح این اشکال را که حدیث راجع نآن اس قدر اصرار کرده خواهیم داد



## دینی

ما کس موار می نویسد -

«مشابهت دین مسیحی با بودائی حیرت آور است و اگر کسی مرا آگاه میکرد که تعلیمات بودائی از کدام راه داخل دین مسیحی شده از او ممنون میشدم» ❀

معلوم میشود که اس دانشمند اشکالی حرداستن راهی که تعلیمات بودائی داخل دین مسیحی شده نداشته است حل اس اشکال بسیار آسان است زیرا که نادقت در مذهب پادشاهان اشکانی وسط نبود آنها تا حدود مدیترانه رفیع این اشکال نآسای می شود

با وجود جعل و حک بسیاری در آثار بودائی، اس مشابهت هشتادسال پس از دانشمند مذکور موضوع حدال و بحث و باعث حیرت است و روحانیون مسیحی نتوانسته اند راه حلی حر اعماص و انکار پیدا کنند

## تذریحاً

بحث در موضوع خط ارفقن شارد هم در اروپا شروع شده و تا صدسال پیش خلاصه اطلاعات آنها بطوریکه در چاپ هفتم و هشتم 'دائرة المعارف انگلسی نوشته شده از اس قرار است -

«چون نمیتوانیم که از روی تاریخ و حتی تا تحلیلات خود اصل الفار اتعین کنیم باید موح مدارك صحیح علمای یهودست آرا به آدم ندهیم و یا اینکه بگوئیم این اختراع از اختراعات شریست و الفما از آسمان نازل شده است»  
علت چنین اظهار نظر موهومی آنهام در دو چاپ مختلف دائرة المعارف انگلسی اینست که در نوشته های قدیم یونانی و لاتن قبل از میلاد و کتب مدهبی بعد از میلاد راجع به الفما هیچگونه مدارك تاریخی و فنی بطیر مقاله

❀ Max Muller, India, p. 279. London 1883.

❀ یکی در ۱۸۴۲ و دیگری در ۱۸۵۳ چاپ شده است

وما در دیل، کلیات اشکالات اساسی این دسته محالف در موضوعهای چهارگانه فوق باندازه گنجایش این جروره اشاره میکنیم

### زبان

تا صد سال قبل میکوشیدید که ثابت کنید که کلمات یونانی و در نتیجه کلمات ربابهای اروپائی از سامی گرفته شده است در چاپ هفتم دائره المعارف انگلیسی میگوید -

« برای اثبات است که مواد زبان یونانی بایستی از شرق جمع آوری شود و ما روی همین رهنه اغلب سعی کردیم که اثر اصل کلمه های یونانی را در ربابهای عبری و فینیقی و کلدانی پیدا کنیم »

در صورتیکه کلمه های این ربابها را بی ویل، بجوابیم کمتر اتفاق مسافتد که در تحقیق خود به نتیجه برسیم

لهدا ما عقده داریم که هر کس که تا انداره ای مطالعاتی کرده باشد و این آرمایش را نکند خواهد دید که درست است

بر روی همین اساس بوکارب<sup>۱۱</sup> دانشمند دستگاه زبان شناسی خود را اقرار داده است و تا زمانیکه مردم علم زبان شناسی را دنبال خواهند کرد چنین روشی مورد تحسین اهل دانش و دکاوت خواهد بود «

بعد از مدت کمی خلاف این حدس کاملاً ثابت شد زیرا که چگونگی ساختمان کلمه های ربابهای آرنائی و ارتباط آنها با هم از اسلاید تا سگال کاملاً معلوم و مسلم گردید و اکنون این اشکال اساسی پیش آمده است که کلمات سامی در کجا و از روی چه مأخذ و اصولی ساخته شده است و چه دلیل علمی و فنی و قاعده ای برای تمر آنها از کلمات ربابها غیر سامی وجود دارد

تقریباً یازده سال بعد از چاپ دوم کتاب «الما» دائرة المعارف انگلیسی  
در چاپ سزدهم چنین می نویسد -

«اگر نامدار کی که تا اوت ۱۹۱۰ در دست ما است بحواهمیم راجع  
به تاریخ الماتحقیق کسیم فائده ای بحواهد بحشد کشفیات عظم کاپادوسیا  
و آسور و مصر هنور در مرحله ابتدائی خوداست و هر اظهار نظری را ممکن است  
کشف دلائل تازه تری باطل کند»

بورده سال پس از اظهار نظر فوق و تحقیق در آثار عظم کاپادوسیا  
و آسور و مصر که مطالب را سستاً روشن تر کرده است دائرة المعارف انگلیسی  
در چاپ چهاردهم (۱۹۲۹) چنین می نویسد -

«نحت در تاریخ الما از اولس مرتبه اینکه در کتبه های یونانی بکاررفته  
است اشکالی بدارد ولی تاریخ الما پیش از یونان هنور در پرده شک مستور میباشد»  
در ۱۹۲۷ و ادل استاد سابق دانشگاه لندن کتاب مشهور خود را بنام  
«اصل آریائی الما» منتشر کرد

این کتاب کاملاً مخالف حدسیات نلر و هم مسلکان اوست زیرا  
وا دل در آن کوشیده است ثابت کند که الما از روی علامات خط سومری ها  
که بدلائل او قومی آریائی بودند گرفته شده است.

وا دل در مقدمه کتاب «اصل آریائی الما» می نویسد -

«عموماً تصدیق کرده اند که اختراع الما یکی از بررگترین موفقیت های  
علمی نشر است.

تا کنون اصل الما و ما حد شکل های حروف نا بیکه موضوع حدسات  
مختلف بسیاری بوده همس طور مجهول ماده است با وجود این نویسندگان  
احیر مخترع آرا سامی فرض نموده اند و همه این فرض را بدون تفکر و عور  
از يك دیگر نقل و تکرار می کنند.» نقل اروا دل

فهرست این ندیم و کتب صدا شناسی و تجوید ایران وجود ندارد .  
 چون د قرن گذشته دیگر استناد ناین گونه او هام امکان نداشت  
 چاره ای جر این بود که روش حدیدی یش گیرید تا نتوانند همان روایات  
 مدهی سابق را با حدسیات و معالطه بصورت قابل قولی در آورند  
 بهترین کتاب جامع و مفصلی که در راه این مقصود نوشته شده است  
 کتاب «الما» تألیف نکى ارروحایون نام اسحق تیلراست که سی سال بعدار  
 چاپ هشتم دائره المعارف انگلیسی منتشر شده است <sup>۱۴</sup>  
 این کتاب ار حیث جمع آوری خطوط جهان و ترتیب جدول ها  
 قابل توجه و همیشه مورد استفاده است ، ولی چون مقصود مؤلف فقط این بوده  
 که نسبت اختراع الفبارا بطوائف مشهور سامی بدهد محور شده که اکثر  
 مباحث کتاب را که مربوط ناصل و مخترع الما است با کلمات حدس  
 و احتمال یر کند و اساس کلیه آن حدسات و احتمالات ، حدس  
 مفقود الاثر اماونل دوروژه است که مؤلف آنرا «حدس در حشاش»  
 نامیده است .

اماونل دوروژه در ۱۸۵۳ در «اکادمی درسکرسمون» فراسه  
 حدس خود را در نك سخن رانی شرح داد و بعد نسخه اصلی سخن رانی  
 بعلل اسرار آمری مفقود شد و بعدها هم اندا پیدا شد و مجدداً هم موفق  
 بوسستن آن سخن رانی مفقود شده نگردید و لهدا حقیقت آن سخن رانی  
 و چگونگی حدس در حشاش تا کمون عمر معلوم است <sup>۱۵</sup>

باری کتاب «اللبا» شاره سال بعد دوباره بر برطر حدس اسحق تیلر  
 بحاب رسند و چمانکه مؤامف تصریح کرده در این مدت مطالب تازه ای بدست  
 او بیافاد که در جاب حدید آنها را اضافه کند <sup>۱۶</sup>

۱۴ تاریخ چاپ اول ۱۸۸۳ است ۱۵ تاریخ چاپ دوم ۱۸۹۹ است

انگلیسی (۱۹۲۹) نوشته شده اینست که باید اصل آنرا در ایران و هند جستجو کرد<sup>۴</sup>

در کتابهای عربی این ارقام را هندی نوشته اند ولی در اروپا آنها را ارقام عربی شهرت داده اند و عرص در اصرار بر این غلط عمده لارم شرح بست

تاریخ رمان و دس و حط و ارقام رحمت واری بسیاری بجهت معرصس فراهم کرده است و برای پوشش حقائق چاره‌ای حراس بدیدد که -

۱ - سرزمین بهنادر ایران و هند را با آنچه اسمعداد آبادانی و آثار باستانی تاریخی و دیسی و ادبی و صنعتی از یک حریره یونانی هم کوچک‌تر و بی اهمیت تر و نمود کمند

۲ - سالهای حوادث مهم تاریخی را طوری بمثل خود پائس نماید که بودا و زردشت و کیمسوس همه تقریباً هم‌عصر سقراط و پریکلزس واقع شوند تا قدمت یونان معارضی پیدا نماید

برای اسکه کتابهای پر نقش و نگار معرسانه ناعب گمراهی شود و خوانندگان ندانند که قریبهای بسیاری پیش از اسکه نابل و یونان و رم در ضحیه تاریخ وارد شوند تمدنهای عظمی در اس سرزمین اطراف آن وجود داشته ملاحظات چندی را اضافه میکنیم

\* رجوع شود به صفحه (۵۴) حروه دوم ایران کوده

آخرین حدسی که راجع به الهام رده اند و مخالف کلمه حدسات سابق میباشد حدس پروفسور تولیو است که در سال ۱۹۳۱ در آلمان منتشر شده است

نکته قابل ملاحظه در این حدس اینست که پروفسور تولیو در تحقیقات بی سابقه خود ارتباط شکل حروف را با صدا در نظر گرفته ولی بجای اینکه این ارتباط را در دهان انسان جستجو کند متوجه تأثیر صدا در گوش ورد فعل آن شده و روی گوش حرکات آزمایش هائی کرده است که به خلاصه آن در صفحه (۷۲) جروره دوم ایران کوده اشاره شده است

پس از تاریخ فوق در کتابهای خارجی حتی آنها که مخصوصاً راجع به الهام بحث کرده اند تا تاریخ ۱۹۵۳ مطلب تازه ای که راجع به تاریخ و چگونگی اختراع خط باشد ملاحظه نشده است

## ارقام

برای عدد نویسی ده رقم یا شکل قرار دادی ارسفر تانه داریم که اکنون در سراسر جهان معمول و متداول شده و تأثیر بزرگی در تمدن امروزی جهان داشته است و از اینست که محققین ملل مختلف تصریح کرده اند که صفر از بزرگترین اختراعات بشر بشمار می رود

این ارقام در ایران و ممالک دیگر بنامهای چندی خوانده میشود -  
ارقام هندسی ارقام دیوانی ارقام هندی ارقام عربی

قدیمترین نمونه کاملی که از این ارقام در دست است بموجب چاپ سیردهم دائرة المعارف انگلیسی ارقامی است که ده قرن پیش در شرار نوشته اند راجع باینکه این ارقام در کجا و از روی چه اصلی اختراع شده تحقیقات بسیار کرده اند ولی نتیجه معلوم نیست و نتوانسته اند بگویند که اختراع آن نصیب کدام ملت است تنها چیزی که در چاپ چهاردهم دائرة المعارف

از همه اینها مهم تر صدها مهر و جواهر بدست آمده که روی آنها  
با حط مخصوصی کنده شده و نابت میکند که مردم آنها برای نگارش دارای  
حط ربائی بوده اند.

این شهر باستانی بر اثر سیلاب عظیم رود سند و تغییر هوا چند  
هزار سال پیش از میلاد اربین رفته و کشف آن بسیاری از حدسیات و مخصوصاً  
حدسیات راجع به حط را که در قرن گذشته کم کم صورت تاریخی بخود  
گرفته بود بی اساس کرده است

#### هند

بالا ترین مدرک اصالت تمدن باستانی قومی زبان آن قوم است زیرا  
که زبان و کلماتی که در آن وضع و استعمال میشود دلیل بر ترقیات مادی و معنوی  
قومی است که آن زبان را ایجاد کرده و با آن گفتگو میکند

در آثار دینی باستانی هند راجع به تقدیس و تعطیم زبان که اساس  
ترقیات مادی و معنوی بشر است سرودهایی وجود دارد که در دیباچه انجیل  
یوحنا اقتباس مهمی از آن دیده میشود -

« در آغار کلمه بود خدا بود و کلمه خدا بود و همان بود  
خدا بود و همه چیز بواسطه آن آفریده شد و بعد از او چیزی از موجودات  
وجود نیافت »

زبان هندی باستانی و با سانسکریت تا امروز اروسع ترین و کاملترین  
زبانهای جهان است

سر ویلیام جورج داشمند مشهور که اربشقدمان معرفی زبان و ادبیات  
سانسکریت در اروپا بود راجع بر زبان سانسکریت چنین میگوید -

« زبان سانسکریت از یونانی کاملتر و از لاتین وسیع تر و از هر یک  
ارین دو دقیق تر است و بهر دو نزدیکی بسیار دارد »

حوشحنا آثر نوشته این زبان که با فارسی باستانی فقط اختلاف

## تمدن باستانی سرزمینهای شرقی آریائی

سند

در معرب سند و همچنین در بلوچستان آثار تمدن باستانی بسیار عظیم کشف شده است که قدمت آن سه چهار هزار سال پیش از میلاد مینماید و عملاً نام «موهن جو دارو» یا «سند» مشهور شده است.

بر دنگ موهن جو دارو که یکی از منطقه های این تمدن باستانی است شهری از ربر حاك سرون آورده اند حیواناتهای این شهر گمشمار است، عرض آنها يك بواحت و خانه هایش آحری و محکم است و تقریباً هر خانه ای دارای يك گرمائه خصوصی میباشد و يك گرمائه عمومی بر رگ هم کشف شده است گنداب خانه های شهر از مجرای مخصوصی از ربر شهر خارج شده است. از آثار ساختمانی این شهر بحوی معلوم است که آن از روی نقشه معین و در ربر بطور مان روایی ساخته شده و توسعه پیدا کرده که در ریاضی ساختمانیها و امور بهداشت آن مراقبت کامل مکرده اند

بخلاف آثار قدیم جاهای دیگر، در این شهر قصور و معد های عالی وجود ندارد بر رگترین بنای این شهر ربا همان گرمائه عمومی شهر است از جمله اشائی که در خانه های این شهر بدست آمده تیغ موتراش، آئینه و سرحاب و ررو ریورهای زبانه است مردم این شهر ناطاس بخته برد يك نوع قمار میکرده اند و کدکانشان اسباب بازی های متنوع برای سرگرمی خود داشته اند.

از مجسمه ها و نقش و نگار و کنده کاری های روی اشائی که بدست آمده میتوان باحلاق و عادات و لباس مردم و نوع حیوانات اهلی و وحشی این بواحی پی برد

این شهر بشنان باستانی از کشاورزی و مخصوصاً کاشت پنبه اطلاع داشته اند و برای پوشاك خود پارچه مسافته اند.



بودار، تا ده قرن پیش از میلاد تصدیق کرده است ولی در چاپ هفتم  
دائرةالمعارف انگلیسی (۱۸۴۲) با اعتراض سحت شده و معترض اصرار  
میکند که ظهور بودا نمیتواند بیش از پنج قرن قبل از میلاد مسیح باشد  
ما باید از خود بیرسم برای ملتی که فرسنگها از هند دور است  
چه تفاوت خواهد کرد که بودا در قرن پنجم یا دهم یا بیشتر پیش از  
میلاد باشد

اگر قبل از هرچیز عرص و منظور از بانی آوردن تاریخ ظهور  
بودا و اهمیت آنرا در نظر بگیریم بهر و آناسر مسعود فصاحت و حکم کرد  
اگر بودا اقلاده قرن پیش از میلاد ظهور کرده باشد اصالت روایات  
کلیسا و زبان یونانی که زبان مقدس آن شایسته شده و همچنین حدیثات  
راجع به خط همه بی ماحدمسعود و دیگر راهی حتی برای معالظدهم نافی بنماید  
ظاهراً همین عاتهای مدهمی و معدوی باعث این شد که چند سال  
بعد سرو بلنام حوبر رأی خود را تعبیر دهد و با حدسیات و احتمالات غیر مسلمی  
ظهور بودا را به قرن ششم پیش از میلاد نشانند

مأخذ سرو بلنام حوبر برای این حدس روانات دو نفر شخص  
افسانه ای یونانی نام دائیماک و مگاستس است که آثار مستقلی از آنها بدست  
نیست ولی استرابون در کتاب جغرافیای خود از آنها نامی برده و مخصوصاً  
تأکید کرده که از روانات و بوسته های هر دو پرهیز شود

چون شایح شخصیت اس دو نفر قبل از بحث در موضوع اهمیت  
دارد عین عبار استرابون را که سیصد سال بعد از آنها راجع باشان نوشته  
است در ذیل نقل میکنم

« اگر صحیح باشد که از آنچه مؤلفین (بعد از اسکندر) در باره  
هند نوشته اند همه دروغ است دائیماک در دروغ پرداری گوی سقت را  
روده و مگاستس در دروغ گوئی اقتدا نا کرده است »

جرئی لہجہ‌ای دارد ارسہ ہر ارسال پیش باین طرف ناقی مانده است بشیاری  
ار اصطلاحات و معانی دقیقی کہ در این زبان و خود دارد بطیرش در زبانهای  
دیگر یافت نمیشود

محققین قدیم و جدید همه تصدیق کرده اند کہ . -

« هنگامی ہمدین وقابون و سارمانہای اجتماعی و فلاسہ عالی مقام  
و دانشگاه های متعدد داشته است کہ نامی ار شهر رم و سقراط و شیاری  
ار ملل جهان سوده است »

کتابهای ہندی ناستانی راجع بدس و فلسفہ و منطق و کلام و لغت  
و اشتقاق و صرف و نحو و عروض و معانی بیان و صدا شناسی و ریاضی  
و نجوم و طب و موسیقی بی شمار است

درام ہائی کہ در رمان سمار قدیم باین زبان نوشته شده است آتش  
حسد سساری را شعلہور ساخته و اصالت درام یونان را اریس برده است  
خلاصہ چس آثار دینی و فلسفی و علمی و ادبی و فنی بردہج یک  
ار ملل قدیم غیر آریائی و خود ندارد

### ظہور بودا

یکی ار حوادث مهم جهان کہ کتب تاریخ و روایات ار ژاپون تا  
اندلس آرا صط کرده است ظہور بودا است  
شرح رنگابی ابن متفکر بررک و سخنان خردمندانہ او و تنوع  
حظ ہائیکہ در رمان او سوده عظمت تمدن آن عصر را در سرزمین شرقی  
آریائی ناث میکند

حتی مخالفین مذهب بودائی ہم کہ برای پیدا کردن نقطہ صغنی  
مطالعات دقیقی راجع بآن مذهب کرده اند تصریح سمودہ اند کہ در رمان  
ظہور بودا تمدن عظیمی در آن نواحی وجود داشته است

در اوائل قرن نوردہم سرویلیام جور پس ار تحقیقات تاریخ ظہور

۳- کاپیتان گیل از روی نقاشی های رنگی آثار بودائی در مدت ده سال پرده هائی تهیه کرده که در لندن نمایش داده شود و آن پرده های رنگی در (۱۸۶۶) سوخته است و بعد از آن حواسته اند دوباره آنها را از بوکشمند اصلش از بس رفته بود

۴- دکتر فورر نامی متهم بحمل و حك و نقل آثار بودائی از حائى بجائى است مگر آثار بودائى چه بوده كه بايد در آن حك و حمل كرد بايد ارجاع باس شخص و اتهامى كه باو نسبت داده اند دقت و تحقيق كرد

۵- از آثار باستانی مهم بودائی کتیبه های متعددیست که آنها را بنام کتیبه های « اشکا » مشهور کرده اند خود کتیبه ها با اسم « پاداسی » است و برای مقاصد حدس رده اند که آنها را « اشکا » سه مین پادشاه خاندان « موریان » است

گداشتن اسم « اشکا » که در ادوات بودائی آمده بجای « پاداسی » که در کتیبه دیگر شده است « اشکا » با « چند را گو پنا » و اسماء باسحت او « پتالا پوتا » بوده و تعیین و تبدیل اسمی بوشه های یونانی به اسمی هندی و بسیاری از حدسات دیگر که از روی ناچاری باید رده شود تا مطالب بهم مربوط گردد مورد شك و تردید بنا است و باید در آن دقت شود

۶- یکی از دوفر هندی عضو انجمن غارهای بودائی ترجمه هائی از کتیبه های « اشکا » تهیه کرده است ولی مرده و ترجمه های او منتشر شده است چنانکه میدانیم خط غیر معمولی کتیبه بیستون خوانده شد و ترجمه آن در (۱۸۴۰) منتشر گردید در صورتیکه کتیبه بیستون در حائى بوده که کاملاً تحت هود اروپائى ها باشد

باید پرسید که چرا ترجمه کتیبه های متعدد و واضح « اشکا » تا این

انداره انتشارش تاخیر افتاده است ؟

« همچنین اونه زیکریت و نیارک و مورحس دیگر این عصر راه کراف کوئی پیش گرفته اند دقت در تاریخ اسکندر گفته ما را ثابت میکند ولی باید در نظر داشت که یرهیر اروانات دائیماک و مکاستس سیار لارم است »<sup>۴</sup>

شخصیت و ارزش روایات این دوسر یونانی ارروی معرفی استرابون بحوبی معلوم است و لهدا افسانه مسافرت آنها و تغییر و تبدیلی که در تفسیق اسامی روا داشته اند واضح است نمیتواند پایه قضاوت قرار گیرد و مخالف کلیه مدارک تاریخی میباشد و ناند در آن تجدید نظر نرد

اگر نوشته های اصلی که ناس دو نهر سمت داده اند در دست بود کذب دعوی چس مسافرتی از روی حط سر و اطلاعاتی که راجع به هند داده بودند بهتر معلوم میشد ولی متاسفانه در همان زمان قدم آنها را ازین برده اند

رای اینکه حواسدگان نتواند راجع به تاریخ ظهور بودا شخصاً تحقیق و بررسی نماید نکات دبل را تذکر مدهم -

۱- تا آنحائیکه اطلاع داریم دکتر ویلس که از روحانیون مسیحی متمدد در هند بوده از (۱۸۳۱) میلادی در آثار بودائی در هند دحالت میگردده است و در (۱۸۴۸) انجمنی که اعصای مؤثر آن روحانیون مسیحی بوده اند تشکیل داده و در آثار بودائی رسیدگی هائی کرده اند اس انجمن دو نهر عصو همدو هم داشته است

۲- حیمر پرنسیپ رئیس صراب خانه کلاکت در حواندن سکه ها و مدارک بودائی و پیدا کردن اسم یون دحالت داشته شخصیت و پریشانی اوضاع رندگانی او و تخصص او در سکه ساری و مرگ مرمور او در سن چهل سالگی قابل توجه است

۴. Déimaque, Megasthène, Onésicrite, Néarque.

لشکریان منظم چندراکوبتا عمارت بوده است از -

' ۶۰۰ هزار پیاده ، ۳۶ هزار سوار و قتل دار ، ۲۴ هزار اراده سوار  
این لشکریان اسوه را که شماره آنها را تا هفتصد هزار نوشته اند  
وزارت جنگی اداره مکرده است که دارای شش دیوان بوده و معظم ترین  
تشکیلات جاسوسی و همچنین خط رمز و کتوت های نامه بر داسنه است  
سارمانهای کشوری این امپراطوری منظم عمارت بوده است از -  
وزارت بازرگانی ، وزارت مزد ، وزارت کار ، و همچنین دیوان ثبت  
بورادان و مردگان و درآمد

پایتخت این امپراطوری را «پتالابوتا» می نامیدند و آن شهر بزرگ به شش  
محلّه تقسیم شده بود و در زیر نظر سپرداری سمار منظمی اداره میشده است  
با حدس سرویانام حور و پیروان او چندراکوبتا در ۳۲۳ میل از  
میلااد به تحت شسته است یعنی در سال مرگ اسکندر

در تواریخ هند نامی از اسکندر بهجوم او نهد نیست اسم اسکندر  
چنانکه محققین نوشته اند بعد از هجوم سلطان محمود عربی شمال هند در آن  
سر زمین وارد شده است

همچنین میگویند اسکندر با بورس یافته پادشاه هندی جنگ کرده  
است اسم بورس دلمه هندی نیست چمن اسمی میان اسامی افسانه ای  
تاریخ نابل دیده میشود

در صورتیکه اقتدار پادشاهان سلسله موریان و ظم و برتیب لشکری  
و کشوری آنها بموجب نوشته های یونانی در نظر گرفته شود معلوم است که  
افسانه رسیدن اسکندر به مشرق ایران و هند و حکومت یونانیان در بلخ تاچه  
انداره با این روایات وفق خواهد داشت

### خط در ایران و هند

اسحق تیلر مینوسد «عجب این است که قدیم ترین آثار الهائی

- ۷- محقق است در آخر کتیبه‌های «اشکا» کلماتی اضافه کرده اند
- ۸- شرح پیدا شدن برخی از کتیبه‌های «اشکا» و مخصوصاً کتیبه‌ای که اسم «یون» در آن بوده و اختلافات نسخ کاملاً قابل دقت است
- ۹- برخی از کتیبه‌های «اشکا» تاریخ را از مَرک «معلم برک» داده است اگر عادت بودائی این بوده که تاریخ را از روایات بودا حساب کنند مثل تاریخ میلادی و با هجری این عادت کسی مبروک شده و نظیرش در کعبه است؟
- ۱۰- حقیقت این است که عصر ظهور بوداها بواسطه قدمت بسیار و نبودن طریقه دقیق برای محاسبه سالها در قدیم تعبدش بسیار دشوار است نواریخ ایران ظهور بودای اول را که بوداسف و شد است نوشته اند در حدود سی و پنج قرن پیش از میلاد صحت کرده اند
- شهر بلخ مرکز به دانیان ایران بوده و از این شهر دین بودائی به بسیاری از نقاط شرق و غرب منتشر شده است دین بودا در مشرق ایران اکثریت داشته و تا آنجائیکه تحقیق کرده‌ام اشکانها بیشتر بودائی و ساسانیان زردشتی بودند و بهمین جهت منانه آنها عداوت و حسد داشته است مانی که در اوایل سلطنت ساسانیان ظهور کرده میخواست چاره‌ای برای رفع این عداوت که بعدها موجب ویرانی ایران گردید بنماید و موفق نشد این بود برخی از نکات مهمی که هنگام بحث در مسائل بودائی باید در نظر گرفته شود و ما بقس داریم کسانی که راجع به مسائل حواسته باشند تحقیقی کنند در ضمن بحث به بسیاری از نکات برخورد خواهند کرد که شرح آنها از گنجایش این جزوه بیرون است

### عظمت پادشاهان هند از نوشته‌های یونانی

چندرا گوپتا از پادشاهان هند است و او یکی از بزرگترین و منظم‌ترین امپراطوریهای قدیم را ایجاد کرده است

## تمدن باستانی مصر زردین های شمالی آریائی

### خراسان و مرو

در سال ۱۹۰۴ میلادی در حوالی شهر « مرو » حفاری بهائی توسط پمپلی انجام گرفت و آثار تمدن بسیار قدیمی کشف گردید که نام « آنو » آنرا نامیده اند علت گذاشتن چنین اسم غیر معمولی روی تمدن باستانی آن ناحیه این است که اگر آنرا نام تمدن مرو یا خراسان نامیده بودند حلقه توحه را باین دو اسم مشهور ایرانی میکرد و تأثیر معمولی چنین نامهایی برای شهرت نابل مناسب بود

پمپلی از روی اصول علم زمین شناسی و در نظر گرفتن اوضاع جوی آن ناحیه تعیین کرد که آن آثار متعلق بهشت هزار سال قبل از میلاد مسیح میباشد بعد از پمپلی هورنر شهید از روی قرائن دستان شناسی سعی کرده است که آثار باستانی مرو را به سه هزار سال پیش از میلاد نشانده ولی اظهارات او مورد توحه واقع نگردیده است

این اشکالات و افتاء شك در مورد قدمت آثار تمدنی که در ایران و هند کشف میشود و پیدا شدن چند هزار سال اختلاف کاملاً طبعی است و نباید انتظار حر آنرا داشت زیرا در هر نقطه ای از نقاط ایران و هند که آثاری باستانی کشف شود و نشان باشد که آنرا با نابل و یونان مربوط کرد حتماً قدمت آن مورد شك و تردید محال پس میشود

ایجاد چنین اشکالات با محاحات فوق العاده در مورد اقدمت آثار باستانی شوش سر تا کمون ادامه دارد و خوانندگان در صحیحات بعد ملاحظه خواهند کرد که چگونه یوسف هالوی و همراهش مدت مدیدی ارشر آثار باستانی سوهر که بعد شرح داده خواهد شد در اروپا جاو گیری کرد معلوم نیست چرا حفاریهای « مرو » چنانکه باید ادامه پیدا نکرد

ایران از ناحیه‌ای مآید که استان هندی امپراطوری داریوش بزرگ بوده است

شماره الفباهای هند از کلمه الفباهای دنا روهم رفته بنا بر آنست  
و اکثر آنها از بهترین با کاملترین الفباهای جهان بشمار میآید  
الفباهای کتیبه‌های «اشکا» در هند از تمام آثار خطی لاتین قدیمتر  
است و با وجود این قدمت بسیار عالماً حروف آن کتیبه‌ها بطوری حوالا است  
که مانند همان روری است که نوشته شده است

برای تحقیق در الفباهای هند رمنه بحث بسیار و مدارك متعدد  
و فراوان است

در ممالک دیگر شکل های حروف الفباهای و دیم را باید نا حدس  
از روی سکه و آثار مردگان کشف کرد و برای آن تا بحی حدس زد و بنا ایسکه  
از روی عبارت های سنسار مختصر و مهم مسکه کات معین نموده ای در هند  
آثار قدیمی خط عبارت از آن سلسله کتیبه‌های قدیمی سنسار قابل توجهی میباشد  
الفباهای دنا و یخته این آثار تاریخی از حث عظمت علمی نظیری  
در میان الفباهای جهان ندارد این الفباهای درشت و ساده و نا شلووه و کامل  
مماشد و حروف آن برای دنا سپردن و حوالدن آسان است و اشتباهی  
ممان نیست روح دهد و روهم رفته دلیلۀ احتیاجات هنداسناسی که گرا مردانیهای  
هندی کشف کرده اند نا این الفبا مرتفع میشود

هیچک ا الفباهای ساختگی که از طرف علمای صداسناسی جدید  
بشهاد شده است نمیتواند از حث لطافت و قابلیت ودقت و بر دیک مهم  
بودن نا آن الفباهای ابری کند



## تمدن باستانی سرزمینهای غربی آریائی

### حصاری و اصطلاحات

قبل از سداری ارونا روانات توراه حدم مسلم تاریخی را داشت ولی در قرن هجدهم سراسر آن مورد انقراض واقع شد و دیگر کسی حاضر نبود روایاتی را که مدارک تاریخی دیگر آنرا تأیید نماند بپذیرد برای کشف آثار که مؤید روانات توراه شود از اواسط قرن نوزدهم باس طرف در هر منطقه آنکه احتمال وجود آثاری برای اس منظور معرفت شروع نکاوشهای مظم کردند

اس کاوشها از نظر کشف مدارک مفید واقع شد بلکه نتیجه معکوس هم بخشید ولی شاهکار آنکه در سانه اس حماریها نکار رفت اس بود که هر حاکم آثار تمدن مثل قدم و فراموش شده ای پیدا شد یکی از نامهای اساطیری توراه را روی آن آثار کشف شده گذاشتند و بعد اصطلاحات چندی هم وضع کردند که آن آثار را با روانات مدهمی ربط دهند

تأثیر اس نامهای اساطیری و اصطلاحات جدید قدم با در رنده کردن روانات مدهمی و جلب توجه مردم با آنها از اندازه تصور خارج است زیرا هر کس در اس روزها کمانی بهر رمانی راجع بتاریخ ملل باستانی بخواهد مثل دست که یک نسخه جدید مصور برداشته ای از کتاب توراه را داشته حرئیات تاریخی از حیث لباس و عادات در دست گرفته و بخواهد

تاریخی از اس اصطلاحات جدید که علی رغم اعتراض دانشمندان و اهل فن نکار مبرود و همچنین اسامی اساطیری که بدخواه روی آثار کشف شده گذاشته اند از اس قرار است

سامی حامی بافتی آامی کلدو سوهر اکاد

علام

این شاهکاری که در رنده کردن اس اسامی نکار رفت بی سابقه است

و تا آنجائیکه حفاری شده و نتیجه را منتشر کرده‌اند خلاصه‌اش اینست :-  
 اقوامیکه در حدود هشت هزار سال قبل از میلاد در نواحی مرو  
 آثار تمدنی از خود بیادگار گذاشته‌اند از ساختمان و کشاورزی و آبیاری  
 و کوره‌گری اطلاع داشته‌اند و پرورش حیوانات اهلی از قبیل گاو  
 و گوسفند و شتر و بره میپرورداختند مس و سرب و برنج در کارهای  
 صنعتی بکار برده‌اند و متواستند سنگهای سخت را از قبیل فیروزه برای  
 دانه‌های گردن‌نند و با تسمیح سوراخ کنند برخی از اشیاءیکه در آنجا  
 یافت شده است عمارت می‌باشد از محسمه‌های کوچک و کارد و خنجر  
 و مس و ظروف سنگی

این بود مختصری از آثار تمدن باستانی « مرو » که آنرا عمداً نام  
 تمدن « امو » نامیده‌اند  
 چون مقصود اصلی از این تذکرات بیشتر جلب توجه تاریخی است  
 است اکنون از شرح بیشتری راجع بآثار باستانی « مرو » که اهمیت  
 فوق‌العاده دارد و همچنین آثار باستانی تمدن عظیم « بلخ » و « سغد »  
 صرف‌مظر می‌نمایم

۵ گزارشهای حفاری ناحیه « مرو » که از طرف باستان‌شناسان شوروی  
 انجام گرفته است هنوز بدست ما نرسیده است

مینویسند وای در برخی مواقع که عاقل نگار بردن نایل حبابی واضح است  
معدن میجوهند و میگویند چون عاقل مشهور است آثار حیح مدهیم  
تا اوایل قرن بیستم کلمه «کلاه» را شمار استعمال میآوردند وای  
چندیست این کلمه از ابهت و استعمال سابق خود افتاده است

### قدمت آثار

قدمتی را که برای آثار سپهر نایل از روی حدس بعضی میماند همشده  
در عصر و تبدیل است تا چند سال پیش قدمت نایل را و بها بیشتر میگردانیدند  
بر آنکه نمیدانستند آثار قدیم بر آن بها وجود دارد بعد از کشف آثار  
سومر اصرار در قدمت نایل دیگر افحاری ایجاد ندارد و ابتدا برای احلال  
در تاریخ قدیم ایران و هند راه دیگری پیدا کردند و آن است که مردم  
سومر و هند و شوش را از هند و ایران جدا کنند و بعد قومی را که صدق  
خودشان هیچ تمدنی حر زبان نداشتند از آنجا بردند و آن قوم بعد

چون در اروپا شهر و آثار تمدن باستانی شد رفته چنان حدسی  
باشد وجود ندارد محصور شده اند که قدمت نایل را بتدریج پائین میآوردند  
تا اهی برای پروراندن چنان حدس باطالی پیدا شد و گمانگاهی هم در اروپا  
عاری کشف نمایند که در آن اساجوان مرده چندین هزار ساله باشد تا اهلا  
ممکن شود که وجود انسان را در آن و هوایی نامناسب چند هزار سال پیش  
آنجا ثابت کنند

### مجار گیری از نشر آثار مصری

پس از کشف آثار سومری قدمت تمدن تازه نایل و آشور و آثار  
آنها نقل محال بود و معلوماً اول از یونان شروع میماند و بعد تا آن  
و تا زمان قدمت آشور و نایل و تازه و مصر حتم میآوردند و رویهم رفته  
چیزی حر اقتباس و تقلید برای یونان باقی نماند  
مقدمه کشف آثار باستانی و بی نظیر سومر عمده ایران بعضی در آورد

ریرا که در دوره اسلامی نر همین روش را در ایران پیش گرفتند و تاریخ ایران را با روایات اساطیری آلوده کردند

این حرانکاری هنوز هم در تاریخ ایران ادامه دارد و از آثار برجسته آن نقش قبر حمالی داسال زوی اسکنداسهای بنح ربالی و تعمیر اسم یست فیه بعلام است در صورتیکه در کتسه فارسی بستون و همچنین ترجمه معروف به علامی آن چنین نامی وجود ندارد

### اصطلاح سومر

لرمان در (۱۸۷۳) میلادی کلمه «شعار» را که در فصل دهم کتاب سدانس تووا بکار رفتند با کلمه ای که آنرا حدساً «سوپ گری» خوانده بود نامی فرض کرد و در نسخه کلمه «سومری» را پس از تعمیرات چندی برای قومی که در زمان ساسانیان قدم در معرب حورسان تمدن عظیمی ایجاد کرده بود از پیش خود اصطلاح کرد

وادل استاد سابق دانشگاه لندن راجع باین اصطلاح دلخواهی در مقدمه فرهنگ «سومر آرائی» چنین مینویسد -

«نام سومر اکنون مقدم ترین قوم متمدن عرسامی بین المهرین اطلاق میشود ولی تا کنون چیزی کشف شده که آن قوم خود انااس اسم خوانده باشند باینسان بعد از سرزمین حمور بین المهرین را «سومر» مینامند و اصطلاح سومری را احراز روی این نام قائل کرده اند

مسام است که این اصطلاح بدخواه وضع شده است زیرا همین نام را مراد دیگری که امروز آنها را اکاد میخوانند اطلاق میدارند و همین اکادها را بر بدخواه سامان عربی مینامند ولی سابقاً آنها را سومری مینامند

هل اروادل

بجای این است که همین اصطلاح «سومری» را که خودسان وضع کرده اند بکار نبرند بلکه تا همان است بجای «سومری» بانی

## آثار و تمدن باستانی سومر

اثاثیه بسیار زیبا و زیورهای طلا و نقره طریف و حواهرهای رنگارنگ و آلات موسیقی و صندوق رحب و تحته ناری و محمه ها و اراده و . . . . . که در قبور پادشاهان و ثروبندان « سومر » بدست آمده عظمت معام و دوق سرشار هسرمندان و صعبگران آن سر زمین را در حجاری و فلز کاری و زرگری و نقاشی . . . در يك لحظه نات میکند .

از ملاحظه این آثار صعبی بسیار نفس ده شرحش از گنجش این حروه بیرون است معلوم میشود که در حدود چهار هزار سال پیش از میلاد در معرفت حورستان تمدن عظیمی وجود داشته و این تمدن نمیتوانسته در آن عصر بآن پایه و عظمت برسد مگر ایماه قرن های بسیاری قبل از آن اساسش بچینه شده باشد تا بعد کمال خود در قبور پادشاهان برسد

زبان سومری در چند هزار سال پیش از میلاد ترفی فوق العاده داشته است و تا قریبهای بسیاری این زبان مانند زبان لاس زبان ادبی و دینی و علمی مردم بین النهرین بوده و حتی مهاجرین بابلی آنجا مار و ادعیه و رسوم مذهبی خود را با این زبان ادا میکردند و کلمات سومری را بازعات کرار آن در زبان خود بکار میبردند و رو بهم زبانه سومری برای زبان واسور بمرله «رم» برای ارونا بوده است

قدیمترین مجموعه قوانس و اصول محاسباتی که در جهان یافت شده از سومریها است و قانون « حاکمورایی » که در اطراف آن استعدیهها مشهود بعد از قرن های بسیاری از روی قوانس سه مری بدوین شده است سومریها در پیش از زبان میگردید و پس آنها در چند هزار سال پیش کامل و مدون و مورد قبول همه بوده است برخی از بعضی اساطیری از قبیل قصه پرواز با آسمان و طوفان نوح از افسانه هائی است که بعد ها از سومر اقتباس شده است

مخصوصاً در موقعی که تلمعات راجع سامی بودن حط و مطالعات ضدپودائی و رد دشتی با کمال حدیث پیشرفت مکرر و موضوع حوشی زبانهای اروپائی با زبانهای هند و ایرانی بحلاف نظریات «بوکارت» حل شده بود.<sup>۵</sup>

در سال (۱۸۷۴) میلادی «یوسف هالوی» که اردسته معصب و مخالف بود با استفاده از مقام و نفوذ خود و پشمبانی دیگران باشخصی که راجع آثار سومری بحقق مکررند اعتراض شدیدی نمود و مکرر و خود مردمی تمام سومری گردید همچنین اصرار داشت که حط میحی از اختراعات نابلمان است و حط سومری حط زهری است که آنها برای حط اسرار دینی خود اختراع کرده اند

اگرچه پس از سالها حط و کوشش بنفایده و صدها سخن رانی و مقاله و کتاب برای القاء شك و حلو کوری از بشر آثار سومری، یوسف هالوی و پشمبانیان او شلست فاحش حوزردند ولی این حدال و اجاحت مدتی بعد دوام پیدا کرد تا اینکه آثار مسعلی که در آن اندا اری از نابل دنده بنسند پیدا شد و مسلم گردند -

۱ - حط میحی از اختراعات سومریهاست و مهاجرین نابلی آن حط را از سومریها اقباس کرده اند و حط نامبرده برای نوشتن زبان نابلی اندا صلاحیت نداشته است

۲ - بحلاف اسطاز یوسف هالوی معلوم شد که سومریها از فلان ایران سر زمین سومر مهاجرت کرده اند

ناری مخالفت و اجاحت یوسف هالوی و همدستان او بهترین دلیل بر عرض زانی این دسته مخالف است و ما باید پرسیم که چه علتی وجود دارد که این دسته این قدر اصرار در پوشیدن حقایق و القاء شك در تاریخ باستانی این بواحی دارند و آثار سومری چه ضرری برای آنها دارد؟

ماه‌های سومری ماه‌های قمری بوده و دابلی‌ها و یهود و مسلمانان این طریقه را از سومر بها اقتباس کرده اند

سپاهیان سومری مرتب و منظم و با اسلحه‌های مختلف قدیم مجهز بوده اند و فرماندهان آنها از صف آرائی و لشکر کشی و فسون جنگ اطلاع داشتند فلان را که سونان بست ممدادند دو هزار و پانصد سال پیشتر از یونان آثارش در سومر پیدا شده است

محقق است که آثار باستانی مصر از آثار سومر و شوش قدیم تر نیست ولی احتمال کلی دارد که آن آثار از آثار مصری قدیم تر و اصل تر باشد

### مدگان

اریکات قابل توجه در آثار و تاریخ سومر بها دفن پادشاه و ما را است

در سومر وقتیکه پادشاه ناما را دفن میکرد تمام انانته و حواهر

خاصه او را در گور مگداشتند و بر تمام مدگان آنها ناله کرده گور مرفند

تا در عالم دیگر بخدمت ولی نعمت خود مانند اس جهان سردارند

معلوم است که چمن رسمی تا چه اندازه باعث روح بنده پروری

و نبود مدگان در دربار پادشاهان میشده است چنین مدگان حان نازک

در بندگی و مرگ ناستی در خدمت ولی نعمت خود باشند فوق العاده عزیز

و مقرب میشدند و امور لشکر و لشور آنها بحول مکارند و بهر روز سر رشته

کارها را بدست مکار فند و حر نامی اربادشاهان باقی می ماند و عاقبت عاصب

تحت و تاج میگردیدند و دولتی بی دوام و پیر آسود بر پا مکارند و بعدهم

بدست دیگران از بین مرفند

قصه یوسف در مصر و داسال در بابل و بطائر آنها و هم چمن تا بح

قدیم ایران و مصر ورم از احبار دولت و افعال این مدگان پراست اقتدار

علامان ترك در دوره عساسان و ساطنت عربوس و حلاوت عثمانان

و پادشاهی ممالک در مصر که اطلاعات معصل تری از آنها در دست است بطائر

تاریخی جدید تری از دولت این مدگان میباشد

محقق است که سومریها مخترع خط میخی بوده اند و اقوام بابلی که چند هزار سال بعد در بین المهرس پیدا میشوند زبان خود را که در سمحه احتیاط با سومریها پر از کلمه‌های سومری شده بوده با خط میخی سومری مموشتند در صورتنه خط میخی سومری برای نوشتن زبان ایشان اندا مناسب بوده است از قرار آنکه نوشته اند سومریها ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد دارای خط بوده اند

در آثار قدیمی سد خط ربائی کشف شده که از خط سومری ساده تر و پخته تر است ولی اسکال آن با خط سومری مشابهتی ندارد تا توحد کامل نباشد که هم اهالی سد و هم اهالی سومر هر دو چند هزار سال پیش از میلاد دارای خط بوده اند منگولم -

سومریها بجز با کتبه « دوپو » مکمله اند و در همدی ناسمانی بر کلمه « لی پی » بهمین معنی آمده است و « د » در آنچه های شرقی آریائی عموماً « ل » تبدیل میشود در فارسی ناستمانی بر « دی پی » بهمین معنی آمده است

در سانسارت و پهاوی و فارسی از این ریشه شمار قدیمی کلمات چندی مشتق شده که تا کنون استعمال میشود از قرار آنکه **وادل** اسناد سابق داند شاه اند در فرهنگ « سومر آریائی » شرح داده در زبانهای آریائی دیگر هم بمعنی فارسی و سانسارت صورت هائی از این کلمه قدیمی دیده میشود

حساب شب گمانی را که در تسمان درجه و دقیقه با کمون در همه جهان معمول است سومریها ایجاد کرده اند عدد سست کوچکترین عددی است که بعد های حندی قابل قسمت است بی بردن نحوای این عدد که از چند هزار سال پیش با سطر طرف هموار استعمال یافتند نکی ارشواهد ترفیات فکری مردم سومر مناسبند



و بعد بکمک نندگان طعیان میکنند و نخت و تاح ولی نعمت خود را عص  
مینماید این پیش آمد بطائر تاریخی بسیاری دارد

بوشته اند سرگون پس از چندی بر نواحی جنوبی که مرکز اصلی  
تمدن باستانی سومری بود دست یافت و شمال و جنوب را در زیر فرمان  
خود درآورد

موجب آناریکه کشف شده است در این عصر همه چیز سومریست  
ولی برخی میگویند در میان سومریان عده ای از مهاجرین خارجی هم  
زندگی میکردند و سرگون از نژاد آنها است و در این دعوی اختلافات  
بسیاری وجود دارد.

مدت پادشاهی خاندان سرگون معلوم نیست ولی آنچه مسلم است  
این است که این خاندان جز سالهای معدودی دوام نیاوردند و بدست سومریها  
منقرض شدند

### تجدید دولت آزادگان سومری

دولت اکاد بسیار کوتاه و بی دوام بود زیرا پس از چندی آزادگان  
سومری جنبشی کرده این خاندان را بر انداختند و دوباره رشته فرمانروائی را  
بدست خود گرفتند.

این دولت جدید سومری مدتی در مقابل دشمنان ایستادگی کرد  
و استقلال و تمدن آن کشور باستانی را حفظ نمود این دوره را باستان  
شناسان دوره دوم تمدن و صنایع سومری نام نهاده اند

---

این بود تداکرات مختصری راجع آثار باستانی سرزمین هائیکه از  
چند هزار سال پیش نام سرزمین های آریائی شهرت داشته است

در این صورت عجب بیست که پس از قریبها نژاد مخلوطی از این نیندگان  
در سرزمین سومر دهنده شوند که عاصب تمدنی گردید که برای حفظ و ترقی  
آن استعداد فطری نداشته باشند

عالی احتیاط زور افروان این کشور هادر مقدمه این جلدون بی طرفانه  
سرح داده شده است و بهمان علل اهالی بس المهرس که با این نژاد های  
خارجی مخلوط شده بودند دیگر توانستند تمدن قدیمی خود را حفظ کنند  
و ترقی دهند

### اکاد با اکد

کلمه « اکاد » از آنه دهم فصل دهم کتاب پندایش توراها گرفته شده  
و برای ناحیه حموی شهر بغداد کمونی آنرا اصطلاح کرده اند  
از قرائنکه نوشته اند در حدود نمت و چند قرن پیش از میلاد  
شخصی بنام « سرگون » در این ناحیه عاصب نحت و ناح ولی نعمت خود میشود  
و از این عصر به بعد است کلمه « اکاد » برای سومر سمالی اصطلاح کرده اند  
راجع به نمت « سرگون » افسانه های چندی بدست آمده یانی اسماه  
او فرزند بی از روسمان نمکده بوده و دیگر اسماه شر حواره او را در سندی  
روی آب رود بافته اند و روایت دیگر این است که در جوانی شر انداز بی  
از پادشاهان سومر بوده است

احتمال دارد هر سه روایت با هم صحیح باشد یعنی اینکه سرگون  
فرزند بی از روسمان تنگده بوده و شر حواره او را در سندی روی  
رودخانه رها کرده اند و در عصر پادشاه او را گرفته اند در آنجا رشد کرده  
و منصب شر اندازی رسیده و بعد واسی نعمت خود را از بی برده و تحت  
و ناح او را عصب کرده است

از فرائس و اوضاع معلوم میشود که « سرگون » پس از شر اندازی  
در حرفه سباهگیری داخل میشود و سرداری سباهیان منصوب میگردد

علت این برائها این است که رنان و دیس و حط و آثار ادبی و صنعتی و معماری ایران و هند از حیث قدمت و اصالت بی نظیر است و مللی که فرسنگ ها از اینجا دور بوده و هستند میخواستند بهرحوی شده خود را با صاحب و باسهم در آن کنند و چون مدرکی برای دعوی خود ندارند میان آنها بر سر بودن این میراث ناستانی حماک است و گرنه کسی که حق مسلمی داشته باشد هرگز باین اداره احتیاج بحمل و حک و تغییر و تبدیل مفهوم کلمات و کم و زیاد کردن سالهای تاریخ نخواهد داشت

تا قرن نوزدهم آنچه مسلم بود این بود که اقوامی با رنان و تمدن خود از آسیا با اروپا رفته اند و این حقیقت را تاریخ و آثار و همچنین تحقیقات دانشمندان عالیمقامی مانند پت ، رنان ، مومسن ، بیکتت \* ، بطور کلی تأیید میکرد .

از قرارینه دسته مخالف با این حقیقت تاریخی نوشته اند مدت هفتاد سال علمای باستانشناسی و مردم شناسی کوشش و ممارره کردند که این فکر را از کله مردم اروپا بیرون بیاورند

در اینصورت معاوم است احلال در این قضیه مسلم تاریخی تا چه اندازه مشکل و مدارک صد آن تا چه اندازه ضعیف و بی اساس میباشد که تهیه مقدمات آن هفتاد سال فکر و کار لازم داشته و بس از هفتاد سال هم مدتی میگردد و هنوز از مرحله فرص و حدال و بحث بیامده است . علت اینکه این کوششها تا کنون از مرحله حدال و بحث خارج شده بسیار واضح است

ریرا که -

۱- در اروپا آثاری که دایل مهاجرت بسوی آسیا باشد نیست

۲- این مهاجرت با حوادث تاریخی مهم جهان و قدمت آثار بکه

در آسیا کشف شده تطبیق ندارد

\* Pott, Renan, Mommsen, Pictet.

## اصطلاح جدید ویرس بجای آریائی

کلمه «آریائی» که اخیراً در نوشته های اروپا بکار مرود بمعنی و مفهوم اصلی چند هزار ساله خود در ایران و هند بیست بلکه اصطلاح جدیدیست که برای اعراض معنی قرارداد شده و عمداً آنرا غلط استعمال میکنند

پیش از اینکه کلمه آریائی را در اروپا بسوی این مفهوم غلط بکشاند کلمه «ویرس» را برای مقصود خود جعل کرده بودند ولی این کلمه بقول خودشان قدری رشت و بی مأخذ بود که پس از اندکی آنرا با تمسخر و انتقاد از تاریخ و ادبیات بیرون کردند

بعد از بومید شدن از کلمه ویرس دوباره تصمیم گرفتند همان کلمه آریائی را که شهرت جهانی دارد برای ادای مقصود خود استعمال کنند و با کمال گستاخی معدرت بجوایند و بگویند هر چند این کلمه برای مقصودی که در نظر داریم غلط است ولی در استعمال آن محور بودیم زیرا کلمه مشهورتر و متداول تر از آن بیافتیم در این مورد هم ما نماند پرسیم چه اشکالی پیش آمده که علاوه بر آنچه تصرف در اسامی خاص با هم محتاج جعل کلمه ای مثل ویرس و پس از چندی محور تعبیر مفهوم کلمه آریائی شده اند همچنین باید تحقیق کنیم که بچه علت این همه اختلاف نظر و خصوصاً راجع تمدن آریائی میان دو دسته مخالف در اروپا پیدا شده و هر دسته ای چه عرص و منظوری دارند و نقطه اختلاف و اتفاق آن ها چیست .

اگر مسأله مهاجرت آریائیها را بدون توجه بمسائلی دیگر که مربوط بآن است مورد بحث قرار دهیم نتیجه ای حیرتشویش حواس و حیرت خواهد داشت ولی اگر تحقیق کنیم که طرفداران مهاجرت آریائیها چه اشکالاتی در تعلق تاریخ خود دارند که میجوایند حیران آنرا با احلال و خرابکاری در تاریخ و آثار دیگران نکنند آنگاه بی بردن بحقیقت آسانتر است

هند و ایران ندارند و دیگر سیاستمدارانیکه میخواهند هرچه در هر جا پیدا میشود آنرا مدرک تاریخی برای برتری و عظمت نژاد خود قرار دهند تا آنحائیکه از فرض مهاجرت آریائی ها از اروپا به آسیا مورد استفاده دسته مذهبی است این است

« اقوام جنگجوی بی تمدنی در حدود دو هزار سال پیش از میلاد از اروپای شمالی نایران و هند و یونان آمده اند و زبان خود را بر مردم تسخیر شده تحمیل کردند و خودشان در میان آن مردم تحلیل رفتند پیش از آمدن آریائی ها مردم نومی ایران و هند و یونان از تمدن عظیمی بهره مند بودند ولی زبان خود را از آریائیها یاد گرفتند »

این دعوی اگر بهمین صورت پذیرفته شود و سهم آریائیها از حد يك زبان ممتاز تجاوز نکند عرصه دسته مذهبی انجام گرفته و تقسیم میراث تمیل آنها شده است ، ولی اگر دسته دوم باین سهم راضی باشند و دعوی کلیه آثار آریائی را نکنند (چنانکه کرده اند) رحمت صد ساله علمای باستان شناسی و مردم شناسی که با سرمایه های همگفت سازمانهای مذهبی اداره میشوند کاملاً بدر رفته است

کردن چاپلبد استاد باستان شناسی در دانشگاه ادسبرگ در آخر کتاب « آریائیان » پس از اینکه اقرار کرده که ما يك دنیا حدس و احتمال خواننده را خسته و متحیر نموده است از مباحث معصل کتاب خود چنین نتیجه میگيرد . -

« شاید مطالعه کتاب من تا اینجا خواننده را خسته کرده باشد و اکنون خستگی مدلل بحیرت شود و بپرسد چگونه آریائی ها چنین کارهائی را انجام داده اند پیشرفت آریائیها بواسطه برتری تمدن آنها بود و اینکه میگویند درجه جمعه بربكها ( شمالی ها ) استعداد مخصوصی و خود داشته صحیح نیست . ما این دعوی را رد کردیم و باهم با کمال اطمینان رد میکنیم

۳- حدسیاتی که اساس «مردم شناسی» روی آن گذاشته شده طوری کسدار است که هر کسی میتواند آنها را بدلخواه بسوی اعراض سیاسی و مذهبی خود نکشاند

تقریباً در همان اوقاتی که مسلم شد تمدن نابل قدمت و اصلانی ندارد و هر چه هست از سومر است مسأله مهاجرت آریائیها از اروپا بآسیا مورد توجه خاص گردید

رمننه معنوی برای ترویج این فرص در اواخر قرن نوزدهم کاملاً حاضر بود زیرا که بواسطه ترقیات مادی اروپا و تبلیغات استعماری سیاستمداران و روحانیون برسد ایران و هند دیگر کسی نمیتوانست بر خود هموار کند که چیری از ایران و هند اقتباس کرده است \* و لهذا طرح مقدمات این فرص چندان احتیاج بدلیل و مدرك نداشت برحی که در تحت تأثیر این تبلیغات واقع شده اند گمان میکنند این فرص بدیرفته شده است در صورتی که چنین نیست و اختلافات بسیاری راجع بحرئیات و کلیات آن میان خود اروپائیان وجود دارد

عرض اصلی از طرح مسأله ویرس یا آریائی در ابتدا این بود که تمدن باستانی ایران و هند میان چندقوم تقسیم شود ولی دسته دیگری از مقدمات این تبلیغات برای تقویت عرور ملی مردم خود استفاده کردند و دعوی تصاحب کلیه آثار را برای خود نمودند و بالاخره این فرص بی اساس باعث يك حركت حوبینی در اروپا گردیده است

بطور کلی دو دسته در اروپا بر سر این میراث باستانی و چگونگی تقسیم آن با هم تراغ دارند یکی داستان شناسانکه با سرمایه های هنگفت مذهبی اداره میشوند و خصم ورقیبی در راه تبلیغات خود حر زبان و تمدن

نیز در صورتیکه تا دوسه قرن پیش کتاهاى علمى و فلسفى که در اروپا تدریس میشد از نویسندگان ایرانی بود .

# اصطلاح جدید آرامی و صامی

## آرامی

در ترجمه یونانی توراۀ که هفتاد هر مترجم آنرا از عری به یونانی ترجمه کرده اند کلمه 'سرنای' بسیار بکار رفته است بعد از مدتی همین ترجمه یونانی هفتادی را چند مرتبه نامتن عری مقابله و تصحیح کرده اند و هر جا کلمه 'سرنای' بوده بجای خود باقمانده و آنرا تعبیر نداده اند

برای حل يك رشته اشکالات مدهمی احتیاج بوضع اصطلاح 'آرامی' پیدا شده و ببحث اینکه خوانندگان با اهمیت این اصطلاح جدید و علت وضع آن پی سرید خلاصه وصلی را که شوایتزر و فلسوف و محقق معروف در کتاب مشهور خود نام 'در جستجوی عیسای تاریخی' نوشته در اینجا اقتباس و نقل میکنیم \*

اولین نکته ای که قابل توجه و دقت است عنوان فصل هفدهم کتاب مذکور است که آنرا مؤلف فصل بحث 'مسائل آرامی و یهود بودائی' نام گذاشته است از عنوان این فصل بحوبی معلوم میشود که مؤلف اهمیت ارتباط اصطلاح جدید آرامی را با موضوع بودائی و مسیحی حس کرده و میخواهد در آن بحث کند

شوایتزر در فصل 'رمان آرامی و یهود بودائی' چنین می نویسد -  
 'پس از انتشار گرامر رمان آرامی یهودی فلسطینی در سال (۱۸۹۶) میلادی معلوم شد که موعظه مشهور حضرت مسیح بر سر کوه بچه زبانی ادا شده است و این تحقیقات باب مجادله ایرا که قربها دوش بدوش علوم دینی پیش میرفت ست .

قل از سده هفدهم میلادی مسیحیان نمیتوانستند رمان عری و سرنایی

ريرا هنگامیکه ژنی آریائی در یونان و رم جلوه گر شد نژاد بردیک پاک در نژاد رومی مدبترانه تحلیل رفته بود آریائیهها به تمدن بالاتر و نه اندم برتر باقوم تسخیر شده دادند بلکه آنچه از طرف آنها بدیگران رسید رمان عالی و طرز تفکر بهتری که از چنان رمانی ناشی میشود بوده است. این حقیقتی است که در نیاد رخر خوابی ژرمنست ها وجود دارد \*

نقل از چابلد

این نتیجه چند سطری که يك استاد دانشگاه و کارشناس با هزار حدس و تردید پس ارسالها رحمت از مباحث مفصل کتاب صحیح خود گرفته است اهمیت بسیار دارد زیرا اعراض بسیاری در پرده آن پوشیده است و نشان میدهد که علی رغم ایران و هند و یونان و رم و ژرمنیست ها این میراث باید چگونه تقسیم شود تا عرص اصلی حاصل شود

ارتکات قابل توجه و موضوع رمان است اینکه رمان را مخصوصاً سهم بردیک ها قرار داده از راه قوت و حق شناسی بیست بلکه تنها چیریکه قابل حمل است رمان هند و ایران است که آثار نوشته آن اسباب رحمت آنها را در هر موضوع دینی و تاریخی و لغوی فراهم کرده است اول میدانکه این دسته شکست خودرید در میدان رمان بود<sup>۲۰</sup> و تمام این هیاهو برای این است که از طرفی رمان را از آثار هند و ایران و یونان و رم جدا کنند و از طرف دیگر با کمال اطمینان ثابت نمایند که در حجه بردیک ها ژنی مخصوص وجود ندارد تا حاوی دعاوی بیشتر آنها را سست تا آثار آریائی نگیرد



مقصودشان سریانی میباشد زیرا که در ابتدای مسیحیت یهودیان نارمان-عری هیچ آشنائی نداشتند .

همچنین تا قرن نوزدهم آنچه را که اکمون آرامی میگویند کلدی میگفتند زیرا که گمان میکردند که قسمت هائی ارکتاب دایال و عرر اربان متداول نابل است ولی بعد از کشف الواح خط میخی و مقایسهٔ زبانها معلوم شد که کتاب دایال پیش از قرن دوم قبل از میلاد تألیف شده است ، نقل و امتساز شوایرر .

در چاپ هفتم دائره المعارف انگلیسی ( ۱۸۴۲ ) ملاحظه میشود که اصطلاح « آرامی » در صد سال پیش همد کلمهٔ مانوس و مشهوری بوده است که همهٔ آنرا ندانند زیرا بموجب فهرست در کلمهٔ محلدات مفصل بیست گانهٔ این چاپ فقط در يك جا کلمهٔ آرامی را نگار کرده و در آن يك جا هم برای اطلاع خوانندگان نوشته است « آرامی » یا « سریانی »

بسیاری از مسیحیان قریبهای اول میلادی که از مذاهب همد و ابران اطلاعات بیشتر داشتند تعلیمات حصر مسیح را دنبالهٔ ای ارتوراه ممداسنند<sup>۱۰</sup> و لهدا اشکالاتی که برای مسیحیان کموبی بیش میباشد برای آنها اصلاً وجود نداشت پس از قریبها که فتنهٔ عرب و معول بسیاری از آثار دسی و ادبی ایران را نابود کرد محمداً دوسه قرن است که همان مسائل صورت مشکل تری جلوه نموده است

• برای حل بسیاری از مشکلات تاریخی و مذهبی در اواسط قرن نوزدهم محور موضوع اصطلاح جدید « آرامی » شده اند و قبل از آن تاریخ ابداً چنین اصطلاحی مستعمل نبوده است

مورحین بعد از اسلام مخصوصاً حمرةٔ اصفهانی و ابن ندیم که راجع

<sup>۱۰</sup> این فرقهٔ مسیحیان بعداً مشهورند و ایشان می گفتند مسیح فرموده « داده تاره درسوی کهمه نریزید و وصلهٔ نو بر حامهٔ پوسیده بدورید » حدای مسیح مهراست ه قهر و انتقام .

و کلدی را ارم تشخیص دهند و بدینجهت این هر سه اصطلاح را بدون  
 تعمیر بجای هم نکار میردند

این کوفر که یکی از زروئیت های شهروین بود عقیده داشت  
 که مسیح نه لاتین سخن میگفته و این عالم روحانی اظهار میداشت که هیچ  
 ربانی حر لاتین نمیتوانست زبان حضرت مسیح باشد زیرا که لاتین زبان  
 باکان در آسمان و بهشت است همچنین کسان دیگری نیز عقیده داشتند که  
 زبان حضرت مسیح یونانی بوده است

در قرن شانزدهم میلادی چگونگی زبان مادری حضرت مسیح کاملاً  
 مورد بحث و اختلاف بوده است و میگفتند که حواریون زبان سریانی  
 حرف میردند

رو بهمرفته در سده شانزدهم تا اوائل سده هفدهم میلادی کسی  
 نمیدانست سریانی و عبرایی و کلدی و همچنین کلدانی، بابلی و یهودی چه  
 زبانهایی میباشند تا تواند میانه آنها قرنی نگذارد ولی پس از چندی  
 اسکالینگر قرنی میانه این لهجه ها قائل شد

ناگفته «اسکالینگر» حواریون یکی از لهجه های کلدی سخن  
 میگفتند ولی مدتی بعد يك اصطلاح مناسب تری از روی اظهار نظر اسکالینگر  
 مستعمل شد و آن این بود که گویند حواریون يك لهجه آرامی و همچنین  
 بايك لهجه سریانی مخصوص شهر اتاکیه حرف میردند

راجع به استعمال درست کلمه عبری هم اختلافات زیادی وجود داشت  
 یعنی کسی نمیدانست که چگونه کلمه عبری را بجای خود درست استعمال  
 کند ولی در نتیجه تحقیقات «کلود سومیز» استاد دانشگاه لیون استعمال  
 کلمه عبری نسبتاً صورت منظم تری بخود گرفت. این استاد اظهار داشت  
 که در انجیل و عبارات پیشوایان قدیم دین مسیح هر وقت عبری میگویند

## سامی

کلمه *sémitique* به فراسه و *Semitic* به انگلیسی که اخیراً آنرا  
عربی و فارسی «سامی» ترجمه کرده اند از اصطلاحات بسیار جدید است  
اول کسی که این کلمه را در ۱۸۱۷ نگار برده است «آیسن هورن» میباشد  
چنین کلمه ای در نوشته های عربی و فارسی و زبانهای اروپائی سابقه نداشته  
است و از لحاظ زبان شناسی هم چنانکه زبان دانشمند معروف فرانسوی نوشته  
اصطلاح درستی نیست

علت وضع این اصطلاح این است که در نوشته های باستانی ایران  
و هند کلمه آریائی بسیار نگار رفته است و این اصطلاح «سامی» در مقابل  
آن وضع شده در آنجا که هیچ یک از کلمات مستعمل قدیم ارفقیل عربی و سریانی  
و عبرانی و کلدی و فینیقی برای این مقصود صلاحیت نداشت و بهر یک  
اعتراضاتی وارد میآید

در فرهنگ هترفالد و دارمستتر\* (۱۹۳۲) که ریشه و اشتقاق  
و مأخذ هر کلمه فراسه و تاریخ تصویب آکادمی و استعمال آنرا صحت کرده  
است کلمه «سامی» را ضبط نکرده است و شاید علت همان اعتراضاتی باشد  
که بر این کلمه وارد است

\* Hatzfeld & Darmesteter, Dictionnaire Général de la  
Langue Française

به حط مطالب بسیار دقیق مهمی از خود بیادگار گذاشته‌اند و روایات توراۀ آشنائی داشته‌اند از خطی نام حط « آرامی » اسم سرده‌اند

برای اینکه خوانندگان بدانند که با وجود وضع این اصطلاحات جدید هنوز مشکلات اصلی همچنان بحای خود باقی است عمارت تاریخ لغات سامی را که اسرائیل و لفسون استاد دانشگاه قاهره ( ۱۹۲۹ ) بعربی نوشته است در اینجا نقل میکنیم .

« مستشرقین تا کنون نتوانسته‌اند کتبی در لهجه های آرامی قدیم و چگونگی تلفظ و صرف فعل آن بسوسند زیرا که مجموع آثار آرامیان برای چنین کاری کافی نیست و همچنین این آثار برای استن تاریخ قبایل آرامی و بر حورد ایشان با اقوام همحوار قدیم کفایت نمیکند . »

چنانکه ملاحظه میشود با همه این کوشش هائی که کرده‌اند نتوانسته‌اند در بارۀ زبان قومیت « آرامی » نظر قطعی اظهار نمایند و در این صورت معلوم است که موضوع بست خط به آرامیان چه پایه محکم تاریخی دارد .  
 کلمه آرامی را در سال ( ۱۸۷۴ ) آکادمی فرانسه برای مجموع لهجه های سریانی و کلدانی و غیره اصطلاح کرده است و این اصطلاح جدید زبان شناسی فقط بر حسب معتقدات مسیحیان قابل استعمال است .

## زبان و خط نابل

زبان نابلی بطوری در تحت تأثیر زبان سومری بوده که حتی کلمات سومری را مطابق قواعد گرامر سومری نگار می‌رده اند و لهذا مأخذ صحیحی برای تشخیص کلمات اصلی نابلی در دست نیست

علاوه بر کلمات بیشتر سومری کلمات زبان حتی و کاشی هم در کتیبه‌ها والواح نابلی دیده میشود. نابلها زبان مخلوط خود را ناخط سومری که برای آن زبان امداً مناسب بوده است می‌نوشتند و عجب این است که نابلها در مدت تقریباً دو هزار سال نتوانستند نقوشی را که زبانان آنها احتیاج داشته ایجاد کنند و بر نقوش خط سومری اضافه نمایند تا اینکه توانستند زبان خود را درست بسازند.

خط میخی فارسی باستان دارای سی و شش علامت بیشتر است و لهذا خواندن کلمات آن آسان و تلفظها بر دیک بحقیقت است همچنین درک معانی کلمات و کتیبه‌های فارسی باستان بکمک ادبیات باستانی هند و ایرانی که ناخط دقیق نوشته شده و معلوم بودن معانی ریشه‌های اصلی چندانی اشکالی ندارد ولی خط « نابل سومری » دارای ششصد علامت اصلی است و از ترکیب آنها باهم هزارها نقش مرکب پیدا میشود که هر یک ممکن است بچند وجه خوانده شود. برخی از این نقشها برای یک کلمه است و معنی یک کلمه را دارد و برخی هم معنی کلمه هم از ریش صوتی سیلابی دارد و بهم رفته نابلها نقوش قدیم سومری را بدون هیچ تغییری مانند سومر بهالسته‌مال کرده اند در خط « نابل سومری » خواندن اسامی و کلمات حر ناخداست و تخمین

و شك و تردید انجام نمی‌گیرد مثلاً يك اسم را « كدش من انلیل » و « كدش من حر نه » و « کلیم ماسین » خوانده اند و همین اسم را ممکن است بصورت‌های دیگری هم که موافق با اعراض سیاسی و مذهبی خوانده باشد خواند <sup>⊗</sup> علاوه از زبان نابلی

⊗ چون خواندن این اسم مربوط ناولین قسمت تاریخ اسور است و از اسامی پادشاهان « کاشی » میباشد لهذا جای تعجب نیست که اختلاف نظر پیدا شود.

## بابل

### معنی بابل

دریست و چند قرن پیش از میلاد یعنی چند هزار سال بعد از تطور و تکامل تمدن سومری هنور « بابل » دهکده کوچکی بوده که فقط در آن بک پرستشگاه سومری دنده میشده است .

« سرگون » که شرح حال او گذشت منگوبند در دهکده بابل پرستشگاه دیگری بنام « سردک » بنا نمود که بعدها پروردگار و نگهبان شهر « بابل » شناخته شد

سابقاً معنی بابل را « تفرقه » نگاشته اند و اخیراً حدس زده اند بمعنی « باب الله » است احتمال دارد بمعنی « شهر دو نیمه » باشد در برابر و دخانه ای که از آنجا میگدشته شهر را دو قسمت مکرده است و بعدها این معنی مجاراً بمعنی تفرقه نگار رفته است <sup>۲</sup>

بوته اند نام بابل برای آن سرزمین ارمان هخامنشی استعمال شده و یونانیان در این استعمال از ایرانیان پیروی کرده اند  
کلمه « ناوری » اوستائی را که سابقاً حدس زده بودند بابل است اکنون معتقدند که چنین نیست

### مردم بابل

مردم بابل مخلوطی از نژادهای مختلف بودند و بر ناهای مختلف حرف میردند کلیه تمدن آنها اقتباس از سومریها و مردم فلات ایران است کتیبه های قدیمی بابلیها بر بان سومریست ، شهر ساری و صنایع و دین و تقویم . . .  
از سومریهاست . بنام و سرود و ادعیه و کلیه رسوم مذهبی زبان سومری ادامه یافته است زیرا مردم عقیده داشتند که اگر مراسم مذهبی بر بان سومری ادا نشود تأثیر واقعی خود را از دست خواهد داد

بابل در دیبای قدیم تبلیغ میکردند سیسرون سحور و ادیب مشهور رومی را  
در دو هزار سال پیش بخنده در آورده است

کتابها نیکه از قرن گذشته باینطرف راجع تاریخ نال نوشته اند  
ار کتابهای نویسندگان غیر یونانی اسکندریه کمتر نیست اکثر آنها خراج  
و در تحت تأثیر سارماهای مدهی میباشد و محتویات آنها عمداً بیچیده و مهم  
و متناقض و اعراق آمیز است و سختی میتوان از آنها بعرض اصلپی نویسنده  
پی برد هر مطلبی که صلاح و صرفه باشد با شاح و برگ ولی مهم  
نوشته شده که باعث مسؤلیت نویسنده نشود و اگر صلاح و صرفه باشد  
بطوری ناچیز و حقیر نشان داده شده که توجه خواننده را نااهمیت آن  
جلب نکند

اساس همه این کتاب ها روی حدسیات جدیدست که مهمترین آنها  
ار این قرار است

- ۱- فرض شده که ارسرزمین پهناور ایران نا آهمه استعدادآنادانی  
کسی بطرف سرزمین نال مهاجرت نمیکرده و همیشه قنابل بیم و حشی  
ناحیه کم وسعت « امور » مثل مور و ملح نااسلحه های بران بطرف دجله  
و فرات هجوم میاورده اند و هر جا میخواستند سکمی میگرفتند (۱)
- ۲- چون در ایران حفاری منظم و عمیق شده فرص شده است  
که چیزی در آنجا بوده و بدست نخواهد آمد (۲)

(۱) ناحیه امور با کمان ار کوچکترین منطقه های مستعد آنادانی حورستان  
که در مشرق سومر است کوچکتر میباشد و ناحیه امور را اردخه و فرات صحرای  
عظیمی جدا میکند. در ادوار بکه مدعی این مهاجرت هستند است و شتر در آن نواحی  
بوده و فرات را برای اسلحه ناابد ارهای دیگر بیاورند و علاوه بر این راجع نژاد  
و مهاجرت کما بیان هم اختلاف زیاد وجود دارد

(۲) ارین قبیل حدسها قتل ار کشف آثار « سند » هم میرسد که همه باطل شد

نوشته هائی نظیر ادبیات می پایان هندوایرانی که دست‌دست بما رسیده باشد وجود ندارد تا بتوان معانی کلمات را درک کرد

از این قرار ترجمه هائیکه از این الواح میکنند کاملاً مورد شک و تردید است و باید در آن دقت کرد اگر عده ای از مردم نابل از ناحیه « امور » نآنجا مهاجرت کرده باشند کلماتی که همراه آورده اند کلمات بدوی و معدود و محدود است و کلمات مربوط بدین و فرهنگ و تمدن و صنعت در آنها یافت نمیشود

### صنایع نابل

هیچوقت صنایع نابل بنایه قدیم صنایع سومری رسیده است بلکه مهرها و کوره‌ها و فلز کاریهاییکه کشف شده است تامل رور افروان صنایع را پس از پیدا شدن خارجیان در آن نواحی میرساند

در سرزمین نابل و فرسنگها اطراف آن سنک و فلز وجود نداشته است و آنها را نایستی از کوهستان ایران و یا شمال نآنجا بیاورد و همچنین معلوم نیست که صنعتگران و هنرمندان نابل از جاثیکه سنک و فلز داشته بیامده باشند

عالمی در کتابها ملاحظه میشود که نوشته اند آثار صنعتی فلان قوم تحت تأثیر نابل است و در این صورت یقین است که مقصود نویسندگان تأثیر سومریست زیرا که کلیه آثار نابل اقتباس از سومریهاست و خود این نویسندگان تصریح کرده اند که کلمه نابل را بحای سومر دانسته علط نکار برده اند

### قدمت بابل و کتابهای راجع بان

قدمت حیرت آوری که نویسندگان غیر یوانی اسکندریه برای



مستقلی پیدا کردند ولی برای اس خدمات مرتب تا اینجا مدارك لازم است  
 « خامورایی » ششمین امیر و اولین پادشاه مسند سلسله « اموری »  
 است که خود را از ربر و رمان شهر « لارسا » که از شهرهای سومری است  
 بیرون آورد و دهکده « نابل » را با مساحت حوش قرار داد و توسعه و ربائی  
 آن تقلید شهرهای سومری پرداخت

راجع بمعنی اسم « خامورایی » و املائی آن و مطابقت آن اسم با  
 اسم « امراول » در توراها اختلافات کلی وجود دارد  
 قانون خامورایی بواسطه تلمعات ریاض شهرت جهانی دارد لوحه  
 این قانون در شوش پیدا شده و تقلیدی از قوانین بسیار قدیمتر سومری  
 است که اصل آن بر در دست است

« خامورایی » چهل و چند سال پادشاهی کرد و ای قدرت او بعدی  
 بود که نتواند دشمنان اطراف خود را از میان بردارد و لهذا بعد از مرگ  
 او سومرینها از حبوب و از طرف شمال هم « حتی ها » هجوم آوردند و این  
 سلسله پس از مدت کوتاهی منقرض گردید

### حتی ها

سابقاً اشاره کردیم که هر جا آثاری قدیمی پیدا شود که نتوان آنرا  
 بطرف نابل و بونان کشید بهر نحوی شده است در آن ایجاد شک و تردید  
 ممکنند و لهذا مطابق اس اصل های راجع بنژاد حتی ها حدال سحتی میان  
 دو دسته مخالف در اروپا وجود دارد آتش اس حدال ارسال ۱۷ ۱۹ میلادی  
 باس طرف شماله ورشده است زیرا در این تاریخ معلوم شد که اسامی پادشاهان  
 حتی اسامی آربائی است و چمن کشی کاملاً مخالف انتظار عمومی بود  
 حتی هادره رازه سوم پیش از میلاد در اناطولی بمدن عظیمی داشته اند

که آثارش کشف شده است

۳- هر جا تصویری پیدا شود که ریش داشته باشد حتماً از نژاد مخلوط بابلی است. (۱)

در صورتیکه فرض شود تمام حدسیات فوق که در مدت يك قرن با هزاران رحمت و سماجت بهم تلفیق شده درست باشد نتیجه آن بطور خلاصه از قرار ذیل است

مطابق آخربس تحقیقات تقریباً از پنجم هرارسال پیش از میلاد مسیح که آثار تمدن سومری دیده میشود تا شصتسال بعد از میلاد یعنی تا آخر دوره ساسانی سه خانواده از مهاجرین بابلی در نابل سلطنت کرده که حداکثر دوره فرمانروائی آنها رویهم رفته در این چند هرارسال مجموعاً در حدود سیصد تا چهارصد سال است و ما اینک شرح هر يك از این خانواده‌ها در ضمن خانواده‌های دیگری که در نابل پادشاهی کرده‌اند می‌پردازیم (۲)

#### ۱- سلسله اموری

بموجب روایات توراۀ قائل اموری اهالی قدیمی فلسطین و کنعان هستند که پیش از آمدن عبرانیها در آن سرزمین ساکن بوده‌اند برخی معنی «اموری» را کوهستانی نوشته‌اند و برخی بر این معنی اعتراض دارد راجع بنژاد این قوم و فنیقی‌ها و کنعانیها و مطابقت این اسامی با روایات توراۀ و همچنین ارتباط اموریهای فلسطین با تاریخ سومر و بابل میان دو دسته مخالف بر اع و جدال سختی وجود دارد که غالباً منتهی به توهین و ناسزا گفتن بیکدیگر میشود

از قراریکه گفته‌اند اموریها در عصر «سرگون» از مغرب باطراف نابل مهاجرت کرده‌اند و با سومریها مخلوط شدند و پس از اینکه چندین قرن گذشت و عده نفوس آنها بواسطه آمیزش با سومریها زیاد شد امیران

(۱) ازین قرار محسمه‌های یونانی که برخی با ریش بدون ریش است

باید ساییده دو نژاد مختلف باشد

(۲) این تقسیمات مطابق آخربس تحقیقات است.

اطلاعات قابل توجّهی در دست نیست زیرا که هموز حمار بهای عمیق و منظم در این بواحی نگرده اند

حوادثی که در مصر کاشی ها در معرفت آسیا و مصر واقع شده است از هر حیث قابل توجّح است و ما به برخی از آنها اشارت میکنیم

از حوادث مهم این عصر در قفس «هوآکسها» بمصر و بردن اسبهای ایران آنجا است هوآکسها در حدود پنج قرن در مصر پادشاهی کردید و عاقبت از مصر بیرون آمدند آثار پادشاهان «هوآکس» که از حرابیه کزیت تا اطراف بغداد دیده شده شهرت این پادشاهان را تا این نقاط دور دست میرساند مطابق معمول بر سر بنادهای قوم هم راع است وای پس از ساها راع و اجاح اخیراً نوشته اند که آنها از بنادهای حتی ها و همد و ایرانی هستند

در هر صورت بستگی زیادی اقوام کاشی و حتی هوآکس و ارتباط به شهرت آنها در سرزمین های بابل و آناتولی و مصر و همزمانی این لشکرکشی ها و اهمیت این حوادث قابل انکار نیست و مخصوصاً در این قسمت از تاریخ باید دقت نمود تا در تحت تأثیر معاضه و تبلیغات واقع نگردیم

معنی هوآکس را «امر چوپان» نوشته اند که هموز پذیرفته شده ظاهرآ باید صورتی از کلمه فسی باستانی «هوآخس» معنی شهرنا خوب با امپراطور باشد که صورت قدیمی مصری آن از صورت وصال ردیکتر است . از مقایسه روایات پراکنده کتب فارسی رهنمدی و عربی و تحقیقات مستقلی که دانشمندان اروپا راجع بردهای همد و ایرانی و زمین بردشت و خط کرده اند و همچنین آثار باستانی حصه حروفی در ایران و همد میتوان باین نتیجه رسید که تا قبل خط حروفی در نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد در ایران صورت گرفته است

در اواسط دوره کاشی یکی از پادشاهان مصری ممتسی (ایرانی) داشته و مذهب آفتاب پرستی در مصر رواج گرفته است و به آفتاب «اتن» میگفتند

چنانکه نوشته اند حتی ها نابل را از امورها گرفتند ولی مدت زیادی در آنجا نماندند. در سحر این حدس اخیر یعنی نماندن حتی ها در نابل و همچنین راجع به مسامات آنها با سومریهای اصلی باید دقت کامل شود زیرا که از نظر محاسنه سالهای تاریخ این دوره که در آن اختلاف زیاد وجود دارد مهم است.

### سلسله دریا کنار سومری

این سلسله از سومریهای اصلی هستند و بعد از اینکه « حتی ها » امورها را شاست دادند. مفرص زدند نابل آمدند و مدت نکند و بعد از آن سال در آنجا پادشاهی کردند. اگر فرص شود حتی ها در نابل مدت زیادی نمانده اند این سلسله دومین سلسله است که در نابل پادشاهی کرده اند و ارتزاد مخلوط اموری هستند.

### سلسله کاشی

در حدود هجده قرن پیش از میلاد نامدنی بیشتر مردمی نام کاشی ناسپاه آراسته و اسلحه تازه که تا آن زمان سابقه نداشت از ایران نابل آمدند آمدن چنین قوای با عظمت و آراسته ای که می تواند از شش تا ه قرن تقریباً در نابل پادشاهی کند و آثار مرتبی از خود یادگار نگذارد از حوادث مهم جهان شمرده شده و حتی برخی میگویند این حادثه را رمنه منداً تاریخ مهاجرت یا ظهور آریائی ها قرار دهد.

حفاظت بهائیه در مصر و عرب ایران ناسان شده آثار در بنه اقوام ایرانی فراموش شده از آرتو و میتمی و هری و حتی و هسکی را پس از چند هزار سال ظاهر ساحت و مدارک تمدن عظیم شوش و خوزستان را در معرض نمایش جهان در آورد ولی از اوضاع داخلی ایران مرکزی و شرقی و شمالی و حاندانها بیخه در دوره کاشی ها در ایران ناسان میگردند

در خط میخی نام این حاندان را کاش شی یا دوشین خوانده اند ولی اکثر کتب اروپائی آنرا Kassi نام می نویسد.

است، یا نه معلوم نیست مدت پادشاهی این حاندان در نابل در حدود يك  
صد و سی سال حساب شده است

معداران حاندان تادوره کلدیها اوضاع سرزمین دجله و فرات پر آشوب  
و متعمر است و ساون مورخین حدید راجع بان دوره خود دلیل بر این است  
که اگر تحفاتی شود مطالب مهمی مربوط بتاریخ ایران روشن خواهد شد

### سلسله کلدی

راجع بنژاد این سلسله احتمالی کلی وجود دارد از ورای نه نوشته اند  
مدت چند قرن فغانی از سواحل خلیج فارس اطرف شمال در حرکت آمده اند  
و پس از اینکه آشوریها را از دست بردند ساتراپی شصت و هفت سال در نابل  
سلطنت کردند این دوره را دوره نابل حدید نوشته اند و یکی از بهترین  
ادوار شهر نابل محسوب میشود

این سلسله بمقدمه ریحی سومین سلسله از نژاد مخلوط آلمی است  
که پس از سلسله حامورابی و سلسله پاشه در نابل پادشاهی کرده است  
ولی ریحی دیگر دو سلسله آلمی بیشتر قائل هستند

### ارگورش تا آخر ساسانیان

مصنوع حسابها ۱۸۶۰ کرده اند ۵۳۹ قبل از میلاد لغزش نابل را  
از کلدیها گرفت و از آن تاریخ تا دوران تقریباً نابل شهر آبادانی بوده است  
در فتره چند ساله اسلام این شهر بکلی ویران شد و از آن تاریخ  
به بعد حر نامی از آن شمنده نمیشود

نامها در آخرین دهه استعنازل خود یعنی در زمان کلدیها سمت  
سپهبد رفتار و حشمانه نمودند و این است که در کتاب اشعای پیدمیر راجع  
سائل چنین نوشته است -

« در این حسابها باید دقت و رسیدگی کامل شود

این دین یکتا پرستی که بحای پرستش پروردگاران حیوانی در مصر  
تلمع شد از فهم مردم آنجا حارج بود و لهذا نتوانست در آن سرزمین رسوخ  
و دوامی پیدا کند ولی در هر صورت تلمیع این دین در اوضاع اجتماعی  
و آثار صنعتی مصر ناثر بسیار واضح و عمیق داشته است

سرودهای آنکه در آن زمان در ستایش حورشده در حشان تا این خوانده  
میشد در ضمن آثار مصر بدست آمده است مر مور ۱۰۴ و بسیاری از  
سرودهای آنکه مسیحیان میخواند تقلید کامالی از سرودهایی است که در دوره  
آفتاب پرستی مصر در ستایش حورشده تا این خوانده میشده و بسیاری از مر مورهای  
دیگر منسوب بدادود پیر اصلش در زبان سومری پیدا شده است

این شکل صامت علامت کاشی هاسب و از چند هزار سال



پس از میلاد در آثار ایران و مخصوصا کاشان دیده میشود

او اسط دوره فرهار وائی کاشی ها در نابل عصر صلح و امنیت و  
تجارت و مسافرت و وصلت رانشوئی میان پادشاهان مصر و ممتنی و حتی  
و نابل و عزه بوده است

چنین پادشاهانکه با نقاط دور دستی مثل مصر مرارده و مکاتنه  
داشته اند محال است که علاقه ایشان با وطن خود ایران که از آن جدا بودند  
قطع شده باشد

پس از کاشی ها مدت چندین قرن سرزمین دحله و فرات دیگر  
امنیت و آرامی بحود ندید و بیشتر آثار گرانمای آنجا در نیم قرن بدست  
'اسورنها' ناپود و ویران گردید

### سلسله پاشه

بعد از سلسله «حامورانی» این دومین سلسله ایست که برخی آنها را  
از نژاد «محلوط نابی» دانسته اند چگونگی پیدا شدن این خاندان و  
مناسبات آنها با کاشی ها و سلسله دریا کنار و جنگ های آنها با اقوام دیگری  
که از فلات ایران آمده اند و اینکه تلفظ اسم آنها بهمین صورت درست

## اسور یا سوروبارتر

سویلاسر پادشاه بابل در حوالی ۶۰۶ قبل از میلاد مسیح میگوید -  
 « من بر سوبارم و بروری باقم و سرزمینش را و بران کردم »  
 مقصود از سوبارم در این کتبه تاریخی مردم سرزمین سوبارو است که در  
 قرن اخیر برای مراعات روایات یونانی و مدعیان مسهور به اسور شده است  
 این ناحیه حدود طبیعی مشخص که آنرا از اطراف جدا کند ندارد  
 و لهذا بطور تحققی بمسواں گنبد که حدودش در دو دهه های تاریخی که از  
 آنالت های سومری و میمی و حتی و بابلی بوده و تا بعدها که استقلال  
 پیدا کرده از آنجا تا آنجا بوده است

علاوه براینکه این ناحیه را اسور می نامیده اند کلمه «اسور» در خط  
 میخی بچند شکل مختلف نوشته شده است و چون هم اسم ناحیه و هم اسم شهر  
 و هم اسم پروردگار بگهسان شهر «اسور» است اشتقاق و معنی آن اشکالات  
 زیادی را برای محققین فراهم کرده است نقوش میخی یکی از صورتهای مستعمل  
 این اسم را بحروف لاتین اسطور نقل کرده اند au-sar بموجب تحقیقاتی که  
 کرده اند قسمت اول کلمه حرف و باهم در زبان سومری «او» و معنی  
 «آب» است و قسمت دوم آن در زبان سومری «سار» و معنی خابگاه و  
 محل و سردر است معنی ترکیبی دو قسمت کلمه را باهم خابگاه آب  
 یا سرزمین پر آب نوشته اند که فارسی کنونی آن سار یا اوسار  
 میشود

بموجب تحقیقات جدیدتر مقصود از اسم «اسور» در کتبه بیستون  
 ناحیه «اسور» که در شمال سرزمین بابل واقع است نیست بلکه در کتبه  
 داریوش از این اسم «سوریه» قصد شده است

خداوند مفرماند اینک من «مادیها» را برایشان میگیرم  
 که سیم بردشان هیچ است و بر مهر و دلستگی ندارند و گمانشان جوانان را  
 در هم مشکند

شهر نابل که شکوه کلدانیان و مانه افتخار نابلان است و از گون  
 خواهد شد و تا آید آباد خواهد گردید<sup>۱۰</sup>

بعد از قتمه چند ساله اسامدر تا به صد سال سرزمین دجانه و فرات از  
 ایران حدائی داشت و روز بروز بر آبادانی آن افزوده میشد قصده بحری  
 شاعر مشهور عرب که در توصیف حرانه قصر مدائن در اواسط قرن سوم  
 هجری سروده است عجائب آثار آبادانی آن نواحی را مریاند

#### حلتا

در دوره حلقای عباسی معلمی که اس حادون شرح داده است نظم و  
 تربیت و امور آبیاری این سرزمین و حورسان بهم خورد و شهرهای بزرگ  
 آبادان آنجا رو بوبرایی گذاشت

در قرن هفتم هجری معولان بغداد آمدند و اشکانان حلقه که  
 از علامان برك بودند او را رها کردند حلقه برای بحاب حان خود  
 بحرگاه حان بت پرست آمد و زمین را سجده کرد و ای سودی بخشید  
 او را کشتند و ردیکان او را بکبری میان اردو فرستادند

از قرن هفتم هجری بعد سرزمین دجانه و فرات روی آبادانی و  
 اهدب بدیده و همیشه ناح بردار حارحیان بوده است

۱۰ از این پیش بینی های بعد از وقوع حوادث تاریخی بسیار است و مخصوصاً  
 کتاب دانیال بواسطه این پیش بینی ها مدت و اصالت خود را اردست داد



میشود. شراسوری چنانچه محققان نوشته اند و حشامه و عرسلس و بهامدی است. خط سومری برای نوشتن زبان اسوری همانست که میباشند. هر يك از نقش ها و ترکیبات آنها را میتوان بچندین وجه خواند و از این جهت در ترجمه الواح و کشفیدن تلفظ اسامی خاص و معانی بعضی خط معنی بطرف تلفظ سریانی یا روایات تواره احتمالات نظر بسیاری وجود دارد و این احتمالات در آینده بیشتر خواهد شد.

عجب این است که بعد از نامها اسوی بهم هم موهی بشدید که خط سومری را بصورتی در آورد که نمواند زبان خود را با آن درست نویسد.

### • انبیه و صنایع اسوری

اسلوب معماری انبیه و عمارات اسوری کاملاً اسلوب حتی است و بسیاری از آثار صنعتی که در شهر سموا و اطراف آن بدست آمده است از نقاط دیگر آنجا برده شده است و در برخی بطور وضوح پیداست که اسم اصلی صاحب اثر عوض شده است و بدون شک بسیاری از الواح تاریخی که در سموا بدست آمده است در دوره هائی که دولت اسور اقتدای داشته ساخته شده است که سبب نامه پادشاهان آن زمان آنرا تکمیل کرد.

اسورینها هدر میدان شهرهای بسجمر شده اند اسور و سموا کوچ میدادند و آنها را برای ساحس قصور و انبیه و بر بنات آنها بنا میگماشتند و آنها نمیتوان بطور تحقیق گمیت که تاجه انداره از این صنایع بمهاجرین اسوری بعلق دارد و بر چون اسم کاح پادشاهی و دروازه شهر و دیوارهای بینوا سومری است معلوم نیست که اساس آن انبیه و در آنجا وجود نداشته و در دوره اخیر پادشاهان آنها را سموا خود برگردانده باشند.

### الواح اسوری

موضوع حك و جعل آثار برای اثبات اعراض مدهمی و سیاسی کار تازه ای بدست راجع باین موضوع مدارکی از قدیم و جدید جمع آوری شده

همچنین شهر نینوا در خط منخی علامت مخصوصی دارد که آنرا نینوا میخوانند و این علامت در زمان قدیم تر مخصوص شهر «لاگاش» سومری باستانی بوده است و لاگاش خوانده میشده و ابتدا در نظر گرفتن این نکته برای تشخیص آثار صنعتی این دوشهر ابرهم لارم است

### مردم اسوریا سونارتو

آثار تمدن باستانی که در منطقه سموا و اطراف آن کشف شده ثابت میآید که مردم بومی قدیمی آنها از نژاد سومری و مردم فلات ایران بودند این سرزمین مدتها زیر حاکم حتی و ممتسی و کاشی سر برده است و اهالی حتی و ممتسی بوده‌اند

اسورها در دوره پادشاهی کاشی‌ها در نابل در این نواحی دیده میشوند نژاد این مهاجران و همچنین سرزمینی که از آنها نابل نواحی آمده‌اند و حکومت آنها و اسامی آنها قبل از مهاجرت خود را بچهار نام مینامیدند معلوم نیست

### زبان و خط

زبان سومری حتی در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد هنوز زبان دینی و ادبی و علمی مرتبه سموا و اسور بوده است و در راه تعلم و رواج و حفظ آثار آن بهایب جدید را مصروف میباشند و آثار و ادعیه و سرود و مراسم مذهبی را زبان سومری ادا میکردند و عقیده داشتند که اگر آنها زبان مقدس قدیمی ادا نشود تأثیر خود را از دست خواهد داد

الواحی که در کتابخانه رستشگاه سموا بدست آمده است عالمان ترجمه از زبان سومریست و اکثر آنها مانند قرآن و امام دعا های امروزی در زیر متن قدیمی سومری ترجمه آنها نوشته اند در میان این آثار نوشته جدول لغات دو زبان و الواح برای تعلیم خواندن زبان سومری یافت

در همان روزیکه پادشاه اودی متوسل بحا کپای همایون ما شد  
 کیمربها را که مردم کشور او آسب رسانده بودند شکست داد  
 سازی آشور و ایشر پروردگاران و خداوندان من دو فرماندار ار  
 کیمربها را که دستگیر شده بودند نامند و بر بجز و از معاینهای گراسها پیشگاه  
 ما فرستاد

همیشه رسولپائی رای نهمت ما هفرستاد ولی چمدی هفرستاد  
 • فرمان آشور پروردگاز و آفریننده ما را مراعات نکرد و نه سروی خود  
 بوکل حسرت و معرور شد و اشکریان خود را بیای پادشاه مصر که نوع  
 مرا دور اداخته بود فرستاد از رفتار او آگاهی یافتم و نه پروردگاز  
 آشور و ایشر ما را برده و این چمن هرس کرده -

« امیدوارم لاشهائش در برابر دشمنان یافتد و استخوانهای او را  
 بردارند و بسوزند » همیشه در پیشگاه پروردگاز آشه هرس کرده لاشهائش  
 در پیش دشمنان افتاد و استخوانهای او را بردند کیمربها که از برکت ام  
 مادر زبیر پای پادشاه اودی توفیق شده بودند ردنگ شدند و همه کشور را  
 تسخیر کردند

پس از او فرزندش به بخت نشست و از بدبختی که در نتیجه هرس  
 ما بردنش رسیده بود متوسط رسول ما را آگاه کرد آمد سپس ناین کلمات  
 متوسل بحا کپای همایون ما شد -

• نک پادشاه که خداوند او را ممشاسد بو هستی بدر بر او تو هرس  
 کردی و نلو آسب رسد اما من آمده از تو همرسم مرا بر کتده و نگذار  
 نوع ترا برگردن مهم

### لوح شکار قبیل و شیر

تنگلاب پیل سر بهلوان دلبرگوش نمماند است و خداوندگاز رزم گاه  
 ممشاد بی سب و بر کمال سلاحهای سهه ماله من داده و کمان گراسه ایبه خود را

که موقع خود چاپ خواهد شد وای در این جا همین قدر اشاره میکنم که يك اثر قدیمی مثل کتیبۀ بیسمون حمل آن آسانی صورت نخواهد گرفت وای ساختن يك آجر نوشته ویا يك کتیبۀ چند سطری روی سنگ نافر کار آسانی است مخصوصا برای کسانی که اس همه کوشش برای احلال در تاریخ ایران وهدم وایجاد افتخارات قدیمی برای خود دارند لهذا راجع باصالت و قدمت يك نوشته واعراض مدهمی و ساسی اشخاصکه آرا پیدا کرده اند و کسایده آرا خوانده اند و اینکه صحت محتوبات آرا تاچه اندازه مدارك تاریخی دیگر تأیید میکند باید دقت کامل کرد و آ آب و رنگ و عبارت پردازبهای کتابهای صحیح گول بخورد و مخصوصا باید توجه نمود که يك سند تاریخی با طهارتبری که شخصی در کتیبی میکند ورو کلی دارد

از خصوصیات آثار نوشته اسورها الواح و کتیبه های اعراق آمیز و بر طمطراق و دروعی است که پادشاهان از خود یادگار گذاشته و برای ایجاد سب قدیمی برای خود ساخته اند در همه کتابهایمده راجع به تاریخ اسور نوشته اند وچه خوانندگان این کتب حلت شده است و ما برای نمونه چند کتیبه ایده اسورها یادگار گذاشته اند اشاره میکنیم به اسیران ارزش تاریخی آنها واضح شود

### لوح هریس تاریخی اشور نابی پال

لودی سرزمینی دور و آن سوی دریا است و پادشاهان بیاکان ماناها آرا شمشده بودند پروردگار و آفریننده من آشور نام مرا در حواب نه گوگو پادشاه لودی اینگونه الهام فرمود -

« ای پادشاه لودی نه حاکم ای اشور نابی پال پادشاه اسور متوسل شو تا از برکت نامس بردشمان چیزی گردی »

در روزیکه این حواب را دید رسولی برای بهمیت با شرح حوابی که دیده بود به پشگاه ماورستاد .

اسرهدون در آنجا بیکر خود را نا شکوه شاهانه بماسدی نقش کرده و تیراهاکا پادشاه مصر در بند و ربجر نا حالتی برشان را و رده و دامن او را مسوسد

ان کمیته و نقش دروغ است زیرا که اسرهدون همچوقت موفق دستگیر کردن تیراهاکا پادشاه مصر شد بلکه برعکس تیراهاکا کلبه سپاهیان اسرهدون را که برای نگهداری در شمال مصر گذاشته بود قبل عام آورد و مدتی را در بعد از مرگ اسرهدون ریست

### تبلیغات راجع به اسور

تحقیقات و نوشته های دانشمندان اروپا مخصوصاً آرنست رنان دانشمند معروف فرانسه در قرن و ردهم تأثیر عمیقی در اروپا داشت و لهدا همیکه رحی از الواح اسوری ترجمه و انتشار پیدا کرد دسته مخالف ایران و هند زمنه مساعدی برای تبلیغات اعراق آسور راجع به اسور و عظمت آن بدست آوردند و بطوری در این راه علو کردند که گمان معرفت حراسور در قدم چبری بوده و بست و ای دوره این تبلیغات بواسطه کشف آثار و تحقیقات عمیق تر کوتاه بود

در ایران تبلیغات راجع به اسور برای اظهار افتخارات تاریخی تا کمون

ادامه دارد

گاهی « ما که طهار سموس با عمره دارنا تجر باج مکنند از »  
درمانی در روی کاغذ « وع مدکی مال مقدر سامی را کردن ایران مآید »

انگونه عبارات بردارها از نظر ادبانه نویسی در اردن کتب برای اظهار افتخارات حماسی بدست ولی در تاریخ همچوقت اسیر توانسته حر چند مسرل کاروانی در مشرق سمواو مخصوصاً در شمال آن پیشرفت آمد

---

ه کسایکه در ودم این افسانه را نه « آریاس » بست داده اند همدری

بی اطلاع بوده اند که گمان کرده اند سوا کنار مرات است

ه بیروی شاهانه من سپرده اند فرمان بروردگار بیست که دوست دار  
من است چهارگاو بر وحشی بیرومدتوانا در دشت همتنی بردینگ سرزمین  
حتی تا کمان توانا و سره آهمن و روین کشتم پوست و شاح آنها را بشهر  
اسور آوردم ده فیل بر برومد در حرا و ناحیه حاور کشتم و چهار فیل  
رنده گرفتم پوستها و دندانها را نافیل های رنده اسور آوردم

ه فرمان بروردگار بیست که دوست دار من است یکصد و بیست  
شتر نابردای و تروی خود نماده کشتم و هشتصد شتر را سواره بر زمین افکندم  
همه حاوران دشت و بردگان هوا در ممانه شکارهای من هستند.

### فتح در سواره

شلمناس در ایلی از کشته های خود دعوی فتح در رگی در فاسطین  
مانند چمانه بسته اند و روانان دیگر نانت میماند شلمناس محمود  
بعف نسیمی سده است

### فتح دابل

ساحرب در آتیه نادان که در شمال موصل است راجع فتح  
دابل چنین مینویسد -

" پس از یک روز از سهرستان نابل و در استگاه ابردا دیده  
مشد در آن آب انداختم و سراسرش را از من بردم "

چمانه اخیراً نوشه اند آثار نابه در نابل کف شده عده صحت اس  
دعوی را میرساند

### گمبه و نقش فتح مصر

گمبه ای آ د عله بادشاهان امر را در گداشته اند  
گمبه هر الملک در سواره است

و خود فیل بر میده فراب علنا کاهلا مشکوک و بی اصل است و از قرار اینکه  
همه نوشته اند سکار اس همه سر مده و سواره حرافانه چیر دیگری دست  
این شاه شیگر بر مدت شش هفت سال بطوری ناع صعب اسور شد که  
اعتد دوستی نابی از اسور شنیده میشود

## تاریخ اسور

رسمه تاریخ اسور الواح نابی و اسوری و روایات یونانی و مدھی است که همه باهم مناسبت میباشند

از اینها گذشته چند بار آثار شمش و جمع آوری شده بمواقف از رسیدن معصد عمدا و با سهواً عرق و نابود شده است و آنچه در دست است با مدارك دیگر و حصص وفق نمدهد

همچنین نامط اسامی خاص و جغرافیائی الواح مشكوك و غير مفهوم است و جز با حدس و تخمین نمیشود آنها را با نامی با حائنی تطبیق نمود و علاوه حتماً باید محل کافی برای دروغ و اعراق مشان الواح قدیم و حدسیات و تعدرات مؤلفین حدید بار گذاشت سالهای حوادث تاریخی دائماً در بعضی است و هر کس بداجواه آنها را که در یاد میماند

در هر صورت تاریخ اسور بچهار دوره تقسیم میشود -

دوره اول - از قرن چهاردهم تا قرن نهم است در این پنج قرن با اسور ربر حاکم نابل بوده و با اطلاعی از اوضاع آن در دست نیست

دوره دوم - از اواسط قرن نهم تا اواسط قرن هشتم است در این يك قرن بواسطه ضعف نابل اسور کم کم قوتی گرفته و در سوره تاحث و تاری میماند

دوره سوم - مدتش دست و سه سال است با شورش و شاه اشعی شروع و ختم میشود

دوره چهارم - در حدود يك قرن است و مدت دست سال از آن دوره پلائی و بی دوام تاریخ اسور محسوب میشود

## دوره اول تاریخ اسوریاسونارنو

از دوره باستانی سومر بها تا قرن چهاردهم قبل از میلاد اطلاعی ارباحیه سونارتو یا اسور نداریم در اوایل قرن چهاردهم این ناحیه قلمرو

حک و گرنز آنها در داخل سرزمین کوهستانی ماد حتی بطور موقت هم کاملاً مشکوک است

کسانه که آرزوی چنین فتوحاتی را دارند خوب است اول اشکال راجع به تطبیق اسم ماد را با آمادائی و متائی و مخصوصاً همدا که در الواح اسوری آمده است حل کنند حل این اشکال از نظر تاریخی مهم تر و اساسی بر است زیرا که برخلاف رواناب یونانی و توراه بسیاری از محققین عمده دارند که مقصود از همدا در الواح آشور ماد ایران است

ناری آنچه محقق است و مورخان تصریح کرده اند عاب اصلی ضعف و فزای اسورها همانا حکم ناحورها اوده که کلیه قوای آنها را فنا کرده است مخصوصاً باید دقت نمود که در کتابها نمکه بران یونانی در اسکندریه بهم تعلق شده کلمه اسور درست استعمال شده و مؤلفین آن کتب از تاریخ واقعی اسور یا سوادتو اطلاع داشته اند و روایات آنها و توراه را تا مدارک دیگری تأیید نمایند ارزش تاریخی ندارد

از لکه دار ترین قسمت های تاریخ اسور رفنار و حشیا نه است که سمت به سمت اسرائیل کردند در کتاب ناحوم بممر راجع با سورهها و شهر سموا چنین آمده است .

حداد و مگوید هر چند اسور بان سارند ولی بازه ناره و نابود خواهند شد

( ای بیمبر ) اگر چه دلالت کردم وای ذکر ناره بحواهم کرد یوع ایفان را که برگردن تو است حواهم شکست . بدهادت را حواهم گسلا بید وای بر شهر حون درری که همه نزوع و کشتار و عارت است روسیای خوب چهر حادوی ابن شهر نازبا ملت ها و حادانها را سحر میکنم و مفروشند بهبود میگوند بصد بو هسیم و رسوائی ترا بر کشورها هوبدا حواهم ساحت .



براضی حتی‌ها تجاوزاتی می‌کند و احوالی را بهارت مآورد بدون اینکه ما  
لشکریان حتی روبرو شود

چون ناحیه سوادکوه را امور سرحد و امور محسوب میشده  
و میان نابل و کشور حتی سازش دوستی وجود داشته باشد حتی سرکومی  
شلماسر را از دربر نابل تقاضا می‌کند -

چندی پس از این حوادث گذشته، بن‌الملک در نابل برای سرکومی  
شلماسر شمال مرود ولی تعارضات بسیار در آن راضی بودند که شاه  
برای حتی‌ها امرای سرحدی را ضعیف کند این پادشاه شش سال پادشاهی  
کرده است و با مداوکی که در دست داریم نتیجه عملیات او در این لشکرکشی  
معلوم نیست

تقریباً سی سال بعد توکوئوتوی بیب (از ۱۲۴۲ تا ۱۲۴۱) فرزند  
شلماسر طعیان کرد و میگردید تا نابل آمد و چند سالی در آنجا ماندولی  
مدارک نابی و حوادث دیگر مخالف این دیوبی است و با لوائح اسوری نه  
شاید بعدها آنها را ساخته اند نمیتوان معاد کرد

در هر صورت طویان بعد از آنکه نابل را فتح کرد و قزاقان توکوئوتوی بیب در این  
طعیان از بین رفت و تصرف اسویان و فرار کرد و عاقبت او را در  
خانه ای که پنهان شده بود یافتند سراسر دوران این آشوب اگر  
صحت داشته باشد چهار پنج سال پیش نیست

تقریباً سی سال بعد از این حادثه در زمان هیلشپاک دوم پادشاه  
کاشی (از ۱۲۱۱ تا ۱۱۹۶) نیز سوردان طعیان زدند ولی در این باره  
کاملاً سرکومی شدید و این سرکومی طویان بود که با حدود یک قرن دیگر  
حرکت قابل توجهی از این منطقه دیده شد

خلاصه از اواسط دوره پادشاهی کاشی‌ها در نابل تا انتقال پادشاهی

ممتنی بوده و پادشاه آنجا پیکر پروردگار شهرینوارا بارهغان برای پادشاه  
مصر مفرستد

پس از مدتی در **نابوریاس** از نابل پادشاه مصر چین همبوسد -  
«آنا من دربارهٔ اسوریان که رعایای من هستند شما نوشته بودم  
بس چگونه بشور شما آمده اند اگر ما من دوستی مانند کاری انجام دهند»  
از این نامه که در مصر کشف شده دو چهر دستگیر میشود ولی اینکه  
در اواسط قرن چهاردهم اسوریان از رعایای نابل بوده اند و دیگر اینکه  
مصر برای اعراض سیاسی با طوایفی که در تحت حاکم نابل بوده روابطی  
داشته است

اولین مرتبه در تاریخ این طایفه نام اشوراونالت ( ۱۳۷۵ تا  
۱۳۶۰ ) در محوریم که دختر خود را منکی از شاهرادگان و نا پادشاه  
نابل داده است مدارک اسوری مر وط مابین رناشویی با مدارک نابی و  
مدارک دیگر کاملاً متماقض است و ابدا معلوم میشود که مدارک اسوری را  
بعد ساخته اند

در هر صورت چنانکه ملاحظه میشود این وصلت مخالف میل امرای  
دربار نابل واقع شده و ابدا ممتهی نشورش و شاه کشی گشته است  
بعد از شورش و شاه کشی در نابل **کوری ۳** **الزو** که از پادشاهان  
مقتدر و جنگجوی کاشی شمرده شده سر رشته امور را بدست مگرد و اوضاع  
کشور بهبود حاصل میکند در هنگام این پادشاه ناحیهٔ اسور طعمانی کردولی  
برودی سرکوبی و آرام شد و سرحدات شمالی نابل بحال خود برگشت

در حدود یک قرن بعد از شورش و شاه کشی در نابل نام شلمناسر  
اول ( از ۱۲۹۵ تا ۱۲۵۰ ) در محوریم که او را نخستین امیر مستقل  
شمرده اند در این زمان جنگهای متوالی مصر و حتی ها در سوریه هر دو  
کشور را ضعیف کرده بود و از قراریکه نوشته اند تحریک مصریها شلمناسر

، یکی از این دولت‌های کوچک بر اسور بود که بعزت احتلال اوضاع  
 نابل کم کم قوتی گرفته بود و بعد از دوسه قرن اولین کسی که شهرت و اقتداری  
 پیدا کرده **اشور ناسر پال سوم** است ( از ۸۸۴ تا ۸۶۰ ) که مدت بست  
 و چهار سال نادرشاهی کرد

چنانکه نوشته اند **اشور ناسر پال** زنی سپاه‌گیری نداشته بلکه  
 پیشرفت‌های او در مقابل دولت‌های کوچک و ضعیف سوریه بواسطه قساوت  
 فوق العاده و اتحاد ترس و وحشت در بهاد اهالی غیر جنگجوی این نواحی  
 بوده است این شخص هر جا میرسید دهلده ها و شهر هارا ویران میکرد  
 و رن و بچه را اول دست و پا مسرید و بعد آنها را میسوراند و هر چه قابل  
 حمل نبود با و د میکرد و در موسم زمستان به قرار گاه اصلی خود برای  
 استراحت و عیش و نوش بر میگشت

**شلمناسر دوم** ( از ۸۶۰ تا ۸۲۴ ) دساله جنگ‌های اشور ناسر پال  
 را گرفت ولی نتوانست در سوریه پیشرفت کند

بس از چندی در نابل جنگهای داخلی بر پا شد و **شلمناسر** نا کمک  
 کردن ملک دسته برصد دسته دیگر تهاست حمران خسارت‌های خود را در جنگ‌های  
 سوریه نماند، ولی طولی نکشید که اوضاع نابل رو بهبود گذاشت و در نتیجه  
**شلمناسر** بطوری ضعیف گردید که حتی شهر اشور و بيموا و آنچه بدست  
 آورده بود همه را از دست داد و بعد از او ضعف و انحطاط اسور مدت هشتاد  
 سال ادامه داشت

دوره دوم تاریخ این ناحیه در ۷۴۵ قبل از میلاد با شورش و شاه  
 کشی حاتم نامت

### دوره سوم تاریخ اسور یا سوبارتو

دوره سوم تاریخ اسور حیاتی کوتاه است یعنی بیش از بست و سه سال بست  
 این دوره با شورش داخلی و شاه‌کشی شروع و با شورش و شاه‌کشی ختم میگردد

اراین حاندان بحاندان پاشه و همچنین دراوایل سلطنت این حاندان اجیر همیشه ناحیهٔ اسوریا سوناتو را ایالت های نابل بوده و هر وقت متحرک و پشتمانی خارجیان و مخصوصاً مصریها طبعیایی کرده سرکوبی شده است

قرن دوازدهم قبل از میلاد قرن آشوب و بهم خوردگی نابل و اطولی و مصر است در اواخر این قرن جنگ و آشوب در سراسر آسیای عربی و مصر برپا بوده و پادشاه مقتدری پیدا نمیشد که بتواند رشته امور را بدست بگیرد در این گیر و دار و آشوب تمام تیرنگلات پیل سر اول (ار ۱۱۱۰ تا ۱۱۰۰) بر میخوردیم که میتوان او را اروعامل ضعف اسور دانست

این شخص که همورار تحت ادارهٔ نابل خود را رها نکرده بود و بمتواست حتی پیکر پرورد گاران اسور را که در زمان او مابل برده بودند پس بگیرد و در حای خود نگذارد بطوری در مدت پمچ شش سال قوای خود را در عارتگری و جنگهای بی فایده در سوریه صرف کرده تا مدت دو قرن دیگر از اسور نامی شنیده نمیشود

ماتر آنچه گذشت در دورهٔ اول که در حدود سه قرن است ایالت سوناتو یا اسور از ایالت های نابل بوده و هر وقت در آنجا طبعیایی شده پادشاهان کاشی و پاشه شورشیان را سرکوبی کرده اند

بعد از این طعیان تا قرن پنجم اطلاعات قابل توحهی از اوضاع اسور در دست نیست و بهمین جهت عالماً تاریخ اسور را از قرن پنجم قبل از میلاد شروع میسند

### دورهٔ دوم تاریخ اسور یا سوناتو

از قرن دوازدهم تا پنجم اوضاع سیاسی معرب آسیا نکلی محتل و آشفته بود و در هر گوشه و کناری دولت های کوچکی موجود آمده بودند که برای عارت یکدیگر با هم متحد میشدند و در میان آنها رد و خورد و جنگ ادامه داشت

بعدادار تنگلات پیل سرشاهماجر چهارم (از ۷۲۷ تا ۷۲۴) پادشاه شد در این اوقات اوضاع مصر نسبتاً بهتر شده بود و پادشاهان آنجا در امور سوریه دخالت‌هایی نکردند و بهمین جهت برایش مشکلات زیادی در سوریه ایجاد شد و ظاهراً چون نتوانست که مشکلات را رفع و شورش‌های آن واحی را خاموش نماید در سال پنجم پادشاهی او شورش داخلی بر پا شد و او را کشتند

اراین قرار دوره سوم تاریخ اسور ناشورش و شاه‌آشی خاتمه مییابد

### دوره چهارم تاریخ اسور یا سونارتو

دوره چهارم تاریخ اسور با شورش و شاه‌کشی آغاز میشود و یکی از سرکردگان شورشی خود را نام سرگون مینامد

اراسمی که این شخص وجود داشته و اسامی چندین دیگر که بعد از او آمده‌اند معاً آمده‌اند که این‌ها در انا دانه‌های قبل اندآستی نداشته‌اند و گویا بهمین جهت بوده که پاتر هم بحلاف میل اهالی به‌بیوا برده‌اند در سال دوم پادشاهی سرگون ساهیان حوری نکمک نابل آمدند و سرگون شاکت مورد طرف اسور عقب نشست این شکست و تحریکات مصرها باعث این شد که در سوریه و فلسطین شورش‌هایی برپا شود و لهدا سرگون محمورشده که برای ابراه بردن آن وواحی بظرف معرب رهسپار گردد در این اشکرکشی سرگون با حکم‌جوایی نام موصری روبرو شد که مدعی است آنها را شکست داده وای در اینجا باید دقت نمود که مقصود از موصری سرزمین نابل نیست

یکی از اشکالات مهم مشابهت نام موصری که لقب امیر آنجا پرعو بوده نامصر و مرعون است معنی کلمه مرعون و اشفاق و چگونگی و تلفظ و املائی آن هنوز معلوم نیست بطوریکه محققین نوشته‌اند مقصود از مصر در بیشتر از جاهای تورات و کتبه‌های اسوری سرزمین نابل نیست بلکه منطقه‌ای در حدود عربستان است که امیر آنجا را پرعو یا فرعو مینامیدند

در ۷۴۵ پیش از میلاد شخص تمام پول یافور یا فورس دواسور  
 طعیان میکنند و پس از شاه کشی چه در تمام تیگلات پیل سر سوم یا چهارم  
 (ار ۷۴۵ تا ۷۲۷) مسامد ه ای آنها هیچوقت این اقمرا قبول نکردند  
 و همیشه او را پول یافور حه اده اد

بعداد اینکه اوضاع ای به تماً آرام گردید این شخص از در صلاح  
 و مسالمت با مانل داخل میشود تا آنکه نتواند قائلی را که از طرف مشرق  
 داخل ناحیه آسو شده بودند تمت برسد و برای عارت شهر های سوریه  
 آراد باشد اته قادر لشکر کشی ای سوریه دعوی ناح گیری و فتوحات  
 بررک سموده بلکه فقط به عارت گیری و برهم زدن اوضاع آنها اکتفاء کرده  
 و بوطن خود برگشته است

مدعی هستند که تیگلات پیل سر دهجوم خود بظرف مشرق تا  
 نقطه ای که آنرا تارینک دماوند حدس رده اند رفته ولی معلوم نیست چه  
 شد که فوراً محصور عقب نشینی گردید و از آنجا برای تسخیر قلعه ای  
 در بر دیک در ناچه وان برگشت تا خودیکه این قلعه از دیدنترین نقاط  
 به بینوا بود نتوانست آنرا فتح کند و از آنجا هم برگشت و بظرف سوریه  
 در ۷۳۵ رهسپار گردید

در آن اوقات اوضاع مانل حیای منقلب بود و پس از تعمیر چند شاه  
 او کبری پادشاه بواحی حموی در حایج فارس مانل لشکر کشید و تاج  
 پادشاهی آنجا را بر سر نهاد

تیگلات پیل سه از این انقلابات استفاده کرد و تکمک مانلها موفق  
 شد که او کمزی را از مانل بیرون کند بدین ای که نتواند او را شکست  
 قطعی بدهد و یا دستگیر نماید

یک سال بعد از این حادثه تیگلات پیل سر پس از هیجده سال  
 پادشاهی مرد

سناحریب در هشت سال آحری ریدگانی آثار نوشته‌ای ارحود  
بیادگار نگداشته ولی ارمابع دیگر معلوم است که در سوریه مواحه ناشکست‌ها  
و عدم موفقیت شده است

در سال ۶۸۲ قبل از میلاد سناحریب در بینوا کشته شد  
چون اوضاع کشور بعد از کشته شدن سناحریب آشفته بود یکسال  
بعد اسرهدون (از ۶۸۱ تا ۶۶۹) تاحکمداری کرد و برای گرفتار بهائی  
که در شمال و مشرق داشت تا نابل و حوری‌ها از در مسالمت پیش آمد  
در سال اول پادشاهی اسرهدون اوضاع سوریه بواسطه تحریکات  
و نفوذ مصری‌ها در شورش و انقلاب بود و در طرف مشرق هم روز بروز  
دشمنان قوی نیموا ریدتر مگردیدند و چیری نمانده بود که اسورار هم  
متلاشی شود این مشکلات و گرفتاریها طوری بود که اسرهدون متوسل  
بعیب گویان و فال گبران گردید و همیکه معلوم شد دشمن‌ها را نمیتواند باشمشر  
ارپای در آورد بوسیله دختر ریائی از خاندان خود دل یکی از سرداران  
بیرومند ایرانی را بدست آورد و باچنین سیاست عاقلانه بهسها کشور خود را  
از فای آبی نجات داد بآنکه قوای تازه نفس دلیری را از پرتو ریائی آن  
دختر ناحود همراه ساحت و از این راه توانست در مدت دو سه سال دلگیری  
که از ریدگانی او باقی مانده بود کار هائی را انجام دهد که بیا کال او  
هرگر حرأت اقدام تاآرا نمیکردند

باری پس از این وصلت اسرهدون در ۶۷۰ عازم سوریه و مصر  
شد و طاهراً بعد از ورود او شمال مصر تیرها ۳ پادشاه آنجا نا لشکریان  
خود نواحی حیوب عقب نشینی کرد و معاومه بست که چرا اسرهدون بدون  
اینکه دشمن را شکست قطعی ندهد از مصر برگشت تیرها ۳ پس از عقب  
نشینی و آرایش و نظم لشکر خود شمال مصر هجوم کرد و اسوری‌ها را  
قتل عام نمود.

سرآقون پس از سرکوبی شورشیان مغرب بوطن خود برگشت ولی پس از مراجعت حرأت نکرد که بطرف دابل که با حور بها متحد بود لشکرکشی کند

در این اوقات سرحدات شمالی اسور از طرف پادشاه ارارتو و پادشاه مویشکی که هر دو از اقوام ایرانی بودند تهدید میشد

مدت ده سال سرگون وقف خود را در جنگ و جلوگیری از هجوم آنها صرف کرد در حوالی ۷۰۹ قبل از میلاد سرگون با دابل اردز مسالمت دس آمد و بر صد قبائل هدی دابل را کمک کرد و آنها را شکست داد، در ۷۰۷ از این جنگها مراجعت کرد و در ۷۰۵ در وطن خود کشته شد **سناحریب** (ار ۷۰۵ تا ۶۸۲) مانند پدرش سرگون عاقل و دور اندیش و منظم و حوسرد و سیاست مدار بود این پادشاه توانست که با مدیها جنگ کند و حتی در منطقه کوهستانی که در سیرده چهارده فرسجی سنوا بود با وجود بکه خودش شخصاً مراقب اشگر کشی شد کاری از پیش سرد

یکی از اشتباهات بزرگ سناحریب در افتادن با حور بها بود که قوای او را تحلیل برد و بواسطه تجاوزاتی که از طرف او شد پادشاه حور به سر رمن دابل تاحت و پس سناحریب را اسر کرد و به کشور خود فرستاد سناحریب برای نجات سرش مجبور شد که بحمگ حوربا نشتابد ولی شکست خورد و باچار بطرف بینوا عقب نشینی کرد يك سال بعد دوباره سناحریب بحمگ شتافت و پس از رد و خورد عطیمی که وقایع نگاران درباری شرح آرا با آب و تاب داده اند شکست خورد و عقب نشینی کرد و توانست دابل را از چنگ حور بها نجات دهد

مدار مریک پادشاه حور سناحریب فرصت را عنیمت شمرد و دابل هجوم

کرد و چنانکه در کتیبه خود مدعی شده آجارا کاملاً ویران نمود



این همان اشوربانی پال است که نام او در حوای پادشاه فودی الهام شد ولی چنانکه ملاحظه میشود آخر کار در حل مشکلات داخلی خود عاجز مانده است.

اشوربانی پال در ۶۲۶ مرده است و از مدتی پیش از این تاریخ در برورد اوصاع کشور و لشکر اسور رونه انحطاط گذاشت تا اینکه در حوالی ۶۰۶ قبل از میلاد نابلها آنها را فتح و ویران کردند.

اینکه میگویند مادیهای ایرانی در ویرانی بینوا نابلها کمک کردند مشکوک است و بدیفرقه بیست و برای مراعات روایات تورا و یونانی میباشد و ما در سابق راجع باشکال تعبیر اسم مادی به مادها اشاره مختصری کردم این بود کلیات تاریخ اسور که مخصوصاً از روی کتب مفصل دستة مخالف ایران و هند و طرفدار اسور نقل شده و در بسیاری از روایات و همچنین تاریخ سالها با وجودیکه نقل کرده ایم شك و تردید وجود دارد که شرحش از گمبایش این جزوه بیرون است.

در حاتمۀ این قسمت مختصری را که همگردن چاپلند استاد دانشگاه ادسرك علی رعم احساسات صد ایرانی خود نوشته در این جا نقل و اقتباس میکنیم

عصر هخامنشی

پادشاهی هخامنشیان باعث انقلاب دینی و سیاسی شد نقش های حجاری شده دوره هخامنشی بطوری متناسب و شبیه است که پس از دوره سومریها در این منطقه آسیا بطیر ندارد و بحلاف نقش های بی جان و بی ریخت مابلی و اسوری حجاریهای ایرانی همه ربنده و با حرکت میباشند

از همه مهمتر اینکه ایرانیان موفق به ساده کردن المناهی میجی شدند در صورتیکه اقوام سومری و اسوری و مابلی و کلدی در مدت چند هزار سال از عهدۀ چنین کاری بیرون نیامدند.

سارمان بی سابقه ایرا که داریوش بزرگ به امپراطوری هخامنشی داد

نوشته اند که اسرهدون برای انتقام خواست بمصر مراجعت کند  
ولی در راه مرد

طول مدت این لشکر کشی ها که نكمك لشکریان ناره بس غیر  
اسوری انجام گرفته در حدود دو سال است

اسرهدون همان کسی است که مرگترین کتیمه فتح دروعین را  
ارحود بیادگار گذاشته است و با این سابقه ها میتوان فهمید که چرا داریوش  
اینهمه اصرار در صحت محتویات کتیمه خود میکند

اشوربانی پال (ار ۶۶۹ تا ۶۲۶) آخرین پادشاهی است که اصمحلل  
اندی اسور از او اوسط عصر او شروع میشود

تاریخ اسور اگر چه اول تا آخر روی حدسیات و کتیمه های اعراق آمیر  
و دروع و روایات مدهمی و یونانی بنا شده است ولی ار ۶۶۵ قتل از میلاد  
یعنی سه سال بعد از بنه تخت نشستن اشوربانی پال طوری مشوش میشود که تا بحال  
توانسته اند آنرا صورت مرتبی در آورند

ارقرار بیکه نوشته اند اشوربانی پال در سال بیستم پادشاهی خود در بینوا  
جشنی برای فیروزی های خود گرفته است ولی بعد از این تاریخ روز بروز  
اوضاع کشور و لشکر رو باحطاط میگردد و بهترین سندی که ما مساعدی  
اوضاع را میرساند مناجاتی است که اشوربانی پال از خود سادگار  
گذاشته است

« پروردگارا رسوم قربانی را برای مردگان و ارواح پادشاهان پدران  
خود که متروک شده بود دوباره رنده داشتم و سمت به پروردگاران و مردم  
و مرده و رنده بیکمی کردم چرا ناخوشی و ناتوانی و بدبختی مرا فرا گرفته  
و نمیتوانم مشکلات کشور و احتلاوت داخلی را رفع کنم . شورش و بدنامی  
بر من فشار میآورد و ناتوانی من و جان مرا فرسوده است و باناله روزگار خود را  
پایان میرسانم . »

## آسیاکنندریه

تمدن یونان اقتصادی است. یونان یکمرتبه طلوع میکند و یکمرتبه غروب میکند و تاریخش تحدید میشود چه آن سرزمین کم وسعت و نامساعد استعداد پروراندن جمعیتی که تدریجاً از حدود تمدنی ایجاد کنند نداشته و اگر داشت اردو هزار سال باین طرف هم نایستی دانشمندان و هرمندانی در آنجا پیدا شده باشند

با وجود این ملاحظه میشود که برخی اصرار دارند که بحال واقع و المودکنند تمدن اروپا از یونان سرچشمه گرفته در صورتیکه حتی در قرون وسطی هم کتابهای فلسفی و علمی و طبی و ریاضی اروپا از دانشمندان ایران بود<sup>۵</sup> و ارقام هندسی بجز این سرزمین ها نایجا منتقل گردید

قرنها پیش از اینکه در آثار باستانی جهان نام یونان بر حوریم معرفت آسیا محل سکونت ملل متمدن آریائی بود و هنگامی تمدن یونان صورتی بخود میگیرد که این نواحی از قلمرو شاهنشاهی ایران بشمار میآید

برگترین و قدیمترین فلاسفه و متفکرین یونان در عصر هخامنشی پیدا شده اند و چنانکه در تواریخ یونان مذکور است ایشان برای کسب معلومات دایران سفر میکردند و دعوی شاگردی برداشت و معان را داشتند

با وجود ارتباطات نژادی و معمولی بین یونان و ایران ملاحظه نمیشود که در زمان اقتدار روم و مخصوصاً بعد از میلاد مسیح تعال سیاسی و مذهبی یونان وسیله تملعات برصد ایران و همد قرار داده شده است

---

۵ مشهورترین دانشمندی که نوشته های آنها در اروپا تدریس و چاپ میشده حواری و راری و اس سبیا و بصیرالدین طوسی میباشد در اروپا کسی از کتب یونانی اطلاعی نداشت و آنها را بعدها پیدا کرده اند از مطالب مهم قابل بحث و دقت این است که تحقیق کنیم کتابهای یونانی را چه اشخاصی پیدا کرده اند و در چه تاریخی پیدا شده و سخته آن تا آنوقت کجا بوده و در آن وقتی که پیدا شده چه موضوعهای فیزی و تاریخی مطرح بوده است

مدت دو قرن شرق بزرگ را که بعلب جنگها ویران شده بود امنیت و آرا سی  
بخشید و این بحلاف روش ویرانی و عارتگری اسور بها بود

در سایه این امپراطوری بزرگانان و فیلسوفان میتواستند که ارهد  
تابونان بی مانع سفر کمند و ارهماں شاهراههائیکه سر باران ایرانی مگدشتند  
اطلاعات علمی و دینی شرق قدیم بیونان و رم جریان پیدا کرد  
مذهب رسمی این امپراطوری دس بردشتی بود که دبسی معنوی  
و جهبانی است ۴ نقل ارچایلد

### ملاحظات

۱- سر سلسله پادشاهان دوره چهارم اسور نام خود را بماساتی  
که معلوم نیست سرگون گذاشته است و در این دوره راجع بدوره های  
قدیم تر مطالبی نوشته و ترجمه کرده اند که مورد بحث و اختلاف است این  
نوشته ها را بدون دقت و بررسی نمیتوان مدرك وقایع تاریخی عصر های  
قدیم تر قرار داد

۲- نبویدس که آخرین پادشاه بابل است شخصیت و نسب او معلوم  
نیست و میگویند او را پادشاهی انتخاب کرده اند اردوره ابن پادشاه الواحی  
مربوط بساریع عصر های قدیم تر بدست آمده که از روی حط و عمارت آن  
همه تصدیق کرده اند جعلی است توجه باین نکته هنگام بحث در تواریخ قدیم  
بابل لازم است

۳- کتابهای جدیدی که در دست داریم وقایع معرفت آسیارا ارقون  
دو ردهم تا واسطه قرن بهم قبل از میلاد مهم نوشته اند گویاعات این ابهام این  
است که آثار این قرون تأیید روایات مدهمی اروپارا نمیکند قرن دهم و بهم  
قبل از میلاد از نظر تواریخ مدهمی اهمیت فوق العاده دارد

اسکندر جبل کرده اند نتیجه اش این بود که چند تن از امپراطوران روم را  
 مقتدگانه سرحد ایران کشاید و معلوم شد ممکن نیست که از مصر تا هند را  
 در مدت چند سال فتح کرد

در دورهٔ جنگهای صلیبی هم برای تقویت روحیهٔ جنگویان همان  
 افسانه‌ها تکرار شد و نتیجهٔ سابق را گرفتند کذب اس روایات را شارل  
 دوازدهم پادشاه سوئد و ناپلئون که هر دو از شیفتهگان افسانه‌های اسکندر  
 بودند از همه بهتر دریافتند

خلاصه کمی پس از اسکندر مردمی که اکثر آنها غیر یونانی بودند  
 در اسکندریه رمان یونانی را وسیلهٔ تملع و بیان عقاید خود قرار دادند و  
 در تاریخ و دین و فلسفه و حتی رمان یونانی تصرفاتی کردند

کتابهای تاریخی که در رمان یونانی نوشته شده و سرچشمهٔ این افسانه‌ها  
 و مدارک تاریخ قدیم ایران برداره بانیان قرار گرفته بدودسه تقسیم میشود  
 دستهٔ اول کتابهایی است که گفته اند اصلی داشته و ارس رفته‌ولی  
 مورحین دیگر بعدها مطالبی از روی آنها نقل کرده اند

عده ای از محققین قسمت‌های پراکندهٔ این روایات را جمع آوری  
 کرده و پس از مطالعه و دقت معلوم شده که آنها را بعدها از روی کمالی اطلاعی  
 جعل نموده اند

مثلاً گفته اند کتزیاس کتاب تاریخ خود را از روی مدارک ایرانی  
 نوشته بوده ولی ارس رفته است مورحین قدیم نوشته اند کتزیاس مورحی  
 دروغگو بوده ولی تحقیقات جدید ثابت میکند که نه تنها روایات منسوب  
 به او دروغ است بلکه اگر آنها را خود او هم نوشته باشد افسانه‌هایی است که  
 از روی کمالی اطلاعی بهم بافته شده بلکه برخی اصرار دارند که کتزیاس  
 از روی مدارک ایرانی نوشته برای اینست که بگویند افسانهٔ بیوس و سمیرامیس

منشاء این هیاهو اسکندریه است و در این شهر پایه تبلیغات برای ایجاد اختلاف و نفاق بجائی رسید که حتی نوشته اند یونانیان از طوایف یهود اند.

هرچند این تبلیغات بمع سیاست روم منظر میامد ولی چنانکه در کتب تواریخ مفصلاً شرح داده شد مآلابیکی از علل اصلی انحطاط آن کشور و یونان گردید

جای شك بیست که در میان سپاهیان هخامنشی عده ای از یونانیان مثل مردمان دیگر خدمت میکرده اند و امپراطوری هخامنشی یا سب هجوم خارجی یا شورش داخلی و یا هر دو مهم خورده و جای خود را به فراتداران<sup>۵۰</sup> و پادشاهان اشکانی داده است ولی این حوادث و تغییرات در ایران دلیل بر این بیست که تفصیلاتی را که با اس همه آب و تاب افسانه وار برای دوره چند ساله اسکندر نوشته اند راست نباشد آنهم در صورتیکه میدانیم مورخین قدیم و جدید از دوست و دشمن همه تصریح کرده اند که این روایات باینصورت افسانه است و ارزش تاریخی ندارد

اگر تحقیقی شود که بچه علت کتابهایی که گفته اند در عصر اسکندر نوشته شده مفقود گردیده است وجه احتیاجی پیدا شده که چند قرن بعد از اسکندر متوجه تألیف کتابهایی راجع بار شده اند و تا چه اندازه نویسندگان آن کتابها از جغرافی و نام شهر های مهم ایران و هند بی اطلاع بوده اند. در اینصورت روش و آشکار میشود که مقصودی از این تبلیغات در قدیم حرار و روشن آتش جدال و اختلاف بوده

بحث در حرئیات اس محث از گمخایش این حرره بیرون است ولی همنقدر اصابه میکنم که افسانه هائیکه در اسکندریه راجع بقنوحات

<sup>۵۰</sup> آثار فراتداران که تاریخ کشف شده و تقریباً هرمان دوره اسکندر است

نام تازه ای برصد نوشته های یونانی بار میکند

گذشته از اینها کتاب مشهور تاریخ هرودوت همان طوری که خود او نوشته دست ما برسیده است بلکه چند قرن بعد از او ادبای اسکندریه ترتیب اصلی کتاب را بر حسب میل و اعراض خود برهم رده اند و بس از تغییر و تبدیل آنرا به به قسمت تقسیم و برای هر قسمتی از قسمت های به گانه اسم بی مناسستی بدلخواه خود گذاشته اند که مورد انتقاد محققین گردیده است اگر درست دقت شود می بینیم که این تقسیمات و تعبیرات از نظر تصحیح و اصلاح صورت نگرفته بلکه مقصد اصلی این بوده که رمیبه را طوری حاصر کنند که وقتی خواننده از این کتاب بوقایع چند ساله اسکندر مرسد دهمش برای پذیرفتن و هضم آن افسانه های بی اساس حاصر باشد تنها کتاب تاریخ هرودوت نیست که در اسکندریه در آن تعبیر و تبدیل داده اند بلکه در کلمه نوشته های یونانی و حتی اشعار هم بدعوی اینکه گرامرش غلط است دست برده اند و صورت قدیمتر و اصلی آنرا (اگر اصلی داشته) تغییر داده اند

این کتب بعد از میلاد مسیح همه در تصرف کلمسا و علمای مسیحی بوده و آنها هم نمونه خود مطابق اعراض مذهبی در تعدر و تبدیل و حاک و جعل محتویات آنها دست داشته اند و گرنه چگونه تصور میتوان کرد که با آن همه دعوی ارتباط ناهند و بلخ در کتب یونانی نامی از نودا ذکر شده باشد اولین گرامر زبان یونانی در حوالی میلاد در اسکندریه تألیف شده و این هم در صورتی است که یقین داشته باشیم که گرامر دیونی سیپوس ساختگی باشد \* قبل از این عصر برای زبان یونانی گرامر مدون نبوده و یونانیان ارسر ساختمان زبان خود اطلاعی نداشته اند در صورتیکه زبانهای هند و ایرانی قریبها پیش از میلاد مسیح دستور مدون داشته و چگونگی ساختمان آنها کاملاً معلوم بوده و تا کنون هم همان کتابها مرجع علمای زبان شناسی جهان است

\* عده ای کتاب گرامر « دیونی سیپوس » را ساختگی میدانند

را در ایران شمیسه و رزمینه ای برای رفتن اسکندر به بلخ که کاملاً مشکوک است فراهم کنند

همچنین **مانه‌نو** مصری که تاریخ قدیم مصر را در اسکندریه نوشته اصل کماش از بین رفته است ولی مورخین دیگر از او نقل کرده اند

چنانکه محققین اخیر نوشته اند این مورخ و متشرع مصری از تاریخ وطن خود اطلاعی نداشته و روایات مسوب با او را دیگران جعل کرده اند خلاصه از این قبیل کتابهای تاریخ فرضی که اصلش از سن رفته متعدد است دسته دوم کتابهای تاریخی است که بصورت کامل و مدون بران یونانی باقی مانده و مهمترین آن کتابها کتاب مشهور **تاریخ هرودوت** میباشد که او را پدر تاریخ مینامند

**هرودوت** در اوایل قرن پنجم پیش از میلاد در یکی از ایالت‌های مغرب امپراطوری هخامنشی زائیده و پرورده و تربیت شده و در پرتو امیت و آرامی آن عصر مسافرت‌هایی کرده است

اعلی مورخین قدیم حتی فیلسوف مشهور **ارسطو** گفته اند نوشته‌های **هرودوت** افسانه و دور از حقیقت است و **استرابون** جغرافی دان و مورخ معروف <sup>⊗</sup> **ایطور میویسد** -

« حقیقت آنست که به افسانه‌های **هزیود** و **همر** در باره هنرمائی پهلوانان و همچنین به افسانه‌های شعری تراژیک بهتر میتوان اعتماد کرد با روایات تاریخی بنام **کتزیاس** و **هرودوت** و سایر نویسندگان قدیم ، عده‌ای از محققین اخیر مانند **پروفیسر سیس** ثابت کرده‌اند **هرودوت** هرگز به نابل و اسور رفته و مسافرت او باین نواحی دروغ میباشد و روایات او اعلا افسانه و معرصانه و عاری از صحت و اعتبار است



## خاتمه

بطوریکه در ضمن مباحث این حروه شرح دادیم مسأله خط حرفی  
مسأله‌ای کاملاً فنی و علمی است و فقط با روایات تاریخی و با کشف يك لوح  
و یا کتیبه‌ای نمیتوان سر اختراع و تکمیل آن پی برد

در قرن شانزدهم میلادی اروپائیان اطلاع پیدا کردند که خطهای  
هند از روی دهان ساخته شده و لهذا تا نیمه دوم قرن نوزدهم کوشیدند  
که آنها هم مانند هند خطی فنی از روی دهان بسازند ولی موفق شدند

از اواسط قرن نوزدهم باین طرف حدس زدند که شاید خطهای  
حرفی هم مانند نقشهای چینی و مصری قدیم از روی شکل‌های حیوانات  
و اشیاء ساخته شده باشد و چون این حدسات را با روایات و آثار باستانی  
مربوط کرده بودند لازم دیدیم که با اندازه‌گنجایش این حروه با کراتی  
راجع بکلیات تاریخ قدیم داده شود

کتابهاییکه در مدت صدسال گذشته راجع بتواریخ باستانی نوشته  
شده حالی اراعراس مدهمی و ساسی نیست و مطالب آنها طوری مرتب شده  
است که ایران و همدر حقر و بی سائقه در هر چیز نشان دهد و سهم واقعی  
آنها را در تمدن جهان انکار کند

ما نباید از آب و رنگ و اصطلاحات جعلی اس کتابها که با کمال  
بردرستی و مراعات فن معالطه تالیف شده گول بخوریم زیرا وقتیکه مدعی  
سند محکمی ندارد باچار متوسل باهانت و تحقیر و حتی از بین بردن  
طرف میگردد

عده‌ای از مستشرقین معلقات همت گانه و روایات عصر جاهلیت را جعلی میدانند عین این شك و تردید راجع به کتب و روایات قدیم یونانی هم وجود دارد زیرا که همان احتیاجاتی که باعث شده اشعار و روایاتی جعل کنند و عصر جاهلیت سست دهند تا سابقه ادبی برای خود ایجاد نمایند همان احتیاجات را در اسکندریه احساس کرده‌اند و حتی مدهی هم در آنجا ساخته‌اند

آن مذهب حدید دوام و رسوخی پیدا نکرد و متروک شد ترجمه تورات هم به تنهایی فائده‌ای به بخشید ولی بعدها همین سارمانها دریافتند که بهترین راه این است که اصول بودائی و زردشتی را بنام تارهای اقتناس کنند عجب این است که آن عجله و اشتباهاتی که در تعریب و نقل اصطلاحات عربی شده همان عجله و اشتباهات را در اسکندریه کرده‌اند یعنی اکثر اصطلاحات علمی و فلسفی و دینی یونانی دلالت بر معنی واقعی خود نمیکند و برای ادای مفهوم نارسا است

داشمند شرق شناس هاگس مولر هنگامی که راجع نوشته‌های یونانی در اسکندریه بحث میکند با کمال احتیاط و بردستی حمله‌های خود را نوشته است تا اینکه معاداً ازین راه شك‌های بیشتری راجع باصاات آنها پیدا شود زیرا که در زمان این داشمند تحقیقات راجع برانه‌های هند و ایرانی مقام یونانی را متزلزل کرده بود

خلاصه اوضاع اسکندریه و جوش و خروشی که در آنجا برای زبان و اقتناس علم و دین پیدا شد کاملاً شبیه به کوفه و مصره و بعداً در قرن هشتم و نهم میلادی است

# درباره روش آموزش با كودك دبيره

بك انتقاد فلسفې

ار

محمود هومن

فرق كودك با بچه حيوان محصر به تفاوتهاي ظاهري يعنى شكل اندامها، وضعت هيكل، چگونگي حرركات و فعاليتهاي سرشتمى و مانند اينها بيست اگر نوراى انسان با نوراى حيوان از هر نظر يكساں ميبودد علت تفاوتهاي آنها در دورانيهاي زندگي منحصر تاثيرات محط مشد و چون چمن بست و سواى مقتضيات محط و عوامل مؤثر در پرورش، تكامل كودك به استعدادها يعنى خاصيتهاي بهفته او بيرستگي دارد پس كودك داراي «امكاناتي» بش اربچه حيوان است و باعتبار همين «امكانات» بيشتراست كه كودك پس اربكي دوسال زندگاني سخن گفتن ميامورد و بچه حيوان در هيچيك اردورانيهاي زندگاني خود باين پايه نميرسد

شايد پنداشته شود كه تا كيد در باره تفاوت كودك و بچه حيوان چندان ضروري بيست و همه ميدانند كه بشر و حيوان با يكديگر متفاوت ميشاند ولي اگر روشهاي آموزش و پرورش كودك را در نظر آوريم مي بنيم كه اس تا كيد بسيار ضروريست باين معني كه اگر دانشمندان تفاوتى ميان اين دو موجود ميپديرفتند هرگز روش يكساں راى آموزش و پرورش آنان مكار نميردند و بگفته مهرورپايه آموزش را روى «كيروپاداش» ميگداشتند مهرور ميگوند (صحه ٢٤) چون كودك با بچه حيوان تفاوت بسيار دارد پس بايد روش آموزش هر دو آنها يكساں ناشد يعنى اگر سگ را راى فرماسردارى نكمك حوراك ميبريند و اگر فرمان سرد ميرند با فرند اسان ساى چمن رفتارى كرد

راى اينكه روش شود كه آموزش نكمك «كيروپاداش» مستلزم يكى گرفتن كودك و حيوان است با آور ميشويم كه همه «آموختهها»

ما مثل دیگران احتیاج به برهم ردن تاریخ ملل و یا پناه بردن  
 نگدشتهٔ ورسی اسور و یونان و جعل و حك آثار قدیم و وضع اصطلاحات  
 حدید نداریم .

هیچ تمدنی در جهان بدون زبان و دین و حط و ریاضی نمیتواند  
 پیشرفت کند و ما باید تا نهایت حوسردی و آرامی و اصاف تحقیق کنیم  
 و به سنیم اروپا زبان و دین و حط و ریاضی را از کجا گرفته است  
 این جروره و جرورهٔ دبیره راجع به حط و تعلیم آن است امیداست  
 در آینده هم موفق ناانتشار حروره های دیگری راجع بر زبان و ریاضی و تعلیم  
 آنها بشویم .

دیگر از خاصیت های اصلی کودک خاصیت ' سمحش و گریزش ' است ناین معنی که چون کلمه های گوناگون بدون رابطه های زمانی - مکانی محدود و معین بپیداکودک میباید و اینکار بسته بانست که کلمه های شماخته شده نایکدیگر سنجیده شود و کلمه مطلوب برگزیده شود پس کودک دارای خاصیت سمحش و گریزش است و اگر مثلاً کودکی در شرایط یکسان کلمه های ( سنگ - نان - میخوام - بده ) را آموخته باشد نایسان که یکی از آنها سه کلمه دیگر را نباد آورد باز هم کودک گناه حواستن نان نمکوند و سنگ میخوام بده « نایکه دو کلمه سنگ و نان را نا منظور خود سنجیده نماند، نان را برگزید و عبارت دیگر توانائی معنوی کودک منحصر به حافظه حیوانی یعنی نباد آمدن و نباد سپردن از راه اسوسیاسیون و تراسانت با کودک ناغماز خاصیت سمحش و گریزش متواند آنحمر برا نکه بجواهد نباد خود نباد د

دو خاصیت ' چرا گوئی ' و ' سمحش و گریزش ' از استعداد های طبیعی کودک و مویجات امتیاز معنوی او ار بجه حیوانست و اگر این دو خاصیت تکامل نیاند و نا آ ن مویجات تکامل آنها باز داشته شود نالمد بشر تفاوت معنی با حیوان بجواهد داشت و فرق او و حیوان منحصر به تفاوت سرشت و نهاد بشر و حیوان جواهد بود ناین معنی که چون توحه شمانائی همان استعداد ' چرا گوئی ' تکامل یافته است و خاصیت ' سمحش و گریزش ' رمنه حرد و زری و جواهدگی داشته است و ناعماز همین توانائهاست که بشر و حیوان از یکدیگر متمایز میگردند پس بازداشتن استعداد های طبیعی کودک هم راه نایسان ساختن بشر و حیوان جواهد بود فردوسی تفاوت حیوان و بشر را چنین بر موده

حیوان: حور و حواب و آرام جوبده می دران زندگی کام جوبده می  
 نه گویا زبان و نه جویا حرد رحار و رحاشاک تن پرورد  
 بشر: پدیده هوش و رای و حرد مهاورا دد و دام فرمان برد

یعنی کارهایی که يك حيوان انجام میدهد و حیوان دیگر اربوع اوارعهده آنها برمی آید روی رمیه « آرمایش و حطا » حاصل میشوند باین معنی که حیوان پس از چند بار آرمایش و حطا راه مناسب را برای دست یافتن آنچه که میخواهد می یابد و اگر مشخصات محیط او ثابت نماند نمکست پس اربك دوران آرمایش و حطا کم کم بدون آرمایش آنچه را که میخواهد نازشناسد بعبارت دیگر نازشناسی حیوان نتیجه حاصلیت آرمایش و حطا است و چون مقصود و منظور پرورش حیوانات ناز شناختن چیزهای مخصوص و معین است پس بایستی این پرورش سرروی آن حاصلت صورت گیرد و چون این آموختنیها بطور مستقیم رابطهای با سرشت حیوان ندارد و حوسدگی او بحدودی خود در این کارها نمایان نمیشود اینست که برای ناد دادن اینکه حیوان فلاں چمر را بلیسد و نا فلاں محل پانگدازد باید که گاه لمسیدن فلاں چیز کیفیت دیگری مانند صربه چوب یا تعمیرآموزگار داد حیوان بافتد (کیفر) و با برعکس در مورد کار روا کیفیت دیگری مانند بویا مره شربدی یا حوراك دیگر (پاداش) بیاد حیوان بناید

از طرف دیگر چون كودك دارای استعدادهای ممتاز است و توانایی معنوی او منحصر بحافظه حیوانی نیست پس پایه آموزش و پرورش او بناید روی « کیفر و پاداش » گذاشته شود بکی از خاصیتهای اصلی كودك حاصلت « چرا گوئی » است و چنانکه همه آرمایش کرده اند كودکان حر دسال ناشادی بسیار از برر کتر خود مبرسمد که چرا چنین است و چمان نیست و تا پاسخی مناسب نشوند از پرسیدن دست بردار نیستند مگر اینکه آنها را ترسانم و برور کتک یا تعیر آرام سازیم و اگر اس حاصلت نمایان نگردد و كودك از ترس آمو رگار جرأت اینکار را نداشته باشد یاد گرفتن او منحصر به ابر کردن و بیاد سپردن میگردد و اینکار بمر جر از راه تزار صورت پذیر نیست و چون تکرار بدون تمایل حر نکمك « کیفر و پاداش » شدنی است اینست که با نارداشتن حاصلت « چرا گوئی » كودك و بجه حیوان را یکی گرفته ایم

تأثیری در آموزش ندارد ایسکارها صورت نگرفته است پس این سنخشن  
 حردمندانه بیست و اگر پیروان نظریه «هیكل بینی» در نظر نگردند که کودكان  
 دستبهای کنونی در ماهها و سالهای اول آموزش کلمات را بی رمی شناسند  
 بلکه صفحه های کتاب را از بر میگردانند یعنی بجای هیكل کلمه همتت صفحه را  
 بیاد میسپارند ناچار پذیرفتن این نکته خواهد بود که اگر مفردات کلمه  
 یعنی حروف باعتبار «کلمه بیسی» تأثیری در چگونگی آموزش ندارد پس  
 باعتبار «صفحه بینی» بایستی مفردات صفحه یعنی کلمه ها بر تأثیری در آموزش  
 داشته باشند و چون این تسخه پوچ و بی معنی است پس از چگونگی «هیكل بینی»  
 نمیتوان هیچگونه داوری در باره روش آموزش کرد و علت اصلی اس کیفیت  
 همان نارداشتن استعدادهای طبیعی کودک یعنی خاصیت «سنخشن و گرنش»  
 و «چرا گوئی» و منحصر کردن توانایی معنوی کودک بحافظه حیوانیست  
 که بکمك «اسوسیاسون» یعنی فرا آمدن مشابهات صورت گرفته است

مهرور در صفحه ۲۴ میگوید «علت عبرطبیعی بودن خطهای جهان»  
 املائی غیر منطقی کلمات و بی اطلاعی از استعدادهای بهفته کودک مقدمات  
 ضروری فرهنگ ناندازه ای مشکل و دور از دوق و فهم است که تعلم آنها  
 بدون کيفر و پاداش میسر نمیشود» از این گفتار بیرون میآید که لزوم کيفر  
 و پاداش در آموزش و پرورش کودک بیش از هر چیز نتیجه غیر طبیعی بودن  
 خطهای جهان میباشد و اگر خطی طبیعی پیدا شود خط آموری که پیش درآمد  
 داش آموری و فرهنگ است بدون کيفر و پاداش بی ممکن میگردد

مراد از خط طبیعی خطی است که یادگرفتن مشخصات آن بکمك  
 استعدادهای طبیعی کودک صورت پذیرد و باین روش آموزش آن منحصر  
 به تکرار یعنی تکرار بردن حافظه حیوانی باشد و چون چنانکه پیش از این  
 گفتیم وجه تمیز کودک و بچه حیوان همان دو خاصیت اصلی «چرا گوئی»  
 و «سنخشن و گرنش» است پس خط طبیعی بایستی پیش از هر چیز بکمك  
 این دو خاصیت آموخته شود برای نشان دادن اینکه روش آموزش

اکسون که پی بردیم که کودك با بچه حیوان هم‌اند بیست و باعتماد حاصلیت های «چرا گوئی» و «سنحش و گریش» که کم یابیش اریکسالگی در او نمایان میشوند تفاوت کمی و اساسی با بچه حیوان دارد میتوانیم در باره روشهای گوناگون آموزش کودك داوری کنیم و روش سودمند را از روش رباں آور بار شناسیم

نگفته نماد که مراد ارسودمند و رباں آوزکمی و ربادی بهره مادی که در تسخه آن روش بدست میابد بیست بلکه آن روش سودمند است که ضمن اجاب پرورش طبعی کودك شناسائیهای او را افروبی دهد و روش رباں آور است که استعداد های طبعی کودك را از پرورش و نمود بار دارد

چنانکه دیده میشود پایه قضاوت مافط روی تمدی و کندی پیشرفت و یا کمی وربادی آموخته های کودك گذاشته شده است بلکه داوری درباره چگونگی روش پرورش کودك اساساً روی پایه افرایش و کاهش احتمال تکامل معدی یعنی نمایان شدن استعداد کودك در دورانی آینده رندگانی قرار دارد

بوشه اند که کودكان و سالمندان نوآمور در مفردات کلمه هائیکه در کتاب نوشته شده دقت نمکند و از روی «هکل» کلمات آنها را شناسند ولی دقت کرده اند که از این چگونگی نمیتوان بیرون آورد که مثلاً مفردات کلمه یعنی حروف تأثیری در آموزش کودك ندارد باین معنی که چون کیفیت «هکل سنی» انگخته يك رشته علتها میباشد و چون سنحش رابطه يك معلول با بکیرشته علت سته سنحش تک تک علتهای آن رشته و همچنین در رسی چگونگی همراهی این علتها بصورت این رشته مخصوص و تشخیص اینکه آیا این همراهی الترامی یا اتفاقی است سته سنحش عوامل مؤثر و متأثر این مجموعه علت و معلولی است و در داوری بالا که مفردات کلمه



صورت ویژه ای یگانه شود یعنی احكام آن کار را نامود خاصیت‌های اصلی کودک بستگی دهیم باعتبار اینکه نمود خاصیت‌های طبیعی شادی آور است و شادی زمینه عمومی همه کار های طبیعی زندگی است شدت توجه کم و بیش برابر با پیروی زندگی در زمان توجه خواهد بود و این ممتد های شدت ممکن توجه کودک است یعنی توجه هدایت شده مناسب ترین صورت توجه برای یادگیری کودک میباشد

سواى توجه، کار یادگیری بعوامل دیگری بستگی دارد که بر حى ار آنها مکابیکى و بر حى دیگر دوقى هستند

عوامل مکابیکى یادگیری که میتواند دروى یا بروى باشد در روانشناسى بر عنوان Mnemotechnik یعنی «صنعت یادآورى» گرد آمده اند اس عوامل یا مناسبات شرطى و واکنشى یا روابط عات و معلولى و باقصایای مشابه از نظر زمان و مکان میباشد این معنی که اگر چند کار یا چند چیز با یکدیگر مناسبات شرطى و واکنشى داشته باشند و با اینکه کار یا چیزی علت کار یا چیز دیگر باشد و یا اینکه رهیمة رمانى یا مکانى يك کار یا يك چیز هماسد یا مشابه رهیمة رمانى یا مکانى چیز یا کار دیگر باشد یاد گرفتن یکی از آنها نكتمك دیگری آسانتر خواهد بود و همچنین با یاد آوردن یای از آنها دیگری بیر بیاد میابد ارف نه فرحرا د رفتن، پنه دانه در حواب دیدن شتر کرسه، کم حافظه بودن مردم در وعگو و مانسد ایسها که رنارد مردم میباشد نشانه بستگی کار یاد آوری بعوامل نامبرده در بالا هستند

زمیة مشترك عوامل ذوقى شادی و حشودى و با عم و ربح است و چون این دو دسته کیفیت رهیمة زندگی دروى میباشد اینست که عوامل دوقى پیروى با واسطه این رهیمة دروى در چگونگی یاد آوری و با یادگیری تأثیر میکنند حوش آمد آهنگهائی که در مواقع شادی و حوشى بواخته شده اند، قلف و دیبال گفتن جلال الدین بلحى بحای قفل و دیوار، بیاد

با «كودك دبره» بر پایه نكار انداختن این دو خاصیت گذاشته شده کافیهست که چگونگی «یادگیری» را تجربه کنیم



یاد گرفتن و بیاد آوردن بسته به برخی مقتضیات بیرونی و درونی است مهمترین عامل درونی که میتوان آنرا نخستین شرط یادگیری دانست همان «توجه» است توجه سه گونه است توجه آزاد، توجه ناچار و توجه هدایت شده

توجه آزاد همان اراده یعنی خواهندگی دانسته است و تا اراده واحد معینی تکامل نیافته باشد فرد نمیتواند با آسانی توجه خود را آزادانه سوی کار یا چیزی بر گرداند و چون اراده كودك دارای شدت کافی برای توجه آزاد نیست و بحث ما درباره روش آموزش كودك است ایست که پایه داوری را روی این گونه توجه بسازیم

توجه ناچار انگیزه تأثرات بیرونی است با این معنی که اگر شورهای گوناگون که همان نمودهای گوناگون خواهندگی هستند از تأثیر بیرون نار داشته شوید و امکان نمود خواهندگی تنها بیک صورت منحصر شود در این صورت خواهندگی در سوی کار و با عاملی که انجام یا دسترسی به آن بدون مانع میباشد متوجه میگردد و چون صورتهای دیگر خواهندگی یعنی شورهای گوناگون که نار داشته شده اند در کار تأثیر پنهان میمانند و اینگونه تأثیر نامعنا محدود بودن خواهندگی هر فرد موجب کاهش شدت خواهندگی متوجه سوی کار و با عامل مخصوص میگردد و چون یادگیری بستگی مستقیم شدت خواهندگی دارد و هر چه توجه شدیدتر باشد کار یادگیری آسانتر خواهد بود پس «توجه ناچار» برای یادگیری مناسب نیست

میانماد توجه هدایت شده این قسم توجه که کم و بیش بیفکته میماند است نتیجه هدایت خواهندگیها یعنی آسان کردن شرایط تعادل شورهای گوناگون بصورت مخصوص و معین میباشد باین معنی که اگر شرایط انجام کاری معین را طوری منظم کنیم که بیشتر شورهای كودك

حرکت‌ها را جاری برای آموزش میماند و چون اینکار بیهوده و کفر با پاداش ممکن نیست پس روش آموزشی که استعدادهای طبیعی کودک را نکار بیاندازد نتیجه دیگری حر تقویت حافظه حیوانی نخواهد داشت و چون این کار بیهوده برای تکامل آینده کودک ریان آواراست پس امگونه روشهای آموزش ریان آورده‌ستند اما در روش آموزش ناکودك دبره بیاری نکمر و پاداش و تکرار احماری نیست و خاصیتهای « چرا گوئی » و « سحش و گریش » کودك میدان گسترده‌ای برای نمایان شدن دارند و برای هرگونه « چرا » که کودك پرسد پاسخی طبیعی در دست آموزگار هست و با این ترتیب کودك صحن آموزش حروف کم کم تکامل معیوی مییابد و این تکامل کیفیتی طبیعی است پس چنانکه گفتیم کودك دبره حطی طبیعی و روش آموزش ما آن سودمند ترس روش آموزشی است که تاکنون شناخته شده است

مهرور نشان داده است که میان شکل حروف و حالت اندامهای دهان ( لب و دندان و زبان و حلق و بینی ) گاه تلفظ هر حرف رابطه‌ای هست و مثلاً گاه تلفظ حرف « ك » میان زبان به سق میچسبد پس اگر سق را با حطی راست و زبان را با حطی منحنی که میان آن به سق چسبیده نمائیم شکل طبیعی حرف « ك » را پیدا کرده ایم که  است و گذشته آن با صورت  درمآند همچنین دربارء حروف دیگر برای آموزش شکل حروف نکودك آموزگار نکمك « شاگردان » خود تك تك حروف را ترتیبی که مناسب‌تر و آسانتر است و در کودك دبره نشان داده شده در حضور او آموزران تشریح می‌کند و اگر ضمن این تشریح او آموزران یا برخی از آنها جلب شدند یعنی توجه آنها بسوی تقاید این صداها و سحش وضع دهان و اندامهای آن هدایت شد آنها را بیهوده تقلید شکل حروف و یا خواندن حروف نوشته شده تشویق نمیکنند و با این ترتیب کم کم کودكان حط طبیعی را آموخته و بعداً « گشته » آنها را بیهوده بخود میآمورند

آمدن حط از روی یار هنگام نماز و مانند اینها از اینگونه عوامل هستند\*  
 گفتم که یادگیری بسته توجه و برخی عوامل مکانیکی و ذوقی  
 میباشد و اشاره کردیم که از میان اقسام توجه توجه هدایت شده برای یادگیری  
 کودک مناسبتر است و چون کودک دارای خاصیت « چرا گوئی » و « سنخش  
 و گریش » است و موفقیت او در نمایاندن این خاصیتها یعنی بکار انداختن  
 استعداد های طبیعی همراه با شادی و حوش و دیست پس اگر کودکمی تواند  
 از میان همه صورتهای ممکن يك چیز با کار صورتی مخصوص را سنجیده  
 و برگزیند و در این کار تشویق شود یعنی آموزگار تصدیق کند که کودک  
 کار سنخش و گریش را درست انجام داده است نتیجه کار او گذشته از آموزش  
 فلان کار و یا یاد گرفتن فلان حرف با تکامل تدریجی او نیز مناسب خواهد  
 بود و برعکس اگر در نخستین روزهای آموزش عکس گریه را که روی حرف  
 « گ » کشیده شده ، کودک نشان دهد و بخواهد که او ، کمک این عکس  
 حرف « گ » را بشناسد چون میان شکل این حرف و گریه هیچ رابطه ای  
 در کار نیست و گورن و کوسمد و گاری و سیاری از کلمات دیگر نیز با این  
 حرف شروع میشوند ولی شکل آنها در روی این حرف دیده نمیشود پس  
 کودک میتواند باقتضای طبیعت « چرا گوئی » از خود یا آموزگار پرسد  
 که چرا این حرف مخصوص برای نوشتن نام گریه بکار رفته است و چون  
 هیچگونه پاسح قانع کننده ای نمیتوان داد پس خاصیت چرا گوئی او  
 با حرسند میماند و در نتیجه این با حرسندی توجه او منحرف میگردد  
 و خاصیت « سنخش و گریش » نیز که پس از خاصیت « چرا گوئی » بکار  
 میآید بیکار میماند و این بکاری نیز ربح آور است و از اینرو راه دیگری

---

\* همه این چگونگیها یعنی اقسام توجه و عوامل درونی و بیرونی مکانیکی  
 یادوقی را میتوان دقیقتر تجربه کرد ولی چون بحث ما در اینجا در حدود شناسائیهایی  
 روانشناسی است ایست که از تجربه دقیقتر و برگرداندن عوامل نامبرده به مهمومهای  
 کلی تر چشم میپوشیم

و چون تأثیر آن عبارت از بارداشتن شورهای شهوانی است و نمود این تمایلات مانع توجه کودک میباشند پس اگر بخواهیم بکودکی که ترشح عده‌های تناسلی او باعث ازار کار افتادن عده پارسائی افروبی یافته و در نتیجه تمایلات شهوانی دارد موضوعی را بیاموزیم چون آموختن این موضوع بسته توجه کودک میباشد و چون این توجه در سوی دیگر (مراتب شهوترانی) در کار است و توانائی توجه شریب محدود است پس هر چه شدت توجه در سوی شهوترانی افزوده شود از شدت توجه برای یادگیری کاسته خواهد شد و در نتیجه احتمال یادگیری بیز کاهش مییابد پس هر چه روش آموزش کودکان ساده‌تر باشد و در زمان کمتری به نتیجه برسد آن روش از نظر تکامل کودک مناسبتر خواهد بود به‌می‌اگر چند سال از زندگی کودک را برای حفظ آموری بکار بریم فرصت لازم برای آموختن داستمی‌های دیگر را از دست داده‌ایم و چون مقدمات ریاضی بیز از موضوعهائی هستند که یاد دادن آنها پس از دوران خاص کودکی (پس از ۹ و ۱۰ سالگی) بسیار دشوار و در برخی موارد بیز شدنی است و این آموزش بیز زمان و فرصت می‌خواهد پس دراز کردن زمان لازم برای حفظ آموری برای آموزش داستمی‌های دیگر بیز آور است و چون کودک دیره دارای این امتیاز بیز هست که آموختن آن در دوران کوتاهی صورت می‌گیرد پس از این لحاظ بیز این روش سودمندترین روش آموزشی است که تا کنون شناخته شده است

چنانکه دیده میشود در این روش هیچگونه اجبار و یا کیهروباداش  
 ضروری نیست زیرا چنانکه بهرور آرایش کرده کودک دارای حس صداشناسی  
 قابل ملاحظه است و «اولین استعدادی که در کودک رشد و نمو میکند استعداد  
 تقلید صدا است» (ص ۲۸) و چون بکار افتادن هر گونه استعداد  
 شادی بخش است پس تمام صدای آموزگار و یا «شاگردان» او بر برای  
 کودک شادی آور خواهد بود و باعتبار همین کیفیت توجه او آسانی سوی  
 شکل حروف هدایت میشود و چون شکل حروف با حالت دهان گناه تلفظ  
 آنها رابطه طبیعی دارد و همین بستگی پاسخ کافی برای همه «چرا» های  
 کودک میباشد و در نتیجه حرسدی این خاصیت که همراه با بکار افتادن  
 خاصیت «سجش و گریزش» است همه خواهندگی بصورت توجه باین  
 چگونگی هدایت میشود و اسکار همراه با شدت ناقتن توجه است و کار یادگیری  
 چنانکه گفتم بستگی مستقیم با شدت توجه دارد پس هر باز که کودک تمیل  
 خود وارد کلاس شود آسانی چمد حرف را میآورد و چون تکمک حرفهای  
 آموخته شده کلمات ساده ای ترتیب داده شده اند اینست که بروی همه حروف  
 حظ طبیعی با سرعت شگفت آوری آموخته میشود

نکته دیگری که یاد آوری آن بربسیار سودمند است اینست که چون  
 دوران آموزش پدیری بشر محدود است ناچار باید برای رساندن کودک پبله های  
 برتر تکامل رنگانی یعنی ایجاد زمینه های یادگیری تکمک توجه آراد بهترین  
 زمان مناسب برای یادگیری با توجه هدایت شده یعنی دوران کودکی را  
 بطور کامل مورد استفاده قرار داد یعنی تمامی آنچه را که کودک نایستی  
 بیامورد تا اینکه توانائی آموزش آراد یعنی فرا گرفتن داستنی های تازه را  
 پیدا کند در همان «بهترین دوران کودکی» با یاد داد این بهترین دوران  
 که معمولاً از يك تا نه سالگی است سته بوضع تعادلی کار عده های دروبی  
 است باین معنی که بکسی از عده های دروبی معز که بنام عده پارسائی  
 Epiphyse خوانده میشود پس از نه ناده سالگی آهکی شده از کار میافتند